

مجله بین الملل

▲ پرواز کبوترها در آشیانه بازها
اجرای برجام از سوی آمریکا قطعی شد

خط و نشان اسپار تها برای خانم صدراعظم

گفتگو با «دانیل سرور» مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا

کبوترهای سیاه بلای جان اواما

گفتگو با «شیخ نعیم قاسم» معاون دبیر کل حزب الله لبنان

فهرست مطالب

ایران در جهان

۴



- ۶ گفتگو با «وئام وهاب» وزیر پیشین دولت لبنان
- ۷ گفتگو با «طلال ارسلان» رئیس حزب دموکرات لبنان
- ۹ گفتگو با «دانیل سرور» مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا
- ۱۲ گفتگو با «ابرت جرویس» رئیس پیشین انجمن علوم سیاسی آمریکا
- ۱۴ گفتگو با «ولی هاینونن» معاون پیشین آژانس بین المللی انرژی اتمی

خاورمیانه و شمال آفریقا

۱۷



- ۱۸ گفتگو با «شیخ نعیم قاسم» معاون دبیر کل حزب الله لبنان
- ۱۹ اردن طعمه جدید داعش
- ۲۸ عراق در مسیر اصلاحات
- ۳۱ نفرینهای بی فایده کروی بر قبر سعود الفیصل
- ۳۲ گفتگو با «ویلیام روو» سفیر اسبق آمریکا در یمن

اروپا

۳۴



- ۳۵ خط و نشان اسپارتهها برای خانم صدراعظم
- ۳۶ کودتای بیوتوریسم
- ۳۷ چرایی تغییر تاکتیک ترکیه در قبال داعش و پ ک ک
- گفتگو با «کریم پاکزاد» عضو بنیاد مطالعات بین المللی و استراتژیک فرانسه
- ۳۸ گفتگو با «علی ازگوندوز» نماینده پارلمان ترکیه
- ۴۴

آسیا

۵۱



- ۵۲ ۲۰۱۵ قدرت سایبری چین است
- ۵۳ گفتگو با «ویرینگ جوریت» سفیر اندونزی در ایران
- ۵۵ گفتگو با «سید حسین بلخی» وزیر امور مهاجرین افغانستان
- ۵۷ گفتگو با «غلام حسین ناصر» نماینده پارلمان افغانستان

آمریکا

۵۸



- ۶۰ گفتگو با «توماس لیپمن» کارشناس موسسه خاورمیانه
- ۶۱ گفتگو با «فادر انتصار» استاد دانشگاه آلابامای جنوبی آمریکا
- ۶۲ کیبوتهای سیاه بالای جان اوپاما
- ۶۳ گفتگو با «ویلیام روو» سفیر سابق آمریکا در سوریه



شناسنامه مجله

- مدیر مسئول: علی عسگری
- شورای سردبیری: سید امیرحسن دهقانی، محمد قادری، حنیف غفاری، جواد حیران نیا
- دبیر تحریریه: جواد حیران نیا
- همکاران این شماره: مهدی پورحسینی، امید شمیمزی، محمد مظهری
- مدیر هنری: محبوبه عزیزی
- شماره تماس: ۸۸۰۹۵۰۰
پست الکترونیک: world@mehrnews.com
- آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸
- علاقتمندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.



- توافق هسته‌ای ایران؛ از نرمش قهرمانانه تا سوءبرداشت مغرضانه
- گفتگو با وزیر سابق دولت لبنان
- توافق هسته‌ای عبارت «اجازه به ایران» را به «حق ایران» تغییر داد
- استقلال سیاسی ایران امکان روابط متوازن با شرق و غرب را می‌دهد

ایران در جهان

دبیران: پیمان یزدانی
فریدون ناعمی

توافق هسته‌ای ایران؛ از نرمش قهرمانانه تا سوء برداشت مغرضانه



کسی داده نخواهد شد. قابلیت های دفاعی و حریم امنیت کشور به فضل الهی حفظ خواهد شد. جمهوری اسلامی در زمینه حفظ قابلیت های دفاعی و امنیتی خود هرگز تسلیم زیاده خواهی دشمن نمی شود.

مقام معظم رهبری در ادامه افزودند: چه این متن تصویب شود و چه تصویب نشود، ما از حمایت دوستانمان در منطقه دست نخواهیم کشید، از ملت مظلوم فلسطین، از ملت مظلوم یمن، از ملت و دولت سوریه، از ملت و دولت عراق، از مردم مظلوم بحرین و مجاهدان صادق مقاومت در لبنان و فلسطین همواره مورد حمایت ما خواهند بود.

در همین رابطه «سید حسن نصرالله» دبیر کل حزب الله لبنان، روز شنبه سوم مردادماه تاکید کرده که ایران پس از توافق هسته‌ای با شش قدرت جهانی همچنان از همپیمانان خود در منطقه حمایت خواهد کرد.

نصرالله در سخنرانی خود از کسانی که معتقد بودند ایران پس از توافق هسته‌ای به حمایت از حزب الله پایان خواهد داد، انتقاد کرد و گفت: رابطه ایران با همپیمانان خود مبنای ایدئولوژیک دارد و چنین رابطه‌ای بر منافع سیاسی مقدم است.

بر این اساس باید در نظر داشت که اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصولی تغییرناپذیر هستند و تغییر دولتها باعث تحول در اصول نمی شود. اساساً اصول سیاست خارجی هر کشوری تغییر ناپذیر است و تغییرات معمولاً در عرصه تاکتیکی رخ می دهد. در واقع وقتی در سیاست خارجی بحث از «تغییر» و «تداوم» می شود ناظر به تغییر در تاکتیکیها و تداوم در اصول است.

تلاش و اشنگتن برای جلب نظر ایران برای حضور در ائتلاف ضد داعش خبر داده است.

تفسیر مغرضانه

نباید این نکته را فراموش کرد که نیاز کشورهای غربی برای همکاری با ایران با توجه به شرایط منطقه ای بیش از تهران است اما با وجود این حقیقت، برخی تحلیلگران اینطور تفسیر می کنند که ایران برای همکاری با غرب اصول سیاست خارجی خود را تغییر می دهد.

در حقیقت هدف این افراد از ارائه این تحلیل آن است که به نوعی یاس و ناامیدی را به محور مقاومت القا کرده و با بزرگنمایی همکاری های ایران و غرب اینطور وانمود کنند که تهران در ازای این همکاری ها دوستان قدیم خود را فراموش کرده تا از این طریق بتوانند به آرزوی چندین ساله خود یعنی ایجاد شکاف در محور مقاومت دست پیدا کنند. این وضعیت در حالی است که رهبر معظم انقلاب پس از حصول توافق هسته‌ای، در روز عید سعید فطر تاکید کردند که سیاست ایران در مقابل دولت مستکبر آمریکا هیچ تغییری نخواهد کرد و همان طور که بارها تکرار کردیم ما با آمریکا در مورد مسائل گوناگون مذاکره نداریم.

ایشان درباره توافق هسته‌ای اخیر میان ایران و کشورهای ۵+۱ نیز تصریح کردند: چه این متن تصویب شود و چه نشود، به حول و قوه الهی اجازه هیچ گونه سوء استفاده ای از آن داده نخواهد شد. اجازه دشده در اصول اساسی نظام اسلامی به

را طی کنند. از نرمش قهرمانه می توان به عنوان تغییر تاکتیک در دفاع از ارزش ها نیز تعبیر کرد. به این معنا که کشوری با نرمش در موضوعی خاص در دیگر موضوعات موجود می تواند امتیازهای خاصی از طرف مقابل خود بگیرد.

اصول تغییر ناپذیر

پس از حصول توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای ۵+۱ برخی از تحلیلگران این توافق را به عنوان آغازی برای نزدیکی بیشتر ایران و کشورهای غربی بویژه آمریکا توصیف کرده و عنوان داشتند که به موجب این توافق همکاری های تهران و واشنگتن بویژه در مسائل منطقه ای افزایش خواهد یافت.

اینکه ایران یکی از قدرت های اصلی خاورمیانه بوده و چالش های موجود در منطقه در صورت کمک گرفتن از تهران با سرعت و اطمینان بیشتری حل و فصل می شوند شکی نیست و همین امر یکی از دلایل اصلی کشورهای غربی برای مذاکره با ایران برای حل موضوع هسته‌ای بود. کشورهای غربی اکنون در خاورمیانه و حتی بخش هایی از آسیا با مشکلاتی مواجه هستند که کمک ایران بدون شک می تواند آنها را از این مشکلات خلاص کند. یکی از مهمترین مشکلات حال حاضر در خاورمیانه که رفته رفته در حال تبدیل شدن به یک مشکل جهانی است داعش است و در همین رابطه «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا، در اظهارات اخیر خود بطور ضمنی از

توافق هسته‌ای ایران با وجود کش و قوس های فراوان به سرانجام رسید اما با این وجود تفسیرهای مرتبط آن ادامه دارد و در این میان برخی با اهدافی خاص در پی القاء برداشت های مورد نظر خود به دیگران هستند.

ایران پس از ۱۲ سال پافشاری بر حق مسلم خود و پیش گرفتن مسیر دیپلماسی توانست سرانجام حقانیت خود را به جهانیان ثابت کند.

این امر موجب شده تا تهران در روزهای اخیر شاهد رفت و آمد گسترده مقامات طراز اول غربی باشد و از همین رو برخی تلاش دارند تا حضور این افراد در تهران را به تغییر اصول اساسی سیاست خارجی ایران تفسیر کنند.

تغییر تاکتیک و نرمش قهرمانانه

بر اساس اصول حاکم بر دیپلماسی وقتی کشورها قصد حل موضعی که به نوعی تبدیل به مشکل میان دو یا چند کشور شده را دارند، طرفین دعوا برای رسیدن به توافق مجبور به نوعی نرمش در مقابل طرف مقابل خود هستند زیرا بر اساس فضای موجود در جهان و تغییرات ایجاد شده در عرصه دیپلماسی دیگر نمی توان کشوری را در مذاکرات برنده و یا بازنده تمام عیار توصیف کرد.

از همین رو بود که رهبر معظم انقلاب در زمان اوج مذاکرات با تحلیل صحیح وضعیت موجود در جهان واژه «نرمش قهرمانانه» را وارد ادبیات سیاسی و دیپلماتیک ایران کردند و همین امر بایی شد تا مذاکره کنندگان ایرانی با بهره گرفتن از آن مسیر مذاکرات

اسرائیل و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس هر دو در حال تلاش برای تحقق تصویب نشدن توافقنامه وین در کنگره هستند اما این لابی ها با استقبال دولت آمریکا مواجه نشده و محکوم به شکست است. چرا که آمریکا پس از شکست و خروج از خاورمیانه برای تحقق ثبات در منطقه نیازمند مصالحه با کشورهای بزرگ خاورمیانه از جمله ایران است



گفتگو با وزیر سابق لبنان:

آمریکابه کمک ایران برای حل مسائل منطقه نیاز دارد/ عدم درک یک فتوا

تحقق ثبات در منطقه نیازمند مصالحه با کشورهای بزرگ خاورمیانه از جمله ایران است.

وهاب درخصوص امکان حل و فصل بحرانهای جاری در خاورمیانه در سایه توافق هسته ای ایران گفت: هم اکنون برای اظهار نظر در این خصوص زود است. چرا که توافق صورت گرفته تنها در زمینه هسته ای است. اما آمریکا در هر صورت مجبور است که با ایران در خصوص مسئله لبنان، فلسطین، سوریه، یمن و عراق سر میز مذاکره بنشینند. اما این امر زمان بر است و طی چند روز و چند هفته آتی صورت نخواهد گرفت.

اما آمریکا در هر صورت مجبور است که با ایران درخصوص مسئله لبنان، فلسطین، سوریه، یمن و عراق سر میز مذاکره بنشینند، اما این امر زمان بر است و طی چند روز و چند هفته آتی صورت نخواهد گرفت.

رئیس حزب التوحید لبنان در خصوص بحران یمن و جنگ ائتلاف ضد یمن به رهبری عربستان به این کشور گفت: عربستان طی چهار ماه گذشته که حمله به یمن را آغاز کرده است ۱۲۰ میلیارد دلار هزینه کرده ولی دستاورد خاصی را در این زمینه به دست نیاورده است. در حالی که اگر این هزینه را برای پیشرفت و رفع نیازهای ملت مظلوم یمن به کار می برد، عربستان ملت یمن را دوست خود می یافت.

وهاب در پایان تاکید کرد: ایران در دوره اخیر پیشرفت گسترده ای داشته است و بعید نیست که از لحاظ اقتصادی به زودی شبیه به چین شود. مردم ایران مردمی خلاق و توانا هستند و مردمی که توانستند ۳۰ سال در محاصره و تحریم پایداری کنند قطعا در دوران پساتحریم قدرتمندتر می شوند و ایران در آینده ای نزدیک کشوری بزرگتر از یک کشور منطقه ای خواهد بود.

کشورهایی است که بیشترین ناراضی را از توافق هسته ای ایران دارد. چرا که عربستان کشوری است که بر فتنه و اغواگری استوار است و در سایه حمایت ایران از جنبشهای مقاومت در جهان بدون در نظر گرفتن گرایشهای مذهبی و طایفه ای این امر طبیعی به نظر می رسد که این کشور از گسترش نفوذ ایران در منطقه که ثابت کرده است که برخلاف عقاید غرب، اسلام قادر به پیشرفت و توسعه است، هراس دارد و برای جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در منطقه به انجام تحریکات و فتنه های طایفه ای و مذهبی روی آورده است.

وهاب در پاسخ به سوالی درخصوص مداخله و لابی گیری رژیم اسرائیل در کنگره آمریکا برای تصویب نکردن توافقنامه وی تصریح کرد: «باراک اوباما» رئیس جمهوری آمریکا پیشتر به این تهدیدات پاسخ داده و اعلام کرده است که به عنوان رئیس جمهوری رای منفی کنگره را وتو خواهد کرد.

وی اعلام کرد که معتقد است اسرائیل و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس هر دو در حال تلاش برای تحقق تصویب نشدن توافقنامه وین در کنگره هستند اما این لابی ها با استقبال دولت آمریکا مواجه نشده و محکوم به شکست است. چرا که آمریکا پس از شکست و خروج از خاورمیانه برای

می کند، چرا که غرب به خوبی می داند ایرانی که در محاصره و تحریم نباشد توانایی نقش آفرینی گسترده ای را در سطح جهانی دارد، و این پیشروی تنها در عرصه سیاسی و نظامی نیست بلکه در زمینه های اقتصادی و تجاری نیز هست، چنانکه ایران تحریم شده امروز به پنج کشور برق می فروشد و احتیاجات حدود ۸۰ میلیون شهروند

رهبر انقلاب در فتوایی تولید و در اختیار داشتن تسلیحات هسته ای را از لحاظ شرعی حرام اعلام کرد اما برخی حقیقت این مسئله را درک نمی کنند

ایرانی را مرتفع می کند، با این حساب ایران محاصره شده که چنین است، باید دید که ایران در حالت غیر تحریم و محاصره چگونه باید باشد و این دقیقا همان چیزی است که رژیم صهیونیستی، آمریکا و همپیمانان آنها در جهان عرب از آن واهمه دارند، همان کسانی که نه خودشان کاری انجام می دهند و نه اجازه می دهند کسی کاری انجام دهد.

وی در ادامه گفت: عربستان یکی از

رئیس حزب التوحید لبنان با بیان اینکه غرب و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از نفوذ ایران در دوران پس از تحریم هراس دارند، گفت: غرب در ممانعت از دستیابی ایران به آرمانهای خود شکست خورده است.

«وهاب» وزیر پیشین لبنانی و رئیس حزب التوحید لبنان گفت: این ادعا که ایران از برنامه های خود در زمینه هسته ای عقب نشینی کرده است یک نظریه شکست خورده است که برای گول زدن خود راوی این ادعاها مطرح می شود چرا که هر کس که جمهوری اسلامی ایران و آیت الله خامنه ای رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی را بشناسد می داند که ایران از ابتدا هم به دنبال دستیابی به تسلیحات هسته ای نبوده و نیست.

چنانکه رهبر انقلاب نیز در فتوایی تولید و در اختیار داشتن تسلیحات هسته ای را از لحاظ شرعی حرام اعلام کرد اما برخی حقیقت این مسئله را درک نمی کنند.

وهاب افزود: اما ما در واقع این حقیقت را درک می کنیم و روی جمهوری اسلامی ایران شناخت داریم و می دانیم که ایران از ابتدا به دنبال دستیابی به تسلیحات هسته ای نبوده است و می دانیم که غرب از مسئله بمب هسته ای به عنوان دروغی برای جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه و پیشروی ایران در برنامه هایش استفاده

وی ادامه داد: دروزی ها در سوریه جزئی جدایی ناپذیر از بافت ملی - اجتماعی سوریه در مقابله با گروه های تکفیری و تروریستی هستند؛ تروریست هایی که وحدت سوریه را هدف قرار دادند و حتی تهدیدی بزرگ برای صلح جهانی به شمار می روند.

امیر طلال ارسالان تصریح کرد: امروز، دروزی ها در سوریه تحت رهبری بشار اسد در حال مبارزه با گروه های تکفیری هستند. رئیس حزب دموکرات لبنان با انتقاد از استفاده از عبارت «وقوع انقلاب» در سوریه یادآور شد: در حالی که از یک سو ترکیه به صورت علنی مرزهای خود را برای ورود تکفیریها و تسلیحات نظامی از سراسر جهان به سوریه بازگذاشته و از سوی دیگر اسرائیل اقدام به معالجه تکفیریهای مجروح در بیمارستان های سرزمین های اشغالی می کند، نمی توان از وقوع انقلاب در سوریه علیه بشار اسد سخن گفت.

وی تأکید کرد: به اعتقاد من هیچ نیرویی جز جمهوری اسلامی ایران و همپیمانان آن از جمله چین و روسیه و همچنین جنبش های مقاومت در عراق و سوریه و لبنان در مبارزه با داعش جدی نیست.

در رابطه با دخالت نظامی ترکیه در سوریه نیز رئیس حزب دموکرات لبنان اظهار داشت: اردوغان بدون پشتیبانی کشورهای غربی قادر به دخالت نظامی مستقیم در سوریه نیست، از همین رو وقوع چنین مسأله ای بعید به نظر می رسد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره



گفتگو با رئیس حزب دموکرات لبنان:

تفاهم با ایران به مصلحت کشورهای عربی است / باید کنار بشار اسد ایستاد

داند؛ در حالی که آنها بیش از غربی ها به وحدت برای مقابله با تهدیدات روزافزون اسرائیل علیه اعراب و مسلمانان نیاز دارند. وی خطاب به کشورهای عربی گفت: اعراب باید از توافقنامه هسته ای امضا شده میان ایران و غرب درس گرفته و بدانند که تفاهم با جمهوری اسلامی ایران به مصلحت آنها است؛ زیرا پیروزی ایران در تحقق چنین توافقی در واقع به منافع پیروزی همه ما در منطقه است.

رئیس حزب دموکرات لبنان با تأکید بر لزوم غنیمت شمردن فرصت های به وجود آمده پس از توافق هسته ای ایران، افزود: اگر ندانیم که چطور باید از این توافق حمایت کرد و آن را غنیمت بشماریم، با بسیاری از مواضع نادرست در قبال آن مواجه می شویم؛ مواضعی که موجب گسستگی وحدت اعراب و گسترش تهدیدات علیه آنها می شود.

وی در پاسخ به سؤالی درباره وضعیت ایران پس از توافق هسته ای، تصریح کرد: ایران در مسیر شکوفایی هر چه بیشتر قرار دارد و متقدم که بیانات آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) مبنی بر عدم اعتماد ایران به آمریکا پس از این توافق بسیار «حکیمانه» بود، زیرا ایشان از زمان برپایی نظام جمهوری اسلامی در ایران طی سالهای گذشته تجربه های بسیاری را از رفتارهای غربی ها آموخته اند.

رئیس حزب دموکرات لبنان در رابطه با سرنوشت دروزی های سوریه و لبنان به دنبال هجوم گسترده تکفیریها علیه آنان گفت: دروزی ها در لبنان و سوریه دارای روابط سرشار از دوستی و محبت با یکدیگر هستند و هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند.

نیز گفته بودم که تلاش برخی کشورهای عربی عدم تحقق موفقیت مذاکرات هسته ای ایران و ۵+۱ با شکست مواجه خواهد شد. طلال ارسالان افزود: توافق هسته ای ایران و غرب پس از پیمودن راهی سخت و دشوار محقق شد.

ارسالان در پاسخ به سؤالی درباره تصویب توافقنامه هسته ای ایران در کنگره آمریکا و خشم اسرائیل از این توافقنامه گفت: بزرگترین دلیل موفقیت ایران در این مذاکرات، موضع اسرائیل در قبال توافقنامه امضا شده بوده که حاکی از این است که تیم ایرانی امتیازات بسیاری را در این توافقنامه به دست آورده است.

در ارتباط با آمریکا نیز، امیر طلال ارسالان تصریح کرد: آمریکایی ها هیچ راهی جز پذیرش این توافقنامه ندارند، به ویژه اینکه بدون شک این قدرت ایران بود که موجب شد تا اوپاما مواضع خود در قبال ملت ایران و تمدن این کشور را به کلی تغییر داده و اعلام کند که در صورت رد توافقنامه توسط کنگره آن را وتو می کند.

وی با اشاره به خشم عربستان سعودی از توافقنامه هسته ای ایران و غرب، یادآور شد: بسیار جای تأسف و جود دارد که برخی کشورهای منطقه فاقد عقلانیت و دیدگاهی روشن و شفاف در برخورد با امور و مسائل منطقه ای هستند.

امیر ارسالان در همین ارتباط افزود: این سؤال به ذهن متبادر می شود که چرا غرب می تواند با ایران وارد مذاکره شود، اما کشورهای عربی و حوزه خلیج فارس مذاکره با تهران را برای خود ممنوع می

«امیر طلال ارسالان» با بیان اینکه کشورهای ۵+۱ مجبور به امضای توافقنامه هسته ای با ایران شدند، تصریح کرد: امروز غربی ها به این نتیجه رسیده اند که از اتخاذ هرگونه گزینه نظامی علیه تهران عاجز هستند.

«امیر طلال ارسالان» رئیس حزب دموکرات لبنان با بیان اینکه کشورهای غربی به ویژه آمریکا مجبور به توافق هسته ای با جمهوری اسلامی ایران بودند، تصریح کرد: این توافق پس از آن حاصل شد که این کشورها اطمینان پیدا کردند که از اتخاذ هرگونه گزینه نظامی علیه ایران عاجز بوده و هیچ راهی جز مذاکره و گفتگو با این کشور ندارند.

وی با اشاره به اینکه ایران با تحقق پیشرفت های چشمگیر خود علی رغم اعمال تحریم ها علیه آن از سالها پیش، اثبات کرده که قدرتی بزرگ در معادلات منطقه ای و جهانی است، تصریح کرد: امروز، ایران از یک کشور منطقه ای عادی به یک کشور منطقه ای بزرگ و دارای قدرت جهانی تبدیل شده و این قدرت را در عرصه جهانی به نمایش گذاشته است. رئیس حزب دموکرات لبنان ادامه داد: از همین رو، نیروهای ائتلاف جهانی به این نتیجه رسیدند که جز از طریق مذاکره و گفتگو با جمهوری اسلامی ایران قادر به حل هیچ پرونده ای در سطح آسیا و خاورمیانه نیستند.

وی با تأکید بر مواضع گذشته خود در خصوص پرونده هسته ای ایران و مذاکرات این کشور با گروه ۵+۱، اظهار داشت: پیشتر

ایران در مسیر شکوفایی هر چه بیشتر قرار دارد و متقدم که بیانات آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) مبنی بر عدم اعتماد ایران به آمریکا پس از این توافق بسیار «حکیمانه» بود، زیرا ایشان از زمان برپایی نظام جمهوری اسلامی در ایران طی سالهای گذشته تجربه های بسیاری را از رفتارهای غربی ها آموخته اند

به مواضع جنابلاط در خصوص سرنوختی دولت بشار اسد، تصریح کرد: با جنابلاط در این زمینه بسیار اختلاف دارم، زیرا وی به خوبی می داند که بشار اسد مقاومت خواهد کرد و باقی خواهد ماند. همه باید در مبارزه با تکفیریها در کنار اسد باشیم.

رئیس حزب دموکرات لبنان در پایان با اشاره به تحولات داخلی لبنان گفت: جریان المستقبل، تحولات داخلی کشور را به اتفاقات منطقه ای گره می زند و تا زمانی که این دو مسأله با هم گره بخورند، نمی توان توقع هیچگونه وقوع تحولی را در کشور داشته باشیم، زیرا موضوع خلاء ریاست جمهوری موضوعی نیست که بتوان با حساب باز کردن بر روی تحولات منطقه ای آن را حل کرد.

گفتگو با تحلیلگر لبنانی:

توافق هسته‌ای عبارت «اجازه به ایران» را به «حق ایران» تغییر داد



«سالم زهران» با بیان اینکه قضاوت درباره جدیت توافقنامه هسته‌ای ایران و غرب زود است، تصریح کرد: تیم هسته‌ای ایران توانست مفهوم «به ایران اجازه داده می‌شود» را به مفهوم «ایران حق دارد» تبدیل کند.

«سالم زهران» تحلیلگر سیاسی و رسانه‌ای لبنانی با اشاره به توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای گروه ۵+۱ گفت: برای قضاوت درباره جدیت توافقنامه امضا شده میان دو طرف باید کمی صبر کنیم، زیرا همانگونه که مقامات ایرانی و حتی آمریکایی گفته‌اند اجرای این توافق هنوز آغاز نشده است.

وی با بیان اینکه مذاکره کنندگان ایرانی در جریان مذاکرات به نوع الفاظ و عبارتهایی که به کار برده می‌شد، توجه ویژه‌ای داشتند، اظهار داشت: تیم ایرانی توانست مفهوم «به ایران اجازه داده می‌شود» را به مفهوم «ایران حق دارد» تبدیل کند؛ دو عبارتی که تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند.

این تحلیلگر سیاسی و رسانه‌ای لبنان در ارزیابی نتیجه توافق هسته‌ای گفت: مکتوب شدن توافق هسته‌ای به نفع ملت ایران و جمهوری اسلامی ایران بوده و اجرای آن به میزان جدیت جامعه جهانی بستگی دارد.

سالم زهران همچنین ضمن موفق ارزیابی کردن ایران در جریان این مذاکرات، تصریح کرد: مخالفتهای

گسترده اسرائیل و عربستان سعودی بهترین گواه بر موفقیت ایران در این مذاکرات است.

وی در همین ارتباط افزود: هرگاه دیدید که دشمنان خشمگین و ناراحت است، باید خوشحال باشید.

زهران با بیان اینکه توافق هسته‌ای ایران و غرب حاوی نقاط مثبت بسیاری در زمینه اقتصادی است، گفت: ایران یک کشور صنعتی است و این توافق موجب می‌شود تا به یک کشور صنعتی صادرکننده تبدیل شود.

وی در بخش دیگری از سخنان خود تصریح کرد: ایالات متحده آمریکا، سعودیها را تحت فشار شدید قرار داده و اقدام به غارت ثروت آنها می‌کند؛ واشنگتن خطاب به سعودیها می‌گوید که ایران دشمن اصلی شماست و ما از تبدیل شدن آن به یک قدرت هسته‌ای در منطقه ممانعت می‌کنیم.

این تحلیلگر لبنانی ادامه داد: عربستان سعودی امروز احساس می‌کند که فریب آمریکا را خورده است، اما در حال حاضر قادر نیست برای مقابله با این موضوع اقدامی صورت دهد.

وی در پاسخ به سؤالی درباره تصویب توافقنامه هسته‌ای در کنگره آمریکا اظهار داشت: بر اساس قوانین موجود در ایالات متحده آمریکا، حتی اگر کنگره این توافقنامه را رد کند رئیس‌جمهوری آمریکا قادر خواهد بود با

استفاده از اختیارات خود، آن را وتو کند. سالم زهران با بیان اینکه تأثیر لابی صهیونیستی در کنگره آمریکا بر هیچکس پوشیده نیست، تصریح کرد: این تأثیر اخیراً زمانی آشکار شد که تانیاها در کنگره آمریکا حاضر شد و اعضای کنگره بارها برای او دست زدند؛ این در حالی بود که اوپاما و حتی معاون وی در نشست کنگره حاضر نشدند.

این تحلیلگر سیاسی - رسانه‌ای در بیان علت تغییر چشمگیر مواضع اوپاما در قبال ایران و تمدن ایرانی، گفت: علت این امر به دیدگاهی غلط بازمی‌گردد؛ دیدگاهی که قائل است می‌توان با نفوذ به صفوف داخلی ایران، در میان جامعه ایرانی شکاف ایجاد کرد و آن را به دو قسمت تقسیم کند.

گفتگو: پیمان یزدانی

گفتگو با نماینده پارلمان ترکیه:

استقلال سیاسی ایران امکان روابط متوازن با شرق و غرب را می‌دهد

های بزرگ درباره نقش ایران و ترکیه برای آینده منطقه گفت: در این پروژه تمایلات قدرت‌های بزرگ این است که ایران و ترکیه را رو در روی هم قرار دهند و به عنوان رقیب منطقه‌ای در نظر گیرند. به اعتقاد من ایران و ترکیه منافعی دو جانبه بسیار قوی و مشترکی در ایجاد امنیت و ثبات منطقه دارند. اگر ایران و ترکیه با هم در منطقه همکاری کنند هم دو کشور سود خواهند برد و هم کل منطقه.

همچنین نماینده حزب جمهوری خلق درباره تصمیم دولت ترکیه برای آغاز حملات نظامی علیه گروه تروریستی داعش بعد از سال‌ها حمایت از این گروه گفت: داعش یک گروه سازمان‌تروریستی است و دولت ترکیه سرانجام بعد از انفجارهای شهر سورج که موجب کشته شدن بیش از ۳۰ نفر شد به این نتیجه رسید که این گروه تروریستی است.

وی در ادامه افزود: هر چند اقدام ترکیه علیه داعش یک اقدام دیرهنگام است اما انجام دیرهنگام کاری هم باز بهتر از این است که آن کار اصلاً انجام نشود.



شد درباره نقش احتمالی ایران و ترکیه در پر کردن این خلاء گفت: تغییر تمرکز سیاست آمریکا از خاورمیانه‌گزینه‌ای استراتژیک است که توسط باراک اوپاما رئیس‌جمهور این کشور انتخاب شده است. این امر موجب شده است تا برای قدرت‌های منطقه‌ای مسئولیت‌های بیشتر و نقش‌های برجسته‌تری در امور منطقه در نظر گرفته شود. وی در ادامه با اشاره به تمایل قدرت

اما با این تفاوت که ترکیه عضو بلوک جامعه اروپا و آتلانتیک است اما ایران به هیچ بلوک و گروه خاصی تعلق ندارد. به همین دلیل ایران می‌تواند روابط نزدیک و برابری با غرب و شرق برقرار کند.

همچنین لوغ اوغلو با اشاره به تغییر سیاست آمریکا و تغییر تمرکز سیاست آمریکا از خاورمیانه به آسیا که موجب خلاء قدرت در منطقه و توازن قوای جدید در منطقه خواهد

«فاروق لوغ اوغلو» با اشاره بر عدم وابستگی ایران به بلوک بندی‌های سیاسی نظام بین الملل گفت: استقلال سیاسی جمهوری اسلامی ایران امکان روابط متوازن با شرق و غرب را می‌دهد.

هفته گذشته مشاور سه رئیس‌جمهور پیشین ترکیه پروفیسور «ولکان ایدگیر» که مشاور انرژی عبدالله گل، احمد نجات سزر و تورگوت اوزال بوده است در مصاحبه‌ای با روزنامه تودی زمان چاپ ترکیه اظهار داشت که آمریکا با دستیابی به توافق هسته‌ای با ایران توانست مانع از اتحاد استراتژیک منطقه‌ای ایران، چین و روسیه شود.

در همین راستا دکتر «عثمان فاروق لوغ اوغلو» نماینده حزب جمهوری خلق در پارلمان ترکیه در پاسخ به این سؤال که با توجه به اینکه ایران با حمایت روسیه و چین قصد عضویت در سازمان همکاری شانگهای را دارد آیا می‌توان گفت که توافق هسته‌ای اخیر بین ایران و قدرت‌های جهانی نمی‌تواند به هزینه روابط ایران با شرق باشد، گفت: ایران هم مثل ترکیه دارای نقش محوری است

گفتگو با مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا:

طرح ایران برای صلح سوریه نیاز به زمان دارد



|| برخی کارشناسان معتقدند که دلیل اصلی حمله ارتش ترکیه به مواضع پ ک ک به دلیل شکستی بوده که حزب حاکم عدالت و توسعه در انتخابات متحمل شده و برخی دیگر معتقدند که این حملات بخاطر جلوگیری از قدرت گرفتن کردها انجام می شوند. نظر شما در این رابطه چیست؟ اقدام پ ک ک در پایان دادن به توافق آتش بس با ترکیه کار اشتباهی بود که با واکنش تند آنکارا مواجه شد. برخی فکر می کنند که این امر نتیجه اختلافی بوده که میان کردها (شاخه سیاسی و نظامی) بوجود آمده، اختلاف میان آنهاست که در انتخابات خوبی عمل کردند و رقیبان نظامی آنها، که البته فکر می کنم این مورد بی معنی باشد.

برخی در ایران در پی آن هستند که حمایت های تهران از بشار اسد، حزب الله لبنان، شیعیان عراق، حماس و حوثی ها را افزایش بدهند اما آمریکا و کشورهای اروپایی چنین چیزی را نمی پسندند!

شاید برای ترک ها بهتر باشد که مبارزه با کردها را آرام تر پیش ببرند. برخی فکر می کنند که اردوغان بدنبال کسب محبوبیت از دست رفته ای است که در زمان انتخابات از دست داده است. اما با این وجود پ ک ک یک گروه تروریستی است که به حاکمیت ترکیه حمله می کند. بنابراین نمی تواند انتظار داشته باشد که در داخل سوریه و یا عراق از جایگاهی امن بهره مند شود.

پیچیدگی امر در این است که موثرترین مبارزین سوری در نبرد علیه داعش کردهای مرتبط با پ ک ک بوده اند. اولویت آمریکا مبارزه با داعش است که یک تهدید بین المللی محسوب می شود در حالیکه اولویت ترکیه مبارزه با پ ک ک است که یک تهدید داخلی محسوب می شود

|| یک سال از تشکیل ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا می گذرد. شما عملکرد این ائتلاف را چطور ارزیابی می کنید؟ آیا این ائتلاف به اهداف خود رسیده است؟

ائتلاف ضد داعش به اهداف خود نرسیده است. ائتلاف ضد داعش باید یک استراتژی ویژه در مورد داعش داشته باشد و آن اینکه در مناطقی که از داعش پس گرفته می شوند چه گروه و یا شخصی باید حکمرانی کند بدون وجود چنین استراتژی من پیروزی خاصی را برای ائتلاف ضد داعش متصور نیستیم.

مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا با اشاره به تلاش های ایران و روسیه برای بازگرداندن صلح به سوریه، عنوان داشت که آمریکا و ترکیه در مورد کردهای سوری اختلاف نظر دارند و همین امر موجب پیچیدگی اوضاع شده است. ایران طرحی چهار مرحله ای را برای بازگرداندن صلح به سوریه در دست اجرا دارد و سفرهای «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران، به کشورهای منطقه با همین هدف انجام می شود. این طرح چهار ماده ای با همکاری روسیه در حال اجرا است اما وضعیت موجود در سوریه و اقدام ترکیه در حمله به عراق و سوریه موجب پیچیدگی اوضاع شده است از همین رو برای تشریح بهتر اوضاع با «پروفسور دانیل سرور» مشاور سابق وزارت امر و خارجه آمریکا به گفتگو نشستیم. پروفسور دانیل سرور از معروف ترین کارشناسان حاضر در مبحث مدیریت جنگ، و از کارشناسان ارشد موسسه روابط دو سوی آتلانتیک و از اساتید دانشگاه جان هاپکینز که سابقه فعالیت گسترده در مورد جنگ های عراق، افغانستان و بالکان را دارد و از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ به عنوان نماینده ویژه آمریکا در امر میانجیگری میان مسلمانان و کروات های یوگسلاوی فعالیت کرده است. متن این گفتگو به شرح زیر است.

|| با توجه به پیشقدم بودن ایران در این طرح صلح برخی کارشناسان معتقدند که بعد از توافق هسته ای ایران و کشورهای ۵+۱، کشورهای غربی بویژه آمریکا شروع به همکاری با ایران در مسائل منطقه ای همچون سوریه کرده اند و بدین ترتیب دوران جدیدی در خاورمیانه آغاز شده است. نظر شما در این رابطه چیست؟

|| در شرایطی که تلاش هایی برای بازگرداندن صلح به سوریه در جریان است ترکیه حملات خود به سوریه و شمال عراق را آغاز کرده است. انتخاب چنین رویکردی از سوی آنکارا به نفع روند صلح در خاورمیانه است یا به زیان آن؟

من شخصا امیدوارم که چنین اتفاقی بیافتد اما حقیقت اینگونه نیست. برخی در ایران در پی آن هستند که حمایت های تهران از بشار اسد، حزب الله لبنان، شیعیان عراق، حماس و حوثی ها را افزایش بدهند اما آمریکا و کشورهای اروپایی چنین چیزی را نمی پسندند از همین رو فشار زیادی بر روی دولت آمریکا وجود دارد تا این توافق را به هم بزند و حتی فشار بر ایران وارد می

|| همانطور که می دانید ایران و روسیه طرح جدیدی را برای بازگرداندن صلح به سوریه آغاز کرده اند، شما این تلاش جدید را چطور ارزیابی می کنید؟

در حال حاضر برای ارزیابی این تلاش زود است. طرح چهار ماده ای ایران برای بازگرداندن صلح به سوریه که مدتی است اعلام شده نیازمند صرف زمان و اطلاع بیشتر از جزئیات است تا بتوانیم آن را مورد ارزیابی قرار دهیم. سوال اصلی در این رابطه آن است که انتقال (انتقال از این دوران به دوران بعد) چگونه انجام خواهد شد. به نظر می رسد که اگر قرار باشد بعد از دوران انتقال همچنان بشار اسد در قدرت باشد در این صورت گروه های معارض سوری همچنان به جنگ ادامه می دهند.

در ایران در کمال احترام محاکمه می شود ولی من با زنجیر و با لباس زندانی و با توهین بر دادگاه می رفتم اما هیچ اعتراضی از سوی دولت ما به این رفتارهای خلاف حقوق بشری به آنها نشد.

در ادامه این بحث، یوسف پیرزاده نیز گفت: وزارت خارجه چگونه که باید حمایت نکرده است. نکته آنجاست که اگر ما مرتکب جرم شده بودیم (که در آن صورت نیز باید متناسب با جرم مجازات می شدیم نه بیشتر) شاید این رفتار دولت توجیه داشت، ولی الان که پرونده ما پاک است چرا دولت حاضر به پیگیری برای اعاده حیثیت گرفتن غرامت نیست. این در حالی است که بلافاصله پس از دستگیری یک آمریکایی و بازداشت او در ایران، این می شود مسئله دنیا و همه جا در مورد آن صحبت می شود. ما برای اینکه در تحریم خط شکنی کنیم هم موقعیت خود را از دست داده ایم و هم پولمان را.

در ادامه این نشست مجید کاکاوند نیز به تشریح وضعیت خود پرداخت و گفت: سال ۸۸ در فرانسه به جرم قاچاق تسلیحات و پولشویی و کمک به تأسیسات هسته ای و نظامی دستگیر شدم. من در حال تور توریستی با خانواده بودم که به دستور آمریکاییها بازداشت شدم و پس از ۱۴ ماه نتوانستند ثابت کنند و فرانسه مرا مسترد نکرد چون مستندات آمریکاییها نتوانست مجرم بودن من را ثابت کند. این اتفاق باعث شد تا من تبرئه شوم.

وی افزود: بعد از بازگشت به ایران در شورای عالی ایرانیان تشکیل پرونده دادیم. صحبت ما این بود که آمریکا به ما اطاعت روحی، روانی، مالی و... زده است. چیزی حدود ۲ میلیون دلار هزینه شخصی، بسته شدن حسابهایم و اینکه در حال حاضر نیز امکان کار کردن ندارم، از جمله این موارد است اما هیچ اتفاقی در این باره از سوی دولت رخ نداده است.



کاکاوند یادآور شد: در حال حاضر دولت با وجود این فشارها همچنان از من حمایت نمی کند. این در حالی است که به دولت گفته ام که پرونده من قابلیت پیگیری بین المللی دارد و می شود درخواست غرامت و اعاده حیثیت کرد. در همان دوران در فرانسه هم تا زمانی که خانم «کلوتیریس» در ایران دستگیر نشده بود خیلی از من



میز گرد حقوق ایرانیان خارج از کشور؛

دولت پیگیر حقوق اتباع خود نیست / پاسپورت ایرانی همچنان حرمت ندارد

تحریم ها اگرچه این سالها پیرامون هسته ای شکل گرفت ولی ملت ایستاد و از حقش دفاع کرد. البته در این رابطه افرادی هزینه دادند، هم آنهایی که شهید شدند و هم آنهایی که خط شکنی کرده و در غربت اسارت کشیدند. میز گرد «بررسی حقوق از دست رفته ایرانیان خارج از کشور در دوران تحریم» با حضور تنی چند از افرادی که حقوق آنها در دوره تحریم پایمال شده در خبرگزاری مهر برگزار شد.

کرده و مجموعاً ۴۵ سال زندان به حکم دادگاه ساتاگو و در زندان گوانتامو برای من تعیین شده بود. وی یادآور شد: این در حالی بود که من اساساً آمریکان نرفته بودم و کار من تأمین قطعات هواپیما برای نجات جان انسانها بود. ۲ سال در زندان بانکوک بازداشت بودم، وزارت خارجه البته کمک کرد که ما برگشتیم اما در این چند سال ما چون ممنوع الورد به تمام جهان هستیم از داخل هیچ گونه حمایتی نشدیدم.

قاسمی با اشاره به اینکه پرونده من هنوز در آمریکا مفتوح است و با وجود تبرئه در بانکوک برای من از سوی آمریکاییها جایزه تعیین شده است، ادامه داد: ما با تحمل این مشکلات تحریم ها را برای کمک به ملت و دولت دور زدیم و کشور روی پای خود ایستاد تا غرب مجبور شد پای میز مذاکره بنشیند. حال این برای من سوال مهمی است که با وجود اینکه آمریکا باید غرامت مرا بدهد چرا معاونت حقوقی ریاست جمهوری اساساً این موضوع را پیگیری نمی کند.

قاسمی با بیان اینکه تقاضای ما اعاده حقوق اجتماعی و پیگیری حقوق از دست رفته مان در خارج از کشور است، گفت: ۵ میلیون دلار دولت آمریکا در خصوص پرونده بنده محکوم شده ولی دولت ما پیگیری نمی کند تا این پول را بگیرد. وی افزود: در حالی که محکومین خارجی

۱۰ سال است که پیگیر موضوع حقوق از دست رفته خود هستم ولی متأسفانه هیچ حمایتی در این باره از ما نشده است، تصریح کرد: این بی مهری ها به حدی است که ده ها نامه برای یک موضوع زده می شود ولی نتیجه ای گرفته نمی شود. وزارت خارجه، شورای عالی ایرانیان خارج از کشور، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، کمیسیون امنیت ملی مجلس و... در این زمینه باید احقاق حق کنند.

پیرزاده با بیان اینکه طی دو سال گذشته با وجود ده ها بار درخواست، حتی یک بار هم نتوانسته با خانم امین زاده ملاقات کند، گفت: طبق قانون اساسی آیا دفاع از حقوق و ناموس مردم به عهده دولت نیست! تحریم هم از آنجا که یک جنگ خاموش و مبارزه بوده آیا خط شکنان آن نباید مشمول حمایت ویژه قرار بگیرند؟ در واقع این موضوع بیشتر به عدم همراهی دولت بر می گردد. کسانی که در دوران تحریم به دولت برای دور زدن تحریم ها کمک کردند با ریسک بالا اقدام به این کار کردند.

در ادامه این نشست جمشید قاسمی یکی دیگر از افرادی که حقوقش در دوره تحریم ضایع شده است گفت: در سال ۸۵ توسط سازمان سیا و FBI و مدارکی که توسط انگلیس داده شده بود به محض ورود به فرودگاه تایلند بازداشت شدم. جرم من را خروج غیر قانونی تسلیحات از آمریکا، انتقال غیر قانونی پول و پولشویی عنوان

یوسف پیرزاده یکی از ایرانیانی که در دوره تحریم حقوقش در کشور آلمان پایمال شده با اشاره به اینکه هنوز هم اهتمام جدی برای احقاق حقوق پایمال شده افراد در دوران تحریم و کسانی که خط شکن دور زدن تحریم ها بودند از سوی نهادهای ذربط و مسئول وجود ندارد گفت: اول باید توجه داشت که چرا ما برای یک حق اولیه مسلم شهروندی باید میزگرد بگذاریم و پیگیری کنیم. در این دوران انتظار می رود که این مشکل مرتفع شود.

وی افزود: مسئله تحریم ها اگرچه در این ۱۲ سال پیرامون هسته ای شکل گرفت ولی ملت ما ایستاد و از حقمش دفاع کرد. البته در این رابطه افرادی هزینه دادند، هم آنهایی که شهید شدند و هم آنهایی که خط شکنی کردند و در غربت اسارت کشیدند.

پیرزاده ادامه داد: نکته مهم این که در این باره علاوه بر ظلمی که از سوی بیگانگان بر ما رفت، مراجع ذیصلاح داخلی هم متأسفانه عملکرد خوبی نداشته اند و آنگونه که باید از حقوق اتباع ایرانی در برابر ظلم بیگانگان دفاعی صورت نگرفت. این مسئله البته همچنان ادامه دارد، مثلاً اتفاقاتی از جمله بی حرمتی اخیر به مسافران ایرانی در ترکیه نشان دهنده این است که هنوز پاسپورت ایرانی حرمت و غیرت خود را با وجود شعارهای داده شده ندارد.

وی با اشاره به اینکه شخص من حدود

پس از توافق نمی توان منطقاً قانع شد که چرا دولت به همان شکل معمول با کشورهایی که ناچوانمردانه با ما رفتار کردند رفتار می کند.

دهنوی در ادامه یادآور شد: این در حالی است که همین کشورها در مورد اتباع خود مطابق حقوق بین الملل، بسیار پیگیرند و غرامت های سنگینی می گیرند ولی ما پیگیر این تألمات روحی وارد شده به اتباع خود نیستیم. در این مورد پیشنهاد مشخص این است که دولت باید یک سازوکاری داشته باشد مبنی بر اینکه کشورهای غربی به ازای هر رفتار فراتر از مقررات بین المللی مجبور به پرداخت غرامت و اعاده حیثیت شوند.

وی تأکید کرد: پس در دوره تحریم باید متناسب با رفتارهایی که این کشورها با ما انجام دادند رفتار شود و با این شرکت ها و کشورها مثل خودشان رفتار شود. به ویژه اینکه بسیاری از این تحریم ها و بی اخلاقی ها تأثیر مستقیم روی کار و زندگی مردم و مواردی مانند دارو و... داشت که بیشتر از کینه توزی دشمنان ملت ایران بود.

دهنوی در پایان طرح دعاوی در محاکم داخلی را به عنوان یک پیشنهاد مطرح کرد و گفت: این افراد باید بتوانند در محاکم داخلی اقامه دعوی کرده و از طریق سیستم قضایی نیز به کشورهای مورد نظر فشار وارد کرد.

تصویب شده است که برای بخشنامه شدن به جای سه ماه زمان تعیین شده، ۱۹ ماه در دولت طول کشید! در این قانون اشاره شده است که بودجه این قانون در ذیل بودجه وزارت خارجه دیده شده است.

مهدی دهنوی افزود: نکته بعدی تأیید مهمی است که حمایت یک دولت می تواند از اتباع داشته باشد و می تواند روحیه بخش باشد، که این اتفاق نیفتاده است در حالی که پرونده های مکرری بوده که مثلاً فلان کشور غربی حتی از یک تبعه ایرانی جاسوس، حمایت ویژه کرده است. نکته مهمی که باید بدان اشاره کرد اینکه در دوران مذاکرات، حمایت و پیگیری جاسوسان و اتباع خودشان در ایران همواره در دستور کار بوده است.

وی یادآور شد: به نظر من به لحاظ قانونی و حقوقی و با وجود تصریح قانون اساسی، هیچ خلایقی برای پیگیری این موارد نبوده و می توانسته به بهترین شکل حقوق این افراد پیگیری شود. نکته دیگری که هست اینکه طبق نظام حقوق بین الملل برخی مواقع اساساً یک تبعه به صورت شخصی نمی تواند پرونده ای را پیگیری کند و اینجاست که دولت متبوع باید ورود کند.

این استاد دانشگاه با طرح چند پیشنهاد تصریح کرد: با این شرایط، در حال حاضر باید در کمترین زمان خسارت این افراد جبران شود. در دوران

مصادق از اتباع ایرانی دچار مشکل شده هستند و البته هر سه به عنوان سربازان خط مقدم کشور در حال خدمت به کشور بودند و به هیچ وجه مستحق این رنجها نبودند.

وی ادامه داد: آنچه در مورد اتباع ایرانی در خارج اتفاق می افتد به دو صورت است. یکی اینکه تبعه ایرانی جرمی مرتکب می شود که در این صورت سفارت و بخش کنسولی موظف (طبق کنوانسیون وین ۱۹۶۳) به حمایت از اتباع هستند و هرگونه کمکی لازم است. این به دلیل عدم احساس بی پناهی است و اینکه تبعه بیش از آنچه جرمش هست جریمه نشود.

این حقوقدان افزود: حالت دوم مربوط به اتباع نخبه و فرهیخته ای است که در حال کمک به واردات برخی کالاها در دوران تحریم های ظالمانه بودند. نکته؛ در قریب به اتفاق این پرونده ها اصل اتهام واهی بوده و لذا فضا برای دفاع از تبعه بسیار بازتر بوده است. نکته بعدی اینکه رفتار سفارتخانه ها در این موارد یکسان نبوده است. مثلاً در مورد آقای پیرزاده سه ماه طول کشیده تا نفر مربوطه سرکشی کند.

وی تصریح کرد: مسئله بعدی اینکه در دوران بازداشت واقفاً چه کسی باید از این افراد حمایت کند؟ قانون مربوطه در ۲۶ خرداد ۱۳۸۹ در مجلس شورای اسلامی



حمایت صورت نمی گرفت و شورای صیانت از شهروندی و شورای عالی ایرانیان نیز در این زمینه هیچ حمایتی انجام نداد. وی در ادامه تصریح کرد: کلوتیدریس پس از آزادی در کاخ ایزه مورد استقبال سارکوزی قرار گرفت ولی ما با چه رفتاری شد!؟ این در حالی است که امریکا هنوز دنبال من است و طبق مصوبه مجلس دولت باید از حقوق ما صیانت می کرد که نکرد. در این رابطه باید عرض کنم که بوروکراسی اداری یکی از مهمترین مشکلاتی است که کار ما را گیر انداخته است.

در ادامه این نشست دکتر مهدی دهنوی از حقوقدانان میرزی که به این موضوع اشراف کامل دارد، گفت: این دوستان سه

گفتگو با معاون رئیس پارلمان لبنان:

ایران از موضع قدرت در مذاکرات حاضر شد/ تأثیر مثبت توافق بر منطقه

وی به فتوای رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص حرام بودن ساخت و کاربرد تسلیحات هسته ای اشاره و تصریح کرد: ایران بر صلح آمیز بودن انرژی هسته ای تأکید دارد، چنانکه رهبر انقلاب نیز استفاده از تسلیحات هسته ای را حرام اعلام کرده است.

حمدان که برای شرکت در ششمین اجلاس مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت در ایران حضور دارد، در خصوص برگزاری این نشست گفت: این نشست در یک زمان مناسب برگزار شده است. در واقع می توان گفت این نشست در شرایطی برگزار می شود که حجم فراخوان تحریک آمیز علیه تشیع زیاد است و یکی از اهداف برگزاری این نشست مقابله با این هجمه تبلیغاتی است.

وی افزود: در این نشست تأکید شده است که شیعیان حامی تروریست نیستند بلکه این شیعیان هستند که خواستار وحدت امت اسلامی و مخالف سرسخت تفکر تکفیری و تروریستی در جهان هستند.

وی تأکید کرد: از زمان امام خمینی (قدس)، این روش پیشتازانه ایران در خصوص مقابله با تفکر تکفیری و دعوت به وحدت وجود داشته و در زمان آیت الله خامنه ای نیز ادامه دارد. چنانکه رهبری در همه سخنرانی های خود بر وحدت کلمه و لزوم مقابله با دشمن مشترک و جنگهای طایفه ای تأکید کرده اند.

حمدان گفت: این نشست برگزار شده تا به صراحت به همه دنیا بگوید راهکار حقیقی مقابله با تروریسم از طریق دعوت به مذاکره، گفتگو و وحدت کلمه صورت می گیرد.



وی تأکید کرد: توافق حاصل شده، نتایج بسیار مثبتی در منطقه داشت؛ نتایجی که حتی در شرایط سخت و پیچیده کنونی نیز قابل لمس است.

معاون رئیس پارلمان لبنان در ادامه افزود: ایران از موضع قدرت در مذاکرات و توافق وین حاضر شد. حمدان گفت: نتایجی که از طریق فعالیت مسالمت آمیز هسته ای ایران به دست آمده نتایج مثبتی است که به موجب آن ایران در جایگاه کشورهای پیشتاز منطقه قرار گرفته است و این میسر نشده است مگر به حکمت، تیزهوشی و کاردانی رهبر انقلاب و مسئولان ایرانی.

معاون رئیس پارلمان لبنان تأکید کرد: ایران به همه دنیا اثبات کرده که در راستای عدالت جهانی تلاش می کند.

معاون رئیس پارلمان لبنان ضمن اشاره به جایگاه پیشتاز ایران در منطقه، بر تأثیر مثبت توافق هسته ای ایران بر تحولات منطقه تأکید کرد.

با گذشت بیش از یک سال از خلاء ریاست جمهوری لبنان، گروه های سیاسی این کشور همچنان در دستیابی به توافقی در خصوص انتخاب گزینه مشترکی جهت ریاست جمهوری لبنان ناتوان مانده اند و این مسئله همچنان به عنوان یک بحران در این کشور ادامه دارد.

«خلیل حمدان» معاون رئیس پارلمان لبنان، در این خصوص به خبرنگار مهر گفت: لبنان پیوسته در صدد حل و فصل مساله خلاء ریاست جمهوری است.

وی گفت: لبنان از منطقه جدا نشده است و همچنان بخشی قابل توجه در منطقه خاورمیانه است. مسئله خلاء ریاست جمهوری در لبنان ناشی از درگیری و تنش میان گروه های سیاسی نیست، بلکه اختلافاتی در این زمینه وجود دارد و باید گفت که رایزنی ها در لبنان برای انتخاب ریاست جمهوری اصلح ادامه دارد.

حمدان افزود: ما همچنان صحنه را ترک نکردیم و در حال تقویت نهادهای دولتی هستیم.

وی تأکید کرد: خلاء ریاست جمهوری در لبنان امری است که از جانب همه گروه ها غیر قابل قبول است، لذا رایزنی ها برای انتخاب رئیس جمهوری ادامه دارد.

حمدان در خصوص جمع بندی نهایی مذاکرات هسته ای وین میان ایران و ۵+۱ گفت: وضعیت ایران در سطح جهانی با این توافق به طور قابل توجهی ارتقا پیدا کرده است. جایگاه ایران در سطح جهانی پس از توافق، با جایگاه آن، پیش از توافق هسته ای بسیار متفاوت است.

گفتگو با رئیس پیشین انجمن علوم سیاسی آمریکا:

بهبود رابطه ایران با غرب به سود اعراب است/ بازگشت تحریمها سخت است



رئیس پیشین انجمن علوم سیاسی آمریکا با اشاره به بی مورد بودن مخالفت هایی که با توافق هسته ای ایران در جریان است از مشکل بودن اعمال دوباره تحریم ها علیه تهران سخن گفت.

با وجود توضیحاتی که کارشناسان و دولتمردان آمریکایی در مورد مفید بودن توافق هسته ای ایران می دهند مخالفت ها با این توافق همچنان ادامه دارد و در این میان رژیم صهیونیستی پرچم دار مخالفان است و سعی دارد تا با همراه کردن قانونگذاران آمریکایی با خود، از تصویب توافق هسته ای ایران و ۵+۱ در کنگره آمریکا جلوگیری کند.

در همین رابطه برای تشریح بهتر این وضعیت با پروفیسور «رابرت جرویس» به گفتگو نشستیم. رابرت جرویس رئیس پیشین انجمن علوم سیاسی آمریکا بوده و هم اکنون استاد سیاست بین الملل دانشگاه کلمبیا و عضو موسسه مطالعات جنگ و صلح سالتزمن است. متن این مصاحبه به شرح زیر است:

یکی از پاسخ هایی که مقامات آمریکایی در پاسخ به منتقدان توافق هسته ای ایران می دهند این است که در صورت تخطی ایران از تعهدات خود تحریم ها به سرعت مجدداً اعمال می شوند. با توجه به روندی که کشورهای غربی بویژه اروپایی بعد از توافق هسته ای در قبال ایران در پیش گرفته اند آیا چنین امری امکان پذیر است؟

در مورد امکان بازگشت تحریم نیز باید گفت تا زمانیکه همه کشورهای حاضر در ۵+۱ با این موضوع توافق نکنند که ایران توافقات خود را زیر پا گذاشته اعمال تحریم علیه ایران میسر نخواهد بود. در پاسخ به منتقدانی که می گویند راه هایی همچون بمباران ایران و یا شدیدتر کردن تحریم ها علیه ایران وجود داشت باید گفت که نه اوپاما راضی به بمباران ایران می شد و نه اینکه تشدید تحریم ها ایران را راضی به توافقی می کرد که مورد رضایت منتقدان باشد.

کارشناسان معتقدند که توافق هسته ای ایران موجب بهبود روابط تهران با غرب می شود و همین امر یکی از دلایل نگرانی و مخالفت اعراب و اسرائیل با این توافق است. به نظر شما آیا ممکن است بهبود روابط ایران با غرب به زیان همسایگان آن باشد؟

بهبود رابطه ایران با غرب به معنای افزایش اطمینان برای همسایگان سنی مذهب ایران و اسرائیل است. اگر چه کارشناسان نمی توانند بگویند که چنین تفکری خام است اما با این وجود این کشورها [کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی] گزینه بهتری بجای این توافق و یا همکاری با آمریکا ندارند و این بدان معناست که این کشورها نباید تا این حد در برابر ایران سخت گیر باشند. در پایان باید خطاب به مخالفان این توافق گفت به راحتی می توانیم در تفکرات خود یک توافق بهتر را تصور کنیم اما در دنیای واقعیت این توافقی که حاصل شده بسیار هم خوب است.

این کاملاً بعید است که ۵+۱ به بهترین توافق ممکن با ایران دست یافته باشد. بخشی از دلیلی که این اعتقاد را دارم آن است که همانگونه که منتقدان «باراک اوپاما» رئیس جمهور آمریکا، را متهم می کنند وی توافق بدی کرده که نفوذش را کاهش می دهد. نکته مهمتر آنکه این کاملاً بعید است که در یک معامله یک طرف به همه همان چیزی که می خواهد برسد. در این مورد هیچ یک از دو طرف به تمام خواسته های خود نرسیده اند و در عوض برخی موارد هم پوشانی دارند و این بدان معناست که هر یک از دو طرف نیاز به شانس و اطلاعات زیادی دارند تا بتوانند از فشار طرف مقابل خلاص شوند. اگرچه این پرسش وجود دارد که آیا این امکان وجود نداشت که ۵+۱ به قرارداد بهتری با ایران برسد، اما از آن سوال مهمتر این است که این توافق بهتر است یا ترک کردن میز مذاکره در پاسخ باید گفت که با فاصله زیادی توافق بهتر از ترک میز مذاکره است.

مخالفان معتقدند که این توافق جلوی پیشرفت هسته ای ایران را نمی گیرد و حتی ممکن است تهران در پی ساخت تسلیحات هسته ای باشد. آیا چنین امری با توجه به توافق بوجود آمده و جزئیات آن امکان پذیر است؟

از دید مخالفان، ایران هنوز می تواند به دنبال ساخت بمب برود. این کشور می تواند به راحتی از عمل به توافق شانه خالی کند، بازرسان را اخراج کند، و از تاسیسات هسته ای معرفی شده خود برای تولید اورانیوم با غنای بالا استفاده کند و این موارد از سوی رسانه ها مورد توجه زیادی قرار گرفته است. اما اغلب کارشناسان معتقدند که بعید است ایران به سراغ ساخت بمب برود چون با تبعاتی همچون حمله فوری مواجه می شود و از آن مهمتر اینکه با توجه به نظام بازرسی ها که با توجه به توافق در ایران اعمال می شود امکان این کار پائین است.

برخی از مخالفان توافق هسته ای ایران معتقدند که توافق هسته ای ایران به هیچ وجه توافق خوبی برای غرب نیست و بهتر بود که کشورهای ۵+۱ میز مذاکره با ایران را ترک می کردند، نظر شما درباره این دیدگاه چیست؟

توافق هسته ای حاصل شده با ایران آن چیزی نبود که آمریکا و متحدان اروپائیش به دنبال آن بودند در حقیقت این توافق با ایده آل های آنها فاصله دارد. آنها (آمریکا و اروپا) بدنبال آن بودند که ایران برنامه هسته ای خود را متوقف کرده، با بازرسی های نامحدود موافقت کند و از برنامه های موشکی خود و همچنین ارتباط با گروه هایی همچون حزب الله و حماس چشم پوشی کند. اما این موارد را تنها می توان بر کشوری تحمیل کرد که به لحاظ نظامی شکست خورده باشد. بر همین اساس دو سوال اصلی در این رابطه وجود دارد و آن اینکه اولاً آیا ۵+۱ به بهترین توافق موجود دست یافته است و از آن مهمتر اینکه اگر کشورهای ۵+۱ میز مذاکره با ایران را ترک می کردند آیا نتایج بهتری نصیبشان می شد؟

توافق هسته ای حاصل شده با ایران آن چیزی نبود که آمریکا و متحدان اروپائیش به دنبال آن بودند در حقیقت این توافق با ایده آل های آنها فاصله دارد. آنها (آمریکا و اروپا) بدنبال آن بودند که ایران برنامه هسته ای خود را متوقف کرده، با بازرسی های نامحدود موافقت کند و از برنامه های موشکی خود و همچنین ارتباط با گروه هایی همچون حزب الله و حماس چشم پوشی کند

گفتگو با استاد و پژوهشگر مصری:

توافق هسته‌ای ایران یک پیروزی دیپلماتیک بود/ چرایی نگرانی اعراب

گفتگو: سمیه خمار باقی



استاد دانشگاه بنی سوئیف مصر توافق هسته‌ای ایران را یک پیروزی دیپلماتیک توصیف کرد و به تشریح چرایی نگرانی اعراب پرداخت.

ایران و کشورهای گروه ۵+۱ روز ۲۳ تیرماه پس از مذاکراتی فشرده در وین به جمع بندی در خصوص مذاکرات رسیدند. توافق حاصل در شورای امنیت به تصویب رسید و اتحادیه اروپا نیز آن را به تصویب رساند. در این خصوص گفتگویی با «نادیه حلمی» استاد علوم سیاسی دانشگاه «بنی سوئیف» مصر، مدیر مرکز مطالعات جنوب و شرق آسیا و پژوهشگر مرکز مطالعات الشرق الاوسط انجام شده که در ادامه می‌آید.

ایران و کشورهای ۵+۱ به توافق هسته‌ای دست یافتند ارزیابی شما از این توافق چیست؟

توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ در وین به عنوان یک روز تاریخی در تاریخ روابط بین الملل محسوب می‌شود. موفقیت مذاکرات هسته‌ای با ایران نمونه‌ای از اهمیت و پافشاری نسبت به سیاست و دیپلماسی بین المللی به شمار می‌رود. اجرای کامل توافق هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ اهمیت بسیار حیاتی برای صلح و ثبات در منطقه دارد و من امیدوارم همکاری عملی و کاملاً شفاف میان ایران، مصر و کشورهای منطقه در نظارت بر اجرای توافق هسته‌ای وجود داشته باشد.

من معتقدم توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ دستاوردی مهم در راستای تقویت ثبات و همکاری در منطقه و جهان محسوب می‌شود و دست‌یابی به توافق هسته‌ای با کشورهای ۵+۱ به تقویت تفاهم و همکاری در بسیاری از پرونده‌های امنیتی در خاورمیانه منجر خواهد شد.

توافق هسته‌ای میان تهران و کشورهای ۵+۱ اساس ثبات در منطقه خواهد بود و می‌توان این توافق را یک پیروزی برای دیپلماسی توصیف کرد. در پی این توافق، بسیاری از طرف‌ها در منطقه با توجه به اشتراکات جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی مشترک با ایران از عادی سازی روابط با ایران دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی را کسب خواهند کرد.

توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ در صورت اجرای تمامی بندهای آن نقطه عطفی در روابط ایران و جامعه جهانی تلقی خواهد شد امری که زمینه ایجاد همکاری میان تهران و جهان را فراهم خواهد کرد.

انتظار می‌رود توافق هسته‌ای اخیر در برقراری ثبات در منطقه سهیم باشد و می‌توان آن را گامی مهم در راستای یکسان

سازی تلاش‌ها در زمینه مبارزه با تروریسم دانست به ویژه در رابطه با ائتلاف مقابله با داعش ایران می‌تواند در عرصه میدانی حمایت لجستیک داشته باشد. من به نوبه خود اعتقاد دارم اکنون زمان آن رسیده است که جامعه جهانی درباره موضوع هسته‌ای سیاست یک بام و دو هوا را کنار بگذارد و در قبال اعمال فشار بر اسرائیل برای پیوستن به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مسئولیت پذیر باشد و اسرائیل را وادار کند تا سیاست هسته‌ای خود را تحت نظارت پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دهد.

توافق هسته‌ای چه تاثیری بر روابط ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس خواهد گذاشت؟

در ابتدای این توافق عربستان سعودی به طور رسمی اعلام کرد که توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ روز خوبی برای منطقه خواهد بود اگر این توافق ایران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای بازدارد اما این توافق اگر باعث شود تهران منطقه را به هم بریزد توافق بدی خواهد بود. ریاض معتقد است اگر توافق هسته‌ای امتیازاتی به ایران بخشیده باشد منطقه با خطرات بسیاری مواجه خواهد شد.

عربستان سعودی معتقد است حمایت ایران از سوریه و حزب الله لبنان و حوثی‌های یمن دلیلی بر هژمونی ایران بر خاورمیانه است این در حالی است که باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا و جان کری وزیر امور خارجه این کشور تضمین‌هایی را درباره توافق هسته‌ای با ایران به کشورهای حاشیه خلیج فارس داده‌اند و آخرین آنها در نشست کمپ دیوید در می ۲۰۱۵ بود.

با نگاهی به عناوین روزنامه‌های عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌توان به عمق تحلیل این کشورها از تعامل با توافق هسته‌ای ایران پی برد. به عنوان مثال روزنامه الرياض چاپ عربستان در این باره می‌نویسد توافق اخیر ایران می‌تواند چراغ

سبزی برای پیشبرد برنامه هسته‌ای کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان باشد و این کشورها بتوانند از این پس چرخه سوخت هسته‌ای را در اختیار داشته باشند امری که بازدارندگی را محقق و ثبات در موازنه قوا را تضمین می‌کند. در رابطه با تاثیر توافق اخیر ایران بر روابط تهران با دوحه نیز می‌توان از اظهارات مقامات قطری نتیجه‌گیری کرد، این مقامات ابراز امیدواری کرده‌اند این توافق عملی برای برقراری ثبات در خاورمیانه باشد و مسابقه تسلیحاتی میان کشورهای منطقه را پایان دهد. بنا بر اعلام رسانه‌های قطر، نزدیک شدن عربستان و روسیه در زمان مناسب اقدامی درست بود و بنابراین کشورهای حاشیه خلیج فارس باید در دوره‌ای که چند قطبی است (دوره‌ای که اوباما و دولت آن در برابر این مسئله تسلیم شده‌اند) در ائتلاف‌های خود تنوع داشته باشند.

روزنامه «الخلیج الاماراتیه» در یکی از سرمقاله‌های خود درباره توافق هسته‌ای ایران نوشته است: «نگرانی اصلی کشورهای منطقه ایران هسته‌ای نیست بلکه تلاش ایران برای دخالت در امور داخلی همسایگانش است.»

روزنامه «الاهرام» مصر نیز در سرمقاله‌ای نوشته است: «ایران بازیگر اصلی در مسائل عربی است و بسیاری معتقد هستند ایران در راستای منافع ملی خود تلاش می‌کند نه به زیان عرب لذا طبق این دیدگاه اعراب باید هوشیار باشند و از توهم اینکه آمریکا همواره از آنها حمایت می‌کند خارج شوند.»

روزنامه «السیاسه» کویت نیز در یکی از مقالات خود از ایران خواسته است سیاست‌های خویش را در منطقه تغییر دهد، در این مقاله آمده است: «ایران باید این موضوع را بپذیرد که بازگشت واقعی آن به عرصه جهانی با امضای توافق هسته‌ای نیست بلکه با چشم‌پوشی از ایفای نقش شرارت در روابط بین‌الملل است. ایران باید از توهم سیطره بر منطقه بیرون بیاید.»

با نگاهی به مطالب مقالات و سرمقاله‌های

مطبوعات کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌توان به تاثیر توافق هسته‌ای بر روابط ایران و این کشورها پی برد واکنش‌هایی که یا مثل قطر مبتنی بر استقبال بوده‌اند یا همچون عربستان با مخالفت مواجه شده است و یا همچون امارات، کویت و مصر همراه با تردید بوده است.

چه کشورهایی از این توافق بیشتر متضرر می‌شوند؟

دیدگاه‌ها درباره بندهای توافق هسته‌ای مختلف است، غرب آن را توافقی خوب و عادلانه توصیف کرده است و ایران معتقد است این توافق در پاسخ به خواسته ملت صورت گرفته است اما اسرائیل این توافق را به رسمیت نشناخته است و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل این توافق را یک اشتباه تاریخی دانست، کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز ابراز نگرانی کرده‌اند که این توافق نوعی پوشش بین‌المللی برای فعالیت‌های هسته‌ای ایران است.

واکنش‌ها به این توافق مختلف است در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان از آن استقبال کرده‌اند اسرائیل به شدت با آن مخالفت و عربستان نسبت به آن ابراز تردید کرده است.

اسرائیل در رأس کشورهای متضرر از این توافق است، مسئولان اسرائیلی معتقد هستند که «ایران با این توافق جایزه بزرگی به دست آورده است جایزه‌ای که حجم آن صدها میلیارد دلار است و ایران با چنین جایزه‌ای می‌تواند به هژمونی خود در منطقه و جهان ادامه دهد و این یک اشتباه تاریخی است.»

برخی کشورهای دیگر همچون کانادا نیز به طور رسمی با توافق هسته‌ای ایران مخالفت و اعلام کرده‌اند اهداف هسته‌ای ایران همواره تهدید بزرگی برای صلح محسوب می‌شود. در آمریکا نیز برخی سیاستمداران از امضای توافق هسته‌ای ایران خرسند نیستند و معتقدند رفع تحریم‌های ایران و تحویل صدها میلیارد دلار به تهران در راستای اهداف هسته‌ای ایران برای حمایت از گروه‌های شیعه در خاورمیانه هزینه خواهد شد.

از سوی دیگر برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز از توافق هسته‌ای ایران متضرر شده‌اند و معتقدند این توافق احتمالاً تاثیر بسیاری بر قیمت نفت دارد و تهدیدی برای قیمت نفت در کشورهای حاشیه خلیج فارس و جهان محسوب می‌شود.

به طور کلی باید گفت کشورهایی که خود را متضرر می‌دانند نگرانی‌هایشان به خاطر بندهای توافق نیست بلکه این کشورها نگران منافشان در منطقه هستند، نگرانی‌هایی که درباره قیمت نفت و ضررهای مالی آن است یا به خاطر نگرانی‌های مذهبی همچون عربستان که از گسترش نفوذ شیعه در منطقه می‌هراسد.

مونیز دیگر از بازرسی های نامحدود سخن نمی گوید؛ بلاتکلیفی دکتر ارنست! آیا «برجام» سر سالم به در می برد؟



بلاتکلیفی مونیز با توجه به عقب نشینی از رجزخوانی های قبلی جالب توجه است و نشان از استیصال کابینه اوباما در مواجهه با «برجام» دارد، همان مسئله ای که بیش از پیش احتمال نقض عهد آمریکا را افزایش داده است.

وزیر انرژی ایالات متحده آمریکا این روزها در جلسات و نشست های متعددی با حضور سناتورها، استراتژیست ها و کارشناسان آمریکایی حضور پیدا می کند تا ابعاد فنی برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) را برای آنها تشریح کند.

ارنست مونیز سه روز قبل به همراه جان کری در گفت و گویی مشترک با شبکه فاکس نیز حضور پیدا کرد. در این نشست جان کری اظهار داشت: «ما درباره روند دسترسی به هر جا و هر زمان گفتگو نکرده ایم. من هرگز در چهار سال گذشته درباره بازرسی از هر زمان و هر مکان گفتگو نکرده ام. وی (ارنست مونیز) نیز این کار را در مذاکرات انجام نداد. اساساً در هیچ جایی در این جهان بازرسی هر زمانی و هر مکانی انجام نمی شود و چنین استانداردی در بازرسی های کنترل تسلیحاتی وجود ندارد.»

این اظهارات کری البته با تایید کامل ارنست مونیز همراه شد، آنجا که وزیر انرژی آمریکا در نشست استماع سنا از دسترسی روزانه آژانس به تاسیسات هسته ای ایران گفت اما از دسترسی نامحدود زمانی و مکانی به همه تاسیسات ایران سخنی به میان نیاورد.

این در حالی است که همگان به یاد دارند وزیر انرژی ایالات متحده آمریکا پس از قرائت بیانیه لوزان، دسترسی نامحدود زمانی و مکانی به همه تاسیسات ایران را اصلی ترین پیش شرط توافق نهایی دانسته بود. این اظهارات مونیز البته در آن زمان جنجال زیادی بر پا کرد و جمهوری اسلامی ایران نیز صراحتاً از این سخنان به عنوان نماد دبه کردن آمریکا از توافقات صورت گرفته خبر داد.

در هر حال، فارغ از اختلافات شدید داخلی در کاخ سفید که منجر به نوعی سردرگمی در میان اوباما، مشاورین و وزیرانش شده است، بلاتکلیفی مونیز با توجه به عقب نشینی از رجزخوانی های قبلی خود نیز جالب توجه است و نشان از استیصال کابینه اوباما در مواجهه با «برجام» دارد، همان مسئله ای که بیش از پیش احتمال نقض عهد آمریکایی ها را افزایش داده است.

گفتگو با معاون پیشین آژانس:

توافق وین ایران را به عنوان کشوری هسته ای به رسمیت شناخت

گفتگو: جواد حیران نیا



«اولی هاینونن» رئیس سابق بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی گفت: توافق هسته ای جایگاه ایران را به عنوان یک دولت در آستانه هسته ای با ظرفیت پایدار غنی سازی اورانیم به رسمیت شناخت.

ایران و کشورهای گروه ۵+۱ در ۵ روز ۲۳ تیرماه توانستند به جمع بندی در خصوص مذاکرات دست یابند. توافق حاصل برای تبدیل شدن به قانون مستلزم بررسی در مجالس و پارلمانهای کشورهای متعهد است.

ایران با رعایت خطوط قرمز در خصوص بازرسی ها برای نشان دادن حسن نیت خود بازرسی هایی را بر اساس پروتکل الحاقی پذیرفته است.

طرف مقابل سعی دارد چنین وانمود سازد که ایران تحت فشار مجبور شده تا نظام بازرسی ها و نظارت های فراتر از آنچه معمول بوده را بپذیرد. در این خصوص گفتگویی با پرفسور اولی هاینونن انجام شده است که در ادامه می آید. هاینونن رئیس سابق بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی و معاون امور پادمان های آژانس بین المللی انرژی اتمی تا سال ۲۰۱۰ میلادی بود و اکنون در مرکز روابط و علوم بین المللی دانشگاه هاروارد تدریس می کند.

|| ارزیابی شما از توافق هسته ای بین ایران و کشورهای گروه ۵+۱ چیست؟

این توافق جایگاه ایران را به عنوان یک دولت در آستانه هسته ای با ظرفیت پایدار غنی سازی اورانیم و زیرساخت های لازم و ضروری برای پشتیبانی از آن مورد تأکید قرار داده است.

متعاقب این توافق برنامه هسته ای ایران در معرض محدودیتهایی قرار خواهد گرفت و در معرض نظارت شدید آژانس بین المللی انرژی اتمی و سیستم راستی آزمایی آن برای سالهای پیش رو خواهد بود.

در خصوص ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته ای ایران آژانس پرسشهایی را خواهد داشت که این پرسشها باید پاسخ داده شود. همچنین در خصوص تأسیسات غنی سازی اضافه نیز آژانس بازرسی هایی خواهد داشت. بعد از رفع این موضوعات شاهد کاهش تحریمها خواهیم بود. از نقطه نظر راستی آزمایی مهمترین موضوع محوری این است که آژانس بین المللی انرژی اتمی صلح آمیز بودن تمام برنامه هسته ای ایران را مورد تأکید قرار دهد که این موضوع می تواند پنج سال وقت بگیرد.

این توافق همچنین دسترسی ایران به تکنولوژی های مدرن هسته ای و فراهم شدن زمینه دستیابی ایران به

همکاری اتمی بین المللی را میسر می سازد.

|| تأثیر این توافق بر روابط ایران با کشورهای همسایه از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس چه خواهد بود؟

برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله عربستان سعودی نگرانی خود را در خصوص ماهیت برنامه هسته ای ایران اعلام کرده اند. عربستان همچنین از مداخله ایران به زعم خود در لبنان، سوریه، عراق و یمن ابراز نگرانی کرده است. تصور نمی کنم که عربستان با آغوش باز پذیرای توافق هسته ای میان ایران و کشورهای ۵+۱ باشد.

نوع کنش عربستان به توافق هسته ای ایران به تضمینهای امنیتی ایالات متحده آمریکا به این کشور بستگی خواهد داشت. باید منتظر ماند و دید که آمریکا چه تضمینهای امنیتی به این کشور در خصوص کاستن از نگرانی هایش می دهد.

|| آیا این توافق می تواند روابط ایران و کشورهای غربی را وارد فاز جدید سازد؟

این تازه یک آغاز و شروع است. در نظر داشته باشید که این توافق فقط در خصوص برنامه هسته ای ایران

است و صرفاً یک توافق هسته ای است. اما به هر حال این توافق می تواند سنگ بنایی باشد برای روابط میان ایران و کشورهای غربی. اگر توافق با موفقیت اجرا شود می تواند زمینه ای برای اعتمادسازی میان طرفین باشد.

|| چه کشورهایی بازندگان اصلی توافق هسته ای میان ایران و کشورهای گروه ۵+۱ هستند؟

به نظر من نباید در اینجا برنده و بازنده ای را مشخص کنیم. من مطمئن هستم که برخی نمایندگان مجلس ایران خواهند پرسید که این توافق از جنبه اقتصادی و تکنیکی چگونه قابل توجیه است. این پرسش مطرح می شود که چگونه برنامه غنی سازی اورانیم با توجه به محدودیت در ذخائر اورانیم در ایران شدنی خواهد بود.

گفتگو: جواد حیران‌نیا-مریم خرمائی

دکتر «علی فتح الله نژاد» با اشاره به اینکه سازمان همکاری شانگهای به انجمنی طراز اول در اوراسیا تبدیل می شود گفت: ایران می تواند از این موقعیت در زمینه های اقتصادی و سیاسی بهره برداری کند.

سازمان همکاری شانگهای یکی از ساختارهایی است که با محوریت روسیه و چین در سال ۱۹۹۶ میلادی شکل گرفت و هدف ابتدایی آن خاتمه دادن به درگیری های بین این دو کشور با همسایگان شان در آسیای مرکزی بود. اما، بعدها این سازمان با پذیرش اعضای ناظر در جهت تبدیل شدن به یک اتحادیه منطقه ای قدرتمند پیش رفت. سازمان همکاری شانگهای ترکیبی از اهداف سیاسی، امنیتی و اقتصادی را به صورت همزمان دنبال کرده و مبارزه با تروریسم، جدایی طلبی و همچنین افراط گرایی را از اهداف اصلی خود می داند. در این میان، مبارزه با نفوذ غرب و ناتو در منطقه آسیای مرکزی نیز از جمله مسائل راهبردی است که کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای به آن توجه ویژه ای دارند.

در حال حاضر ایران به عنوان عضو ناظر در این سازمان حضور دارد اما انتظار می رود که این وضعیت، حالت دائم به خود بگیرد زیرا با فاصله گرفتن روسیه از اتحادیه اروپا و آمریکا، این کشور در تلاش است تا خود را به عنوان یک قدرت غیر غربی نشان دهد که مشتاق یافتن راه های جدید و طبعاً یک نظم جهانی جدید است. از این روی، انتظار می رود که با برداشته شدن تحریم های سازمان ملل متحد علیه ایران، مسکو نقش پررنگ تری را به ایران در سازمان همکاری شانگهای بدهد.

این در حالی است که عضویت ایران می تواند دایره توانمندی های این کشور را در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی افزایش دهد. چرایی تغییر رفتار اخیر روسیه و چین در قبال ایران و همچنین جهت گیری آتی کشور در مواجهه با جهان چند قطبی را در گفتگو با دکتر «علی فتح الله نژاد» مورد بررسی قرار دادیم. فتح الله نژاد کارشناس شورای روابط خارجی آلمان و پژوهشگر مرکز تحقیقات توسعه همکاری های بین المللی دانشگاه آزاد بروکسل است.

گفتگو با کارشناس شورای روابط خارجی آلمان؛ اهمیت عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای/چرایی حمایت روسیه



و سیاسی قدرت با غرب خواهد داشت، از تحقق این امر خودداری می کرد. اما، حال که به دنبال بحران اوکراین شاهد تنش شدید بین روسیه و غرب هستیم - که از نتایج آن می توان به خروج روسیه از عضویت گروه جی ۸ (هشت قدرت اقتصادی جهان) در سال ۲۰۱۴ اشاره کرد- منطق جدیدی در حال سایه انداختن بر روابط روسیه است.

علاوه بر این، چین نیز به عنوان دیگر بازیگر کلیدی سازمان همکاری شانگهای مورد حمله چرخش سیاست های آمریکا به سمت منطقه آسیا - پاسیفیک قرار گرفته است که با رعایت حسن تعبیر، ادامه همان سیاست مهار پکن از سوی واشنگتن است.

ناگفته نماند که این دشمنی ژئوپلیتیکی غرب که در سالهای اخیر به طور همزمان علیه مسکو و پکن علم شده است، به گونه ای قابل پیش بینی راه را برای نزدیکی روابط این دو کشور هموار می کند.

به عنوان شاهد دیگری بر این ادعا می توان به برنامه فعلی چین و روسیه برای تجمیع پروژه های اقتصادی منطقه ای اشاره کرد که از آن میان می توان اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کمربند اقتصادی راه ابریشم را نام برد که علاوه بر مزایای تجاری متقابل، که به کاهش هزینه تجارت در حوزه اوراسیا و آسیا - اروپا منجر خواهد شد، از ابعاد ژئوپلیتیک هم برخوردار است.

دلیل دوم آن است که روند گفتگو بین ایران و کشورهای ۵+۱ طی یک ماه و نیم گذشته - که البته چین و روسیه را نیز به عنوان دو قدرت بزرگ اوراسیا به پای میز مذاکره آورده بود- این حقیقت را آشکار کرد که نتیجه نهایی به نزدیکی میان ایران و آمریکا منجر خواهد شد. به این ترتیب، به نفع روسیه و چین خواهد بود که از راه اعطای عضویت دائم به ایران در سازمان همکاری شانگهای - به عنوان نهادی که

روسیه از عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای قبلاً حمایت جدی نمی کرد. در واقع چین و روسیه بیم این را داشتند تا مبادا عضویت ایران که دارای سیاستهای ضد آمریکایی است این سازمان را به نوعی در تقابل با ناتو قرار دهد. اما شرایط ظاهراً عوض شده است

و روسیه از عضویت ایران حمایت می کند. دلیل این امر چیست؟ در حقیقت، طی یک دهه گذشته، مسکو سیاست مغرضانه ای را در این خصوص دنبال کرده است. به دنبال قطعنامه سال ۲۰۱۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد که منجر به تشدید تحریم های ایران شد، روسیه اعلام کرد که یکی از قوانین سازمان همکاری شانگهای (SCO) مانع از عضویت دائم اعضای می شود که مشمول قطعنامه های شورای امنیت هستند. این موضوع گیری جای تعجب داشت چرا که

این خود روسیه بود که به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت به نفع اعمال این قطعنامه رای داد- قطعنامه ای که حال در جهت ممانعت از بهبود جایگاه ایران از مقام یک عضو ناظر به یک عضو دائم در سازمان همکاری شانگهای مورد استفاده قرار می گرفت.

اما اخیراً به نظر می آید که تمایل تازه ای از جانب روسیه برای حمایت آزادانه و البته محتاطانه از ایران برای تبدیل این کشور به عضو دائم سازمان همکاری شانگهای وجود دارد. این به عقیده من دو دلیل می تواند داشته باشد. یکی از آنها همانطور که شما اشاره کردید این است که یکی از اهداف اصلی سازمان همکاری شانگهای موازنه قدرت برای مقابله با تسلط غرب بر نظام جهانی است. با این حال در گذشته روسیه علیرغم مزایای آشکاری که مشارکت کامل ایران در راستای افزایش موازنه راهبردی

برای ثبات داخلی و همچنین قابلیت های کشور در حوزه سیاست خارجی به دنبال داشته باشد. از این منظر، ایران نمی تواند این به قول شما «شرق» را نادیده بگیرد و کمترین دلیل آنکه آسیا به مرکز ثقل اقتصاد جهان بدل شده است.

عضویت ایران در سازمان شانگهای چه مزیتهایی برای ما دارد؟

شکی وجود ندارد که عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای به طور بالقوه مزایای زیادی را در خود گنجانده است. با طی شدن مراحل عضویت دائم هند و پاکستان در سازمان همکاری شانگهای، این نهاد بی شک به انجمنی طراز اول در حوزه وسیع اوراسیا تبدیل می شود. به این ترتیب، ایران می تواند از این موقعیت در زمینه های مختلف چه در بعد اقتصادی و چه در بعد سیاسی بهره برداری کند. با این حال، هنوز خیلی زود است که مزایای محسوس این مسئله را پیش بینی کرد. در هر صورت، شبهه ای نیست که روسیه و چین همواره بازیگران اصلی سازمان همکاری شانگهای باقی خواهند ماند و تصمیم گیرنده اصلی در جهت دادن به سمت و سوی این نهاد خواهند بود. از این بابت، منافع ملی آنها همچنان به طور نسبی از اولویت بیشتری برخوردار است.

برخی معتقد هستند در سیاست خارجی در حال حاضر باید نگاه به غرب را جایگزین نگاه به شرق کنیم تا منافع ما بیشتر تأمین شود. برخی نیز توازن را رویکرد مناسب سیاست خارجی

به وضوح از سوی مسکو و پکن کنترل می شود- این چشم انداز را با نزدیک کردن ایران به مدار دوستی خود تغییر دهند. وجود این دو جریان بر صحنه محاسبات ژئوپلیتیک به طور قطع بر نحوه محاسبات روسیه در پذیرش عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای تاثیر گذاشته است. به بیان دیگر، هرچه تنش بین روسیه و چین با غرب یا ناتو بیشتر می شود، روند عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای سرعت بیشتری به خود می گیرد. به طور رسمی، هنگامی که در پی اجرای توافق هسته ای ایران، تحریم های شورای امنیت برداشته شود، راه عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای باز خواهد شد. به این ترتیب، بر حسب آنچه که گفته شد، تصمیم نهایی برای بهبود وضعیت ایران در سازمان همکاری شانگهای ماهیتی ژئوپلیتیک خواهد داشت. اگرچه انتظار می رود که در آینده شاهد بهبود روابط ژئوپلیتیک باشیم، هیچ پیش بینی قاطعی در باره واقعیت روابط آتی بین غرب - ایران یا روسیه - غرب وجود ندارد.

برخی معتقد هستند اساساً دغدغه های امنیتی ایران در حوزه خاورمیانه است و نه شرق. بر اساس عضویت ایران در این سازمان را مناسب نمی دانند. آیا شما با این دیدگاه موافق هستید؟

تردید وجود ندارد که امنیت ملی ایران در درجه نخست به کشورهای همسایه محدود می شود. اما خلاصه بگویم که در عصر جهانی سازی، امنیت ملی را نمی توان از رفاه اقتصادی مجزا دانست چرا که نقصان این مورد آخر می تواند نتایج سنگینی را

به گونه ای معنا دار به چالش های اجتماعی - اقتصادی ایران پرداخته شود، ارائه یک تفسیر مهم و در عین حال واقع گرایانه از جهانی سازی بی نهایت ضروری می نماید.

هرچند، ناگفته نماند که در قرن ۲۱ ام نمی توان یک گرایش ژئوپلیتیک را جایگزین نوع دیگری از آن کرد. شاید بهتر آن است که به جای ائتلاف هایی از نوع آنچه که در جهان دو قطبی جنگ سرد دیده می شد، کشورهای امروزی به دنبال تشکیل ائتلافی چند گانه باشند. از این منظر و در جهانی که به شدت به سمت چند قطبی شدن پیش می رود، یک کشور می بایست به همه جوانب خود به یک میزان نگاه بیاندازد؛ حال می خواهد غرب و شرق باشد یا شمال و جنوب.

واقع، یک نمونه بارز از قدرت تک قطبی آمریکا را می توان در توانایی واشنگتن به اعمال رژیم گسترده ای از تحریم های ضد ایرانی از سال ۲۰۰۴ به این سو جستجو کرد.

با این وجود، مشکل این مکتب فکری نیز تصویر امیدبخشی است که از روند جهانی سازی ارائه می دهد و به ویژه متکی به مفهوم نولیبرالی است که تأثیری همه گیر و در عین حالی تدریجی دارد - تأثیری مخرب که نه تنها توسعه پایداری را به دنبال ندارد بلکه مانع از درس گرفتن از تجربیاتی است که بسیاری از کشورهای جنوب (توسعه نیافته یا در حال توسعه) طی دهه های گذشته پشت سر گذاشته اند.

در این میان، چنانچه قرار است

به شرق را انتخاب کرد، علاوه بر این، در سال ۲۰۰۵ بود که ایران عضو ناظر سازمان همکاری شانگهای شد. البته دیری نپایید که ایران به بیهودگی کامل این سیاست پی برد چرا که به رغم انتظار ایران در پاسخ به فشار غرب، موازنه قدرت در شرق محقق نشد. دلیل عمده آن بود که روابط روسیه، چین و هند با ایران تا حد زیادی از رابطه نسبی آنها با آمریکا متأثر می شد. اما در دولت فعلی، مکتب فکری که سیاست خارجی ایران به آن متکی است تفسیر بسیار متفاوتی از نحوه توزیع قدرت در سیستم بین الملل ارائه می دهد. ایران اکنون به درستی دریافته است که سیستم بین الملل هنوز تا حد زیادی تحت سیطره قدرت های غربی است. در

می دانند. نظر شما چیست؟

به مانند دیگر کشورها، ایران نیز مکاتب فکری متنوعی را در خود جای داده است. در دولت پیشین، جریان فکری غالب به جانب داری از سیاست «گرایش به شرق» تمایل داشت. البته این طرز تفکر هم معلول حس بیگانگی ایران نسبت به غرب بود که در پی شکست دور نخست مذاکرات هسته ای با اروپا به ایران دست داد، آن هم به این دلیل که اروپا به موضع آمریکا مبنی بر لغو کامل امتیاز غنی سازی ایران رضایت داد.

در واقع، با تصور زوال قریب الوقوع آمریکا و گرایش مشهود نظم جهانی به پذیرش سیستم چند قطبی - که تا حد زیادی گمراه کننده بود- ایران در نیمه سال های ۲۰۰۰، سیاست گرایش

تداوم تحریم های ضد ایرانی در میشیگان آمریکا فارغ از رأی کنگره



لیندسی گراهام:

توافق هسته ای کنونی، گزینه نادرستی بود

«لیندسی گراهام» سناتور تندر و جمهوریخواه و نامزد انتخابات سال آینده ریاست جمهوری در آمریکا با انتقاد از برجام آن را گزینه ای نادرست خواند.

«لیندسی گراهام» سناتور تندر و جمهوریخواه و نامزد انتخابات سال آینده ریاست جمهوری در آمریکا با انتقاد از توافق هسته ای ۱۴ جولای (۲۳ تیر ماه) میان کشورهای ۵+۱ با ایران موسوم به برجام، مدعی شد که مبالغ آزاد شده حاصل از محل لغو تحریم ها علیه ایران صرف جنگ افروزی در خاور میانه صرف خواهد شد.

گراهام که به شدت با «دونالد ترامپ» رقیب سیاسی جمهوریخواه خود برای جلب حمایت رأی دهندگان به ویژه در ایالت کارولینای جنوبی رقابت می کند، در برنامه «نیو دی» در شبکه تلویزیونی سی ان ان شرکت و به انتقاد از دولت کنونی آمریکا در توافق هسته ای با ایران پرداخت.

وی در این باره گفت: حتی اگر ایران در این توافق فریبکاری هم نکند، تا ۱۵ سال آینده به سلاح هسته ای دست خواهد یافت.

این سناتور تندر و ادامه داد: به دوستان خود که می گویند، یا این توافق و یا جنگ باید بگویم که گزینه توافق کنونی یک انتخاب ناصحیح بوده است.

است این اقدام را به منزله قوت قلبی برای مخالفین توافق هسته ای در کنگره آمریکا توصیف کرد. به ادعای وی، از آنجا که توافق هسته ای به دست آمده در شمار معاهدات آمریکا نیست، میشیگان می تواند به تحریم هایی که در سال ۲۰۱۲ علیه ایران وضع شده ادامه دهد و مانع از فعالیت تجاری شرکت های ایالتی با ایران شود.

این ادعا ریشه در قانونی دارد که به موجب آن نمی توان ایالت های آمریکا را به اجرای معاهدات و توافقات بین المللی ملزم نمود، مگر آنکه ملاحظات جدیدی از سوی کنگره برای واداشتن آنها به تبعیت از یک قانون فدرال تعریف شود.

ناگفته نماند که دولت واشنگتن باید ایالت های آمریکا را ملزم به تبعیت از توافق هسته ای ایران کند حال آنکه گفته می شود که «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا در آخرین جلسه استماعی که در حضور کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان داشت حق ایالت های آمریکا به تداوم تحریم های ایرانی را مورد تأیید قرار داد.

پیشتر نیز دو ایالت «نیویورک» و «کالیفرنیا» از قصد خود برای تداوم تحریم های ضد ایرانی علیرغم رأی نهایی کنگره آمریکا سخن گفته بودند.

سماجت ایالت های آمریکا به حفظ تحریم های ضد ایرانی گزینه ای است که جمهوری خواهان برای به چالش کشاندن توافق هسته ای ایران بر روی آن حساب باز کرده اند.

تطبیقات تابستانی کنگره بهانه ای بود برای به درازا کشاندن زمان رای گیری بر سر توافق هسته ای ایران که طبق جدول زمانی از پیش تعیین شده به ۱۷ سپتامبر برابر با ۲۶ شهریور موقوف شده است. اما این گونه به نظر می آید که مجالس قانونگذاری در برخی از ایالت های آمریکا از وقفه ایجاد شده راضی نیستند و برای نشان دادن مخالفت خود با توافق هسته ای ایران منتظر بازگشایی کنگره نخواهند بود. از این رو، ایالت «میشیگان» با طرح دو قطعنامه ضد ایرانی اهرم فشار خود را بر دولت واشنگتن سنگین تر کرده تا به سهم خود مانع از تصویب «برجام» در کنگره آمریکا شود. علاوه بر این، مجلس نمایندگان ایالتی در جهتی پیش می رود که حتی در صورت موافقت کنگره با توافق هسته ای ایران، ایالت میشیگان از اختیارات قانونی خود برای ادامه تحریم ها علیه این کشور استفاده کند.

«تیم کلی» نماینده ایالتی میشیگان از حزب جمهوری خواه که یکی از دو قطعنامه ضد ایرانی را مطرح کرده



- عراق در مسیر اصلاحات
- گفتگو با «شیخ نعیم قاسم» معاون دبیر کل حزب الله
- اردن طعمه جدید داعش؛ هزینه بازیگری در جغرافیای شیعه
- فاجعه انسانی در کفریا و فوعه

خاورمیانه و شمال آفریقا

دبیران: سمیه خمارباقی
رامین حسین آبادیان

گفتگو با «شیخ نعیم قاسم»:

مقاومت حزب الله در سوریه توطئه خاورمیانه بزرگ را به شکست کشاند

کشور را کاهش داده است. شیخ نعیم قاسم با بیان این مطلب افزود: حزب الله لبنان همواره برای جلوگیری از تفرقه و اختلاف در لبنان تلاش می کند و همواره بر وحدت اسلامی و همکاری گروه ها و جریان های مختلف تاکید کرده است لذا بر این مینا گفتگوها با جریان مستقل تا زمان دستیابی به نتایج ادامه دارد.

معاون دبیر کل حزب الله لبنان درباره وضعیت نیروهای مقاومت حزب الله لبنان در نبرد با تروریست های تکفیری در سوریه نیز تصریح کرد: مقاومت اسلامی حزب الله در سوریه هم اکنون در وضعیت خوبی بسر می برد و حامی ارتش سوریه است، نیروهای مقاومت به مقابله با تروریست

معاون دبیر کل حزب الله لبنان اظهار داشت که مقاومت حزب الله لبنان در سوریه توطئه تشکیل خاورمیانه بزرگ را با شکست مواجه کرد.

شیخ نعیم قاسم معاون دبیر کل حزب الله لبنان درباره روند گفتگوهای جریان مستقل حزب الله لبنان اظهار داشت: این گفتگوها ادامه دارد و باعث جلوگیری از بسیاری اختلافات و کینه های مذهبی شده است.

وی در ادامه افزود: در حقیقت نشست های نمایندگان حزب الله و جریان مستقل گفتگوهای مهمی به شمار می رود. صحیح است که ما درباره موضوعات مختلف مورد مناقشه تاکنون به توافقی دست نیافته ایم اما خود این گفتگوها اختلافات مذهبی در

گفتگو با خطیب جمعه نجف:

«مرجعیت» عراق را از سقوط نجات داد/نقش بارز نیروهای مردمی

گفتگو: فاطمه در خشان

خطیب نماز جمعه نجف اشرف با بیان اینکه تاکنون ۲۵ درصد از مناطق تحت اشغال داعش با کمترین شرایط موجود به دست نیروهای مردمی عراق پاکسازی شده است تاکید کرد: فتوای مرجعیت، عراق را از سقوط حتمی نجات داد. خرداد ماه سال گذشته تروریستهای داعش شهر موصل، دومین شهر بزرگ عراق را تحت اشغال خود در آوردند و از آن روز به بعد با وجود تشکیل ائتلافی نمایشی از سوی آمریکا علیه این گروه تروریستی، دامنه فعالیت های داعش در عراق و حتی سوریه گسترده تر شد.

«سید صدرالدین قیانتچی» خطیب جمعه نجف اشرف در خصوص بحران عراق و نقش نیروهای مردمی در این بحران گفت: داعش در حال تلاش برای براندازی و سقوط عراق جدید است. در واقع این پدیده نماینده گروهی است که در حال تلاش برای ایجاد هیمنه در منطقه و تحمیل نقشه سیاسی جدید طبق دستور کار خارجی است که به اعتقاد من آمریکا پس پرده همه این مسائل قرار دارد. وی گفت: داعش در تلاش است با نفوذ در منطقه و ایجاد آنچه که خود از آن با عنوان دولت اسلامی عراق و شام یاد می کند، «اسلام تروریستی» را نشان دهد و به این ترتیب تصویری اشتباه و تحریف شده از اسلام به نمایش بگذارد.

سید قیانتچی افزود: با این حال داعش در ادامه لشکرکشی های خود به نیروهای مردمی که در عراق «حشد شعبی» نامیده می شود برخورد کرد. حشد شعبی در واقع برخاسته از فتوای مرجعیت عراق در نجف اشرف و اعلام بسیج عمومی و جهاد کفایی در عراق صورت گرفت. لذا نیروهای مردمی سد مستحکمی را مقابل پیشروی و نفوذ تروریستهای داعش



خاورمیانه بزرگ که تحقق آن از سوریه می گذرد را با شکست مواجه کنیم. وی اظهار داشت: دشمنان باید بدانند هر اندازه که جنگ در سوریه طولانی شود راهی جز پذیرش راهکار سیاسی برای حل بحران سوریه وجود ندارد لذا آنها باید به این موضوع بازگردند.

های تکفیری در سوریه می پردازند و در این زمینه دستاوردهای بسیاری کسب کرده اند. شیخ نعیم قاسم عنوان کرد: اگر وضعیت کنونی سوریه را با چند سال قبل مقایسه کنیم می بینیم اوضاع به طور کامل فرق کرده است و ما توانستیم مرحله سرنگونی نظام سوریه را از بین ببریم و توطئه تشکیل

گفتگو: سمیه خمارباقی

و سوء استفاده های بسیاری که به سبب حضور عوامل رژیم گذشته عراق در درون ارتش این کشور وجود داشت، مقدمات ضعف و شکست این ارتش فراهم شد.

سید قیانتچی در ادامه تصریح کرد: حشد شعبی در واقع قوی ترین نیروی نظامی عراق و همچنین از قوی ترین نیروهای مردمی منطقه است.

وی افزود: حشد شعبی برای کامل شدن نیاز به آموزش، ساماندهی بیشتر و کمک تسلیحاتی دارد که تحقق همه اینها طبیعتاً به زمان نیاز دارد. اما ما در زمان بسیار کوتاه توانستیم ۲۵ درصد از مناطقی را که تحت سیطره داعش بود آزاد کنیم و این امر در حالی صورت گرفت که آمریکا اعلام کرده بود که به ۲۰ سال زمان برای مقابله با داعش نیاز دارد.

حجت الاسلام سید قیانتچی در پاسخ به سوالی در خصوص نقش مرجعیت عراق در مقابله با تروریسم و اصلاحات سیاسی در این کشور گفت: مرجعیت دینی در نجف اشرف نقش های متعددی را در عرصه های مختلف عراق ایفا کرده است: در وهله اول، مرجعیت بحران و جنگ را در عراق در مسیر درستی هدایت کرد. همواره تلاشی برای ایجاد فتنه های طایفه ای میان شیعه و سنی در عراق وجود داشته و دارد. چنانکه اتفاقی که در سال ۲۰۰۵ میلادی در خصوص تخریب گنبد بارگاه امامین عسکریین رخ داد، با هدف برافروختن آتش درگیریهای طایفه ای و مذهبی بود، اما مرجعیت همواره ضمن اعلام هشدار در این خصوص، توانست آتش فتنه های خارجی را خاموش کند.

وی اظهار داشت: مرجعیت عراق همچنین در زمانی که داعش وارد این کشور شد و نینوا را به اشغال خود درآورد وارد صحنه شد. از آنجا که ارتش عراق توانایی لازم برای مقابله با داعش را نداشت، مرجعیت با اعلام جهاد کفایی، توانست بیشترین آمادگی ممکن را در برابر داعش ایجاد کرده و شمار زیادی از نیروهای مردمی در پاسخ به ندای مرجعیت لبیک گفته و آماده جهاد علیه داعش شدند و نقشه های این گروه تروریستی را خنثی کردند.

خطیب نماز جمعه نجف تاکید کرد: فتوای مرجعیت توانست عراق را از سقوط حتمی نجات دهد. وی در پایان افزود: مرجعیت نقش گسترده ای را چه در زمینه اصلاحات سیاسی و چه در زمینه مبارزه با تروریسم، ایفا می کند.



در عراق ایجاد کردند، تروریست هایی که سودای سقوط بغداد و سیطره بر پایتخت را در سر می پروراندند. وی گفت: این در حالی است که به وضوح می بینیم که حشد شعبی این روزها به شکل آشکاری در حال وارد کردن ضربات سنگین به تروریست های داعش و براندازی این پدیده در عراق است. در واقع، داعش امروز شاهد شکست تدریجی خود به دست نیروهای مردمی در عراق و چه بسا در دنیا است.

خطیب نماز جمعه نجف گفت: امروز شاهد آن هستیم که طرح داعش در عراق با شکست مواجه شده است. برخی خیال واهی آن را دارند که داعش در منطقه ماندگار است. کارزار کنونی میان داعش و عراق یک جنگ سرنوشت ساز است که به لطف خدا، با پیروزی عراق و نیروهای مردمی پایان خواهد یافت.

وی تصریح کرد: ارتش عراق قدرت لازم را برای مقابله با داعش ندارد. این ارتش نیازمند آموزش های نظامی و بازنگری در ساختار خود است چرا که به دنبال خیانت ها



۱۳- دستگیری ۶۰۰ نفر از طرفداران جریان‌های سلفی و محاکمه ۱۵۰ نفر از آنان، نشانه دیگری از نفوذ جریان‌های تندرو در اردن است.

۱۴- نکته مهم اینکه گسترش مرزهای داعش و نزدیکی آن به مرزهای اسرائیل، تأمین کننده امنیت داعش است. در صورتیکه این سازمان با اسرائیل هم‌مرز شود، این امکان برای داعش فراهم می‌شود که در صورت حمله کشورهای غربی به مواضع داعش، نیروهای داعش نیز به منافع غرب از جمله اسرائیل آسیب برسانند، و از این طریق عاملی بازدارنده برای حملات هوایی کشورهای غربی فراهم کنند.

۱۵- داعش در عراق و سوریه با مانعی بنام «نیروهای مردمی» روبرو شده و در دو جبهه شیعی و کردی فشارهای زیادی بر این گروه وارد شده و با توجه به اینکه اردن به نسبت عراق و سوریه از جمعیت کمتری برخوردار است، داعش راحت‌تر می‌تواند خودنمایی کند، مقاومت مردمی اردن هم از شدت کمتری برخوردار است.

۱۶- حمله عقیدتی و ایدئولوژیکی به اردن از جانب داعش صورت گرفته و این گروه در شرق اردن از طرفداران زیادی برخوردار است و این ماجرا حمله نظامی را آسان‌تر می‌کند.

۱۷- تسلط داعش بر الانبار در عراق و تدمر در سوریه، شرایط خوبی را برای حمله به اردن فراهم کرده است.

۱۸- داعش انگیزه بالایی برای تصرف منطقه «معان» دارد چرا که این منطقه از استعداد بالایی برای جذب نیروهای سلفی برخوردار است. جنبش‌های جهادی نیز بارها از تبدیل این منطقه به مرکز جذب جریان‌های سلفی تأکید کرده‌اند.

۱۹- داعش بعد از تسلط بر تجهیزات نظامی ارتش عراق از جمله ۶ تانک و ۱۰۰ ماشین زره پوش از الرمادی و همچنین دریافت مقادیر زیادی سلاح از ترکیه پس از عقب‌نشینی ارتش سوریه از تدمر، از شرایط خوبی برای جنگ با اردن برخوردار است.

فؤاد السویدی در ادامه مقاله خود آورده است: برآیند فشار نیروهای مقاومت و مردمی در ۲ کشور سوریه و عراق، داعش را مجبور ساخته بدنبال عمق استراتژیک جدیدی در منطقه باشد که بتواند عقبه خود را گسترش دهد. به همین جهت اردن مناسب‌ترین گزینه مطرح است. حمله برق آسای داعش به اردن می‌تواند با اقبال نسبی بخشی از بافت اجتماعی اردن همراه شود. بنابراین تجربه داعش در اشغال موصل از یکطرف، ضعف جمعیتی، نظامی و امنیتی اردن از طرف دیگر، فشار روز افزون نیروهای مقاومت در عراق و سوریه بر گروه‌های شبه نظامی از سوی دیگر، فتح جبهه جدید اردن توسط داعش را در اذهان محتمل کرده است.

۱- گرایش بسیاری از جوانان اردنی به «داعش»، فضایی مناسب برای فعالیت در این کشور فراهم کرده است. جوانانی که از رفتار دولتمردان خود سرخورده شده‌اند



النشره تحلیل کرد:

اردن طعمه جدید داعش/هزینه بازیگری در جغرافیای شیعه

درون به اردن وارد و شرایط را برای حمله از بیرون فراهم کند.

۷- جنگ در عراق و سوریه فرسایشی شده و کارایی داعش را پایین آورده و تحقق پیروزی را برای آنها در دو کشور سخت کرده است. یکی از فاکتورهای اصلی داعش برای پیروزی در نبردها، اصل غافلگیری است و با فرسایشی شدن جنگ تجربه و مهارت نیروهای عراقی و سوری، اصل غافلگیری را برای داعش به مشکل تبدیل کرده و در نتیجه کسب پیروزی را سخت‌تر از گذشته نموده است.

۸- اردن یکی از ۱۰ کشوری بود که آمادگی خود را برای مشارکت در جنگ با داعش اعلام کرد و این امر کینه طرفداران داعش را در اردن را برانگیخته است.

۹- در سالهای اخیر، استان معان در جنوب اردن شاهد رشد چشمگیر جریان‌های تندرو بوده و در راهپیمایی سال گذشته شاهد نمایش پرچم سیاه رنگ داعش بودیم. شرکت کنندگان با در دست داشتن این پرچم و سردادن شعار برداشتن مرزهای سایکس پیکو، مهر تأییدی بر تفکرات و اقدامات داعش زدن.

۱۰- سرنگونی حکومت عبدالله دوم به هدفی برای داعش تبدیل شده است.

۱۱- نیروهای نظامی سوریه و عراق از مرزهای اردن فاصله گرفته‌اند و شرایط برای حمله به اردن بیش از قبل مهیا شده است.

بهترین انگیزه را برای فعالیت در این گروه دارند.

۲- بحران اقتصادی، نرخ بالای بیکاری، بالا رفتن میزان بدهی اردن، افزایش شکاف میان فقیر و غنی، شرایط داخلی اردن، همگی در گرایش افکار عمومی به داعش موثر بوده و فضای عمومی برای پذیرش آن را مهیا کرده است.

۳- داعش می‌تواند به راحتی جبهه‌های مختلفی را برای اشغال اردن باز کند و این امر یک امتیاز برای این گروه به نسبت سایر دولت‌های منطقه محسوب می‌شود.

۴- داعش انگیزه کافی برای مبارزه و انتقام از حکومت اردن دارد، اردن با حملات هوایی بیش از ۷ هزار نفر از اعضای داعش را کشته و بسیاری از توانایی‌های آنها را از بین برده است.

داعش نیز در پیام ویدیویی خود نیز تهدید کرد که اردن را به تلی از خاک تبدیل خواهد کرد، حتی تصاویری از اهتزاز پرچم خود در استان معان را نیز در همین راستا منتشر کرد. منابع اطلاعاتی نیز از دستور ابوبکر البغدادی سرکرده داعش به نیروهای تحت فرمانش در عراق و سوریه برای تدارک حمله گسترده به اردن و سرنگونی عبدالله دوم خبر می‌دهند و این می‌تواند در آینده نزدیک اتفاق بیفتد.

۵- شرایط جغرافیایی و طبیعی اردن، بیابانی و دشت بودن قسمت اعظم آن و فقدان موانع طبیعی، امتیازی دیگر برای داعش محسوب می‌شود چرا که به پیشروی سریعتر این سازمان در اردن کمک خواهد کرد.

۶- بر اساس آمارها، اردن دومین تأمین کننده نیروی انسانی داعش است. این امر نیز نقطه ضعف دیگری برای این کشور در روبرویی با داعش محسوب می‌شود. داعش با بکارگیری از این ظرفیت می‌تواند ضربات مهلکی را از

«فؤاد السویدی» بازنشته نظامی با انتشار مقاله‌ای در پایگاه خبری النشره لبنان، تحرکات اخیر و برنامه‌های آینده گروهک تروریستی تکفیری داعش را بررسی کرد.

سویدی در این مقاله می‌نویسد: بی‌تردید فاز جدید عملیات نیروهای ارتش سوریه و عراق با همکاری نیروهای دفاع مردمی، تحولات جدیدی را در صحنه میدانی رقم زده است، ارتش‌های مقاومتی بعد از مدت‌ها گسستگی و اختلاف در عملیات‌ها، امروز به یک وحدت نسبی رسیده‌اند و ضربات سختی را بر پیکر داعش وارد ساخته‌اند به گونه‌ای که جایگاه این گروه مسلح در سوریه و عراق تضعیف شده و اعضای داعش روحیه خود را باخته‌اند.

نویسنده با تأکید بر اینکه داعش جغرافیای سیاسی خاورمیانه را تغییر داده، معتقد است: داعشی که با اشغال بخشی از سرزمین یک کشور، اقتدار حاکمیتی آن را به چالش کشید و نفوذ دولت را در آن پهنه جغرافیایی از بین برد، امروزه دریافته که بازیگری در جغرافیای شیعه کار بسیار پرهزینه‌ای است و توانایی بالایی لازم دارد.

اکنون سرکردگان داعش در مناطق مختلف سوریه و عراق به این نتیجه رسیده‌اند که برای خروج از رکود و رشد مضاعف و همچنین بالابردن روحیه سربازان، به فضایی جدید نیاز دارند. فتح جبهه جدید، فضای سیاسی جدیدی ایجاد می‌کند و روحیه و انگیزه نیروها را افزایش داده و روند سربازگیری را سرعت می‌بخشد.

نویسنده در ادامه با طرح این سوال که بهترین مقصد برای فتح جبهه جدید داعش و انتقال جنگ و قدرت به آنجا، کجاست، نوشته است: اگر فرض بر این باشد که هیچ دولتی در خاورمیانه بویژه دولت‌های ضعیف از تهدیدات داعش مصون نخواهد ماند، این بار اردن می‌تواند مقصد جدیدی برای یورش برق آسای داعش باشد.

این بازنشته نظامی در پاسخ به این سوال که چرا داعش ممکن است اردن را اشغال کند، به نقل از فرماندهان میدانی داعش ۱۹ دلیل برای این حادثه برشمرده که مورد تأیید دستگاه‌های اطلاعاتی منطقه نیز است. که بطور خلاصه به شرح ذیل است:

حمله برق آسای داعش به اردن می‌تواند با اقبال نسبی بخشی از بافت اجتماعی اردن همراه شود. بنابراین تجربه داعش در اشغال موصل از یکطرف، ضعف جمعیتی، نظامی و امنیتی اردن از طرف دیگر، فشار روز افزون نیروهای مقاومت در عراق و سوریه بر گروه‌های شبه نظامی از سوی دیگر، فتح جبهه جدید اردن توسط داعش را در اذهان محتمل کرده است.

۱- گرایش بسیاری از جوانان اردنی به «داعش»، فضایی مناسب برای فعالیت در این کشور فراهم کرده است. جوانانی که از رفتار دولتمردان خود سرخورده شده‌اند



گزارش بین الملل؛

نسل کشی تدریجی شیعیان سوری در ادلب / فاجعه انسانی در کفریا و فوعه

با وجود گذشت چهار ماه از محاصره دو شهر شیعه نشین «فوعه» و «کفریا» ادلب سوریه توسط تروریست‌های تکفیری، سکوت سازمان ملل و نهادهای جهانی حقوق بشری در این خصوص همچنان ادامه دارد. چهار ماه از محاصره دو شهر شیعه نشین «فوعه» و «کفریا» واقع در استان ادلب سوریه می‌گذرد، اما خبری حتی درباره احتمال شکسته شدن این محاصره و امدادسانی به زنان و کودکان بی‌گناه ساکن در این شهرها مخابره نمی‌شود. علاوه بر این، سازمان ملل و نهادهای جهانی حقوق بشری چشمان خود را بر وضعیت فاجعه بار ۵۰ هزار ساکن این شهرها بسته و از انجام هرگونه اقدام برای پایان دادن به محاصره آنها توسط تروریست‌های تکفیری امتناع می‌کنند. شهرهای شیعه نشین «کفریا» و «فوعه» در استان ادلب در شمال غرب سوریه قرار دارند. استان ادلب هم‌مرز با ترکیه بوده و فاصله فوعه و کفریا با مرزهای ترکیه نیز تنها ۳۰ کیلومتر است. از سوی دیگر، این دو شهر شیعه نشین حدود ۳ کیلومتر با یکدیگر فاصله دارند. شهر «بنش» که از زمان آغاز بحران سوریه از جمله مناطق ملتهب و کانون درگیری‌ها محسوب می‌شود، در جنوب شهر فوعه واقع شده است. شهر کفریا نیز در کنار شهر «معره مصرین» قرار گرفته که مانند شهر «بنش» تحت سیطره گروه‌های تروریستی-تکفیری است. موقعیت جغرافیایی این دو شهر، تروریست‌های تکفیری را بر آن داشت تا پس از سلسله ناکامی‌های گذشته در روستاهای شیعه نشین «نبیل» و «الزهرا» در حلب، به فکر اشغال آنها بیافتند. نزدیکی شهرهای «کفریا» و «فوعه» به مرزهای ترکیه، موجب شد تا تکفیریها تصرف این دو شهر را چندان سخت تصور نکنند. با این وجود، مقاومت

شدید مردم فوعه و کفریا آنها را در تحقق هدف خود ناکام گذاشت. شکست گروه‌های تروریستی تکفیری در تصرف فوعه و کفریا آنها را بر آن داشت تا با تحت فشار قرار دادن شیعیان، آنها را وادار به تسلیم کنند یا حداقل با تضعیف آنان اشغال این شهرها را تسهیل کنند. در این راستا این گروه‌ها ضمن قطع کامل خطوط انتقال آب و برق و گاز، از ورود هرگونه مواد غذایی، دارویی و امدادسانی به شیعیان کفریا و فوعه جلوگیری می‌کنند. تروریست‌های تکفیری تحت حمایت قطر، عربستان، ترکیه، آمریکا و کشورهای غربی تاکنون ثابت کرده‌اند که در جنایت‌های خود تفاوتی میان شیعیان و اهل تسنن قائل نیستند. بر همین اساس نمی‌توان علت یورش گسترده آنها به شهرهای شیعه نشین «کفریا» و «فوعه» را ایدئولوژیک دانست. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران منطقه‌ای انگیزه تروریست‌های تکفیری از یورش گسترده به این شهرها، «انتقام‌جویانه» بوده است، زیرا مردم کفریا و فوعه در طول چهار سالی که از آغاز بحران سوریه می‌گذرد همواره در کنار ارتش این کشور بوده‌اند و در بسیاری از موارد نیز در قالب گروه‌های مردمی به مقابله با تکفیریها پرداخته‌اند. از جمله دیگر اهداف تروریست‌های تکفیری برای اشغال دو شهر شیعه نشین «کفریا» و «فوعه» را می‌توان در موقعیت جغرافیایی آن جستجو کرد. با توجه به اینکه این دو شهر در استان ادلب واقع شده‌اند؛ استانی که از غرب به استان لاذقیه، از جنوب به استان حماه و از شرق به استان حلب می‌رسد، تسلط کامل بر این دو شهر می‌تواند به مثابه تسلط بر تمامی نقاط استان ادلب تلقی شود. علاوه بر این هم مرز بودن استان ادلب با ترکیه نیز یکی دیگر از عوامل جغرافیایی است

که تکفیریها را مجاب به اشغال این دو شهر کرده است. تکفیریها تلاش می‌کنند برای تضعیف مقاومت مردم شیعه نشین ادلب از استراتژی خود در تعامل با شیعیان روستاهای «نبیل» و «الزهرا» حلب بهره ببرند؛ استراتژی که البته تاکنون نتیجه ندهاده است و نتوانسته مقاومت شیعیان را در هم بشکند. در حال حاضر کمبود مواد غذایی و دارویی، شهرهای «فوعه» و «کفریا» ادلب را در معرض وقوع یک فاجعه انسانی بزرگ قرار داده است. تروریست‌های تکفیری تمامی راه‌های امداد رسانی به مردم ساکن این شهرها را مسدود کرده و اجازه ورود هیچگونه مواد غذایی و دارویی به آن را نمی‌دهند. با این وجود، شورای امنیت سازمان ملل طی چهار ماهی که از محاصره شیعیان ادلب سوریه می‌گذرد، حتی یک قطعنامه نیز در محکومیت این اقدام صادر نکرده است. با توجه به اوضاع انسانی ناگوار حاکم بر این دو شهر می‌توان گفت که در حال حاضر شاهد مرگ تدریجی شیعیان در ادلب هستیم. در این میان اما، نمی‌توان از نقش گسترده دستگاه‌های اطلاعاتی ترکیه در حمایت از تکفیریها برای اشغال «کفریا» و «فوعه» غافل شد. بدون شک اگر تروریست‌های تکفیری از حمایت‌های گسترده ترکیه برخوردار نبودند، قادر نبودند در مقابل مقاومت تاریخی شیعیان حلب و ادلب دوام بیاورند. کمک‌های لجستیکی آنکارا موجب شده است تا تکفیریها به جنایت خود علیه شیعیان سوری ادامه دهند. بر اساس اسناد موجود - که البته قابل انکار نیستند - تمامی عملیات‌های گروه‌های تروریستی در استانهای شمالی سوریه مانند «حلب» و «ادلب» به صورت مستقیم تحت

نظارت و مدیریت سرویس اطلاعاتی ترکیه سازماندهی می‌شود. کارشناسان بر این باورند که حمله گسترده داعش به ادلب با هدف اشغال برخی از مناطق تحت کنترل ارتش سوریه در این استان به منظور تشکیل امارت به اصطلاح اسلامی، مشابه تلاش تکفیریها برای تشکیل ولایت‌هایی برای خود در مناطق مختلف عراق، یمن، لیبی و مصر است. رژیم آل سعود نیز نقش بسزایی در حمایت از تروریست‌های تکفیری برای نسل‌کشی شیعیان استان حلب سوریه ایفا کرد. این رژیم که همواره شیعیان در سراسر جهان را تهدیدی برای منافع خود دانسته و می‌داند، با ارائه کمک‌های مالی هنگفت به تروریست‌ها تلاش کرد تا ضربه مهلکی بر پیکره شیعیان ادلب وارد آورد. قطر نیز از جمله دیگر کشورهای حامی تروریست‌های تکفیری در شهرهای کفریا و فوعه است. تحلیلگران و کارشناسان مسائل سیاسی خاورمیانه معتقدند با توجه به تشدید بحران انسانی در شهرهای کفریا و فوعه از یک سو و گسترده شدن حملات سنگین تکفیریها به نقاط مختلف این دو شهر از سوی دیگر، فوعه و کفریا در معرض یک نسل‌کشی بزرگ قرار دارند. کانون اصلی حملات تروریست‌های تکفیری در این شهرها، مزارع بروما واقع در شرق آنهاست. در حال حاضر شمار زیادی از تروریست‌های جبهه النصره در حال نبرد با نیروهای مردمی کفریا و فوعه هستند. در هر صورت، ادامه محاصره شهرهای کفریا و فوعه در ادلب سوریه موجب شده اهالی این شهرها با اوضاع انسانی و معیشتی فاجعه‌باری مواجه باشند. آنها برای تامین نیازهای غذایی خود به کاشت سبزیجات و صیفی‌جات روی آورده‌اند، با این حال اگر محاصره به درازا بکشد با بحران تامین مواد غذایی رو به رو خواهند شد. ارتش سوریه اگرچه تاکنون تلاش کرده از طریق هوایی نیازهای غذایی و دارویی مردم را تامین کند، اما جمعیت زیاد این دو شهر موجب می‌شود تا این کمک‌ها چندین مؤثر نباشد. از آنچه درباره وضعیت معیشتی فوعه و کفریا گفته شد، می‌توان به وضعیت بهداشتی و درمانی این دو شهر نیز پی برد. هم‌اکنون بیمارستان تخصصی واقع در کفریا و فوعه به دلیل ادامه محاصره با کمبود دارو و تجهیزات پزشکی مواجه هستند. به این وضعیت باید مداوای افراد آسیب دیده بر اثر حملات خمپاره‌های گروه‌های تکفیری را نیز افزود که نیاز به مداوای فوری دارند و نبود امکانات و تجهیزات پزشکی و دارویی شرایط را بیش از پیش برای اهالی سخت می‌کند. صرف نظر از محاصره‌ای که شیعیان فوعه و کفریا در آن بسر می‌برند و در صورت تداوم فاجعه‌های انسانی به بار خواهد آورد، تصرف این دو شهر توسط تروریست‌های جبهه النصره و جیش الفتح نیز به نوبه خود فاجعه انسانی در پی خواهد داشت که بسیار بزرگ‌تر از فاجعه اول خواهد بود، به خصوص اینکه این دو شهر دارای جمعیت بالایی هستند و دشمنی تکفیریها نسبت به شیعیان بر کسی پوشیده نیست. در چنین شرایطی لازم به نظر می‌رسد که اقدامی فوری برای نجات نزدیک به ۵۰ هزار انسان بی‌گناه صورت گیرد، در غیر این صورت و در صورت سقوط فوعه و کفریا باید در انتظار فاجعه بشری بزرگی در سوریه باشیم.



گزارش بین الملل؛

مرگ تدریجی رؤبای ترکیه در سوریه / چرایی کاهش حمایت آل سعود از داعش

اسد بستگی دارد و از سوی دیگر هزینه هایی که آنها طی این چند سال برای تحقق این امر متحمل شده اند، آنان را بیش از پیش به ادامه راهی که انتخاب کردند، مصمم می کند.

پس از تحولات شهر کردنشین عین العرب سوریه (کوبانی)، زنگ خطر زمانی برای دولت ترکیه به صدا در آمد که نیروهای کرد شهر استراتژیک تل ابیض را از کنترل داعش خارج کرده و بر آن مسلط شدند. همین مسأله موجب نگرانی دولت آنکارا از قدرت یافتن کردها در مرزهای مشترک سوریه و ترکیه را فراهم آورد. «جب طیب اردوغان» رئیس جمهور ترکیه ضمن ابراز نگرانی از حوادث شهر استراتژیک تل ابیض تصریح کرد، جامعه جهانی باید نگرانی ها و حساسیت های دولت آنکارا در

قبال تحولات تل ابیض را درک کند. نگرانی و هراس دولت آنکارا از قدرت یافتن کردها در مرزهای مشترک سوریه و ترکیه موجب شد که این دولت تا حدود زیادی از حمایت های تروریست های تکفیری در سوریه دست کشیده و تلاش خود را بر روی سرکوب کردها در مرزهای سوریه و عراق متمرکز کند. به عبارت دیگر، دولت آنکارا بیش از آنکه از بقای دولت بشار اسد احساس خطر کند، قدرت یافتن کردها و تشکیل اقلیم مستقل توسط آنها را خطری بزرگ برای خود تلقی می کند. بدین ترتیب طبیعی به نظر می رسد که سیاست های اردوغان که همواره طی این چهار سال بر پایه حمایت از داعش برای سرکوب بشار اسد استوار بود اخیراً بر مبنای سرکوب کردها پایه ریزی شده باشد. درست به همین دلیل دولت ترکیه تا حدود زیادی از حمایت های لجستیکی خود از تکفیری های سوریه فاصله گرفته و مشغول سر و سامان دادن به وضعیت کردها با تکیه بر «سیاست های اردوغانی» است.

انفجار تروریستی اخیر در شهر کردنشین «سوروج» واقع در مرزهای مشترک سوریه و ترکیه می تواند نمونه ای از تلاش ترکیه برای سرکوب کردها و فاصله گرفتن آن از ادامه حمایت های خود از تروریست ها در سوریه باشد. در جریان این انفجار

هراس آنکارا از قدرت یافتن کردها در مرزهای سوریه و ترکیه و همچنین نگرانی رژیم آل سعود از افتادن حیاط خلوتش - یمن - به دست نیروهای مردمی، موجب شده تا حمایت های این دو از تکفیریها در سوریه کاهش یابد.

بیش از چهار سال پیش بحران سوریه با حمایت های گسترده کشورهای نظیر عربستان، ترکیه، قطر و امارات آغاز شد. بحرانی که هم اکنون نیز ادامه دارد و بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس و همچنین کشورهای غربی برای ادامه آن تمام توان خود را به کار بسته اند. در این میان آنچه که به چشم می خورد کاهش حمایت های دو عامل اصلی بروز بحران سوریه یعنی عربستان و ترکیه و تداوم آن است. کشورهایی که از هیچ حمایتی اعم از مالی، تسلیحاتی و لجستیکی از تروریست های تکفیری داعش دریغ نکردند. دولت آنکارا از یک سو با باز نگاه داشتن مرزهای خود به روی تروریست های تکفیری و از سوی دیگر از طریق ارسال تسلیحات برای آنها در سوریه تمام تلاش خود را برای سرنگونی دولت مشروع و قانونی بشار اسد انجام داد. عربستان سعودی نیز که همواره محور مقاومت را در تضاد کامل با منافع و مصالح خود در منطقه دیده و می بیند، از فرصت به دست آمده در سوریه استفاده کرده و کمک های مالی فراوانی را به تروریست های مستقر در این کشور ارائه کرد. اما اکنون، نگاهی گذرا به آخرین تحولات سوریه نشان می دهد که دیگر خبری از حمایت های گسترده و همه جانبه ترکیه و عربستان از تروریست های تکفیری داعش در سوریه نیست. نه حمایت های لجستیکی آنکارا به چشم می آید و نه دلارهای نفتی عربستان سعودی که گاه و بی گاه برای تکفیریها در سوریه فرستاده می شد. البته این به معنای توقف کامل حمایت های محور عربستان، ترکیه و قطر از تروریست های تکفیری در سوریه نیست و بسیار ساده انگارانه به نظر می رسد که کسی گمان کند این حمایت ها به طور کامل قطع شده اند. چراکه از یک سو منافع بلند مدت آنکارا و ریاض در منطقه به سقوط دولت بشار

علاءالدین بروجردی در گفتگو با العهد: درخواست برکناری بشار اسد خلاف رأی مردم سوریه است



رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در گفتگو با یک رسانه عربی با تأکید بر اینکه بشار اسد برآمده از آرای ملت سوریه است، تصریح کرد: درخواست برای کناره گیری اسد بر خلاف اصول دموکراسی است.

«علاء الدین بروجردی» رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در گفتگو با پایگاه لبنانی «العهد» تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران از آغاز بحران سوریه همواره به حل سیاسی آن اعتقاد داشته و با هرگونه راه حل نظامی در این کشور مخالف بوده است.

وی ادامه داد: آمریکا به همراه هم پیمانان منطقه ای خود و همچنین غربی ها اقدام به حمایت های مالی و تسلیحاتی از تروریست ها در سوریه کرده و می کنند.

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با اشاره به شکست برنامه های نظامی آمریکا و غرب در سوریه اظهار داشت: شکست آمریکا و هم پیمانانش در انجام اقدام نظامی علیه سوریه موجب شده تا آنها امروز از مواضع پیشین خود عقب نشینی کرده و راه حل سیاسی در این کشور را بر راه حل نظامی ترجیح دهند. بروجردی همچنین با بیان اینکه مخالفان داخلی سوریه نیز باید از درخواست برای کناره گیری بشار اسد دست بکشند، تصریح کرد: درخواست برای کناره گیری اسد از قدرت بر خلاف اصول دموکراسی است، زیرا وی برآمده از آرای مردم است.

وی در پایان نیز یادآور شد: یافتن هرگونه راه حل برای بحران سوریه باید در داخل این کشور صورت گیرد، چرا که نمی توان سرنوشت ملت سوریه را در ژنو یا هر مکان دیگری تعیین کرد. گفتنی است، اعضای شورای امنیت روز دوشنبه بعد از پایان نشست خود در مورد سوریه با صدور بیانیه ای موافقت خود را با طرح استنفان دی میستورا اعلام کردند. این بیانیه اولین سند شورای امنیت در مورد حل و فصل بحران سوریه است که تمام اعضای شورا با آن موافقت می کنند.

در این بیانیه آمده است: شورای امنیت از راهکار ارائه شده توسط فرستاده ویژه حمایت می کند، این راهکار مبتنی بر مذاکرات سیاسی و اجرای اصلاحات سیاسی بر اساس بیانیه ژنو از طریق ایجاد ۴ کارگروه است. فرستاده ویژه سازمان ملل به سوریه، ۲۹ جولای پیشنهادی مبتنی بر ۴ محور اصلی را به شورای امنیت ارائه کرده بود.

محورهای این پیشنهاد عبارتند از امنیت و سلامت شامل پایان بخشیدن به محاصره و تضمین رسیدن کمک های پزشکی، مسائل سیاسی و مربوط به قانون اساسی مثل تشکیل شورای انتقالی و برگزاری انتخابات، مسائل نظامی و امنیتی شامل مبارزه با تروریسم و آتش بس و در نهایت ایجاد نهادهای عمومی و توسعه با تمرکز بر بازسازی سوریه.



بیش از ۳۰ نفر کشته و ۱۰۰ تن دیگر به شدت مجروح شدند. دولت ترکیه داعش را عامل این حمله معرفی کرده و به بهانه مبارزه با آن در تجاوزی آشکار مناطقی در سوریه را بمباران کرد. تحولات اخیر ترکیه پس از این انفجار نشان داد که کردها معتقدند با وجود اینکه تروریست های تکفیری داعش مسئولیت این انفجار را بر عهده گرفته اند، اما بعید به نظر نمی رسد که دستگاه های اطلاعاتی ترکیه، خود عامل وقوع این اقدام تروریستی بوده باشند. آنها بر این باورند که ترکیه با برنامه ریزی برای وقوع این انفجار دو هدف اصلی را دنبال کرده است:

۱- ضربه زدن به کردها و تضعیف جایگاه آنها به ویژه در زمانی که «احمد داود اوغلو» در جلب رضایت حزب کرد «جمهوریخواه خلق» برای تشکیل دولت ائتلافی ناکام مانده است.

۲- مشروعیت بخشیدن به تجاوز آشکار خود به سوریه تحت عنوان «مبارزه با داعش».

دولت ترکیه هم اکنون از محبوبیت یافتن کردها نیز بسیار هراس دارد و احساس نگرانی می کند. این موضوع آنجا آشکار می شود که اعلام همبستگی با کردها به دنبال وقوع انفجار سورج حتی به پایتخت ترکیه یعنی آنکارا هم رسید؛ جایی که مردم در حمایت از کردها و اعلام همبستگی با آنها تظاهرات گسترده برپا کردند. این به معنای به صدا درآوردن زنگ خطر برای دولت آنکارا است. از همین رو می توان گفت که نگرانی های حزب عدالت و توسعه ترکیه و شخص رجب طیب اردوغان از قدرت یافتن کردها که گویا خواب را از چشمان وی گرفته، بیش از پیش افزایش یافته است. اردوغان هیچگاه تصور نمی کرد که حمایت های گسترده وی از تروریست های تکفیری به جایی برسد که کردها را در مسیر تشکیل یک اقلیم مستقل در مرزهای ترکیه قرار دهد. به همین دلیل امروز، وی حاضر شده تا حتی تا اطلاع ثانوی چشم به روی توافق خود با آمریکا برای آموزش نیروهای مسلح به منظور اعزام آنها به سوریه ببندد تا تدبیری برای حل معضل کردها بیاندیشد.

از سوی دیگر، حزب عدالت و توسعه پس از نتایجی که در جریان انتخابات پارلمانی اخیر به دست آورد - نتایجی که طی

مخالفتان دولت دمشق نیز بدون پاسخ نماند تاجایی که «رامی عبدالرحمن» رئیس دیده بان حقوق بشر سوریه که از جمله مخالفان اسد به شمار می رود به حملات ترکیه واکنش نشان داده و گفت: این حملات علامت های سوال بسیاری را در رابطه با اهداف آن بوجود آورده است. وی ادامه داد: سؤال اینجاست که چرا مقامات ترکیه تاکنون در قبال تحرکات داعش سکوت کرده و منتظر ماندند تا این گروه به خطر جدی علیه ترکیه تبدیل شود. این مقام سوری همچنین می افزاید: نکته ای که بیش از هر چیز دیگری قابل تأمل به نظر می رسد، این است که حملات جنگنده های ترکیه به مناطق تحت سیطره کردها صورت می گیرد و ما را برآن می دارد تا از جامعه جهانی سؤال کنیم اقدامات نظامی ارتش ترکیه در مبارزه با داعش صورت می گیرد یا کردهای سوریه؟

در آن سو نیز «سوری المالکی» معاون رئیس جمهور عراق در سخنانی ضمن محکومیت این حملات خواستار توقف هرچه سریعتر اقدام نظامی ترکیه در شمال عراق شد. رئیس اقلیم کردستان عراق نیز در تماس تلفنی با «احمد داود اوغلو» نخست وزیر ترکیه از وی خواست تا حملات به مواضع «پ ک ک» در مرزهای عراق متوقف شود. در کنار ترکیه که از حامیان اصلی تروریسم در سوریه به شمار می رود، رژیم آل سعود قرار دارد که طی چهار سال گذشته از هیچ حمایتی به ویژه حمایت های مالی از تکفیریها در سوریه دریغ نکرده است. رژیم آل سعود که سرمایه هنگفتی را برای سرنگونی دولت بشار اسد اختصاص داده است، هیچگاه تصور نمی کرد که در باتلاق یمن گرفتار و مجبور شود تا حدودی حمایت های خود از تکفیریها در سوریه را کاسته و به تحقق اهدافش در یمن مشغول شود. در حال حاضر دیگر تردیدی در این مورد که آل سعود در تحقق اهداف خود در یمن شکست خورده است، وجود ندارد.

می توان گفت که حملات سعودیهها به یمن با تصور تحقق سه هدف صورت گرفت:

۱- سرکوب نیروهای انصارالله یک بار برای همیشه در تاریخ یمن؛ ۲- بازگرداندن منصور هادی رئیس جمهوری مستعفی و فراری به

۱۲ سال گذشته بی سابقه بود و به منزله شکست برای این حزب تلقی شد - بسیار احساس ضعف می کند؛ به ویژه اینکه در مقابل، حزب جمهوریخواه خلق ترکیه موفق شد با کسب حدود ۱۳ درصد آراء به پارلمان راه پیدا کند و اکنون داود اوغلو که مأمور تشکیل کابینه است راهی جز ائتلاف با کردها ندارد. بنابراین رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه هم اکنون خود را تحت محاصره سیاسی و نظامی کردها می بیند و نمی تواند به چیزی جز سرکوب آنها بیاندیشد؛ حتی اگر این دلمشغولی وی به قیمت دست کشیدن از حمایت تروریست های تکفیری داعش در سوریه و بقای بشار اسد تمام شود.

با توجه به این مسائل تجاوزهای نظامی دولت آنکارا به خاک سوریه که پیشتر با هدف ضربه زدن به ارتش این کشور صورت می گرفت، امروز رنگ و بوی تازه ای به خود گرفته است. زیرا جنگنده های ارتش ترکیه چندی پیش بار دیگر اقدام به نقض حریم هوایی سوریه و تمامیت ارضی آن کردند، اما نه برای سرنگونی دولت اسد بلکه با هدفی دیگر و آن هدف چیزی نبود جز سرکوب کردها. جنگنده های ارتش ترکیه حدود ۴۰۰ نقطه از مناطقی در عراق و سوریه که کردها در آنجا مستقر هستند را بمباران کردند؛ اقدامی که اعتراض اقلیم کردستان عراق و دولت سوریه را در پی داشت. بنابراین می توان گفت دولت ترکیه تا اطلاع ثانوی مبارزه با دولت بشار اسد و حمایت از تکفیریها را تا حد زیادی محدود ساخته به دنبال راه نجاتی برای رهایی یافتن از منجلابی است که گرفتار آن شده است.

اقدامات عجیب دولت ترکیه در تجاوز آشکار به خاک سوریه و عراق که ناشی از دستچاچی آن در مقابل کردهاست با واکنش صریح مقامات عراقی و سوری مواجه شد. در همین ارتباط «فیصل المقداد» معاون وزیر خارجه سوریه در سخنانی ضمن محکومیت این حملات تأکید کرد که دولت آنکارا هیچ هماهنگی با دمشق در خصوص حملات خود به خاک سوریه انجام نداده است. وی همچنین اظهار داشت: بمباران خاک سوریه توسط جنگنده های ترکیه به بهانه مبارزه با داعش، نقض تمامیت ارضی سوریه است. از سوی دیگر این اقدامات دولت ترکیه حتی در نزد

یمن؛ ۳- تسلط نسبی بر استان عدن با این وجود، آل سعود با وجود چهار ماه بمباران پی در پی یمن نه تنها هیچ یک از اهداف خود در یمن را محقق نکرد، بلکه کنترل آن بر تروریست های تکفیری در سوریه نیز کاهش پیدا کرد به طوری که مشاهده می شود طی ماه های اخیر ارتش سوریه موفق شد در بسیاری از مناطق پیشروی های قابل توجهی داشته باشد. نمونه هایی از این پیشروی ها را می توان در شهر استراتژیک الزبدانی واقع در حومه دمشق و همچنین تسلط کامل بر شهر الحسکه جستجو کرد. به گفته کارشناسان این پیشروی ها که طی حداقل یک سال گذشته بی سابقه بوده است نمی تواند با کاهش حمایت های آل سعود از تکفیریها بی ارتباط باشد.

برخی کارشناسان معتقدند که حتی آتش بس هایی که گاهی توسط مقامات سعودی در یمن اعلام می شود، برای رسیدگی آل سعود به سیاست های خود در سوریه صورت می گیرد. در هر صورت آنگونه که از تحولات اخیر یمن برمی آید، با توجه به مقاومت مردم این کشور و همچنین نیروهای انصارالله، عربستان همچنان گرفتار جنگ یمن خواهد بود و تنها می تواند به دنبال راهی برای خروج آبرومندانه - که البته غیرممکن به نظر می رسد - باشد. در آن سوی میدان نیز مقامات سعودی نتیجه حمایت های چهارساله خود از تروریست های تکفیری سوریه را بر باد رفته می بینند و بی شک به این نتیجه رسیده اند که این حمایت ها نتیجه ای جز کشته شدن هرچه بیشتر عده ای مردم بی دفاع و بی گناه را نداشته و نخواهد داشت.

به گفته تحلیلگران، یمن همچنان اولویت سیاست خارجی عربستان سعودی باقی می ماند و این امر بستر مناسبی را برای ارتش سوریه فراهم می کند تا بدون حمایت سعودیهها به مبارزه با تکفیریها بیاندیشد. در آن سو، حزب عدالت و توسعه ترکیه نیز تا هدف خود در تضعیف جایگاه کردها را - به ویژه پس از نتایج ناامید کننده انتخابات پارلمانی اخیر - محقق نکند، دست از اقداماتش علیه آنها نخواهد کشید و این به معنای آن است که آنکارا نابودی نیروهای کرد را بر ادامه سیاست های جنگ طلبانه خود در سوریه ترجیح می دهد.





رامتین حسین آبادیان

گزارش بین الملل؛

اهداف سعودیها از اعلام آتش بس در یمن/ ساماندهی وضعیت تکفیریهها

جامه عمل ببوشانند. از سوی دیگر با نگاهی به آمارهای تکان دهنده نهادهای حقوق بشری در سراسر جهان در رابطه با نتایج هولناک حملات وحشیانه سعودیها به یمن می توان دریافت رژیم یمنی که هیچ بویی از انسان دوستی و حقوق بشر نبرده است، اکنون تنها برای تحقق منافع شیطانی خود در خط مقدم امداد رسانی به مردمی ایستاده که ماه ها است خواب را از چشمانشان ربوده است. گزارش های نهادهای حقوق بشری حاکی از آن هستند که در جریان حدود چهار ماه تجاوز وحشیانه سعودیها به نقاط مختلف یمن از جمله استان های صعده و صنعاء حدود ۳۰۰ هزار واحد مسکونی هدف قرار گرفت و بیش از ۳۰۰ مدرسه نیز توسط جنگنده های رژیم آل سعود بمباران و با خاک یکسان شد. بیش از ۴۰۰ مسجد نیز هدف سنگین

منحرف ساختن آن هستند. این رژیم در صدد است تا پس از سلسله جنایت هایی که علیه یمنی ها مرتکب شده، خود را ناجی و حامی آنها معرفی کند. در واقع آل سعود که اکنون به هر جهت می نگرند، نمی تواند راه نجات خود از باتلاق یمن را بیابد، در قاصت حامیان ملت یمن برآمده تا از یک طرف چهره خود در نزد افکار عمومی جهان را ترمیم کند و از طرف دیگر به تدریج راه خروج از یمن را برای خود هموار سازد. این رژیم به خوبی می داند که نتوانسته اهداف خود از حمله

که سعودیها، خود مدعی هستند که تنها برای امداد رسانی به مردم یمن آتش بس ۵ روزه اعلام کرده اند، اما این رژیم پیشتر نیز بارها به طرق مختلف به حمایت از تکفیریه های القاعده پرداخته است. هویلهای سعودی بارها تاکنون چندین مرتبه به ارسال کمک های تسلیحاتی به تروریست های القاعده به منظور سرکوب ارتش و نیروهای مردمی یمن میادرت کرده اند. پس از آنکه حمله های تبلیغاتی و جنگ روانی اخیر نیروهای حامی «منصور هادی» در رابطه با القای اشغال استان عدن توسط آنها کارگر نیافتاد، مقامات سعودی تصمیم گرفتند تا خود وارد عمل شده و تدابیر لازم برای تحقق این هدف را بیاندیشند.

بدین ترتیب اقدام به اعلام آتش بس ۵ روزه کردند تا از یک سو در قالب کمک های انسان دوستانه، کمک های مالی و تسلیحاتی خود به تروریست های القاعده را به دست آنها برسانند، و از سوی دیگر این فرصت را برای تکفیریهها فراهم کنند تا بتوانند تجدید قوا کرده و با قدرت بیشتری به مبارزه با ارتش و نیروهای مردمی بپردازند. اشغال شهر عدن به دلیل اهمیت استراتژیک آن برای مقامات ریاض بسیار حائز اهمیت است.

از سوی دیگر اعلام آتش بس ۵ روزه توسط مقامات سعودی تنها چند روز پس از حمله وحشیانه آنها به شهر تاریخی «المخاء» واقع در نزدیکی تنگه باب المندب در استان تعز صورت گرفت. در جریان این تجاوز وحشیانه حدود ۱۰۰ شهروند یمنی به شهادت رسیده و ده ها تن دیگر نیز به شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. اغلب قربانیان این حمله از زنان و کودکان یمنی بودند. اعلام آتش بس تنها با گذشت چند روز از ارتکاب چنین جنایت هولناکی به خوبی حاکی از آن است که سعودیها به دنبال فریب افکار عمومی و

بسیاری از تحلیلگران معتقدند که هدف اصلی مقامات سعودی از اعلام آتش بس اخیر در یمن ساماندهی به گروه های تکفیری به ویژه در استان «عدن» است. پس از گذشت بیش از چهار ماه از تجاوز نظامی گسترده رژیم آل سعود به مردم بی دفاع یمن و زیرساخت های این کشور، مقامات این رژیم به یک باره از تصمیم داوطلبانه خود برای برقراری آتش بس انسانی ۵ روزه در یمن خبر دادند. این تصمیم عربستان سعودی که در طی چهار ماه گذشته از هیچ جنایتی علیه مردم یمن از کودکان گرفته تا پیرمردها و پیرزن های یمنی فروگذار نکرده است، موجب تعجب بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران سیاسی شد. به اعتقاد کارشناسان رژیم آل سعود تنها به منظور تحقق اهداف پشت پرده خود و نه امداد رسانی به مردمی که آنان را به خاک و خون کشیده چنین تصمیمی اتخاذ کرده است، زیرا پیشتر نیز احزاب یمنی و در رأس آنها جنبش انصارالله برای دستیابی به راه حلی به منظور برقراری آتش بس در این کشور تلاش کردند اما سعودیها در این راه بیشترین مانع تراشی ها را انجام دادند.

مقامات عربستان سعودی در حالی از برقراری آتش بس در یمن با اهداف انسان دوستانه سخن می گویند که به هرگونه پیشنهاد در خصوص برقراری آتش بس در این کشور در طول ماه مبارک رمضان و یا حداقل عید سعید فطر نه تنها مخالفت کردند، بلکه حملات وحشیانه خود به مردم بی دفاع یمن در طول این مدت را بیش از پیش تشدید کردند.

بر همین اساس می توان گفت که مهمترین هدف آل سعود از اعلام آتش بس ۵ روزه در یمن که از روز دوشنبه هفته جاری آغاز شده است، ساماندهی به وضعیت تروریست های تکفیری در یمن به ویژه در استان عدن بوده است. هرچند



ترین حملات هوایی جنگنده های سعودی قرار گرفت. در این میان نباید از سلسله انفجارهای تروریستی وحشتناک که در تعدادی از مساجد یمنی به ویژه مساجد صنعاء به وقوع پیوست، غافل شد. زیرا این انفجارها هم توسط عاملان و مزدوران آل سعود اتفاق افتادند. بسیاری از فرودگاه ها به ویژه فرودگاه های بین المللی عدن و صنعاء طی چندین نوبت به صورت روزانه توسط جنگنده های سعودی مورد شدیدترین حملات قرار گرفتند. بیمارستان ها نیز در این میان از حملات وحشیانه جنگنده ها در امان نبودند. نهادهای حقوق بشری بین المللی بارها با صدور بیانیه های جداگانه نسبت به وضعیت انسانی در یمن به دنبال کمبود تجهیزات پزشکی و مواد دارویی در بیمارستان ها هشدار دادند.

بر همین اساس این سؤال به ذهن متبادر می شود که چگونه رژیم یمنی که در ارتکاب جنایت های هولناک علیه ملتی بی دفاع با صهیونیست ها رقابت می کند، اکنون به فکر امداد رسانی به مجروحان و آسیب دیدگان افتاده است؟ این سؤالی است که بی شک افکار عمومی جهان پاسخ آن را به خوبی می داند و فریب اقدامات نمایشی سعودیها را نخواهد خورد.

به یمن که دست کم می توانست به اشغال استان عدن بیانجامد را محقق کند. بنابراین اکنون که به شکست خود پی برده است، گویا ستاریویی دیگر را در سر می پروراند.

در همین حال برخی از تحلیلگران سیاسی براین باورند از آنجایی که برگرداندن «عبد ربه منصور هادی» نخست وزیر مستعفی و فراری یمن یکی از اهداف اصلی عربستان سعودی بوده و خواهد بود، بنابراین مقامات این رژیم با اعلام آتش بس ۵ روزه به دنبال این هستند تا به نوعی چهره وی را در نزد مردم یمن ترمیم و روند بازگشت

به این کشور را تسریع کنند. این در حالی است که مردم یمن منصور هادی را از عاملان تجاوز آشکار آل سعود به کشور خود می دانند. زیرا مقامات سعودی - هرچند برای توجیه تجاوز وحشیانه خود - اما بارها اعلام کردند که با حمله آنها به یمن با درخواست هادی به عنوان رئیس جمهور آن صورت گرفته است. بنابراین، با توجه به مخالفت های گسترده مردم یمن با منصور هادی که اکنون به وی تنها به چشم یک مزدور برای رژیم سعودی می نگرند، نمی توان انتظار داشت که سعودیها بتوانند به این هدف خود نیز مانند دیگر اهدافشان



رئیس شورای سیاست خارجی و دفاعی روسیه تحلیل کرد: تغییر ستونهای قدرت در خاورمیانه/ معمار آتی منطقه کیست؟



رئیس شورای سیاست خارجی و دفاعی روسیه در تحلیلی با اشاره به وضعیت موجود در خاورمیانه عنوان داشته که «پایه های» سنتی موجود در منطقه جایجا شده اند. نویسنده این مقاله «فئودور لوکیانوف» رئیس شورای سیاست خارجی و دفاعی روسیه است. وی در این مقاله که در روزنامه روسیسکایا منتشر کرده است ابتدا به اختصار حوادث اخیر در خاورمیانه را به این شکل می آورد: بشار اسد اعتراف کرد که دولت سوریه مجبور است در دفاع از مناطق کلیدی کشور تمرکز کرده و به علت کمبود نظامیان از برخی قسمت های کشور عقب نشینی کند.

در ادامه این تحلیل که در سایت دکتر «مهدی سنایی» سفیر ایران در روسیه، منتشر شده آمده است: حزب کارگران کردستان (پ ک ک) پایان آتش بس با ترکیه را اعلام کرد که این پاسخ به ضربات هوایی به نیروهای کردی در خاک عراق است. این نیروها با انکارا مقابله کرده و همزمان با داعش می جنگند. داعش خود را مسئول عمل تروریستی خونین در یک شهر ترکی هم مرز با سوریه اعلام کرده است.

عربستان سعودی بدون موفقیت بزرگ ولی با ویرانه های قابل توجه به عملیات جنگی علیه حوثی ها در یمن ادامه می دهد و مصر رسماً اعلام کرده است که با شبه نظامیان شبه جزیره سینا در حالت جنگ به سر می برد. تنها خبر خوب از این منطقه، ادامه شادی از موفقیت مذاکرات درباره برنامه هسته ای ایران است که یکی از علل این موفقیت، تشدید وخامت اوضاع در منطقه پیرامون ایران است. دولت ایالات متحده با مشاهده ناکامی سیاست چهل ساله واشنگتن در منطقه، مجبور شد به رفع بن بست از روابط با ایران تن دهد.

در این شرایط ایران پایدار ترین کشور منطقه است که

شاید برخی پایتخت های منطقه ای از این وضع ناراضی باشند. بی ثباتی منطقه به نفع داعش است ولی شرکت کنندگان در سیاست منطقه ای از خطر داعش برداشت های متفاوتی دارند و به همین علت شیوه عمل آنها در این زمینه نیز یکسان نیست.

نویسنده در ادامه یادآوری می کند که در تاریخ معاصر فقط دو ائتلاف واقعی بین المللی برای وادار کردن صدام حسین به ترک کویت در سال ۱۹۹۱ و ده سال بعد برای حمایت از حمله آمریکا به افغانستان تشکیل شده اند. هر دو مورد پیشین روشن بودند ولی پدیده داعش اینقدر پیچیده است که کسی برای مقابله با آن نسخه آماده ای ندارد.

در واقع خاورمیانه ای که در قرن ۲۰ طراحی و ساخته شد، از بین می رود و باید از نو ساخته شود ولی معلوم نیست چه کسی معمار آن خواهد شد. در گذشته قدرت های استعماری و سپس ایالات متحده و اتحاد شوروی این نقش را ایفا می کردند.

نویسنده در پایان از کشور های جهان به درک ابعاد چالش های جدید و کنار گذاشتن منطق مبارزه بی پایان در راه نفوذ دعوت می کند.

تحلیل بین الملل؛

پشت پرده سفر نمایشی «بحاح» به عدن/روزگار سیاه نظامیان سعودی



روند تحولات یمن شتاب بیشتری گرفته است در حالی که سعودی ها دست نشانده خود را برای گرفتن عکس تبلیغاتی چند ساعتی به عدن فرستاده اند در جبهه شمالی روزگار نظامیان سعودی تیره و تار شده است.

روند تحولات یمن طی روزها و هفته های گذشته وارد مرحله جدیدی شده است. در حالی که محاصره ظالمانه ملت یمن ادامه دارد و جنگنده های سعودی همچنان به کشتار غیرنظامیان ادامه می دهند در جبهه های میدانی نیروهای کمیته های مردمی و ارتش یمن دستاوردهای چشمگیری علیه القاعده و حامیان سعودی ها به دست آورده اند. عربستان سعودی تمام تمرکز خود را بر عدن گذاشته است. رسانه ها اعلام کرده اند که القاعده و طرفداران سعودی - که در حال حاضر با هم همسویی قابل توجهی دارند- بر عدن مسلط هستند اما واقعیت به شکلی که رسانه های حامی سعودی اعلام می کنند نیست.

اگر بخواهیم گواه روشنی از شکنندگی بودن اوضاع در یمن بیابیم، باید به سفر خالد بحاح نخست وزیر مستعفی و معاون عبد ربه منصور هادی رئیس جمهوری مستعفی به عدن اشاره کنیم. بررسی دقیق این سفر نشان می دهد که سعودی ها به دنبال این هستند که

در داخل عربستان مسلط شده اند و نظامیان سعودی که زنده مانده اند پا به فرار گذاشته اند. نکته قابل توجه این است که این اولین باری است که ارتش و کمیته های مردمی یمنی در مواضع که فتح کرده اند باقی می مانند در حالی که قبلاً این مراکز را پس از نابودی استحکامات و انهدام تجهیزات نظامی موجود در آن ترک می کردند.

توپخانه ارتش و کمیته های مردمی قصر الاماره در ظهران عسیر را نابود کرد و در شهر ظهران مراکز ارتش سعودی را زیر آتش شدید گرفتند. به هر حال این را می توان تحقق وعده عبدالملک الحوثی رهبر انصارالله یمن - که اخیراً و همزمان با بحث آتش بس سعودی ها ضمن ابراز بدبینی نسبت به آن اعلام کرده بود که اگر حملات سعودی ها ادامه یابد، استراتژی ها یمنی ها علیه عربستان تفاوت خواهد کرد- دانست.

اساس بود. اما در عرصه تحولات میدانی بمباران مردم بی دفاع تنها دستاورد سعودی ها بوده است در حالی که شگرد جدید و سبک نو مقابله یمنی ها با سعودی آغاز شده است. این سبک جدید تسلط مراکز نظامی سعودی هاست. واکنش جدید به جنایات سعودی ها از صبح امروز با فتح مرکز نظامی جلاح در منطقه جازان در مرز دو کشور آغاز شد و ارتش و کمیته های مردمی یمنی موفق به تسلط بر این مرکز و تعدادی از تپه های مجاور شدند. در این عملیات موفق شماری زیادی از نظامیان سعودی کشته شدند و تجهیزات نظامی آنها منهدم و به شکل جمعی بقیه نظامیان نیز فرار کردند. این مرکز همچنان تحت کنترل نیروهای مردمی و ارتش یمن است. همچنین ارتش و کمیته های مردمی یمن بر مرکز نظامی وادی جاره در منطقه جازان

از حوادث به نفع خود بهره برداری کنند. سعودی ها پس از مدتها جنگ فقط تنها دستاوردشان کشتار غیرنظامیان بود از همین رو هنگامی که نیروهای طرفدار آنها با کمک های دریایی و هوایی توانستند بر عدن مسلط شوند سعی کردند که بهره برداری همه جانبه ای از این موضوع به عمل آورند.

سعودی ها نخست با استفاده از ابزار رسانه های وابسته به خود از کمک های به ظاهر انسان دوستانه به عدن خبر دادند و آن را در بوق و کرنا کردند و در ادامه خالد بحاح دست نشانده خود را راهی عدن کردند تا فقط از نظر رسانه ای از آن استفاده کنند زیرا وی فقط سه ساعت در عدن ماند. آنهم با ترس و دلهره فراوان. هدف سعودی ها بهره برداری از این موضوع بود اما این خود شکستی برای سعودی ها بود زیرا توقف کوتاه بحاح در عدن آنهم با محافظان بی شمار نشان دهنده شکنندگی اوضاع است و آنگونه که سعودی ها ادعا می کنند عدن کاملاً تحت کنترل نیست. بحاح فقط برای عکس گرفتن و نمایش رسانه ای به عدن رفته بود. منابع آگاه اعلام کرده اند که بحاح از طریق دریا به عدن رفته و از همان راه نیز برگشته است و این که در رسانه ها اعلام شده بود که با هوپایمای نظامی رفته، بی

«النشرة» لبنان تشریح کرد؛

دلایل بروز حادثه تروریستی کویت/خاندان صباح زیر چتر سعودی می ماند؟

۵۰۰ هزار بشکه نفت دارای سهم مشترک هستند و بر اساس توافقنامه‌های پنج‌ساله از آن بهره برداری می‌کنند. نشریه «جریده» به نقل از مقامات کویت نوشت: «در پی شکست مذاکرات با سعودی و تشدید اختلافات میان دو کشور، کویت رسماً خواستار ارجاع اختلافات نفتی به دادگاه بین‌المللی لاهه شده است.»

سایت خبری «رای الیوم» پیشتر به نقل از منابع آگاه نفتی نوشته بود که بار دیگر بحران نفتی میان دو کشور سعودی و کویت به مرحله انفجار رسیده تا بدان جا که مقام‌های کویتی از شرکت نفتی آمریکا «شورون» که با سعودی‌ها در این دو حوزه نفتی همکاری می‌کند، خواسته‌اند تجهیزات خود را جمع کنند. پنجم: در خصوص تحولات منطقه و سیاست خارجی نیز کویت با برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به ویژه سعودی و قطر در اتحادیه عرب همگام شد و طرح لغو عضویت سوریه در این اتحادیه را امضا کرد و طی ۴ سال از مخالفان سوریه حمایت کرد اما اینک به عنوان اولین کشور عربی در صدد از سرگیری روابط خود با سوریه برآمده است.

با توجه به تغییر اولویت آمریکا از سرنگونی نظام سوریه به تضعیف آن و پایان دادن به عمر گروه‌های افراطی از جمله داعش، دولت کویت به این نتیجه رسیده که از تصمیم خود مبنی بر بستن سفارت در دمشق عقب‌نشینی و سفارت سوریه را در کویت بازگشایی کند زیرا بیش از ۱۳۰ هزار سوری مقیم کویت هستند.

حال در شرایطی که سعودی برای ساقط کردن نظام سوریه میلیاردها دلار هزینه می‌کند و گروه‌های مسلح جدیدی را تشکیل و تجهیز می‌نمایند، کویت مشغول عادی سازی روابط با سوریه است، طبیعی است خشونت علیه کویت طراحی شود.

واقعیت این است که سیاست خارجی رئالیستی سران کویت به تحولات منطقه در حال تغییر است و این مخالف دیپلماسی برخی برادران خلیج فارس است. اما سوال این است که برای مخالفت و تعدیل این سیاست باید خانه خدا را منفجر کرد، آیا ضرورت دارد روزه‌داران را قربانی و ماهی که پیامبر اسلام جنگ را متوقف کرد، خون برادران دینی خود را بریزیم.

با این اوصاف جای اندیشه است که پیرسیمم آیا کویت از این به بعد باز هم زیر سایه چتر برادر بزرگتر باقی می‌ماند؟ اینها سوالاتی است که برای پاسخ به آن باید منتظر تدبیرها و تصمیم‌های واقع‌بینانه دولت کویت باشیم.



برخی مقامات جوان سعودی برای مشارکت در این جنگ پاسخ منفی دادند. اما گویا این عدم همراهی با خود هزینه‌هایی در پی داشته که کم‌کم در حال بروز است و سعودی نسبت به مشارکت حداقلی کویت در حمله به یمن به شدت ناراضی است.

شیخ «صباح خالد الصباح» وزیر خارجه کویت نیز در جلسه استیضاح خود در پارلمان گفت به دلیل فشارهای زیاد سعودی مجبور به مداخله در جنگ علیه یمن شده و این مشارکت خیلی محدود و تنها به چند پرواز خلاصه شده است. از سوی دیگر، کویت در اعزام نیروی نظامی به بحرین جهت کمک به حکومت آل خلیفه در چارچوب نیروهای «سپر جزیره» مشارکت محدودی داشته است. عمان نیز هیچگاه در موضوع بحرین و یمن دخالت نکرد بلکه محور عمان، آمریکا و انصارالله را در موضوع یمن پایه ریزی کرد. عدم همراهی فعال این دو کشور با سیاست‌های سعودی در شورای همکاری خلیج فارس، موجب کاهش شدید نفوذ و قدرت سعودی در این شورا شده و این یکی از عوامل جدی نارضایتی آنها از همپیمانان خود است.

چهارم: حدود ۱۰ ماه پیش نشریات کویتی از وقوع اختلاف جدی نفتی دیگری بین دولت کویت با دولت سعودی در خصوص مالکیت یکی از حوزه‌های نفتی مشترک بین دو کشور خبر دادند. فعالیت در حوزه نفت و گاز «الدره» از نزدیک به یک سال قبل تا به امروز به دلیل اختلافات ۲ کشور متوقف شده است.

از سوی دیگر اقدام مقامات سعودی جهت تصرف مناطق وسیعی از میدان نفتی «خفجی» با اعتراض کویت مواجه شد. کویت و عربستان از سال‌ها پیش درباره این میدان نفتی اختلاف داشته‌اند. کویت و عربستان در ۲ حوزه نفتی «خفجی» و «وقره» به مساحت پنج هزار کیلومتر مربع و با تولید روزانه

به عنوان میانجی بی طرف معرفی کند. این در حالی است که جهان و سازمان‌های حقوق بشری از اقدامات ضد بشری و ساختار بسته سیاسی سعودی به سطوح آمده و ملت‌های منطقه نیز از دخالت‌های آنها در امور داخلی کشورهاشان خسته شده‌اند.

دوم: قطر به همراه ترکیه جزو کشورهایی هستند که بیشترین حمایت‌ها را برای قدرت گرفتن گروه اخوان المسلمین در منطقه انجام داده‌اند و این حمایت‌ها همواره مورد اعتراض برخی کشورهای منطقه به ویژه سعودی و امارات متحده عربی قرار می‌گرفت. بعد از سرنگونی محمد مرسی رئیس جمهوری مصر و روی کار آمدن دولت نظامیان و ارتش عبدالفتاح السیسی و تداوم حمایت‌های مالی، رسانه‌ای، سیاسی قطر از اخوانی‌ها، تنش در روابط این کشور با سعودی و امارات بالا گرفت و این کشورها به همراه بحرین تصمیم به فراخواندن سفرای خود از دوحه گرفتند.

آنها علت این تصمیم را پایبند نبودن قطر به توافقات شورای همکاری خلیج فارس اعلام کردند ولی قطر اعلام کرد فراخوان سفرها خارج از چارچوب شورای همکاری است. این در حالی است که عمان و کویت قاطعانه با مساله فراخواندن سفرها از قطر یا قطع روابط دیپلماتیک با این کشور مخالفت کردند. برخی‌ها نیز معتقدند که عدم فراخواندن سفیر کویت از قطر اقدامی هماهنگ شده بوده تا کویت بتواند همچنان به نقش میانجی‌گری خود میان دوحه با ریاض و دیگر پایتخت‌های عربی ادامه دهد. این تصمیم نارضایتی برخی برادران از جمله عربستان سعودی در شورای همکاری را در پی داشته است.

سوم: از ابتدای حمله سعودی به یمن، برخی کشورها هرگز حاضر به همراهی با این برنامه نشدند. کشورهایی مثل پاکستان، عمان و کویت به درخواست

پایگاه خبری النشرة در مقاله‌ای با عنوان «چرا کویت تاوان داد» به قلم «حنیف عبدالله» به بررسی مشکلات کویت و عربستان و اختلافات آنها بعد از بمبگذاری تبعه سعودی در مسجد امام صادق (ع) شهر کویت پرداخته است.

«حنیف عبدالله» در این یادداشت آورده است: چهل روز پیش در حالی که هموطنان روزه دارمان برای ادای فریضه نماز جمعه در مسجد امام صادق (ع) در منطقه الصوابر حاضر شده بودند، دستان کینه و بغض از آستین دشمنان وحدت مسلمین بیرون آمد و در یک کشور نسبتاً با ثبات عربی خلیج فارس، بیش از ۲۵۰ نفر را به خاک و خون کشید. وزارت کشور کویت تعداد تلفات این حادثه تروریستی را ۲۷ کشته و بیش از ۲۲۷ نفر مجروح اعلام کرد.

داعش که در قتل عام مردم منطقه ید طولایی دارد، بلافاصله با انتشار بیانیه‌ای در صفحات اینترنتی با افتخار، مسئولیت این حادثه را بر عهده گرفت. انفجار مسجد شیعیان کویت، اولین و شدیدترین اقدام تروریستی در کویت در طول سال‌های اخیر است.

رسانه‌های منطقه و دنیا با پخش تصاویر و فیلم‌های ضبط شده از این اقدام ضدانسانی، انگشت اتهام را به سوی حکومت عربستان نشانه گرفتند. چرا که عامل انتحاری حادثه یک شهروند سعودی به نام «ابوسلمان الموحد» با تفکرات تکفیری بوده و بر اساس اعتراف برخی اسرای داعش مبنی بر ارتباط مستقیم با مقامات نظامی و اطلاعاتی ریاض، این کشور متهم ردیف اول حادثه تروریستی کویت قلمداد شده است.

اما سوال اساسی این است که چرا کویت باید هزینه «خودبزرگ بینی» سعودی را پرداخت کند؟ آیا تصمیمات اقدامات منطقه‌ای کویت می‌تواند عامل عصبانیت سران جدید و جوان سعودی از این کشور باشد، چرا برادر بزرگ خلیج فارس برادر دیگر خود را قربانی کرد، دیدگاه‌های زیادی برای پاسخ به سوالات وجود دارد اما به طور خلاصه می‌توان چنین گفت:

اول: در میان کشورهای خلیج فارس، مردم کویت از آگاهی و رشد سیاسی و سطح علمی خوبی نسبت به سایر کشورهای عرب برخوردارند. وجود مطبوعات گوناگون، امکان اظهار عقاید مختلف، وجود گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی با گرایش‌های متفاوت، فضای نسبتاً باز سیاسی در کویت ایجاد کرده که از بین کشورهای منطقه به الگوی سیاسی دموکراسی غربی نزدیک‌تر است.

بر همین اساس کویت در کنار عمان تلاش کرده در منازعات منطقه‌ای خود را

تحلیل بین الملل؛

خوش خدمتی ابومازن به مصر و عربستان؛ استقبال از ارتش مشترک



در واقع هدف تشکیل چنین ارتشی را باید در سرکوب مطالبات کشورهای چون بحرین، عربستان، مصر و ... سایر کشورهای دیکتاتوری دانست که با هزینه و نام «ملتهای عرب» در صدد سرکوب مطالبات مردم خود هستند. مطمئناً تشکیل این ارتش که در «شدن» آن هم چون و چرای زیادی وجود دارد نشان دهنده این است که «امنیت دولت» (state security) هم برای رژیمهای سرکوبگر عربی و هم حامیان آن ارجح بر «امنیت انسانی» (human security) است. بدین معنا که خواست و مطالبات مردم کشورهای تحت ظلم حاکمان سرکوبگر به بهانه امنیت دولت سرکوب خواهد شد و اینبار «ارتش مشترک عربی» بازوی اجرایی چنین امری خواهد بود. اما در این میان استقبال محمود عباس

در حالی اتحادیه عرب در پایان ماه جاری میلادی طرح تشکیل نیروی عربی مشترک را نهایی می کند که ابومازن از تشکیل چنین نیرویی استقبال کرده است. طرح تشکیل ارتش عربی به ابتکار مصر مطرح شده است. این طرح با استقبال عربستان همراه بود و این دو کشور در همسوسازی سایر متحدان خود در اتحادیه عرب سعی در عملیاتی کردن این نیروی مشترک دارند. نبیل العربی دبیر کل اتحادیه عرب پیشتر در نشست با روسای ستاد مشترک ارتش کشورهای عربی در مقر اتحادیه عرب در قاهره تاکید کرده بود که بر اساس منشور سازمان ملل متحد ویژگی ها و شرایط منطقه عربی به گونه ای است که حق دفاع از خویش را به آن اعطا می کند. نکته قابل توجه در سخنان نبیل عربی این است که این نیروی مشترک عربی را یک ائتلاف نظامی جدید می خواند و می گوید این ائتلاف علیه هیچ طرفی نیست و این نیرو بایستی قادر به واکنش سریع برای حمایت از امنیت کشورهای عضو باشد. نبیل عربی با استناد به اساسنامه اتحادیه عرب می گوید نمی توان امنیت ملی را از امنیت قومی و امنیت دیگر کشورهای عربی

به عنوان مثال یکی از مهمترین شهرهای شیعه نشین سوریه، شهر کوچکی به نام «فوعه» در شمال شهر «دلب» است که ۲۵ هزار نفر جمعیت در آن زندگی می کنند و در چند ده کیلومتری مرزهای سوریه با ترکیه واقع شده است. این شهر که در مجاورت شهر «بنش» - مرکز اصلی تکفیری ها - در شمال سوریه قرار دارد، ماه هاست که خواب از چشم خون آشامان تکفیری گرفته و این در حالی است که کمترین اخبار و اطلاعاتی در مورد آن در رسانه های غربی منتشر نمی شود. شهر «فوعه» با وجود اینکه کاملاً در معرض خطر بوده اما جوانانش همواره در دفاع از حرم حضرت زینب(س) حضور مداوم داشته اند و ده ها تن از جوانانش در درگیری های حومه دمشق به شهادت رسیده اند. این شهر که چهار ماهی است در محاصره کامل قرار دارد، اما با توجه به مسلح بودن تمام مردانش، تکفیری ها جرات نزدیک شدن به آن را نداشته و بیشتر به موشک اندازی روی آورده اند. این ترس از نزدیک شدن به فوعه آنقدر جدی است که عناصر تکفیری رفتن به سمت آن را برای خود چون کابوسی وحشتناک می پندارند، چون می دانند که عزیمت به فوعه همان و کشته شدن همان! بر اساس این گزارش؛ این شهر شیعه نشین - که به دلیل مقاومت مثال زدنی اش شاید بتوان از آن با عنوان «شهری در آسمان» یاد کرد - در عین مضیقته مادی و غربت رسانه ای، همچنان مقاوم ایستاده و نیاز به کمک از بیرون دارد و این در حالی است که نیروهای ائتلاف به اصطلاح ضد داعش، با کمک های اطلاعاتی و لجستیکی خود به تروریست های تکفیری - نیابتی، تمام تلاش خود را برای شکستن این سنگر مقاومت بکار گرفته اند.



مردم استفاده می کند. ایجاد رعب و وحشت در دل مردم از طریق انتشار صحنه های وحشتناک کشتارها و قتل عام ها و پوشش رسانه ای کامل پیشروی های موردی عناصر تکفیری از یک سو و بایکوت کامل خبری پیروزی های محور مقاومت در سوریه متشکل از ارتش سوریه، نیروهای مردمی، داوطلبان غیر سوری مدافع حرم و نیروهای حزب الله از سوی دیگر، مهمترین شاخص های این عملیات روانی و تبلیغاتی هستند. شهر شیعه نشین «فوعه» در شمال سوریه ماههاست که خواب از چشم خون آشامان تکفیری گرفته و تروریست ها جرات نزدیک شدن به آن را ندارند، این در حالی است که اخبار مقاومت این شهر در رسانه های غربی بایکوت شده است. جنگ نیابتی تروریست های تکفیری علیه دولت و ملت سوریه در حالی سال پنجم خود را سپری می کند که دستگاه رسانه ای نظام سلطه از تمام ابزار و امکانات خود برای جنگ روانی و تبلیغاتی به نفع تروریست ها و علیه

یمن؛ بهشت خیالی یا باتلاق متجاوزان؟

رسانه های وابسته به رژیم سعودی و همپیمانان آن این روزها می کوشند که حضور متجاوزان در عدن را به مثابه دستاوردی محسوب کنند اما گویا آنها مردم یمن را نمی شناسند.

در حالی که تحولات یمن با شتاب بیشتری حرکت می کند، روند تحولات این کشور در دو جبهه سیاسی و میدانی دنبال می شود؛ در جبهه سیاسی سلطان نشین عمان به تلاش های میانجی گرایانه خود ادامه می دهد و روس ها و آمریکایی ها وارد عمل شده اند و قطر روز گذشته شاهد نشست سه جانبه سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه، جان کری وزیر خارجه آمریکا و عادل الجبیر وزیر خارجه سعودی ها بود. هر چند که از محتوای این جلسات اطلاعات کاملی بیرون نیامده است، اما در روند تحولات میدانی روز گذشته نبردهای سنگینی میان القاعده و حامیان عبد ربه منصور هادی رئیس جمهوری فراری مقیم عربستان با نیروهای ارتش و کمیته های مردمی یمن در گرفت و رسانه های وابسته به سعودی با هیاهوی فراوان از تسلط نیروهای حامی سعودی ها بر این پایگاه خبر دادند و اخبار ضد و نقیضی در این باره مخابره می شود.

در حال حاضر یمن عرصه تحركات و تاکتیک های مختلف است. حضور خالد الجراح نخست وزیر مستعفی و معاون رئیس جمهوری مستعفی برای ساعاتی در عدن از جمله آنهاست. همچنین کمک های به ظاهر بشردوستانه سعودی ها نیز در راستای همین تحركات و تاکتیک ها برای از میدان به در کردن حریف است.

سعودی ها که با عملیات موسوم به «توفان قاطعیت»، «بازگشت امید» و «شمسیرهای بران» راه به جایی نبردند و محمد بن سلمان جانشین ولیعهد عربستان چند هفته قبل اعتراف کرد که هادی و



اگر فکر می کنند که شکست ارتش یمن و گرمی های مردمی حالت تفریح و سرگرمی برای آنها دارد باید بدانند که ملت یمن هرگز زیر بار تجاوز و قیمومیت نمی رود. از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که استراتژی جدید یمنی ها استفاده از تاکتیک های نظامی جنگ شهری و جنگ فرسایشی است. در واقع متجاوزان مورد حمایت سعودی ها باید جنگ خیابانی شدیدی داشته باشند و از سویی سعودی ها باید با ارتش و کمیته های مردمی که بر خلاف گذشته مواضع نظامی سعودی ها را زیر آتش سنگین قرار می دهند و آنها را تحت تسلط خود قرار می دهند روبرو شوند. این در حالی است که مرزهای دو کشور حدود ۲۰۰۰ کیلومتر است که بیش از ۴۵۰ کیلومتر از آن را کوههای صعب العبور تشکیل می دهد. در جنوب یمن جنگ فرسایشی دشمن را نابود می کند و در جنوب عربستان ارتش و کمیته های مردمی نظامیان سعودی را به زانو در می آورد. از سوی دیگر نباید فراموش کرد که یمنی هایی که در کشورهای عضو ائتلاف ضد یمن زندگی می کنند به متجاوزان روی خوشی نشان نخواهند داد. همچنین نباید از تحولات پس از توافق هسته ای ایران با ۵+۱ غافل بود و اثرات آن را بر تفاهات منطقه ای نادیده گرفت به ویژه که طی روزهای گذشته آثار آن را می توان در تحركاتی که عمان دنبال می کند و وزیران خارجه کشورهای بزرگ را دور هم جمع کرده است، مشاهده کرد. سعودی ها مطیع آمریکایی ها هستند و خود به تنهایی اراده مستقلی ندارند و چنانچه تصمیمات در سطح کلان بین المللی درباره یمن اتخاذ شود آنها نه تنها باید دست خالی یمن را ترک کنند بلکه با وضعیت جدید در مرزهای خود در جنوب این کشور روبرو شوند زیرا ناخواسته منطقه ای بی ثبات در مرزهای خود ایجاد کرده اند.

این مناطق را به مناطق خالی از سکنه تبدیل کرده است. همزمان نیروهای ارتش و کمیته های مردمی یمن اقدام به پیشروی زمینی کرده اند و بر مناطقی در جازان از جمله مراکز نظامی سعودی دست یافته اند و ادوات نظامی را به غنیمت گرفته اند. یکشنبه گذشته عبدالملک حوثی رهبر انصارالله یمن اعلام کرد که تحركات سعودی-آمریکایی در یمن به سدی به نام اراده ملت این کشور برخورد کرده و ناکام مانده است. یمنی ها به گفته عبدالملک حوثی در نبرد شرف، استقلال و دفاع مشروع انجام می دهند. رهبر انصارالله حوادث عدن را پیشروی محدود می داند و اینکه این تحركات دستاوردی برای دشمن محسوب نمی شود بلکه آنها را به باتلاق یمن فرو می برد. وی همچنین گفت که یمنی ها تن به خواری و بندگی نمی دهند و هر شکستی لزوماً به مفهوم برنده شدن طرف مقابل در جنگ نیست بلکه نشانه فرورفتن بیشتر دشمن است. همانطور که عبدالملک الجوثی وعده داده است عدن بهشت متجاوزان نخواهد بود بلکه باتلاقی است که دشمن را در خود فرو می برد. کشورهای حوزه خلیج فارس که در ائتلاف تحت سرکردگی سعودی ها به سر می برند در این باتلاق فرو خواهند رفت. بیگانگانی که تاریخ یمن و ماهیت ملت یمن را نمی شناسند در مهلکه ای در این کشور وارد می شوند که هزاران بار آرزوی مرگ در آن خواهند کرد زیرا مردم یمن بی باک هستند و هر محله، شهر و قصبه یمن جبهه ای علیه متجاوزان خواهند شد. متجاوزان که سرمست از تحولات عدن هستند باید به زودی با جنگجویان وابسته به الحراک الجنوبي و ارتش و کمیته های مردمی یمن در جنگ خیابانی بجنگند. کشورهای عضو ائتلاف تحت سرکردگی سعودی ها و عوامل وابسته به حزب اصلاح

شبه نظامیان آن از محاسبات عربستان خارج هستند در حال حاضر می کوشند که از عدن به عنوان برگ برنده ای در تحولات بهره برداری کنند و فرستادن عامل خود خالد جراح در این راستاست. رسانه های حامی عربستان از طرح تجزیه یمن به بخش های شمالی و جنوبی و سناریوهای دیگری مبنی بر وارد شدن سازمان ملل و عقب نشینی نیروهای ارتش و کمیته های مردمی یمن نیز سخن می گویند. این رسانه ها همچنین از رسیدن قریب الوقوع نیروهای مزدور سعودی به صنعا طی روزها آینده دم می زنند. اما واقعیت میدانی یمن این است که سعودی ها همچنان از هوا و دریا مردم بی گناه را هدف قرار می دهند و در پایگاه العند نیز جنگنده های سعودی با تمام توان وارد عمل شده اند تا جبهه را به نفع حامیان خود رقم زنند. قیقت این است که ارتش یمن و کمیته های مردمی چنمی را به روی سعودی ها در جازان و عسیر گشوده اند. مناطق هم مرز با یمن در جنوب عربستان به مناطق خالی از جمعیت تبدیل شده و موشک ها و توپخانه یمنی ها



فرزاد فرهاد توسکی

عراق در مسیر اصلاحات؛ اعتراضات نرم تابسته غافلگیرکننده العبادی

بین المللی و امضای آنها یا رسیدگی به امور محوله.

این تصمیم حیدر العبادی نخست وزیر عراق ابتدا باید به تصویب کابینه عراق می رسید که ساعاتی قبل این مهم با تصویب ۳۱ وزیر به اتفاق آراء رسید و همچنین این طرح باید در صحن پارلمان عراق مطرح شود.

به دنبال انتشار بیانیه فیس بوکی حیدر العبادی گروه های مختلفی به آن واکنش نشان دادند و از آن حمایت کردند که جریان صدر، اسامه النجیفی و ایاد علاوی معاونان رئیس جمهوری و برخی نمایندگان پارلمان عراق از جمله آنها هستند. همه با اشاره به اینکه این طرح در راستای برآورده شدن خواسته های مردمی است از آن حمایت به عمل آوردند.

ارشد الصالحی رئیس جبهه ترکن عراق ضمن حمایت از العبادی خواست که پرونده های فساد از سال ۲۰۰۳ تاکنون را برملا کند.

حسن سالم رئیس تشکل الصادقون نیز از تصمیمات حیدر العبادی دفاع کاملی به عمل آورد و اعلام کرد: ما از اصلاحات دولتی استقبال می کنیم.

خلف عبدالصمد رئیس تشکل الدعوه در پارلمان عراق گفت: ما از تصمیمات حیدر العبادی استقبال می کنیم و به محض رسیدن این طرح به مجلس آن را تصویب خواهیم کرد و از همه فراکسیون ها نیز می خواهیم این طرح را تصویب کنند.

محمد الکربولی رئیس تشکل الحبل در پارلمان عراق اعلام کرد: پارلمان عراق به شکل عام و تشکل ما به شکل خاص حامی تصمیمات العبادی هستیم.

نوری المالکی معاون رئیس جمهوری عراق نیز گفت: ما از مواضع در حمایت از اصلاحات روند سیاسی حمایت می کنیم. حزب اسلامی عراق اعلام کرد: وزیرانی که تظاهرات کنندگان خواستار برکناری آنها هستند باید کنار بروند تا به خواسته های مردمی احترام گذاشته شود. هر گونه نادیده گرفتن خواسته های مردم به شعله ور شدن بحران منجر می شود.

احمد الجبوری رئیس ائتلاف العراق ضمن استقبال از تصمیمات اتخاذ شده از سوی حیدر العبادی بیان کرد: این تصمیمات جسورانه بود. ما حامی العبادی هستیم و پرونده های فساد مسئولان را فاش می کنیم.

محسن السعدون از ائتلاف کردستان نیز از تصمیمات حیدر العبادی حمایت کرد و آن را در راستای تحقق خواسته های تظاهرات کنندگان دانست.

تشکل متحدون به ریاست اسامه النجیفی با صدور بیانیه ای اعلام کرد: اسامه النجیفی به همه وزیران و نمایندگان وابسته به این تشکل دستور داده است که از تصمیمات حیدر العبادی حمایت کنند.

همام حمودی معاون رئیس پارلمان



پرونده های فساد سابق و کنونی تحت نظارت کمیسیون عالی مبارزه با فساد که از افراد متخصص تشکیل شده، باز می شود و دارای های آنها مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین دستگاه قضایی خواستار تکیه کردن بر حکم تعدادی از قضات متخصص و معروف به سلامت اخلاقی برای تحقیق در این رابطه و محاکمه افراد فاسد می شود. درخواست از شورای وزیران برای موافقت با مصوبات فوق مطرح شده و از مجلس نمایندگان نیز خواسته می شود تا آن را به تصویب برساند تا نخست وزیر بتواند اصلاحاتی که مرجعیت عالی دینی خواستار آن شده اعمال کند. چرا که شهروندان خواستار مبارزه با فساد و تحقق عدالت اجتماعی شده اند.

حیدر العبادی اعلام کرد که این تصمیمات را با استناد به ماده ۷۸ قانون اساسی عراق اتخاذ کرده است که مفاد این ماده عبارتند از:

شورای وزیران حائز اختیارات ذیل است:

۱- برنامه ریزی و اجرای سیاستها و برنامه های کلی دولت و نظارت بر عملکرد وزارتخانه ها و دستگاههای غیر مرتبط با وزارت.

۲- ارائه لوائح قانونی.

۳- صدور دستورات و تصمیم گیری با هدف اجرای قوانین.

۴- آماده کردن پیش نویس بودجه عمومی، تراز نهایی و برنامه های توسعه.

۵- توصیه به مجلس نمایندگان به منظور موافقت با تعیین کفیل وزارتخانه ها، سفرا، صاحبان درجه های ویژه، رئیس ستاد ارتش و معاونان او، مناصب فرماندهی لشکر و مافوق آن، رئیس دستگاه اطلاعات ملی و روسای دستگاههای امنیتی.

۶- گفتگو درباره معاهدات و توافقنامه های

اینکه اقدامات العبادی مجموعه اقداماتی ثانوی و نه اصلی هستند از وی خواست از سهمیه بندی های حزبی دوری کند و تمام امکانات خود را برای حمایت از ارتش و داوطلبان مردمی به کار گیرد.

این اقدام کافی بود تا حیدر العبادی تصمیم جسورانه خود را بگیرد و در صفحه فیس بوک خود منتشر کند. مفاد آن عبارتند از:

- کاهش فراگیر و فوری تعداد محافظان همه مسئولان دولتی از جمله رؤسای قوای مجریه و مقننه و دستگاه قضایی، وزراء، نمایندگان، مدیران کل، استانداران، اعضای شوراهای استان و هم طرازهایشان و تحویل نیروهای مازاد به وزارتخانه های دفاع و کشور به منظور آموزش و آماده سازی آنها برای انجام مأموریت های ملیشان در دفاع از کشور و محافظت از شهروندان.

- لغو امتیازات ویژه همه رؤسا، ادارها، مؤسسات دولتی و بازتنستگان بر اساس بخشنامه هایی که نخست وزیر آن را صادر می کند و در این زمینه عدالت، تخصص و اصول حرفه ای معیار قرار می گیرد.

- حذف همه سمت های عالی اعم از هیئت های مستقل، معاونان وزارتخانه ها، مشاوران و مدیران کل که بر اساس سهمیه بندی حزبی و طایفه ای شکل گرفته اند. یک کمیته حرفه ای از سوی نخست وزیر، نامزدها را بر اساس شایستگی، لیاقت و با توجه به تجارب ملی و بین المللی در این زمینه انتخاب می کند و کسانی که شرایط لازم را ندارند کنار گذاشته می شوند.

- محدود کردن وزارتخانه ها و هیئت ها به منظور شایسته سالاری در دولت و کاهش هزینه ها.

- حذف مناصب معاونان رئیس جمهور و نخست وزیر.

عراق طی سالیان گذشته همواره یکی از خرسازترین کشورها بوده است جدای از تحولات داعش این روزها بحث اعتراضات مدنی و تصمیمات حیدر العبادی در این کشور مطرح است.

این روزها عراق شاهد انتقادات مردم به وضعیت خدمات رسانی بوده است. فقط باید در عراق بود تا گرمای بالای ۵۰ درجه را تحمل کرد. مردم عراق از نبود برق یا قطع مکرر آن به تنگ آمده اند؛ از اینکه آب آشامیدنی ندارند و خدمات بهداشتی به شکل مناسب به آنها ارائه نمی شود ناراضی هستند. مشکلات دیگری در کنار عوامل یاد شده سبب شد تا اعتراضات مردمی در شهرهای مختلف مرکزی و جنوبی عراق از نجف و کربلا گرفته تا بصره و برخی دیگر از استانها شدت بگیرد.

خواسته های مردمی موضوع نیست که کسی بتواند با آن مقابله کند به ویژه که عراقی ها در حال جنگ با داعش هستند و خانواده های افرادی که در برابر داعش می جنگند مورد بی مهری قرار گرفته اند. همگان منتظر بودند تا مشاهده کنند که موضع مرجعیت پیست، احمد الصافی، نماینده آیت الله سیستانی، در خطبه های نماز جمعه گذشته در کربلا از احزاب سیاسی عراق خواست در نبرد با تروریسم یکدیگر متحد باشند.

الصافی در ادامه از حیدر العبادی، نخست وزیر عراق خواست در مبارزه با فساد مالی و اداری شجاعت بیشتری نشان داده و بدون هیچ ترسی مسئولان بی کفایتی را که در روند مقابله با تروریسم کارشکنی می کنند نام برده و با دستی آهنین مفسدانی که از دارایی های ملی سوء استفاده می کنند، نابود کند.

نمایند مرجعیت دینی در ادامه با اشاره به

عبدالباری عطوان بررسی کرد؛

اهداف آمریکا از ترساندن کشورهای حوزه خلیج فارس از ایران



یکی از تحلیلگران مطرح جهان عرب با اشاره به تلاش آمریکا برای ترساندن کشورهای حوزه خلیج فارس از تهدید ایران به اهداف آن پرداخته است.

عبدالباری عطوان در مطلبی با اشاره به تلاشهای آمریکا برای ترساندن کشورهای عربی به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس از ایران و ترغیب آنها به امضای قرار دادهای جدید تسلیحاتی آورده است: نکته قابل توجه در تحرکات آمریکا و ابزار اطمینان به اعراب تلاش کاخ سفید برای تسریع در فروش سلاح های جدید و پیشرفته به کشورهای حوزه خلیج فارس است.

مفهوم آن تزریق میلیاردهای دلار به شرکت های اسلحه سازی آمریکا و نجات آنها از حالت رکود کنونی است. این در شرایطی است که قیمت نفت پایین آمده است و کمبود بودجه در کشورهای حوزه خلیج فارس خود را نشان داده است.

جان کری وزیر خارجه آمریکا در نشست خبری با خالد العطیه همتای قطری خود متعهد به حمایت کشورهای حوزه خلیج فارس در برابر هجوم ایران شد اما دلیل این هراس از ایران در حالی که توافق امضا کرده است چیست؟ به ویژه که ظریف وزیر خارجه ایران توافق هسته ای را برای همسایگان زیان بار ندانست بلکه آن را دستاوردی مهم که به حالت بحران ۱۲ ساله پایان داد، دانست.

عطوان می نویسد: برخی مسئولان کشورهای حوزه خلیج فارس به طور دائم اعلام می کنند که برای موضوع فلسطین پول خرج کرده اند اما اگر همه کمک های این کشورها از سازمان آزادی بخش فلسطین در طول چهل سال را مورد توجه قرار دهیم ملاحظه خواهیم کرد که قیمت آن برابر با خرید سامانه موشکی که برای مقابله با ایران خریداری می شود، نیست. البته اگر صدها جنگنده جدید و رادار و قرار دادهای تسلیحاتی که از ۱۳۰ میلیارد دلار فقط در سه سال گذشته فراتر رفته است را به حساب نیاوریم.

وی می نویسد: ما به خرید سلاح کشورهای حوزه خلیج فارس مشکلی نداریم اما به شرط اینکه این خریدهای در مسیر صحیح باشد و خطری مهم امنیت عربی را تهدید نکند. ایران هنگامی که در معرض تهدید آمریکایی ها بود از قرار دادهای تسلیحاتی کشورهای حوزه خلیج فارس ترسی به خود راه نداد.

طوان در پایان می نویسد: هدف جان کری و آمریکایی ها وسوسه کردن اعراب برای گرفتن آخرین دلارهای آنهاست و اینکه سلاح های غیرپیشرفته - در مقایسه با سلاح هایی که ارتش آمریکا و رژیم اسرائیلی استفاده می کند - به آنها بفروشد و این نهایت تحقیر و خدعه است.

استعفا شخص دیگری معرفی شود. رئیس جمهوری درخواست برکناری معاون خود را مطرح می کند تا مجلس بر اساس اکثریت مطلق آن را تصویب کند.

از سوی دیگر ماده ۶۹ قانون اساسی برای رئیس جمهوری عراق معاون مشخص کرده و لزوما رئیس جمهوری باید معاون داشته باشد.

اما به نظر می رسد با توجه به همین موضوع مجلس عراق می تواند در این زمینه یعنی معاونان رئیس جمهوری عراق ورود کند.

نکته ای که با توجه به حوادث و اعتراضات مردمی در روزهای اخیر در عراق رخ داده است و تصمیم امروز می توان به آن اشاره کرد این است که حیدر العبادی شروع کننده یک تحول بزرگ در عراق است. از سال ۲۰۰۳ تاکنون عراق به طور عمده بر اساس یک سهمیه بندی سیاسی و طایفه ای اداره شده است به این ترتیب که کردها و سنی ها و شیعیان هر یک سمت هایی را در این چرخه قدرت میان خود تقسیم کرده اند.

احتمالا ساختار بالایی یعنی نخست وزیر بودن شیعه حفظ خواهد شد اما اینکه رئیس جمهوری به جای کردها از میان اعراب انتخاب شود یا اینکه ریاست مجلس را کردها در دست داشته باشند قابل تصور است.

اگر حیدر العبادی بتواند تصمیماتی که امروز اتخاذ کرده است را اجرایی کند گام مهمی برداشته است به ویژه که اگر توجه شود مرجعیت با تمام توان از این تصمیمات حمایت می کند.

البته نباید فراموش کرد که سنگ اندازی هایی نیز در مسیر اجرا وجود خواهد داشت به ویژه که کردها به وضعیت موجود خو گرفته اند و از سویی علاقه ای به تقویت دولت مرکزی ندارند. اما در داخل گروههای شیعی با توجه به اینکه بحث از وضعیت و خواسته های مردمی و حمایت مرجعیت دینی است، قاعدتا نباید مخالفتی وجود داشته باشد.

اما گویا آنگونه که یک منبع نزدیک به حیدر العبادی اعلام کرده است العبادی قصد دارد که دست به اصلاحات واقعی بزند. به گفته این منبع، این بسته اول اصلاحات بوده است و اصلاحات دیگری در عراق در راه است که شامل مبارزه با فساد، پارتی بازی، بهبود خدمات خواهد بود.

عراق اعلام کرد: جلسه آینده مجلس عراق درباره بررسی تصمیمات حیدر العبادی و تصویب آن بر اساس قانون اساسی است.

وی افزود: پارلمان حامی همه تصمیمات منطبق بر قانون اساسی است که از اصلاحات و تغییر حمایت می کند. مقابله با مفسدان لازم و ضروری است.

اما این تصمیم از نظر حقوقی چه وضعیتی دارد؟

طراح حزب از کارشناسان حقوقی عراق در این زمینه گفت: تصمیمات اتخاذ شده از سوی حیدر العبادی کاملاً قانونی و منطبق بر قانون اساسی و در راستای اختیارات وی در ماده ۷۸ قانون اساسی عراق به اعتبار اینکه مسئول مستقیم سیاست های کلی کشور است.

وی افزود: برکناری معاونان رئیس جمهوری عراق از سمت های خود به حکم ریاست جمهوری نیاز دارد اما معاونان نخست وزیر حق حضور در جلسات را ندارند.

ابتهام الهلالی عضو کمیسیون حقوقی مجلس عراق نیز گفت: تصمیم حیدر العبادی در برکناری معاونان رئیس جمهوری و نخست وزیر شجاعانه بود. این از اختیارات نخست وزیر است که چنین تصمیمی اتخاذ کند. تصمیم به تصویب در داخل صحن مجلس نیاز دارد.

جدای از اینکه تصمیمات حیدر العبادی در راستای تحقق خواسته های مردمی صورت گرفته است و مرجعیت نیز حامی آن است اما نکته ای که باید به ویژه در مورد بند مربوط به معاونان رئیس جمهوری عراق به آن توجه داشت این است که بر اساس قانون سال ۲۰۱۱ مربوط به نمایندگان ریاست جمهوری، رئیس جمهوری عراق می تواند برای خود تا حداکثر سه معاون داشته باشد و این براساس مواد ۶۱، ۶۲، ۶۳ قانون اساسی عراق است.

بر اساس قانون سال ۲۰۱۱، مدت معاون رئیس جمهور از زمان سوگند خوردن وی در مجلس عراق شروع و تا پایان دوران ریاست جمهوری ادامه می یابد.

بنا بر این قانون اگر رئیس جمهوری به هر دلیلی نتواند به وظایف خود عمل کند معاون وی جایش را می گیرد و مجلس ظرف مدت یکماه رئیس جمهوری جدید را انتخاب می کند.

بر اساس این قانون رئیس جمهوری با استعفای معاون خود موافقت می کند و مجلس را در جریان قرار می دهد تا ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ قبول



گفتگو با تحلیلگر عراقی؛

العبادی به دنبال «شایسته‌سالاری»/ نقش مهم مرجعیت در اجرای اصلاحات

گفتگو: رامین حسین آبادیان

«زین العابدین حیدری» فعال رسانه‌ای و تحلیلگر عراقی با اشاره به طرح جدید نخست وزیر این کشور برای اجرای اصلاحات، از عوامل، اهداف و آینده این طرح سخن گفت.



|| به نظر شما مهمترین هدفی که العبادی به دنبال اجرای این اصلاحات به دنبال تحقق آن است، چیست؟

مهمترین هدف حیدر العبادی برای برقراری این اصلاحات پایان دادن به «نظام سهمیه ای» در شاکله دولت است. العبادی با این طرح خود خواست تا به تشکیل دولت بر مبنای سهمیه احزاب و طایفه ها در عراق پایان دهد. نکته قابل تأمل اینجاست که تشکیل دولت بر مبنای «نظام سهمیه ای» موروث آمریکایی ها در عراق است. این موروث، تله ای بود که موجب شد وزیران در عراق بر اساس قومیت و احزابی که در آن عضو هستند، انتخاب شوند و نه بر اساس لیاقت ها و شایستگی های خود. بدین ترتیب العبادی عزم خود را جزم کرد تا دولتی منسجم و به دور از هرگونه فرقه گرایی تشکیل دهد. نقشه راه العبادی این است که در وزارتخانه های مهم از جمله وزارت های امنیتی و مالی مانند وزارت های کشور، دفاع، نفت و دارایی افرادی دارای شایستگی و لیاقت بر سر کار آیند و انتخاب وزرای این وزارتخانه ها بر مبنای طایفه گری صورت نگیرد. این بدین معناست که از این پس شایستگی عامل انتصاب وزیران خواهد بود حتی اگر همگی آنها سنی باشند و یا شیعه. از سوی دیگر، بحث چابک سازی دولت نیز از دیگر اهداف العبادی در انجام این اصلاحات به شمار می رود. وی بسیاری از پست های بی اهمیت در دولت را لغو کرد و تصمیم گرفت که بودجه را به صورت عادلانه بین استان ها تقسیم کند.

|| برخی صداها در مخالفت با طرح العبادی در داخل و خارج از عراق شنیده می شود. چه چیزی می تواند عامل این مخالفت ها باشد؟ طبیعتاً مخالفت هایی در داخل و خارج از

رسانی و فساد وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که درآمد عراق از سال ۲۰۰۳ از زمان سرنگونی دیکتاتور معدوم این کشور ۱۴۰ تریلیون دلار بوده است که شاید با صرف تنها یک دهم این مبلغ این امکان وجود داشت که تمامی خدمات مورد نظر مردم در سطح عالی تأمین شود. اما این اتفاق هیچگاه رخ نداد و علت آن هم مشخص است؛ فساد، مسئولین کشور دچار فساد شدند و به همین دلیل بودجه ای که گفته شد در راه بهبود وضعیت معیشتی مردم و بهبود وضعیت خدمات رسانی مصرف نشد.

ضرب الاجل قبایل عراقی در روز پنجشنبه هفته گذشته به راهپیمایی گسترده مردمی تبدیل و حتی به میدان سرنوشت ساز و مهم پایتخت عراق یعنی میدان «التحریر» نیز کشیده شد؛ میدانی که از لحاظ امنیتی که دارد می توان آن را مشابه میدان آزادی در تهران دانست. همین عوامل دست به دست دادند تا دولت عراق به تدریج تصمیم به اتخاذ طرح اصلاحات بگیرد.

|| نقش مرجعیت عالی عراق در اتخاذ این اصلاحات از سوی دولت عراق را چگونه ارزیابی می کنید؟

به دنبال تظاهرات هزاران نفری مردم عراق در نقاط مختلف کشور مرجعیت عراق روز جمعه هفته گذشته وارد عمل شده و پیامشان را از طریق نماینده خود از کربلا به گوش مردم رساندند. نماینده مرجعیت عالی عراق در خطبه های نماز جمعه کربلا به صراحت اعلام کردند که مطالبات مردمی در خصوص مبارزه با فساد و لزوم ایجاد اصلاحات مورد تأیید کامل ایشان است. دقیقاً پس از سخنان نماینده مرجعیت بود که العبادی در پیام توئیتری خود از طرح جدید خود برای برقراری اصلاحات خبر داد.

نمایندگان نیز خواسته می شود تا آن را به تصویب برساند تا نخست وزیر بتواند اصلاحاتی که مرجعیت عالی دینی خواستار آن شده اعمال کند. چرا که شهروندان خواستار مبارزه با فساد و تحقق عدالت اجتماعی شده اند. در همین ارتباط با «زین العابدین حیدری» فعال رسانه ای و تحلیلگر عراقی گفتگویی انجام شده که مشروح آن از نظر می گذرد:

|| چه عواملی موجب شد تا العبادی، نخست وزیر عراق دست به اصلاحات بزند؟

از جمله عواملی که می توان از آنها به عنوان دلایل اصلاحات اخیر حیدر العبادی، نخست وزیر عراق یاد کرد، نقش قبایل عراقی است. به خوبی می دانیم که قبایل عراقی در جنوب کشور همچنان از جایگاه ارزشمندی برخوردار هستند. به ویژه قبایل شهر ناصریه که یک شهر شیعه نشین بوده و از تاریخ ادبی، سیاسی و فرهنگی غنی برخوردار است، نقش مهمی را در این راستا ایفا کردند. در واقع قبایل شهر ناصریه نقش خود در تحولات عراق را از سال ۱۹۲۰ و از زمان حمله انگلیس به عراق ایفا کردند؛ زمانی که به ندای مرجعیت وقت لیبیک گفته و به جهاد برخاستند. تاریخچه این شهر از آن زمان مد نظر است.

چندی پیش سران برخی از قبایل عراقی از جمله قبایل شهر ناصریه در جریان نشست مشترکی با دولت، برای حل مشکلات معیشتی خود و بهبود خدمات رسانی در عرصه های مختلف از جمله آب رسانی و برق رسانی برای دولت ضرب الاجل تعیین کردند. آنها معتقد بودند که شیوه خدمات رسانی در عراق باید به طور کلی و ریشه ای با سالهای گذشته متفاوت باشد. در این میان، سؤالی که به ذهن متبادر می شود، این است که چه ارتباطی میان خدمات

پس از تشدید اعتراضات مردمی در عراق به وضعیت معیشتی و تأکید مرجعیت عالی این کشور بر لزوم بهبود شرایط اقتصادی و مبارزه با فساد، حیدر العبادی، نخست وزیر این کشور در اقدامی غیرمنتظره طرحی را به منظور مبارزه با فساد ارائه کرد که با اکثریت آراء توسط اعضای کابینه به تصویب رسید. طرحی که العبادی در این زمینه ارائه کرده است، مفاد ذیل را در بر می گیرد:

- کاهش فراگیر و فوری تعداد محافظان همه مسئولان دولتی از جمله رؤسای قوای مجریه و مقننه و دستگاه قضایی، وزراء، نمایندگان، مدیران کل، استانداران، اعضای شوراهای استان و هم طرازهایشان و تحویل نیروهای مازاد به وزارتخانه های دفاع و کشور به منظور آموزش و آماده سازی آنها برای انجام مأموریت های ملی در دفاع از کشور و محافظت از شهروندان.

- لغو امتیازات ویژه همه رؤسا، اداره ها، مؤسسات دولتی و بازنشستگان بر اساس بخشنامه هایی که نخست وزیر آن را صادر می کند و در این زمینه عدالت، تخصص و اصول حرفه ای معیار قرار می گیرد.

- حذف همه سمت های عالی اعم از هیئت های مستقل، معاونان وزارتخانه ها، مشاوران و مدیران کل که بر اساس سهمیه بندی حزبی و طایفه ای شکل گرفته اند. یک کمیته حرفه ای از سوی نخست وزیر، نامزد ها را بر اساس شایستگی، لیاقت و با توجه به تجارب ملی و بین المللی در این زمینه انتخاب می کند و کسانی که شرایط لازم را ندارند کنار گذاشته می شوند.

- محدود کردن وزارتخانه ها و هیئت ها به منظور شایسته سالاری در دولت و کاهش هزینه ها.

- حذف مناصب معاونان رئیس جمهور و نخست وزیر.

- پرونده های فساد سابق و کنونی تحت نظارت کمیسیون عالی مبارزه با فساد که از افراد متخصص تشکیل شده، باز می شود و داریی های آنها مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین دستگاه قضایی خواستار فعالیت تعدادی از قضات متخصص و معروف به سلامت اخلاقی برای تحقیق در این رابطه و محاکمه افراد فاسد می شود.

- درخواست از شورای وزیران برای موافقت با مصوبات فوق مطرح شده و از مجلس

بنابراین در هیچ کجای طرح العبادی فراتر از قانون اساسی عمل نشده است. حتی تصمیم العبادی برای تشکیل کمیسیون موسوم به «از کجا آورده ای» در دولت به منظور رسیدگی به اسامی و دارایی های مسئولان مخالف قانون اساسی نیست.

|| اخیرا برخی رسانه ها با انتشار اخباری غیر رسمی اعلام کردند که نوری المالکی در اعتراض به اصلاحات انجام شده تصمیم به خروج از کشور داشته است. آیا این مسأله صحت دارد؟

این خبر بسیار مضحک است و رسانه هایی که آن را منتشر کرده و اقدام به این نوع جوسازی علیه المالکی کرده اند معلوم الحال هستند. این رسانه ها، رسانه های وابسته به بعضی ها هستند و در واقع به نوعی سخنگوی آنها محسوب می شوند. اینکه در این رسانه ها مقصد المالکی برای خروج از کشور، سوریه عنوان شده است خود به خوبی نمایانگر دروغ بودن خبر آنهاست. در مورد آقای نوری المالکی گفتن این نکته ضروری است که ایشان حتی در صورت تصویب لغو سمتش به عنوان معاون رئیس جمهور، همچنان به عنوان نماینده بزرگترین فراکسیون پارلمان باقی خواهد ماند و عراق از خدمات و تجربه وی استفاده خواهد کرد.

مرجعیت عالی عراق و همچنین مردم بتوانند طرح العبادی را رد کنند.

|| به نظر شما عکس العمل کردهای عراق به تصویب این طرح چه خواهد بود؟

اگر نگاه سهیمه ای هم به طرح العبادی بیاندازیم، کردها در این میان چیزی را از دست نداده اند، زیرا پست ریاست جمهوری برای آنها بوده و خواهد بود. تنها مشکلی که کردها با آن مواجه هستند، بحث بودجه اقلیم کردستان عراق است که در این زمینه هم هدف العبادی چابک سازی دولت و تقسیم بودجه عادلانه بوده است، به همین دلیل معتقدم که در صورت تحقق این مهم، بودجه مناسبتری هم نصیبشان خواهد شد.

|| العبادی همواره تأکید کرده است که در انجام اصلاحات از قانون اساسی تخطی نمی کند. به نظر شما اصلاحات اعلام شده از سوی وی تا چه حدی با مواد قانون اساسی عراق تطابق دارد؟

بر اساس بند ۷۸ قانون اساسی عراق، صراحتا قید شده است که نخست وزیر به عنوان رئیس دولت این اختیار را دارد که شاکله دولت را عوض کند در بحث بودجه دولت نیز، قانون اساسی اختیار را به دولت واگذار کرده است.

می تواند باشد؟ آیا پارلمان می تواند به راحتی با این طرح مخالفت کرده و آن را رد کند؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که العبادی نامزد جریان «اتلاف ملی» در انتخابات پارلمانی بود؛ ائتلافی که توانست اغلب کرسی های پارلمان را از آن خود کند. بنا بر این نخست وزیر عراق پیش از اعلام این طرح گسترده و همه جانبه در سطح ملی با همیمانان خود در پارلمان گفتگو کرده و موافقت آنها را به دست آورده است و اینگونه نیست که به تنهایی چنین تصمیم بزرگی گرفته باشد.

|| «سلیم الجبوری» رئیس پارلمان اعلام کرده است که طرح العبادی بسیار خوب است اما کافی نیست. اظهار نظر وی را چگونه ارزیابی می کنید؟

در هر صورت الجبوری می تواند به عنوان رئیس پارلمان نظر خود را مطرح کند. اما آنچه که به نظر می رسد این است اظهار نظر وی شخصی است. وی اخیرا نیز اعلام کرده که طرح العبادی مختص یک گروه خاص در عراق نیست. این اظهار نظر نشان می دهد که الجبوری هم با طرح العبادی موافق است. در هر صورت بسیار بعید به نظر می رسد که پارلمان با وجود موافقت

کشور با این طرح شده است. پر واضح است کسانی که در داخل با این طرح مخالفت می کنند، خود از فاسدان اقتصادی هستند که حتی با تشکیل کمیسیونی برای رسیدگی به اسامی و دارایی های مسئولین تحت عنوان «از کجا آورده ای» مخالفتند. آنها افرادی هستند که در طول مدت مسئولیت خود درآمدهای نامشروعی را به دست آورده اند. از سوی دیگر مخالفت های خارجی با این طرح نیز وجود دارد. علت این مخالفت ها این است که برخی کشورهای منطقه ای و یا حتی فرمانطقه ای به این نتیجه رسیده اند که مأموریت داعش در عراق به پایان رسیده است و باید از آن خلاص شد. آنها معتقدند که رهایی از داعش نباید به گونه ای باشد که عراق و سوریه پیروز جلوه داده شوند به ویژه پس از توافق هسته ای ایران. بدین ترتیب به دنبال سناریوی دیگر هستند تا به وجود داعش همراه با حفظ آبروی خود پایان دهند. آنها می خواهند وانمود کنند که نقشی در نابودی داعش داشته اند. از همین روی، آنها با این طرح که در مرحله اول موجب انسجام عراق و در مرحله بعدی موجب نابودی داعش می شود، مخالف هستند.

|| نقش پارلمان در تصویب یا عدم تصویب اصلاحات اعلام شده از سوی نخست وزیر عراق چگونه

اوباما نتیجه معامله «نفت» با «دیپلماسی» را می بیند؛

نفرین های بی فایده کری بر قبر سعود الفیصل!



آمریکا در نهایت ضمن معامله «نفت» با «دیپلماسی»، به کری دستور داد تا مذاکرات را به مدت هفت ماه تمدید کند.

در همان زمان کری و برخی استراتژیست های آمریکایی نسبت به عواقب این تمدید نسبتا بلند مدت و تبعات حضور جمهوری خواهان در کنگره هشدار دادند اما اوباما هیچ یک از این هشدارها را نشنید.

این تصمیم اوباما شوک سختی به همه اعضای ۵+۱ وارد کرد اما آنها ترجیح دادند برای جلوگیری از تخریب روند مذاکرات از اعلام این ناراضیاتی خودداری کنند. حتی خود جان کری نیز خبر تمدید هفت ماهه مذاکرات و جلوگیری از جمع بندی آن را با نارضایتی به دیگران ابلاغ کرد. نتیجه این معامله وقیحانه اما، افزایش قدرت مانور جمهوری خواهان در کنگره و تصویب طرح نظارت بر توافق هسته ای و... بود و بدیهی است که در چنین معادله ای اوباما مقصر اصلی بر هم خوردن توافق هسته ای بود، زیرا وی در دو گلوگاه زمانی حساس یعنی تیرماه سال ۱۳۹۳ و آذرماه سال ۱۳۹۳ و در زمان تسلط دموکرات ها بر سنا، تصمیم واقعی خود را برای رسیدن به توافق نهایی اتخاذ نکرد و حل نقاط اختلافی را قربانی سیاست های اقتصادی و منطقه ای خود کرد. با این تفاسیر، امروز اوباما نمی تواند ژست فردی مظلوم را در برابر جمهوری خواهان کنگره بگیرد. ضمن اینکه جسد سعود الفیصل به عنوان یکی از اصلی ترین بانیان طرح «نفت» در برابر «دیپلماسی» نیز در زیر خوارها خاک پنهان شده است. در چنین شرایطی طبیعی است که مسئولیت مستقیم هر گونه رفتار جمهوری خواهان کنگره با شخص باراک اوباما است و مسلما ضجه های جان کری و نفرین های وی بر سر خاک سعود الفیصل دیگر فایده ای به حال اوباما، سوزان رایس و دیگر بانیان بر هم خوردن مذاکرات آذرماه ۱۳۹۳ نخواهد داشت.

در جریان مذاکرات هسته ای آذرماه سال گذشته در وین، در حالی که هنوز سنای آمریکا در اختیار اکثریت دموکرات بود و قانون نظارت کنگره بر توافق نهایی نیز به تصویب سناتورها نرسیده بود، اوباما تسلیم طرح نفتی ارائه شده توسط آل سعود برای بر هم زدن بازارهای نفت به ضرر ایران و روسیه شد. این طرح توسط سعود الفیصل وزیر امور خارجه سابق عربستان و در فرودگاه وین به جان کری ارائه شد. وزیر امور خارجه آمریکا پس از دریافت این طرح و جزئیاتش، آن را به اوباما جهت تصمیم گیری نهایی ارائه کرد. هر چند منابع آگاه می گویند حتی کری نیز تصور نمی کرد به واسطه این معامله نفتی اوباما حاضر به بر هم زدن میدان مذاکرات هسته ای و تمدید هفت ماهه آن شود. با این حال رئیس جمهور منفعت طلب

در مذاکرات آذر ۹۳ در وین، در حالی که سنا در اختیار دموکراتها بود و قانون نظارت کنگره بر توافق نهایی به تصویب نرسیده بود، اوباما تسلیم طرح نفتی آل سعود برای بر هم زدن بازار نفت به ضرر ایران شد. این روزها باراک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در ظاهر سعی دارد خود را فردی طرفدار دیپلماسی، مقاوم در برابر کنگره و پر صلابت در برابر جمهوری خواهان و مخالفان توافق هسته ای با ایران نشان دهد. رسانه های آمریکایی نیز طی روزهای اخیر بارها بر روی منازعه «کنگره - کاخ سفید» بر سر توافق هسته ای تأکید کرده و بر اختلاف دو دیدگاه در تعامل یا تقابل با تهران صحنه گذاشته اند. با این حال به نظر می رسد مقامات کاخ سفید و رسانه های آمریکایی به صورت عامدانه از کنار موضوع مهمی عبور کرده اند!

گفتگو با سفیر اسبق آمریکا در یمن:

غرب هیچ قدرتی برای پایان دادن به وضعیت غیر انسانی در یمن ندارد



سفیر اسبق آمریکا در یمن دلیل سکوت کشورهای غربی در مورد بحران یمن را قدرت نداشتن آنها برای تاثیر گذاری در تحولات این کشور عربی دانست. بحران یمن و حملات عربستان به یمن وارد پنجمین ماه خود شده و در این میان با وجود ثبت جنایات گسترده علیه مردم یمن از سوی عربستان سعودی جوامع غربی و مدافعان حقوق بشر در برابر این فجایع سکوت اختیار کرده اند. در همین رابطه برای اطلاع بهتر از موضع کشورهای غربی در مورد بحران یمن با «ویلیام روو» سفیر اسبق آمریکا در یمن به گفتگو نشستیم. ویلیام روو از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۵ کارمند وزارت خارجه آمریکا بوده و در این مدت در ۹ کشور عربی از جمله یمن، امارات و سوریه به عنوان سفیر و یا دیپلمات حضور داشته است.

روو هم اکنون از اساتید دانشگاه تافتز است و به تدریس دیپلماسی عمومی در این دانشگاه اشتغال دارد. وی همچنین به عنوان کارشناس ارشد در «موسسه خاورمیانه» واشنگتن نیز حضور دارد. متن این گفتگو به شرح زیر است:

تحولات یمن ورود نظامی نداشته و فقط از عملیات نظامی عربستان حمایت محدودی را کرده است. منافع آمریکا در یمن اساسا کمک به مبارزه با القاعده است که بطور مستقیم منافع ایالات متحده را تهدید می کند و واشنگتن برای رسیدن به این هدف (مبارزه با القاعده) در پی بازگرداندن ثبات به یمن است. حوثی ها نیز در یمن علیه القاعده فعالیت می کنند اما باید بگویم تا زمانیکه ثبات در یمن برقرار نشود هیچ شریک و همپیمان قدرتمندی در یمن برای همکاری با آمریکا علیه القاعده وجود نخواهد داشت. باید این نکته را نیز متذکر شد که به دلیل وضعیت موجود در یمن القاعده در حال قدرت گرفتن در این کشور است. گذشته از این موضوع آمریکا منافع زیاد دیگری در منطقه دارد که ربطی به موضوع یمن ندارند منافی همچون توافق هسته ای ایران، بحران سوریه، داعش و مشکلات داخلی عراق، که البته در تمامی این موارد عربستان می تواند به آمریکا کمک کند اما تا کنون چنین چیزی اتفاق نیفتاده است.

|| شما به این نکته اشاره کردید که کشورهای غربی قدرتی برای تغییر وضعیت موجود در یمن ندارند، آیا حقیقت ماجرا به همین شکل است یا آنکه رابطه خاص عربستان با کشورهای غربی موجب شده تا آنها در مورد یمن سکوت کنند؟

بسیاری از مردم از جمله خود آمریکایی ها در مورد قدرت ایالات متحده برای تاثیر گذاری در تحولات کشورهای خارجی غلو می کنند. وضعیت فعلی یمن نتیجه انتخاب مردم این کشور و عواملی است که ریشه در تحولات داخلی یمن دارند. عربستان سعودی از همسایگان یمن است و در تمامی زمینه ها از این کشور قویتر است با این وجود مداخله نظامی سعودی ها در یمن موجب بازگست منصور هادی به قدرت و یا پایان تحولات حوثی ها نشده است از همین رو می توان گفت که توانایی عربستان برای تاثیر گذاری در تحولات یمن محدود است. آمریکا تاکنون بطور مستقیم در

حتی متوقف کردن بمباران این کشور و پایان دادن به تحریم ها ندارد. این موارد (بمباران و وضعیت بد مردم یمن) همگی خارج از کنترل آمریکا و دیگر کشورهای غربی هستند.

در پاسخ به اینکه چگونه می توان به این جنگ یمن پایان داد باید بگویم که اراده پایان دادن به این وضعیت تنها زمانی ممکن خواهد بود که تمامی گروه های یمنی به همراه حامیان خارجی خود با یک راه حل سیاسی مناسب موافقت کنند. کشورها و قدرت های خارجی نمی توانند راه حلی را به یمنی ها تحمیل کنند و در این میان حضور میانجیان بی طرف همچون سازمان ملل و یا عمان می تواند به تسهیل راه حل صلح کمک کند.

|| یمن در ماه های اخیر با شرایط بحرانی مواجه بوده اما کشورهای غربی اقدام مناسبی را برای پایان دادن به این وضعیت انجام نمی دهند، به نظر شما چرا کشورهای غربی در این مورد سکوت کرده اند؟

شرایط مشکل موجود در یمن توسط عواملی همچون مشکلات داخلی از جمله شرایط بد اقتصادی و جنگ داخلی، و مشکلات خارجی همچون بمباران و تحریم بوجود آمده اند. غرب در گذشته میلیون ها دلار کمک اقتصادی به یمن ارائه می کرد اما وقوع جنگ در این کشور موجب شده تا ارائه کمک ها متوقف شوند. غرب هیچ قدرتی برای متوقف کردن جنگ داخلی در یمن و یا

جزئیات طرح دی میستورا برای حل بحران سوریه

نماینده سازمان ملل متحد برای حل بحران سوریه اخیرا راهکاری را برای حل بحران سوریه ارائه کرده است. استفان دی میستورا نماینده سازمان ملل متحد برای حل بحران سوریه راهکار جدیدی را برای حل و فصل بحران در این کشور مطرح کرد. این راهکار شامل ۳ مرحله است: مذاکره، مرحله انتقالی و تشکیل دولت. طرح دی میستورا شامل تشکیل یک هیئت انتقالی با اختیارات اجرایی کامل و شورای نظامی مشترک است شورایی که گروه های نظامی مخالفان و ارتش سوریه با یکدیگر هماهنگی و بر اصلاح و بازسازی دستگاه امنیتی سوریه نظارت داشته باشند.

علاوه بر این به موجب طرح مذکور، یک کنگره ملی با هدف فراهم کردن مقدمات برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی تحت نظارت سازمان ملل متحد تشکیل شود.

گفتنی است نماینده سازمان ملل متحد برای حل بحران سوریه در حال حاضر در حال رایزنی با طرف های مختلف سوری و منطقه ای درباره طرح مذکور است.





رضا خصلی لالوی

سیمای آینده مصر؛ تعامل یا چالش؟!

و... این مهم به تدریج رنگ باخته و مجالی را برای خود نمایی فرقه های ضاله و گروه های نوظهور تکفیری ایجاد کرده است.

در راستای روند فوق الذکر از سوی ایران، سال گذشته به دعوت «شیخ احمد طیب»، رئیس جامع الازهر مصر، «حجت الاسلام احمد مبلغی»، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی به مصر سفر کرد که در این سفر رایزنی های ارزنده ای جهت از سرگیری روابط علمی و فرهنگی این دو قطب مهم جهان اسلام صورت گرفت.

نکته قابل عرضه این تعامل محدود تاکید طرفین بر همکاری بود چرا که هر دو طرف بر این مسئله اذعان نموده که در صورت واگرایی، ناهمسازگرای، عرصه برای ظهور و تاخت و تاز جریان های تکفیری وسیع خواهد شد. گام دوم این مهم، انتشار مواضع شیخ احمد طیب پیرامون تشیع و رفع ابهامات وارده بود که در واکنش به ایشان آیت الله مکارم شیرازی، حجت الاسلام احمد مبلغی و مقتدی صدر پیام های مهمی صادر کردند.

بر این اساس؛ آنچه مشخص است اینکه رهبران و اندیشمندان شیعه خواستار تعامل و همکاری با جامع الازهر بوده و شیخ الازهر نیز شخصا به این مورد تمایل دارد اما در این میان جریان های رادیکال و تندرویی وجود دارند که خواهان عدم برقراری این رابطه تاریخی می باشند که غالبا جریان هایی وابسته هستند.

به هر روی واقعیت جامعه امروز مصر، این جامعه غنی و متمدن اسلامی را بر سر دو راهی قرار داده که می بایست از سوی متولیان و رهبران مذهبی آن تصمیمات تاریخی اتخاذ گردد، خطر نفوذ گروه های تکفیری در مصر جدی بوده و در صورت غفلت از این مهم شاهد بروز بحران های عقیدتی و حتی بحران های امنیتی در این کشور خواهیم بود و این در حالی است که علما، اندیشمندان و رهبران دینی مصر می توانند این آینده مبهم را به مسیری صلاح رقم بزنند، آینده ای با تعامل یا چالش؟!

این سیاست داعشی ها با هدف جذب اخوانی ها و اینکه چرا به اخوان المسلمین مصر توجه کرده اند نکته ای ظریف است، چراکه اخوان المسلمین از مصر ظهور کرد و کم کم از این نقطه بود که به یک جنبش توده ای در میان عامه اهل سنت مبدل گردید و امروز هم از باورهای اساسی آنان تاسیس خلافت و حکومت اسلامی است که شهید حسن البناء آن را تدبیر کرده بود.

هرچند اصول اخوان المسلمین و روش رهبران اصیل این جریان در ادوار مختلف همچون حسن البناء، حسن الهضیبی، عمر التلمسانی و... با نوع رفتارهای داعشیون هیچ سنخیتی ندارد لکن عدم وجود رهبران خردمند و کارزمای پیشین در میان اخوانی ها سبب تشدید نگرانی ها شده است. این در حالی است که گروه تروریستی انصار بیت المقدس، در شمال مصر با داعش اعلام بیعت کرده و احتمال رشد و نفوذ داعش را در مصر قوی تر می کند.

از سوی دیگر؛ ایران با توجه به جایگاه رفیع و اثربخشی انقلابی خود از همان ابتدای امر در مقابل فرقه ها و جریان های نوظهور موازی با اسلام که هدف غایی آنان ارائه یک چهره منفور و خشن از اسلام است، به شدت ایستادگی و به تقابل در سطوح سیاسی، فکری و فرهنگی برخاست. یکی از اقدامات اساسی ایران برقراری روابط حسنه با قطب های اسلامی و تعامل میان اندیشمندان، موسسات و مراکز علمی و فرهنگی جهان اسلام است که در جوامع اسلامی دارای وجه و وقار بالایی هستند.

به طور مشخص در این موارد جامع الازهر مصر است که از قضا میان حوزه علمیه قم و جامع الازهر روابط خوبی در قرن معاصر برقرار بوده اما به دلیل عدم گستردگی ارتباطات گذشته، عدم وجود حکومت های اسلامی در دو کشور، مسئله ایران هراسی و شیعه هراسی

مصر به دلیل بروز تحولات داخلی از یک بی ثباتی سیاسی - مذهبی رنج می برد که می تواند در شکل دهی تحولات آینده این کشور سهیم باشد و قطعاً اگر تدابیر خردمندانه و موشکافانه ای اتخاذ نگردد...

ایران و مصر بی تردید دو قطب عمده جهان اسلام هستند که از دیرباز جایگاه رفیع و اثربخشی در جهت دهی جریان ها و تفکرات اسلامی داشته اند. ایران به سبب اندیشه فراگیر انقلاب اسلامی، وجود حوزه علمیه قم و مرجعیت تشیع و مصر به سبب وجود جامع الازهر، تاثیربخش بودن فتاوی الازهر در بین عامه اهل سنت و سیقه تساریخی راهبری فکری اسلامی، همواره از کنش گران اصلی جهان اسلام بوده اند.

هرچند در این میان پادشاهی سعودی با زر و زور خود می خواهد فرقه ضاله وهابیت را در این راستا قرار دهد لیکن اقبال عمومی و نگاه های تاریخی به این دو کشور معطوف بوده و این در حالی است که میان این دو قطب شاهد یک واگرایی فکری و مذهبی هستیم.

مصر به دلیل بروز تحولات داخلی از یک بی ثباتی سیاسی - مذهبی رنج می برد که می تواند در شکل دهی تحولات آینده این کشور سهیم باشد و قطعاً اگر تدابیر خردمندانه و موشکافانه ای اتخاذ نگردد ای بسا که مصر هم مانند عراق و سوریه دچار بحران های عمیق تری گردد.

از سویی؛ گروه تکفیری - تروریستی داعش که با علم خلافت اسلامی امورات خود را سازماندهی می کند در دو نوبت برای جماعت اخوان المسلمین مصر پیام هایی را صادر کرده است که در صورت قبول این پیام ها از سوی اخوانی ها و ایجاد تعامل میان آنان شاهد هرچه جدی تر شدن بحران داعش در منطقه خواهیم بود.



■ خط و نشان اسپارت ها برای خانم صدر اعظم!

■ کودتای «بیوتورویسم»

■ فایبوس در پی نزدیک کردن فرانسه به ایران با استفاده از مشترکات است

■ چرایی تغییر تاکتیک ترکیه در قبال داعش و پ ک ک

اروپا

دبیر: عبدالحمید بیاتی



یورو می توانند در روند بازپرداخت وام های قبلی ارائه شده به این کشور خلل ایجاد کنند. همین مسئله منجر به ترس و وحشت آنگلا مرکل و هم حزبی هایش نسبت به «الکسیس سپیراس» نخست وزیر یونان و حزب سیریزا شده و بر ضریب رفتارهای محتاطانه صدر اعظم آلمان در قبال آتن خواهد افزود.

در این باره؛ منابع خبری از جمله خبرگزاری فرانسه اعلام کرده اند که یونانی ها در حال پیش بینی واکنش حقوقی و اقتصادی سخت خود در قبال برلین، در صورت اخراج از منطقه یورو هستند. این اقدام سلبی می تواند شرکت های آلمانی زیمنس، لیدل و الیناس را هدف قرار دهد. همچنین مقامات یونانی در صورت خروج از

یونان در صورت اخراج از یورو ساکت نمی ماند؛

خط و نشان اسپارت ها برای خانم صدر اعظم!

اگرچه به صورت رسمی و از سوی مقامات ارشد اروپایی مطرح نشده، اما مصدر آنها می توانند حزب دموکرات مسیحی آلمان و جریان حامی صدر اعظم این کشور باشند. در این راستا؛ یونان برنامه ای را در دست طرح ریزی دارد که در صورت وادار کردن آتن به خروج از منطقه یورو، اقدام علیه طرفهای وام دهنده به این کشور از جمله آلمان را در دستور کار قرار می دهد. با این حال به نظر می رسد آتن قصد ندارد در قبال اقدامات اقتصادی و ریاضتی سلبی برلین ساکت بماند، بلکه قصد دارد در صورت اخراج این کشور از منطقه یورو، درس عبرت سختی به مقامات آلمانی و در راس آنها آنگلا مرکل صدر اعظم این کشور بدهد.

یونان برنامه ای را در دست طرح ریزی دارد که در صورت وادار کردن آتن به خروج از منطقه یورو، اقدام علیه طرفهای وام دهنده به این کشور از جمله آلمان را در دستور کار قرار می دهد. شهروندان یونانی همچنان خود را قربانی اجرای سیاست های ریاضتی در کشورشان می دانند. در این برهه حساس، آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان به شخصیت منفوری نزد شهروندان یونانی و خصوصا طرفداران حزب سیریزا به عنوان مخالفان اجرای طرح های ریاضتی اروپا تبدیل شده است. طی هفته های اخیر زمزمه های دوباره ای در خصوص اخراج احتمالی یونان از منطقه یورو به گوش می رسد، زمزمه هایی که

گفتگو با استاد دانشگاه استانبول:

دولت آتی ترکیه در بخش انرژی با ایران همکاری کند/رقابت تهران و مسکو



استاد دانشگاه اسکودار استانبول ضمن تأکید بر اهمیت همکاری ترکیه با جمهوری اسلامی ایران در زمینه انرژی، حملات پ.ک.ک.ک به خطوط انتقال انرژی را مایه نگرانی دانست.

همزمان با توافق هسته ای ایران و گروه ۵+۱ و با صدور مجوز برداشتن تحریمها علیه ایران در زمینه انرژی از طرف ایالات متحده آمریکا، فضای لازم برای افزایش تولید و صادرات منابع انرژی ایران فراهم شده است. اما آنچه که بیش از همه اهمیت دارد، این است که با وجود اعلام آمادگی برخی از شرکتهای بزرگ جهانی از جمله شرکت «ساینوپک» بزرگترین شرکت پالایش کننده چین و قاره آسیا و اعلام همکاری دیگر کشورها در زمینه منابع انرژی با جمهوری اسلامی ایران آیا کشورهای همسایه نیز گامی را در این راستا خواهند برداشت و یا خیر؟ یکی از کشورهایی که احتمالاً بیشتر از همه خواهان همکاری با ایران در زمینه انرژی خواهد بود، ترکیه است.

دکتر توغچه واراو (Tuğçe Varol) مسئول بخش انرژی موسسه ترکیه قرن بیست و یکم و عضو هیئت علمی دانشگاه اسکودار استانبول در خصوص حملات گروه پ.ک.ک.ک به خطوط انرژی موجود میان ایران و ترکیه به خط لوله انتقال گاز ایران-ترکیه و همچنین خط لوله نفت کرکوک-یومورتالیک و تأثیر آن بر اجرای طرحهای مربوط به انرژی گفت: حملات

تولید نفت ایران و همچنین آزاد شدن سرمایه های بلوکه شده این کشور تأثیر زیادی در اقتصاد ایران خواهد داشت. اما آنچه که بیشتر از همه اینها مورد توجه جهان قرار خواهد گرفت، گاز ایران است. با افزایش تولید گاز در ایران، ممکن است خطوط لوله به منظور صادرات گاز در شرق و غرب این کشور نیز احداث شود. به عبارتی دیگر ایران از سمت غرب به ترکیه و از سمت شرق نیز به پاکستان صادرات گاز خواهد داشت.

وی در خصوص حکومت آتی ترکیه و موضع این کشور در قبال همکاری با ایران در زمینه انرژی نیز تأکید کرد: هر حکومتی که در ترکیه روی کار آید، می بایست با ایران در بخش نیرو و انرژی همکاری داشته باشد. این امر به دو دلیل است: دلیل اول را می توان نیاز ترکیه به منابع انرژی عنوان کرد. دلیل دوم را نیز می توان این امر دانست که هنگامی که شرکتهای جهانی با ایران در زمینه انرژی همکاری داشته باشند، شرکتهای ترک نیز مستثنی نخواهند بود.

مسئول بخش انرژی موسسه ترکیه قرن بیست و یکم در پایان سخنانش گفت: هرگونه تفاهنامه همکاری در زمینه انرژی بین ایران و ترکیه و یا ایجاد زمینه لازم برای صادرات منابع انرژی ایران به اروپا، موجب نگرانی روسیه خواهد بود. روابط دیرین و دوستانه ایران و روسیه ادامه خواهد داشت، اما از این پس احتمال دارد که ایران در زمینه انرژی به بزرگترین رقیب روسیه در بازار جهانی تبدیل شود. از این رو ترکیه می بایست در مثلث ایران، آذربایجان و روسیه سیاستهای حساسی را در زمینه انرژی دنبال کند.

گروه پ.ک.ک.ک، پروژه های دیگری که در این زمینه به خاک ترکیه مربوط می شود، را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

وی تصریح کرد: احداث این خطوط لوله که هزینه های زیادی را دربر دارد، این مسئله را ایجاب میکند که خط لوله ها از مناطقی که ثبات و امنیت بیشتری دارد، عبور کند. حزب منحل کارگران کردستان (پ.ک.ک) سال های متمادی است که به بهانه مخالفت با حکومت ترکیه خط لوله های موجود در شرق این کشور را مورد حملات خود قرار می دهد. این مسئله هم بر امنیت انرژی در ترکیه و همچنین بر روی سرمایه گذاری های بین المللی در این خصوص تأثیرات منفی دارد. حملات گروه پ.ک.ک.ک به خط لوله گاز ایران و ترکیه طبعاً احداث پروژه های دیگر در این زمینه را با مشکلاتی مواجه خواهد کرد.

استاد دانشگاه اسکودار استانبول در ادامه سخنانش در مورد توافق هسته ای ایران و تأثیر آن در خصوص اقتصاد انرژی در منطقه نیز گفت: به استثنای رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی کشورهای دیگر از توافق هسته ای میان جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱ احساس رضایت دارند. در دنیا هیچ کشوری همانند ایران دارای منابع غنی انرژی نیست. از این رو بازارهای جهانی که به نفت ایران احتیاج دارند، خبر توافق هسته ای ایران و گروه ۵+۱ را مثبت ارزیابی کردند.

وی افزود: پس از توافق هسته ای ایران با غرب، انتظار می رود هم قیمت نفت کاهش یابد و هم تولید آن بیشتر شود. احتمالاً تا مدت زمانی که صادرات نفت ایران به حالت عادی برگردد، حدود یک سال در قیمت نفت تغییری مشاهده نخواهد شد. باید این نکته را نیز در نظر داشت که افزایش

کودتای «بیوتورویسم»/سرقت ژنتیکی از ایرانیان؛ راهبرد یا جنگ نرم

بدو ورود و یا در طول اقامت به بهانه هایی مانند آزمایش دوپینگ ورزشکاران اخذ و ذخیره می گردد.

- در مرحله دوم، نوبت به مسافران یا مهاجرانی است که شاید زمینه های نخگی کمتری دارند، اما در قالب های مختلفی مثل توریست سلامت، بررسی ظرفیت های سرمایه گذاری، کاربایی و امثالهم به کشورهای مترصد تهیه «ژن-بانک ها» سفر کرده و اطلاعات زیستی و ژنتیکی آن ها مورد سرقت قرار می گیرد. نکته مهم در این رابطه این است که شیوه های جمع آوری نمونه های ژنتیکی، به گرفتن نمونه خون از افراد محدود نیست، بلکه از همه سلول هایی که دارای هسته باشند می توان دی ان ای یا ماده وراثتی را استخراج کرد. بنابراین می توان برای نمونه گیری علاوه بر خون از گلبول های سفید، بزاق و یا حتی دیگر ترشحات بدن هم استفاده نمود.

- ایرانیان مقیم خارج را می توان جامعه هدف سوم برای ثبت کنندگان نقشه جامع ژنتیکی ایرانی هادانست.

فاز دوم: پس از ثبت اطلاعات، تلاش هدفمند برای رسیدن به «نقشه ژنتیکی ایرانیان» با استفاده از ژنتیک اقوام مختلف از نقاط متعدد ایران هدفگذاری می گردد.

فاز سوم: دانشمندان رشته بیوتورویسم پس از دستیابی به مخازن نمونه های ژنتیکی و زیستی جوامع هدف، با تمرکز بر نقاط ضعف ژنتیکی و زیستی به دست آمده از طرف مقابل می کوشند تا به دستکاری تروویستی محیط زیست آنها اقدام کنند. خصوصیت این کار که می توان آن را «بیماران هوشمند» نامید این است که در نقاط مرزی دو کشور و با اطلاع از الگوی ژنتیکی مردم یکی از آن کشور ها، می توان با آلوده کردن خاک، آب، مراتع، دام و ... به مبارزه با اهدافی پرداخت که نقص یا خصوصیت ژنتیکی خاصی داشته باشند و از این طریق در حالیکه به ساکنان این سوی مرز لطمه وارد می شود، آسیبی به مردم آن طرف مرز وارد نشود.



سناریوی آن ها بر این اساس است که با روش های مختلفی در گام اول بتوانند به شناسایی «نقشه ژنتیکی ایرانیان» مبادرت نموده و در گام های دیگر به اهداف خود در مبارزه با ایران دست یابند:

فاز اول: مطالعه و بررسی جمعیت نرمال (گروه کنترل) با گروه بیمار، آغاز مسیر کشف «ژنوم ایرانی ها» محسوب می شود؛ چرا که از طریق مقایسه گروه کنترل و گروه بیمار می توان متوجه شد که تغییرات ایجاد شده ممکن است عامل بیماری باشد. لذا، گام اول این جاسوسی نرم در «ثبت اطلاعات ژنتیکی ایرانیان» با دو اولویت زیر قلمداد می شود:

- تهیه بانک های اطلاعات ژنتیکی نخبگان و برجستگان شامل فارغ التحصیلان، ورزشکاران، اساتید و هنرمندانی است که برای مسابقات، ادامه تحصیل، ارائه پروژه ها و امثالهم به کشورهای موسوم به «نخبه پذیر» سفر می کنند؛ به گونه ای که اطلاعات ژنتیکی آن ها در

اسلامی در طراحی، اجرا و بازتدوین آن ها به وضوح مؤید این حقیقت آشکار است که وقتی پروژه های کودتاهای نظامی، تفرقه افکنی قومی-نژادی، جنگ تحمیلی، تحریم اقتصادی، شیخون فرهنگی، راه اندازی انقلاب های رنگین و ده ها نمونه مشابه دیگر با شکست مواجه شد، نه تنها به کاربری ادوات «جنگ نرم»، بلکه طراحی گونه های متنوع آن در دستور کار سرویس های اطلاعاتی و امنیتی دشمنان ایران قرار گرفت؛ چرا که این دشمنان هم به دنبال کم هزینه نمودن مقابله با نفوذ رو به گسترش جمهوری اسلامی ایران در اقصی نقاط جهان هستند و هم با درس گرفتن از شکست های پیشین خود، مایلند اثرگذاری مقابله خود را به روز رسانی کرده و بالاخره ارتقاء دهند.

از این رو جبهه جدیدی را با عنوان «کودتای بیوتورویسم» علیه ایران باز کرده و با پیگیری سناریوهای مختلفی می کوشند تا در توهم خود به آینده ای برسند که بدون استفاده از نیروی نظامی بتوانند با کشور اسلامی ایران مبارزه نمایند. برای رسیدن به این هدف، کلیپی را تدوین کردند که در آن، یکی از به ظاهر هنرمندان خارج نشین ایرانی با بهره گیری از الفاظ احساسی تلاش می کند ایرانی ها را متقاعد کند تا برای درمان بیماران سرطانی، اطلاعات ژنتیکی خود را حتی با ارائه بزاق دهان خود به غریبه هایی ناشناس تحویل دهند.

دلیل دیگری را نیز می توان برای انتخاب ایرانیان در تحقق رؤیای شوم آن ها ملحوظ نمود. ایران با وجود قومیت های مختلف یک کشور موسوم به «هتروژن» بوده که باعث می شود سرقت ها و جاسوسی های آن ها از ایرانیان متنوع بوده و لذا سودمندی بیشتری را نیز نصیب دشمنان ایران نماید.

کلیپی که به نام نوع دوستی و کمک به کودکان سرطانی در شبکه های ماهواره ای و رسانه های مجازی با بهره گیری از الفاظ احساسی هنرمند نمای خارج نشین کلید خورد، نقشه کودتای آرام «بیوتورویسم» را افشا نمود. جستجوگر گوگل با اعلام پروژه «ژنوم گوگل» (Google Genomics) رقابتی جدی را با شرکت آمازون در خصوص ذخیره سازی اطلاعات ژنتیک انسان ها آغاز کرده است تا از این طریق نه تنها میلیون ها داده ژنتیک را ایجاد و امکان تحلیل سریع اطلاعات ژنتیکی را فراهم نمایند، بلکه این اطلاعات را در سرورهای خود به شکل آنلاین ذخیره نمایند تا به مرور زمان به «بانک های وراثتی انسان» مبدل شوند. پر واضح است که در عصر خصوصی سازی و تجاری سازی اطلاعات و تحقیقات، اینگونه دیتا بانک ها ممکن است در اختیار نگاه های تحقیقاتی قرار داده شوند که فعالیتشان خارج از حوزه حقوق بشریت و مسائل انسانی باشد.

در این مسیر، گوگل و آمازون در حال رقابت با یکدیگر برای همکاری با آن دسته از مراکز پژوهشی ژنتیک، محققان و شرکت های خصوصی هستند که تا کنون در پروژه «ژنوم انسان» مطالعات فراوانی مصروف نموده اند. پروژه ژنوم انسان، طرحی است که برای اولین بار با حمایت سازمان بهداشت ملی آمریکا (NIH) و سازمان های مشابه در اتحادیه اروپا از سال ۱۹۸۴ کلید خورد.

بررسی هوشمندانه ادبیات پیشین عمیق و ابعاد گوناگون عداوت معاندان جمهوری



مهدی ذوالفقاری



چرای تغییر تاکتیک ترکیه در قبال داعش و پ ک ک/اهداف داخلی و خارجی



بهمن یزدانی

فاز چهارم: چون ما دسترسی به بانک های اطلاعاتی کشورهای متخاصم نداریم، در صورت آغاز اقدامات مخرب آن ها، گزینه های کمتری را نیز به صورت فنی الباده برای مقابله با آنان خواهیم داشت.

برخی از مخاطرات تحقق رؤیای شوم دشمنان در کودتای بیوتروریسم عبارتند از:

- با آنتومی ژن-بانک حاصل از زدی اطلاعات بومی و ملی، مهندسی نسل های آینده ایرانیان را در دست گیرند تا از این طریق تعداد متولدین ایرانی را بر اساس معیارهای خاصی تغییر دهند، مثلاً تولد های دختر یا پسر را به صورت هدفمند تغییر دهند، تولد هایی را کاهش یا افزایش دهند که در نتیجه ضریب هوشی مورد نیاز برای انجام برخی امور را درگرون نمایند.

- برای کدهای ژنتیکی خاصی مانند نخبگان برنامہ ریزی ویژه ای کنند تا به عنوان نمونه فراوانی نخبگان در برخی رشته ها کاهش یابد؛ پروژه های بیوتروریستی ویژه ای را برای افراد خاص تدوین نمایند تا به عنوان مثال آن ها را به آلرژی ها یا برخی بیماری های ناشناخته یا مهلک مبتلا نمایند؛

- بیماری های ویروسی متعددی را با توجه به آسیب پذیر بودن برخی ژن های کشف شده یا نژاد خاصی در یک ناحیه گسترش دهند. برخی اهداف آن ها در این حوزه عبارتند از تخریب یا تغییر حیات زیستی در یک منطقه یا شهر، شیوع فراوان حشرات یا حیوانات مخرب و ناقل بیماری های واگیردار در یک منطقه، بیماری های نابود کننده دام و طیور، تهدید سیستم غذایی.

- با ارسال اطلاعات تحلیلی شده به شرکت های دارویی خود، درمان بیماری های را که خود در یک منطقه آن را شیوع داده اند ارائه دهند و در نتیجه برای شرکت های خود که در حوزه درمان و دارو فعالیت می کنند منافع مثبت اقتصادی به ارمغان آورند. این تنها یک روی سکه است، از سوی دیگر، اگر برای مثال بدانیم استعداد ژنتیکی افراد در یک منطقه چگونه است، می توانیم در خصوص اثرگذاری محصولات و داروهای پیشنهادهی به بازار مصرف مناسب تری برای آن جمعیت دسترسی پیدا کنیم.

- تسلیحات نامتعارفی که بتواند با کمترین قدرت نابودی فیزیکی، بیشترین افراد را با ژنتیک خاص یا متاثر و یا نابود کند بسازند؛ - بیماری های خاص را با استفاده از عوامل طبیعی از قبیل بادها و طوفان ها و بدون اینکه کشوری به عنوان مهاجم شناخته شود، شیوع دهند.

- در برنامه های راهبردی ملی مانند رشد جمعیت و افزایش نرخ باروری اختلال هایی ایجاد نمایند تا مثلاً موجب افزایش تولد های ناقص در منطقه خاصی شوند،

- تغییراتی با هدف خرابکاری ژنتیکی در محصولات ماند پسته و زعفران که پس از بسته بندی های مجلل دوباره به بازار داخل ایران باز می گردند اعمال کنند.

با توجه به این مسائل باید گفت علاوه بر نظارت های دقیق اطلاعاتی، امنیتی، علمی و بهداشتی کشور، همانطور که از گذرآژه های صفحات شخصی خود محافظت می کنیم، لازم است مراقب اطلاعات هویت ژنتیک خود نیز بوده و از آن صیانت نماییم.

آشکار شدن جدی نمودن دولتمردان ترکیه در مقابله با داعش و حملات گسترده همزمان به گروه پ ک ک، گمانه زنی هایی را درباره اهداف احتمالی انتخاباتی و خارجی حزب حاکم این کشور مطرح کرده است.

چند هفته از تغییر مواضع دولتمردان آنکارا در قبال داعش و اعلام شکست مذاکرات صلح با کردهای این کشور و به دنبال آن آغاز حملات گسترده به گروه پ ک ک و داعش بطور همزمان می گذرد.

با گذشت هر چه بیشتر زمان و انتشار گزارش های مبنی بر جدی نبودن ترکیه در جنگ علیه داعش و همچنین گزارش هایی از بن بست در مذاکرات دولت و حزب حاکم این کشور با دیگر احزاب مخالف برای تشکیل دولت ائتلافی با مانع تراشی های «اردوغان»، گمانه زنی ها درباره اهداف پشت پرده وی و حزب حاکم عدالت و توسعه بالا گرفته است.

علت تغییر تاکتیک مواضع ترکیه در قبال داعش

پس از گذشت حدود یکسال از تشکیل ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا، ترکیه با آن که با آن همراه بود ولی به علت اتحاد استراتژیک خود با گروه تروریستی داعش به آن نپیوست و در این مدت همواره از سوی آمریکا برای همکاری با آن تحت فشار بود.

با اینحال عوامل متعددی از جمله ماندن بشار اسد بر قدرت علی رغم خواست دولتمردان ترکیه و تغییر نگاه غربی ها به موضوع سوریه و افشای هر چه بیشتر حمایت ها و کمک های ترکیه از داعش موجب شد تا دولتمردان ترکیه به دنبال تغییر تاکتیک در قبال سوریه و داعش باشند و به همین منظور همواره مترصد فرصت و فرصت سازی بودند. لذا حمله انتحاری در شهر مرزی «سورج» و کشته و زخمی شدن بیش از ۱۳۰ نفر در این عملیات که به داعش نسبت داده شد فرصت مناسبی برای دولت ترکیه به وجود آورد تا مواضع خود در برابر داعش را تغییر دهد. نکته جالب آنکه گروه تروریستی داعش که سال ها از سوی دولتمردان ترک حمایت می شده است تا کنون درباره پذیرش رسمی مسئولیت عملیات انتحاری مذکور سکوت کرده است.

شاید بتوان گفت افشای حمایت های دولتمردان ترکیه از داعش در محافل داخلی و بین المللی و همچنین نوع روابط راهبردی این کشور با آمریکا و غرب و فشارهای آنها بر دولتمردان این کشور، ترکیه را به تغییر تاکتیک در برابر این گروه تروریستی مجبور کرده است.

و موجب شده است تا این کشور علی رغم میل باطنی اش پایگاه اینجریلیک را در اختیار آمریکا و دیگر متحدان غربی خود قرار دهد.

هر چند بسیاری معتقدند ترکیه در قالب نیروهای ائتلاف نیز قادر خواهد بود به حمایت های خود از گروه تروریستی داعش ادامه دهد، با اینحال بسیاری معتقد هستند که ادعای حملات ترکیه به داعش پوششی است برای حملات این کشور به گروه پ ک ک. بطوریکه کردهای شمال سوریه که از متحدان اصلی آمریکا در جنگ علیه داعش به شمار می روند اعلام داشته اند هیچ حمله ای از سوی جنگنده های ترکیه علیه مواضع داعش صورت نمی گیرد. اهداف احتمالی داخلی و خارجی حملات ترکیه به پ ک ک

همچنین در پی شکست حزب حاکم عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی در این کشور و ناکام ماندن این حزب و رجب طیب اردوغان در پیگیری اهداف خود که اصلی ترین آنها تغییر نظام پارلمانی این کشور به نظام ریاست جمهوری بود، به نظر می رسد که این حزب و دولتمردان ترکیه به دنبال جبران شکست انتخاباتی خود و بازسازی خود برای پیگیری اهداف خود از طریق حذف و تحت فشار قرار دادن حزب دموکراتیک خلق ها که به کردهای این کشور نزدیک است، هستند. اصلی ترین علتی که موجب شد بعد از ۱۲ سال حزب حاکم ترکیه اکثریت خود در انتخابات پارلمانی را از دست دهد اولین شکست خود در عرصه سیاست داخلی این کشور را تجربه کند کسب حدود ۱۲ درصد آرای ریخته شده به صندوق ها در انتخابات پارلمانی این کشور توسط حزب دموکراتیک خلق ها که نزدیک به کردهای این کشور است بود.

حزب دموکراتیک خلق ها و طرفداران آن در سایه روند مذاکرات صلح که بین کردها و دولت ترکیه در جریان بود توانستند با قدرت گیری در عرصه سیاسی ترکیه موفقیت های مناسبی را به دست آورند.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان حزب



حاکم عدالت و توسعه و رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه تنها راه پیگیری مجدد اهداف خود در عرصه داخلی ترکیه را به شکست کشاندن مذاکرات با احزاب دیگر این کشور از جمله حزب جمهوری خلق و حزب حرکت ملی برای ایجاد دولت ائتلافی و برگزاری انتخابات پارلمانی دیگر جستجو می کنند، انتخاباتی که در آن حزب کردی دموکراتیک خلق ها و اصلی ترین عامل ناکامی رجب طیب اردوغان و حزب حاکم، مهار شود و کنار زده شود. بهترین راه مهار احزاب نزدیک به کردها همچون دوره های قبل امنیتی کردن فضای کشور و فشار بر آنها است. لذا بهترین بهانه برای اینکار کشته شدن دو مامور راهنمایی و رانندگی ترکیه در شانلی اورفا بود که گفته شد این دو پلیس در عملیاتی تلافی حیوانی از سوی گروه پ ک ک (گروه مسلح کرد) به علت عملیات انتحاری سورج کشته شدند.

در پی این اقدام منتسب به پ ک ک آنکارا شکست مذاکرات صلح با کردها را اعلام کرد و حملات هوایی خود علیه مواضع پ ک ک در داخل ترکیه، سوریه و شمال عراق را آغاز کرد نکته جالب اینجاست که گروه پ ک ک بطور شفاف مسئولیت این قتل ها را بر عهده نگرفته است.

از سوی دیگر امروز شاهد هستیم که با گذشت بیش از ۴ سال از تحولات سوریه بشار اسد ساقط نشده است و در قدرت باقی مانده است و دامنه تهدیدات نا امنی های سوریه و عراق که نتیجه سیاست های غلط آنکارا در طول این سال ها بوده است متوجه خود این کشور نیز شده و در حال سرایت به آن است.

قدرت گرفتن کردها در شمال سوریه یکی از بزرگترین تهدیداتی است که آنکارا در حال حاضر با آن مواجه است و می توان گفت که حملات ترکیه به کردها و گروه پ ک ک در شمال سوریه و عراق با هدف جلوگیری از قدرت گرفتن و پیوند کانتون های کردی صورت می گیرد تا منجر به تشکیل اقلیم جدید کردی در شمال سوریه نشود.

گفتگو با عضو بنیاد مطالعات بین المللی و استراتژیک فرانسه

فابیوس در پی نزدیک کردن فرانسه به ایران با استفاده از مشترکات است

گفتگو از عبد الحمید بیانی

عضو موسسه روابط بین الملل و بنیاد مطالعات بین المللی و استراتژیک فرانسه با اشاره به تأثیرات سفر «لوران فابیوس» به ایران، اوضاع موجود در خاورمیانه را از عوامل تأثیر گذار در حصول توافق هسته ای دانست. ایران این روزها شاهد حضور گسترده دیپلمات‌های ارشد اروپایی است بطوریکه در هفته گذشته ابتدا «فدریکا موگرینی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، و پس از آن «لوران فابیوس» وزیر امور خارجه فرانسه، میهمان مقامات ایرانی بودند.

حضور این افراد سرشناس در تهران به دلیل گشایشی است که به موجب حصول توافق هسته ای میان ایران و کشورهای ۵+۱ به وجود آمده همین رو کشورهای غربی در تلاش هستند تا با پیشی گرفتن از یکدیگر علاوه بر ترمیم و احیای روابط دیپلماتیک خود با تهران ارتباط تجاری و اقتصادی خود با ایران را نیز مجدداً احیا کنند. در همین رابطه برای تحلیل دقیق تر دلیل تغییر رفتار کشورهای غربی در قبال ایران با ذکر «کریم پاکزاد» عضو موسسه روابط بین الملل و بنیاد مطالعات بین المللی و استراتژیک فرانسه به گفتگو نشستیم. متن این مصاحبه به شرح زیر است.

|| فرانسه در مدت انجام مذاکراتی که منجر به توافق هسته ای شد موضعی سخت داشت و حتی برخی از مواقع سختگیری فرانسه بیش از سختگیری های آمریکا در این رابطه می شد، دلیل اتخاذ این رویکرد از سوی پاریس در زمان انجام مذاکرات چه بود؟ آیا تمام این سخت گیری ها بواسطه منافع فرانسه بود یا پاریس از منافع کشورهای دیگر همچون عربستان سعودی و یا اسرائیل دفاع می کرد؟

بله ظاهراً فرانسه در دوران مذاکرات هسته ای مواضع سخت تری نسبت به سایر کشورهای مذاکره کننده با ایران داشت و این به آن دلیل بود که فرانسه از جمله کشورهای پیشرو در مذاکرات هسته ای است و از تجارب بسیار زیادی در زمینه ساخت تاسیسات هسته ای در مناطق مختلف جهان برخوردار است از همین رو سعی پاریس در این مذاکرات بر آن بود که به یک توافق مستحکم برسند. توافقی که به گفته لوران فابیوس، وزیر خارجه فرانسه، مستحکم و قابل دفاع و ارزیابی باشد.

اگر به عنوان فرض محال فرض کنیم که این توافق در آمریکا رد شود گمان نمی کنم که اروپا از این تصمیم واشنگتن پیروی کند. و این بدان خاطر است که توافق بدست آمده میان ایران و ۵+۱ محصول خود اروپا نیز هست. شکی در این نیست که آمریکا در به نتیجه رسیدن مذاکرات نقش اساسی داشته اما نباید نقش اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی را در آن کم رنگ کرد.

علت دیگر سخت گیری های فرانسه آن بود که پاریس اعتقاد داشت اگر می خواهیم موضوع هسته ای ایران را یک بار برای همیشه حل کنیم باید به توافق و قراردادی با ایران برسیم که این قرار داد مورد تأیید اکثریت کشورها و مجامع جهانی باشد. بخصوص که فرانسه می دانست مخالفت هایی با این توافق چه در منطقه و چه در خارج از منطقه وجود خواهد داشت؛ کشورهایی وجود داشتند که با هر نوع توافقی با ایران مخالف بوده و هر نوع قراردادی را که به ایران اجازه می داد تا برنامه هسته ای خود را حفظ کرده و به غنی سازی اورانیوم ادامه بدهد تحمل نمی کردند. کشورهایی همچون عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و یا حتی از آن مهمتر اعضای کنگره آمریکا که هم اکنون در اختیار محافظه کاران است و آنها نیز تا حد زیادی تحت لابی های اسرائیل قرار دارند نیز مخالف هر نوع عقب نشینی در برابر ایران بودند. در چینی شرایطی چگونه می شد به توافقی رسید که بتوان از آن در برابر افکار جهانی و در برابر این مخالفت ها دفاع کرد؟ این در صورتی امکان پذیر می شد که به توافقی برسیم که

هیچگونه نقضی نداشته باشد. مجموع این عوامل بود که فرانسه را وادار می کرد تا در مذاکرات سخت گیر باشد و در یک یا دو مورد خواسته هایی بیشتر از آمریکا و دیگر طرف های گفتگو با ایران داشته باشد.

|| به موجب تحریم هایی که در سال های گذشته علیه ایران اعمال شد شرکت های فرانسوی از جمله رنو و پژو با زیان های مالی زیادی مواجه شدند آیا با توجه به این وضعیت فرانسه رویکرد جدید و مستقلی را در قبال ایران آغاز می کند یا آنکه همانند گذشته پاریس دنباله رو آمریکا بوده و سیاست خارجی فرانسه تابعی از سیاست های آمریکا و اسرائیل خواهد بود؟

بعد از تصویب قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران و اعمال تحریم های چند جانبه علیه این کشور، فرانسه که یکی از مهمترین شرکای تجاری ایران بویژه در بخش تولید خودرو بود متضرر شد بطوریکه در عرض دو سال میزان مبادلات تجاری دو کشور از چهار میلیارد یورو به ۵۰۰ میلیون یورو رسید یعنی هشت برابر کمتر شد و شرکت های فرانسوی زیان زیادی را در این میان متحمل شدند. اتخاذ این سیاست نمی تواند صرفاً به دلیل دنباله روی از آمریکا بوده باشد. اما فرانسه در قبال متحدان خود تعهداتی را دارد و اعمال تحریم علیه ایران و پیروی از آن در این راستا انجام شده است.



|| با توجه به سفر لوران فابیوس به ایران، شما آینده روابط پاریس و تهران را چطور ارزیابی می کنید و زمینه های موجود برای گسترش روابط ایران و فرانسه را در چه مواردی می بینید؟

یکی از ویژگی های سفر آقای فابیوس به ایران در ماهیت آن نهفته است. همه می دانند ظرف چند ماه آینده وقتی تحریم های ایران برداشته شوند این کشور به علاوه آنکه از لحاظ سیاسی جهش چشمگیری می کند از لحاظ اقتصادی نیز تبدیل به یکی از مهمترین شرکای های تجاری اروپا می شود و البته این شرایط برای سایر کشورها نیز وجود دارد. اما علیرغم این مسائل سفر فابیوس به ایران کامل سیاسی بود و از مقامات تجاری و صاحبان صنایع فرانسه هیچکس فابیوس را در این سفر همراهی نمی کرد. علت این امر آن است که اگر ما به تاریخ روابط ایران و فرانسه نگاه کنیم متوجه می شویم که پس از انقلاب ایران روابط تهران-پاریس عمدتاً سیاسی بوده البته در یکی دو مورد اختلافاتی میان دو کشور وجود آمد اما با این وجود روابط بیشتر سیاسی بوده است.

بعد از تصویب قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران و اعمال تحریم های چند جانبه علیه این کشور، فرانسه که یکی از مهمترین شرکای تجاری ایران بویژه در بخش تولید خودرو بود متضرر شد بطوریکه در عرض دو سال میزان مبادلات تجاری دو کشور از چهار میلیارد یورو به ۵۰۰ میلیون یورو رسید یعنی هشت برابر کمتر شد و شرکت های فرانسوی زیان زیادی را در این میان متحمل شدند.

علاوه بر آن فابیوس سیاستمدار باتجربه ای است و در سال های ابتدایی انقلاب ایران وی نخست وزیر فرانسه بوده و از اهمیت رابطه با ایران آگاه است. وی از این موضوع نیز آگاه است که در سال های گذشته ایران برای بی اثر کردن سیاست های آمریکا برای منزوی کردن تهران، روی به همکاری با پاریس آورده بود و همانطور که فابیوس در تهران بیان کرد وی در این سفر دو هدف ویژه ای را دنبال می کرد؛ و هدف اصلی ادامه روند اعتماد سازی بین طرفین که در نتیجه توافق هسته ای بدست آمده است بطوریکه خود فابیوس اعلام کرده ما نمی توانیم اعتماد میان خود را گسترش دهیم مگر اینکه از موضع احترام با یکدیگر برخورد کنیم. از همین رو بود که دیدیم فابیوس در تهران تلاش کرد تا به مردم ایران این پیام را بدهد که فرانسه نیز مانند ایران یک کشور قدیمی بوده و آنها مشترکات فرهنگی و زبانی با یکدیگر دارند و همانند هم از تاریخ و زبان و ... قدیمی بهره می برند و باید این روابط ادامه و گسترش یابند و همچنین اینکه فرانسه احترام زیادی به تمدن ایران می گذارد. فابیوس به رابطه با ایران به هیچ وجه صرفاً اقتصادی ندارد و نگاه وی سیاسی و یا حتی می توان گفت سیاسی-فرهنگی است.

و در مورد زمینه های موجود برای افزایش همکاری های میان دو کشور، فابیوس بیش از انجام سفر به ایران در مقاله ای که در روزنامه ایران چاپ تهران منتشر شد بر روی چند موضوع تأکید کرد و البته این موضوع مورد تأکید رئیس جمهور نیز بود و آن اینکه اولاً همکاری میان فرانسه و ایران در تمامی زمینه ها

توان گفت که آنها در این توافق بی اثر بوده‌اند و من فکر نمی‌کنم که این کشور به خاطر رای کنگره آمریکا با توافق حاصل شده مخالفت کنند، به هیچ وجه چنین چیزی امکان پذیر نیست و این بدان خاطر است که همه جهان تابع یک کشور یعنی آمریکا نیست.

آیا اروپا سیاست خاصی برای کاهش مخالفت های اعراب با توافق هسته ای ایران دارد یا آنکه کشورهای غربی از این موضوع سوءاستفاده کرده و از آن به عنوان بهانه ای برای فروش تسلیحات خود به کشورهای عربی استفاده می‌کنند؟

صرف نظر از ابعاد فنی و سیاسی یکی از عوامل تاثیر گذار در به نتیجه رسیدن توافق هسته ای ایران اوضاع منطقه خاورمیانه بود. بعد از پیدایش داعش که یک تهدید امنیتی برای تمام جهان محسوب می‌شود ما شاهد گسترش بی سابقه بی ثباتی در منطقه بودیم و برای آنکه کل منطقه و جهان گرفتار این بی ثباتی نشوند شاهد بودیم که آمریکا و حتی اروپا تلاش زیادی را برای جلوگیری از حمایت اعراب خلیج فارس از داعش انجام دادند. هیچ شکی نیست که یکی از دلایل رشد داعش حمایت همین کشورهای عربی از آنها بوده است و به همین دلیل است که «فدریکا موگرنی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، و برخی دیگر از مقامات غربی، پیش از سفر به تهران، به این کشورهای عربی سفر می‌کنند. این سفرها علاوه بر موضوع داعش به خاطر فشار بر عربستان سعودی برای تغییر رفتار خود در مورد این توافق است.

فرانسه مواضع سختی داشت اینک همان مواضع سخت تبدیل به نفات قوت توافق شده است و جان کوری برای متقاعد کردن اعضای کنگره از موضوع فرانسه استفاده کرده و می‌گوید با وجود آنکه در دوران مذاکرات شاهد سرسختی پاریس بودیم اکنون فرانسه از این توافق حمایت می‌کند. دوم آنکه آمریکا نیز همانند فرانسه اعتقاد دارد که ایران می‌تواند نقش مثبت تری در منطقه ایفا کند.

سوم آنکه آمریکایی‌ها می‌دانند جایگزین دیگری برای این توافق وجود نداشت و جنگ نیز راه حل موضوع نبود. اما آنچه که موجب می‌شود تعداد زیادی از اعضای کنگره آمریکا از این توافق حمایت کنند آن است که اگر این توافق در کنگره رد شود آمریکا را در سطح بین‌المللی دچار انزوای می‌کند زیرا توافق حاصل شده فقط توافق میان ایران و ۵+۱ نیست بلکه این توافق امروز جزو قطعنامه های رسمی شورای امنیت محسوب می‌شود و به غیر از یک و یا دو کشور تمامی کشورها از این توافق حمایت می‌کنند و من فکر نمی‌کنم که کنگره این توافق را رد کند حتی اگر این توافق در کنگره رد شود اوپاما می‌تواند از حق وتوی خود استفاده کند. اما اگر به عنوان فرض محال فرض کنیم که این توافق در آمریکا رد شود گمان نمی‌کنم که اروپا از این تصمیم واشنگتن پیروی کند. این بدان خاطر است که توافق بدست آمده میان ایران و ۵+۱ محصول خود اروپا نیز هست. شکی در این نیست که آمریکا در به نتیجه رسیدن مذاکرات نقش اساسی داشته اما نباید نقش اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی را در آن کم رنگ کرد. در این رابطه حتی شاید برخی کشورها همچون چین نقش کمتری در این توافق داشته باشند اما بازهم نمی‌توان گفت که آنها در این توافق بی اثر بوده‌اند و من فکر نمی‌کنم که این کشور به خاطر رای کنگره آمریکا با توافق حاصل شده مخالفت کنند، به هیچ وجه چنین چیزی امکان پذیر نیست و این بدان خاطر است که همه جهان تابع یک کشور یعنی آمریکا نیست.

افزایش بیاید و دوم آنکه فرانسه ایران را به عنوان یک قدرت منطقه ای می‌شناسد و پاریس اهمیت ویژه ای به این امر می‌دهد و تاکید می‌کند که ایران می‌تواند نقش مهمی در ثبات منطقه ایفا کند و این امری است که در رابطه فرانسه با دیگر کشورها کمتر به چشم می‌خورد.

ایران وقتی می‌تواند نقش بیشتری در منطقه ایفا کند اعتماد میان این کشور و کشورهای دیگر افزایش پیدا کند و از همین رو بود که مشاهده کردیم که فابوس در اظهارات خود در تهران یک نوع بازگشت در اظهارات خود داشت و بطور ضمنی از دردها ورنج های مردم ایران در سال های گذشته بویژه دوران جنگ ایران و عراق یاد کرد.

اگر کنگره آمریکا با توافق هسته ای ایران موافقت نکند، رویکرد اتحادیه اروپا در قبال ایران چگونه خواهد بود؟ آیا این اتحادیه سیاست مستقلی را در مورد ایران خواهد داشت یا آنکه بدنبال اقدام کنگره آمریکا بر کسب نیز توافقات خود با ایران را به هم می‌زند؟

در صورت وقوع چنین وضعیتی قطعاً کشورهای دیگر ناراحت خواهند شد. اما احتمال کمی برای این امر وجود دارد زیرا اول آنکه شاهد هستیم که در روزه های اخیر هم «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا و هم سایر وزرای دولت آمریکا به کنگره رفته اند و از توافق هسته ای بدست آمده نیز دفاع کرده اند. حتی شاهد هستیم که وزاری دولت آمریکا برای نشان دادن درجه بالای حمایت از این توافق به فرانسه اشاره کرده و می‌گویند که پاریس از این توافق هسته ای حمایت می‌کند. اینکه در زمان مذاکرات

گفتگو با استاد دانشگاه مرمره استانبول:

اردوغان به برگزاری انتخابات زودهنگام تمایل دارد



استاد دانشگاه مرمره ترکیه با اشاره به اینکه رفتار حزب عدالت و توسعه برای تشکیل دولت ائتلافی دوگانه است گفت: رئیس جمهوری ترکیه تمایل دارد که کار به انتخابات زودهنگام کشیده شود.

مذاکرات میان احزاب عدالت و توسعه و جمهوری خلق برای تشکیل یک دولت ائتلافی ادامه دارد. در همین راستا دو هیئت یکی به ریاست «هالوک کوچ» سخنگوی حزب جمهوری خلق و دیگری نیز به رهبری «عمر چلیک» وزیر فرهنگ و توریست ترکیه به نمایندگی از حزب عدالت و توسعه تشکیل شد.

دکتر باریش دوستر «Barış Doster» عضو هیئت علمی دانشگاه مرمره در رابطه با دیدارهای احزاب این کشور با یکدیگر در راستای تشکیل یک دولت ائتلافی و همچنین در خصوص احتمال برگزاری انتخابات زودهنگام در این کشور گفت: حزب عدالت و توسعه طی دیدارهای خود برای تشکیل دولت ائتلافی، رفتار دوگانه ای از خود نشان می‌دهد.

وی افزود: در یک طرف نخست وزیر احمد داوود اغلو قرار دارد که خواهان تشکیل یک دولت ائتلافی با حزب جمهوری خلق است. همچنین قدرتهای امپریالیستی جهان چون ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و همچنین برخی از سازمان های بزرگ بین المللی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که تحت کنترل ایالات

متحد آمریکا قرار دارند نیز طرفدار تشکیل یک دولت ائتلافی هستند. اما از طرفی دیگر رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه بیشتر تمایل دارد که کار به انتخابات زودهنگام کشیده شود. وی تصریح کرد: اردوغان علاقه چندانی به ائتلاف با حزب جمهوری خلق ندارد و در صورت اجبار برای تشکیل یک دولت ائتلافی نیز بیشتر به ائتلاف با حزب حرکت ملی آن هم به صورت کوتاه مدت گرایش دارد. حزب جمهوری خلق نیز هر قدر به تشکیل یک دولت ائتلافی تمایل

نشان دهد، این امر با مقاومت طرفداران این حزب در برابر موضوع مذکور مواجه خواهد شد. استاد دانشگاه مرمره در ادامه سخنان خود در خصوص واقعه تروریستی شهر سوروج و پس از آن نیز حملات به عناصر حزب منحل کارگران کردستان (پ.ک.ک) به پلیس این کشور اذعان داشت: این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که ترکیه هم از لحاظ سیاست داخلی و هم از لحاظ سیاست خارجی به صورت نامطلوبی اداره می‌شود. وی تصریح کرد: پس از آن که سیاست

خارجی جمهوری ترکیه در قبال سوریه با شکست مواجه شد، سیاست داخلی این کشور نیز در موضوع فرآیند صلح که باعث قدرت یافتن گروهک پ.ک.ک می‌شد، به نتیجه ای نرسید.

باریش دوستر در ادامه سخنان خود گفت: تنها با تکیه بر سلاح نمی‌توان به مبارزه با تروریسم پرداخت.

باریش دوستر عنوان کرد: پ.ک.ک به عنوان ابزاری در دستان امپریالیسم آمریکا است که نه تنها در ترکیه بلکه در عراق، سوریه و ایران نیز در خدمت امپریالیسم است. این گروه که امروز با نام «پ.ک.ک» در ترکیه، با عنوان «پی.دی» در سوریه و با نام «پژاک» در ایران شناخته می‌شود، ابزار امپریالیسم در خاورمیانه است. هدف آن تجزیه منطقه و خدمت به تشکیل های امپریالیستی و صهیونیستی است.

استاد دانشگاه مرمره همچنین در ارزیابی خود از حملات هوایی ارتش ترکیه به مواضع گروه تروریستی داعش اظهار کرد: دولت ترکیه مدت زمان زیادی در برابر گروه تروریستی داعش اعتدال نشان داد، حتی در میان مقامات کسانی بودند که نام گروه تروریستی را برای داعش به کار نمی‌بردند. اما در طی زمان هم به دلیل فشارهای بین المللی و همچنین به سبب اعتراضات داخل کشور حتی اگر برخلاف میل آنان هم بود، دولت ترکیه مجبور شد که اقداماتی را در مقابله با گروه تروریستی داعش انجام دهد. در رابطه با این امر می‌توان مداخله نیروهای مسلح ترکیه را به جا دانست، اما اینکه این اقدام تا چه حد موفق و مؤثرتر باشد، به زمان نیاز دارد.

متن کامل مقاله دکتر ظریف در روزنامه جمهوریت ترکیه؛ لزوم مبارزه فرهنگی و ایدئولوژیک با افراطی گری



محمد جواد ظریف در مقاله ای به ریشه یابی ظهور گروه داعش و راههای مقابله با آن پرداخته و ضرورت همکاری های منطقه ای و جهانی برای از بین بردن این گروه را یادآور شده است.

متن کامل یادداشت دکتر محمد جواد ظریف ویر خارجه جمهوری اسلامی ایران در روزنامه جمهوریت ترکیه به شرح زیر است. پیشتر نیز بخش اول این یادداشت در این روزنامه منتشر شده بود.

داعش یک گروه اسلامی نیست

گروه موسوم به داعش از لحاظ موجودیت و اهدافش با اسلامی که قرآن کریم و پیامبران (ص) به ارمان آورده است هیچ ارتباطی ندارد. داعش برای افزایش اعضای خود و جمع آوری پول، اسلام را آلت دست امیال خود کرده و از اسلام سوء استفاده می کند. اسلام دین رحمانیت، عقلانیت، صبر و مرحمت است.

تمام مسلمانان مؤمن و دیندار روز خود را با گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز می کنند و این واژه را در دعاها و نمازهای روزانه خود به دفعات تکرار می نمایند تا خداوند متعال و مهمترین ویژگی های وی یعنی ویژگی های اخلاقی را که راهنمای بندگان خداوند در این دنیا و وسیله سعادتشان در حیات اخروی است پیوسته یادآوری کنند.

با اسلام بیگانه هستند

رفتارهای ظالمانه و جنایتکارانه داعش علیه اقلیت های دینی در عراق و سوریه با حکم خداوند در آیه ۲۵۶ سوره بقره «در دین اجبار نیست» تناقض دارد.

قرآن کریم همچنین به ویژه بر این نکته تأکید می کند: «هر کس، دیگری را بدون اینکه نیازی به قصاص داشته باشد و یا بی آنکه در روی زمین فساد انجام دهد به قتل برساند مثل این است که تمام انسان ها را کشته است» (سوره مائده آیه ۳۲). به دلیل همین اعتقاد است که اکثر مسلمانان، اعمال داعش و حامیان آن ها را به کلی با اسلام و ارزش های اخلاقی متضاد و بسیار ننگین می بینند و این گونه فعالیت ها را مخالف دیدگاه اسلامی و اعمالی که میلیاردها مسلمان در طول تاریخ انجام داده و در حال انجام هستند تلقی می کنند.

مسلمانان و معتقدان به دیگر ادیان قرن هاست در منطقه مان در کنار یکدیگر زندگی کرده اند. وجود آثار تاریخی متعلق به مسلمانان و دیگر ادیان و مذاهب از زمان ظهور اسلام و حتی بسیار قبل تر از آن در هر گوشه ای از خاورمیانه، گواهی بر زندگی

جدید در پیوستن به این گروه از آن ها استفاده می کنند، تصرف انبارهای مهمات نظامی بزرگ در سوریه و عراق، تجارب طولانی مدت به دست آمده از جنگ علیه آمریکا بیا در عراق و درآمد ناشی از فروش نفت و قاچاق را می توان نام برد. تمام عوامل فوق الذکر علیرغم اینکه مؤلفه های مهم تقویت جایگاه داعش است اما در قدرت گرفتن داعش - و نه فقط تصرف سرزمین از سوی این گروه - عامل دیگری هم وجود دارد که در اینجا بهتر است به این عامل مربوط به ساختار تشکیلاتی داعش بپردازیم.

منفعت محور

این عامل همان نقش مهم اعضای قدیمی حزب بعث عراق و فرماندهان ارتش صدام در کنترل و فرماندهی داعش و گروه های مشابه آن در عراق و سوریه است. اتحاد داعش با عناصر وفادار به صدام حسین، دلیل اصلی موفقیت این گروه در برخی از درگیری ها و نیز تبدیل آن از یک گروه انجام دهنده اعمال تروریستی به تشکیلاتی تروریست-شورش و کنترل برخی از مناطق از سوی این گروه است.

این اتحاد مبتنی بر منفعت باعث توسعه شیوه های ترور از سوی داعش از طریق اخذ مهارت های نظامی سنتی گردیده است. یعنی ها به انتقال تجارب نظامی خود به داعش بسنده نکردند بلکه شبکه قاچاقی که برای دور زدن تحریم های اعمال شده علیه عراق در دهه ۱۹۹۰ ایجاد کرده بودند را هم در خدمت داعش قرار دادند.

بعثی ها با حمایت از داعش بر این امیدند

به طور کلی هر گروه حامی خشونت ورای باور خود، هنگامی که به اوج قدرت خود برسد می تواند تبدیل به قدرتی مخرب شود. داعش هم از این قاعده مستثنا نیست. منتها با این تفاوت که این گروه از نخستین روز به وجود آمدنش فرقه ای مخرب بود که بر رهبری خودکامه، دیکتاتور و مسلط تکیه دارد. رهبران این گروه برای جمع آوری عضو، کنترل ذهنی اعضای خود و مجبور نمودنشان به انجام هر نوع جنایت، شیوه های مخصوصی را به کار می برند و جهت حفظ مناطق تحت کنترل خود، دست به خشونت بی حد و مرز می زنند تا در انسان ها خوف ایجاد کنند.

آشکار است که جنگ موجود در یمن سبب شده که القاعده و دیگر گروه های افراطی در شبه جزیره عربستان و کشور عربستان سعودی جسور تر شوند و عرصه بیشتری برای فعالیت داشته باشند

در طول یک سال گذشته مباحثاتی درباره دلایل بزرگ شدن داعش و موفقیتش در تصرف و کنترل بخشی از عراق و سوریه صورت گرفت. از جمله دلایل این موفقیت، ضعف دولت مرکزی، حمایت نظامی و مالی برخی از کشورها و مقامات منطقه و عناصر تکفیری ثروتمند از داعش، ضعف عامدانه و یا غیر عمدی در کنترل مرزهایی که اعضای

مسالمت آمیز ملل مختلف در منطقه ماست. تخریب این آثار بسیار ذیقیمت تاریخی از سوی عناصر افراطی نشان می دهد که آن ها چقدر با دین اسلام و روند موفقیت آمیز دنیای اسلام بیگانه هستند. همان طور که به دفعات در قرآن کریم و سنت و حضرت محمد (ص) تأکید گردیده، اسلام دینی است که بنیان خود را از رحمت، عشق و مرحمت گرفته است. آن هایی که اصول اساسی اسلام را نقض می کنند با روایت های تحریف شده در صدند اسلام را منحرف کرده و برای دستیابی به اهداف خود از آن به عنوان ابزاری استفاده کنند.

صادقانه نیست

با توجه به این موضوع، حداقل می توانیم بگوییم که متهم نمودن اسلام با توجه به فعالیت حامیان افراطی گری و خشونت، از هر گونه صداقت به دور است. همچنین نکته دیگر قابل توجه این است که بسیاری از کسانی که به دلیل اقدامات گروه های افراطی به دنبال محکوم کردن اسلام هستند همان هایی هستند که از حمله دولت آمریکا به عراق حمایت نموده و زمینه ساز این حمله شدند.

فرقه مخرب

آن هایی که این گونه رفتار می کنند از یک سو می خواهند نقش خود در به وجود آمدن گروه های حامی خشونت را پنهان نموده و از سوی دیگر به دلیل وضعیت وخیم و دردناکی که خودشان مسبب آن در عراق، منطقه و فراتر از آن بوده اند قصد دارند اسلام را متهم نشان دهند.

که دوباره رژیم بعثی را در عراق روی کار بیاورند. همان‌طور که آشکار است در دوره صدام، شیعیان، کردها و گروه‌های قومی و دینی دیگر جامعه و حتی اکثریت سنی‌ها هم از سوی یک مشت مافیا و با سیاست‌های فشار و سرکوب اداره می‌شدند. از این رو از اینکه جنایت‌هایی که امروز از سوی داعش انجام می‌شود یادآور جنایات رژیم بعث در دوره صدام است نباید متعجب شویم. با توجه به توازن قوا و ساختار تشکیلاتی داعش، هیچ کس نباید به استفاده ابزاری داعش از بعثی‌ها برای مدتی کوتاه و سپس دور انداختنشان شک کند.

استراتژی

بنابر دیدگاه رایج در سطح بین‌المللی، داعش یک گروه جنایتکار است و می‌بایستی این گروه نابود شده و حامیان آن محاکمه شوند. این دیدگاه نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی دارای یک منفعت مشترک در نابودی داعش و گروه‌های گسترش دهنده اختلافات مذهبی و قومیت‌گرایی است.

این دیدگاه رایج اگرچه مزیتی بزرگ است اما برای تبدیل آن به گامی مؤثر و دارای هدف، جلویمان راهی مهم وجود دارد که باید در پیش گرفته شود.

افراطی‌گری نباید بهانه‌ای برای حمله دشمنان باشد

جامعه بین‌المللی هنوز از نبود یک استراتژی جامع و هماهنگ برای مبارزه با افراط‌گرایی مروج خشونت رنج می‌برد. باید یک استراتژی که این مسأله را با تمام ابعادش بررسی می‌کند تعریف شود. استراتژی تعریف‌شده هم باید دارای عناصر زیر باشد: ۱- این استراتژی باید جدی و جهانی باشد، قدرت‌ش را از قانون بگیرد، از تبعیض به دور بوده و مشارکت‌جویانه باشد و از شیوه‌های جایگزینی که مبتنی بر الگوهای حاوی بازی‌های قدیمی قدرت است اجتناب نماید.

در این وضعیت، تمام بازیگران باید متمرکز بر نابودی افراطی‌گری و ریشه‌کن کردن بنیان‌های آن شده و از اولویت دادن به ملاحظات سیاسی خودداری نمایند. چنین استراتژی‌ای در عین حال باعث می‌شود که تمام بازیگران خود را متعهد به عدم تبدیل مبارزه با افراطی‌گری به ابزاری برای اهداف سیاسی خود و گزینشی رفتار نکردن در مبارزه با عناصر افراطی و عدم اجرای استاندارد دوگانه بدانند و این هم زمینه‌تیسر پارادایمی را فراهم می‌سازد.

فرهنگ و ایدئولوژی

۲- این استراتژی باید بر پایه هنجارها و اصول حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد به ویژه مواد مربوط به ضرورت اجتناب از کاربرد تهدید و یا زور در برابر دیگر کشورها باشد.

هیچ تهدیدی را نمی‌توان با اقداماتی که منجر به استحکام پایه‌های آن شده و

زمینه کسب حمایت از آن را فراهم می‌کند ریشه کن نمود.

۳- در این استراتژی مبارزه با افراطی‌گری، ابتدا باید در عرصه فرهنگی و ایدئولوژیک مبارزه نمود. چرا که یک استراتژی موفق استراتژی‌ای است که رهبران دینی و اجتماعی، مطبوعات، دانشگاه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و غیره را گرد هم آورده و تفاسیر خشونت‌آمیز علیه ادیان و مذاهب را که در اصل با آموزه‌های متعالی تمام ادیان تعارض دارد نقد و رد نماید و فلسفه‌های حاوی نفرت و خشونت را برای افکار عمومی افشا سازد.

رهبران دینی و مذهبی باید در صف نخست افشای اندیشه‌های ساختگی عناصر افراطی در تمام دنیا قرار گیرند و حمله به اقلیت‌های دینی و ترویج اختلافات مذهبی را بدون شک و شبهه محکوم کنند.

در این خصوص پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خطاب به جوانان اروپایی و آمریکایی، گامی مهم و جدی برای کنش‌های دروازه‌های روشن‌گری در باب مفاهیم فرهنگی و اعتقادی است.

اقدامات تبعیضی آمیز

۴- این استراتژی باید به عواملی مانند دیکتاتوری، فقر، فساد، پوسیدگی اجتماعی و تبعیض که زمینه مناسب برای افزایش افراطی‌گری را فراهم می‌کنند نیز اهمیت بدهد. باید به مسأله دور نگه داشته شدن جوانان از اقتصاد، سیاست و فرهنگ در غرب و نیز اقدامات تبعیض‌آمیز علیه مهاجران خارجی مقیم غرب که دارای اثراتی مشابه است توجه نماییم.

تداوم اشغال فلسطین و شرایط بسیار سختی که مردم فلسطین با آن روبرو هستند یکی از ابزارهای مؤثر در استفاده عناصری مانند داعش در جذب عضو بوده و باید این مسأله حل‌وفصل شود.

۵- در این استراتژی باید تدابیری علیه اسلام‌هراسی که عناصر افراطی خشونت‌گرا را با مسلمانان حقیقی یکسان پنداشته و فرصتی برای داعش و گروه‌های تکفیری و مشابه می‌دهد اتخاذ شود.

وقتی ما ضرورت محکوم نمودن نژادپرستی و یهودستیزی را بر زبان آورده و در واقع این محکومیت را در عمل اجرا می‌کنیم، همزمان با آن همگان باید اسلام‌هراسی و اقداماتی که به ارزش‌ها، باورها و مقدسات مسلمانان به صورتی آشکار توهین می‌کنند را محکوم نموده و به عنوان جرم به آن بنگرند.

اسلام‌هراسی باید به عنوان گونه‌ای از افراطی‌گری که انسان‌ها را به خشونت سوق می‌دهد تعریف شود و بدین طریق هر نوع افراطی‌گری مبتنی بر خشونت محکوم و رد گردد.

۶- این استراتژی باید تمام دولت‌های منطقه‌ای و بازیگران بین‌المللی را به سمتی سوق دهد که برای جلوگیری از دستیابی عناصر افراطی به پول، اعضای جدید و دیگر منابع لازم برای گسترش ترور در منطقه و واری منطقه، رفتار و موضع مشترکی اتخاذ کنند.

در این چارچوب، قطع حمایت مادی و معنوی و مالی بخش‌های خصوصی و دولتی و افسراد داخل و خارج منطقه از عناصر افراطی، افزایش تدابیر امنیتی در مرزها با هدف جلوگیری از عبور آسان تروریست‌ها از مرزها و همکاری در این خصوص، نابودی شبکه‌های تأمین‌کننده حمایت لجستیک برای تروریست‌ها و همچنین اتخاذ تدابیر جدی در موضوع تبادل اطلاعات درباره فعالیت عناصر افراطی، دارای اهمیت حیاتی در به موفقیت رسیدن این مبارزه است.

در چارچوب این استراتژی، جامعه بین‌المللی و از جمله کشورهای غربی (اگر واقعاً به دنبال نابودی داعش هستند) به شرط تعهد مبارزه حقیقی با داعش و دیگر عناصر خشونت‌گرا، به حمایت نظامی و سیاسی از کشورهای منطقه تشویق شوند.

باید متحد شویم

۷- این استراتژی باید تمام کشورها را به حمایت از کشورهایی که به صورت مستقیم با عناصر افراطی خشونت‌گرا در حال مبارزه هستند تشویق نموده و از فعالیت‌های معطوف به تقویت اتحاد ملی این کشورها و محافظت از یکپارچگی سرزمینی حمایت کند.

چنین راه‌حلی باید مهار قدرت‌های گریز از مرکز و عدم مداخله در روابط بین‌زادها و مذاهب مختلف در این کشورها را در دستور کار خود قرار دهد.

هر شیوه‌ای که باعث تضعیف شدن مقامات این کشورها و یا گروه‌های در حال مبارزه با عناصر افراطی شود باعث عدم موفقیت مبارزه با داعش و حامیان آن خواهد شد.

۸- این استراتژی، متمرکز شدن بر مبارزه با داعش و گروه‌های مشابه و به ویژه خودداری از اقدامات منجر به تضعیف جبهه متحد مخالف افراطی‌گری در خاورمیانه را ضروری می‌سازد.

آشکار است که جنگ موجود در یمن سبب شده که القاعده و دیگر گروه‌های افراطی در شبه جزیره عربستان و کشور عربستان سعودی جسورتر شوند و عرصه بیشتری برای فعالیت داشته باشند.

ما به جای آن که شهرها و فرودگاه‌های یکدیگر را بمباران نماییم باید در برابر داعش متحد شویم. توافق در بین کشورها و جبهه‌های مخالفی که در حال مبارزه با داعش و حامیان آن هستند شرایط مناسبی در مبارزه علیه عناصر افراطی فراهم می‌آورد.

همچنین تضعیف کسانی که در مبارزه با داعش عزم خود را به اثبات رسانده و در مقابل، اتحاد با کسانی که در این راه از خود ثبات نشان نداده‌اند غیر از ضعیف نمودن فعالیت‌های معطوف به مبارزه با افراطی‌گری و ریشه‌کن کردن آن سود دیگری ندارد.

دعوت به گفتگو

ایرانیان از هر سن و دیدگاهی که باشند و به ویژه جوانان آن، گروه‌های افراطی

مانند طالبان و القاعده در افغانستان گرفته تا داعش و گروه‌های مشابه آن در یمن، عراق و سوریه و از این رو خشونت و افراطی‌گری را پیوسته رد نموده و با آن مخالفت کرده‌اند.

ایران از اینکه در کنار حمایت از نیروهای ایران در حال مبارزه با طالبان، نقش بزرگی در جلوگیری از قدرت‌یابی دولت طرفدار خشونت در افغانستان در دهه ۱۹۹۰ ایفا کرده به خود می‌بالد.

ایران موضع خود در خصوص حمایت از دولت عراق و تمام کسانی که در معرض تهدید داعش هستند را با عزمی جدی پیگیری کرده است. هنگامی که داعش در ماه‌های ژوئن و جولای ۲۰۱۴ به صورتی غیرمنتظره وارد عمل شده و دیگران هنوز در شوک این حادثه بودند، ایران برای مبارزه با این بحران قبل از همگان وارد صحنه شد و با فرستادن تجهیزات و مشاوران نظامی، در عقب نشان دادن داعش از پیشروی به سوی بغداد، اربیل و امرلی ایفای نقش کرد.

آموزش و مشاوره دادن به نیروهای عراقی در طی ماه‌های گذشته نیز در عقب‌نشینی داعش از برخی از مناطق تحت تصرف خود در غرب عراق مؤثر بود.

ما همچنین مبارزه خود با مشکلات موجود در عرصه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک را با عزمی جدی ادامه می‌دهیم. هنگامی که برخی در سال ۲۰۰۱ جنگی مخرب آغاز نموده و به دنبال شکل‌دهی اجتماعی به منطقه بودند ایران دنیا را دعوت به «گفتگوی تمدن‌ها» نمود و این دعوت همان سال در مجمع عمومی سازمان ملل پذیرفته شد.

در دوره‌های اخیر و بسیار پیش از موفقیت نظامی گروه‌های افراطی، سخنان رئیس‌جمهور روحانی در مقرر سازمان ملل مبنی بر «دنیایی به دور از خشونت و افراطی‌گری»، هشداری آشکار به کل دنیا درباره این تهدید جدید بود. این اقدام که در سال ۲۰۱۳ در مجمع عمومی سازمان ملل تأیید شد برای مبارزه با خشونت و افراطی‌گری، شیوه‌ای آشکار نشان داد. این اقدام و تصمیم اگر با دقت پیگیری شده و اجرایی شود مبارزه خلق‌های منطقه و دیگر خلق‌ها با این مسأله جدی امکان‌پذیر می‌شود.

ایران با اتکا به تجارب و اقدامات خود در خصوص متوقف نمودن این ویبای افراطی‌گری حامی خشونت و نابودی آن آماده همکاری با تمام فعالیت‌های حقیقی و جامع در این خصوص در سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد.

بلی باید داعش، القاعده، النصره و گروه‌های وابسته را نابود کرده و در تمام این زمینه‌های فوق‌الذکر همکاری نماییم. چرا که این حرکت نه تنها جوامع منطقه بلکه جوامعی را که از مرکز این بحران بسیار دور هستند نیز تهدید می‌کند. امیدواریم تمام طرف‌هایی که در جهان و منطقه از این همکاری سود می‌برند حساسیت لازم در این خصوص را نشان داده و بلافاصله در این فعالیت‌ها شرکت نمایند.

گفتگو با استاد دانشگاه استانبول:

اردوغان از اول به دنبال انتخابات زودرس بودن تشکیل دولت ائتلافی



مانع تراشی های شخص رئیس جمهور را عامل بن بست در مذاکرات می دانستند. نظر شما در این باره چیست؟

گفته می شود که نخست وزیر احمد داوود اوغلو خواستار تشکیل دولت ائتلافی است اما نمی تواند در برابر فشارهای رئیس جمهور مقاومت کند. این مسئله هم درست است و هم غلط چون که بعد از انتخاب رئیس جمهور جدید با رای مستقیم مردم و تنزل جایگاه نخست وزیر به یک شخصیت تشریفاتی این مسئله با آنچه که نخست وزیر فکر می کند و با آنچه که وی دنبال می کند سازگاری ندارد.

آنچه در ترکیه در جریان است «سیاست» نیست بلکه «جعل سیاست» است

در چنین شرایطی اردوغان شروع به بهره برداری سیاسی از طریق اتخاذ اقدامات و سیاست های دروغین و جعلی کرده است. رفتار اردوغان طوری است که گویی نخست وزیر هر موقع که او بخواهد دارای ابتکار عمل است و اگر او نخواهد این تذکر را می دهد که همه کاره خودش است. نخست وزیر «داوود اوغلو» خودش هم نیاز به سیاست های جعلی و دروغین دارد چونکه وی نمی تواند از نقش سیاسی خود فطره برود و می خواهد وانمود کند که دارای ابتکار عمل است و این در حالی است که وی ناامیدانه متعهد به چیزهای است که رئیس جمهور به وی دیکته می کند. نتیجه اینکه در حال حاضر بازی های سیاسی فاقد هرگونه قانون و قاعده و منبع مشروعی است و تنها منبع و قاعده توطئه های سیاسی مبدل است.

مشکل اصلی در عرصه سیاسی ترکیه در حال حاضر به نظر شما چیست؟

مشکل اصلی برخورد اشخاص یا شخصیت مستبد رئیس جمهور نیست بلکه مهمترین مسئله فهم سیاسی رئیس جمهور و حزب وی است. این روزها رهبران فکری حزب حاکم یا شاید بهتر است به جای حزب حاکم بگوییم ایدئولوژی حاکم، برداشت و فهم خود از سیاست را به وضوح و شفافیت بیان می کنند. در سیاست مد نظر حزب حاکم و رئیس جمهور اولویت با ایده آل های مذهبی مد نظر آنها است تا منافع ملی. در فضای کنونی حتی اعضای حزب حاکم و طرفدارانش هم به جای بازی سیاسی مبتنی بر اصول و قواعد سیاسی اقدام به بازی های دروغین و جعلی می کنند.

در حال حاضر آنچه در ترکیه در جریان است «سیاست» نیست بلکه «جعل سیاست» است.

نظام سیاسی را به یک نظام نیمه ریاست جمهوری تغییر داد و برای این منظور هم اکثریت مطلق رای نمایندگان پارلمان لازم است. هدف حزب حاکم تغییر نظام سیاسی کشور به نظام ریاستی بود و برای این منظور قصد داشت از دو طریق عمل کند یکی از طریق کسب اکثریت کرسی های پارلمان در انتخابات عمومی و دیگر از طریق رسیدن به یک توافق با کدها تا از نظام ریاستی وی حمایت کنند. اما هر دو روش شکست خورد.

آیا شکست حزب حاکم عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی ماه ژوئن، بیانگر لزوم برخی تغییرات و خانه تکانی ها در این حزب را بیان نمی کرد؟

نتایج انتخابات ماه ژوئن بیانگر این نکته بود که حزب حاکم و رئیس جمهور باید تغییراتی را در برنامه ها و عملکرد خود ایجاد کنند اما متأسفانه رئیس جمهور و نخست وزیر نیازی برای این تغییرات سیاسی نمی بینند. به جای تغییرات، آنها شروع به یک سری تلاش های جعلی و دروغین برای تشکیل دولت ائتلافی کردند و گفتگوهای را با حزب جمهوری خواه خلق و حزب حرکت ملی طراحی کردند که هر دو آنها با شکست مواجه شد. بعد از این مذاکرات صوری، حالا بطور شفاف مشخص شده است که اقدامات آنها کاملاً دروغین و جعلی بوده است زیرا این احزاب اعلام کردند که آماده مصالحه هستند.

برخی از رهبران احزاب مخالف در جریان مذاکرات از تمایل «احمد داوود اوغلو» برای تشکیل دولت ائتلافی خبر می دادند و تنها

اردوغان و حزب حاکم ترکیه بیش از یک دهه در تلاش بوده اند تا نظام سیاسی ترکیه را از نظام پارلمانی به نظام ریاست جمهوری تغییر دهند، هدفی که قرار بود با کسب اکثریت کرسی های پارلمان توسط حزب عدالت و توسعه محقق شود، اما نشد. در همین راستا گفتگویی داشته ایم با دکتر «نورای مرت» تحلیلگر سیاسی و استاد علوم سیاسی دانشگاه استانبول ترکیه که مشروح آن در زیر آمده است.

ارزیابی شما از اظهارات اخیر رئیس جمهور ترکیه اردوغان مبنی بر محدود نبودن بر مسئولیتها پیش در قانون اساسی چیست؟

رئیس جمهور ترکیه چند روز پیش گفت از زمانی که در سال گذشته توسط مردم به عنوان رئیس جمهور انتخاب شده دیگر نمی تواند خودش را به مسئولیت های مندرج در قانون اساسی محدود سازد. این اظهارات نشان می دهد که قواعد بازی عوض شده است. در حقیقت اظهارات اردوغان نشان داد که این فقط مقررات بازی نیستند که تغییر کرده اند و اساساً اظهارات وی نشان داد که دیگر وی برای بازی های سیاسی به هیچ قانونی پایبند نیست.

آیا واقعا وی به استناد اینکه با رأی مستقیم مردم روی کار آمده است می تواند کشور را آنگونه که مد نظرش است اداره کند؟

در حقیقت انتخاب رئیس جمهور توسط رای مستقیم مردم یک تغییر بزرگ در نظام سیاسی کشور است اما نیاز به تعاریف جدید از نقش ها و مسئولیت های جدید وجود دارد. برای این منظور می توان

استاد دانشگاه استانبول رئیس جمهور ترکیه و رهبران حزب حاکم این کشور را به «جعل سیاست» متهم کرده و گفت: اردوغان از اول به دنبال انتخابات زودرس بودن تشکیل دولت ائتلافی.

مذاکرات حزب حاکم ترکیه با حزب جمهوری خواه خلق و حزب حرکت ملی برای تشکیل دولت ائتلافی با شکست مواجه شد و با این ترتیب ترکیه یک قدم به برگزاری انتخابات زود هنگام عمومی نزدیکتر شد.

بسیاری از منتقدین رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه را به کار شکنی برای ایجاد دولت ائتلافی متهم می کنند.

مخالفان و منتقدان رجب طیب اردوغان بر این باورند که تمامی تلاش های هفته های اخیر از سوی حزب حاکم عدالت و توسعه برای تشکیل دولت ائتلافی صرفاً یک بازی طراحی شده از سوی اردوغان و حزب حاکم برای حفظ ظاهر بوده است. گفته می شود هدف رئیس جمهور ترکیه و هم حزبی هایش کشاندن کشور به برگزاری انتخاباتی زود هنگام در فضای امنیتی ایجاد شده در هفته های اخیر است، فضای امنیتی که در پی اعلام شکست مذاکرات صلح با کدها از سوی اردوغان با حملات ارتش به مواضع گروه پ ک ک در عراق و سوریه و داخل ترکیه و همچنین به بهانه مقابله با داعش ایجاد شده است.

مخالفان اردوغان بر این باورند که وی در این فضای امنیتی امیدوار است بتواند با کنار گذاشتن احزاب نزدیک به کدها که عامل شکست وی و حزبش در انتخابات ماه ژوئن بودند، بار دیگر پیروز انتخابات باشد تا از این طریق به آزادی دیرینه خود در خصوص تغییر نظام سیاسی ترکیه جامه عمل بپوشاند.

گفتگو با عضو ارشد حزب جمهوری خلق:

اهداف اردوغان از انتخابات زودرس/ فرار از محاکمه و تغییر نظام سیاسی



مشروعیت ببخشد و وضع موجود کنونی را به یک وضعیت قانونی تبدیل کند. با اینحال چنین چیزی رخ نخواهد داد چونکه مردم ترکیه قبلا خواست وی برای ایجاد نظام ریاستی را کنار زده اند.

تغییر نظام پارلمانی به نظام ریاستی تا چه حدی می تواند در ادامه نفوذ مستقیم و غیر مستقیم اردوغان در قدرت تاثیر گذار باشد؟

نتیجه انتخابات آتی هر چه که باشد اردوغان هنوز رئیس جمهور ترکیه باقی خواهد بود و همین الان هم طوری عمل می کند که گویی او رئیس جمهور ترکیه در نظام ریاست جمهوری است. عملکردها و اقدامات او همچنان به ادامه تنش ها و جدل ها در عرصه سیاسی ترکیه منجر خواهد شد.

«احمد داوود اوغلو» نخست وزیر ترکیه که از سوی اردوغان برای تشکیل دولت ائتلافی مامور شده بود از ادامه تلاش ها برای تشکیل دولت ائتلافی صرف نظر کرد. حالا توپ در زمین اردوغان است. گزینه های پیش روی اردوغان چه هستند؟

طبق قانون اساسی رئیس جمهور اردوغان می تواند اعلام انتخابات زود هنگام کند و با اینکه «کمال قلیچدار اوغلو» رهبر بزرگترین حزب مخالف را مامور تشکیل دولت ائتلافی کند. اما با توجه به تجربیات هفته های گذشته حقیقت این است که احتمال تشکیل دولت ائتلافی بسیار ناچیز است. ۲۳ اگوست مهلت ۴۵ روزه برای تشکیل دولت ائتلافی پایان می یابد و بدین ترتیب اردوغان این اختیار را خواهد داشت تا انتخابات زود هنگام اعلام کند. لذا ترکیه تا ماه نوامبر امسال شاهد تکرار انتخابات خواهد بود.

اکثریت کرسی های پارلمان توسط حزب عدالت و توسعه محقق شود، اما نشد. در همین راستا گفتگویی انجام شده با «عثمان فاروق لوغ اوغلو» عضو ارشد حزب جمهوری خلق که مشروح آن در زیر آمده است.

شکست مذاکرات بین حزب حاکم عدالت و توسعه و دیگر احزاب مخالف برای تشکیل دولت ائتلافی با وجود نرمش های احزاب مخالف نشان داد که رجب طیب اردوغان علاقه ای برای تشکیل دولت ائتلافی با احزاب رقیب ندارد. چرا؟

اردوغان چندین بار بطور شفاف تمایل خود برای برگزاری انتخابات زود هنگام را نسبت به تشکیل دولت ائتلافی اعلام داشته است. وی طبق محاسبات خودش قصد دارد با تکرار انتخابات کاری کند که حزب حاکم عدالت و توسعه بتواند آرایبی را که در انتخابات ۷ ژوئن از دست داده را مجددا کسب کند و دوباره اکثریت پارلمان را به دست گیرد تا از این طریق هم نظام پارلمانی کشور را به نظام ریاست جمهوری تغییر دهد و هم با حفظ حزب عدالت و توسعه در قدرت بتواند مانع از تقییب قضایی خودش و برخی دیگر به خاطر فسادهای مالی شود.

چرا اردوغان بطور مستقیم و غیر مستقیم در تلاش است تا راه را برای انتخابات زود هنگام هموار کند؟ آیا با برگزاری انتخابات دیگر اردوغان قادر خواهد بود تا به آرزوی خود که تغییر نظام سیاسی ترکیه از پارلمانی به ریاست جمهوری است جامه عمل بپوشاند؟

در انتخابات ۷ ژوئن مردم ترکیه به نظام ریاست جمهوری «نه» گفتند. از اینرو بعید است که حزب حاکم بتواند با تکرار انتخابات کرسی های لازم برای تغییر قانون اساسی را در پارلمان به دست آورد. اردوغان اخیرا ادعا کرده است که نظام سیاسی ترکیه تغییر کرده است. برای اردوغان تنها چیزی که باقی مانده است این است که به وضعیت کنونی

«فاروق لوغ اوغلو» عضو حزب جمهوری خلق ترکیه هدف اردوغان از برگزاری انتخاباتی دیگر را تلاش برای مصون ماندن از محاکمه بخاطر فساد مالی خود و اطرافیانش و همچنین تغییر نظام سیاسی اداره کشور دانست.

مذاکرات حزب حاکم ترکیه با حزب جمهوری خواه خلق و حزب حرکت ملی برای تشکیل دولت ائتلافی با شکست مواجه شد و با این ترتیب ترکیه یک قدم به برگزاری انتخابات زود هنگام عمومی نزدیکتر شد.

با صرف نظر کردن نخست وزیر این کشور «داوود اوغلو» از تشکیل دولت ائتلافی بعد از شکست مذاکرات ائتلاف و همچنین عدم تمایل اردوغان به مامور کردن «کمال قلیچدار اوغلو» رهبر حزب جمهوری خلق که بزرگترین حزب مخالف دولت و اردوغان است، بسیاری از منقدین رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه را به کارشکنی برای ایجاد دولت ائتلافی متهم می کنند.

مخالفان و منتقدان رجب طیب اردوغان بر این باورند که تمامی تلاش های هفته های اخیر از سوی حزب حاکم عدالت و توسعه برای تشکیل دولت ائتلافی صرفا یک بازی طراحی شده از سوی اردوغان و حزب حاکم برای حفظ ظاهر بوده است.

گفته می شود هدف رئیس جمهور ترکیه و هم حزبی هایش کشاندن کشور به برگزاری انتخاباتی زود هنگام در فضای امنیتی ایجاد شده در هفته های اخیر است؛ فضای امنیتی که در پی اعلام شکست مذاکرات صلح با کردها از سوی اردوغان با حملات ارتش به مواضع گروه پ ک ک در عراق و سوریه و داخل ترکیه و همچنین به بهانه مقابله با داعش ایجاد شده است.

مخالفان اردوغان بر این باورند که وی در این فضای امنیتی امیدوار است بتواند با کنار گذاشتن احزاب نزدیک به کردها که عامل شکست وی و حزبش در انتخابات ماه ژوئن بودند، بار دیگر پیروز انتخابات باشد تا از این طریق به آرزوی دیرینه خود در خصوص تغییر نظام سیاسی ترکیه جامه عمل بپوشاند.

اردوغان و حزب حاکم ترکیه بیش از یک دهه در تلاش بوده اند تا نظام سیاسی ترکیه را از نظام پارلمانی به نظام ریاست جمهوری تغییر دهند، هدفی که قرار بود با کسب



ناتو - روسیه به نوعی نماد عقب نشینی مرکل از راهبردی بازدارنده خود در قبال مسکو محسوب می شود. موضوعی که از سوی تحلیلگران مسائل استراتژیک و امنیتی در اروپا پنهان نخواهد ماند.

روسیه تا حد زیادی کند شود. حال به نظر می رسد مرکل خود نیز قدرت ادامه بازی سلبی خود در قبال کرملین را از دست داده است. اصرار آلمان مبنی بر تشکیل دوباره شورای

اصرار آلمان برای احیای شورای روسیه - ناتو نشانه چیست؟ دنده معکوس مرکل در «پوتین گراد»!

شورای ناتو - روسیه در سال ۲۰۰۲ میلادی تشکیل شد و جلسات آن تا سال ۲۰۱۴ میلادی ادامه داشت اما با وقوع و تشدید بحران اوکراین این شورا تعطیل شد و فعالیت آن به حالت تعلیق در آمد. مقامات آلمانی اخیرا به صورت رسمی خواستار احیای شورای روابط روسیه - ناتو شده و نسبت به مواضع منفی برخی اعضای ناتو نسبت به احیای دوباره این شورا ابراز تاسف کرده اند! این رویکرد آلمانی ها با توجه به رویکرد خاص مرکل در قبال بحران اوکراین قابل توجه است.

«مارتین اردمان» نماینده آلمان در سازمان ناتو در سخنانی تاکید کرده است که برلین از فعالیت مجدد شورای ناتو - روسیه حمایت

می کند. شورای ناتو - روسیه در سال ۲۰۰۲ میلادی تشکیل شد و جلسات آن تا سال ۲۰۱۴ میلادی ادامه داشت اما با وقوع و تشدید بحران اوکراین، این شورا تعطیل شد و فعالیت آن به حالت تعلیق در آمد. از سال ۲۰۱۴ میلادی تاکنون «آنگلا مرکل» نقش موثری در حل بحران اوکراین ایفا نکرده و حتی با دفاع از استقرار نیروهای ویژه و دائمی ناتو در شرق اروپا منجر به خشم و عصبانیت مقامات کاخ کرملین گردیده است. با این حال حضور سوسیال دموکرات هایی مانند «شتاین مایر» و «زیگمار گابریل» در کابینه ائتلافی مرکل سبب شده است تا حرکت تقابلی مرکل و



گفتگو با نماینده پارلمان ترکیه؛

ماری که اردوغان در آستین پروراند / احتمال انتخابات زودهنگام

رویدادهای اخیر چیست؟
حزب جمهوری خلق در مورد گروه های تکفیری و مخصوصا داعش از همان روز اول دارای دیدگاه روشنی بوده است. این حزب از همان ۴ سال پیش دائما تکرار می کرد که نباید در آستین خود مار پرورش داد. بنده خودم هم به شخصه چندین بار در این مورد در پارلمان هشدار دادم. اما در آن زمان که ما این هشدارها را می دادیم حزب عدالت و توسعه ما را به طرفداری از بشار اسد متهم می کرد و غیره. همانطور که می دانید حتی قبل از انفجار سورچ، داعش در ریحانیله ترکیه نیز دست به اقدام تروریستی زده بود و انفجار سورچ نشان داد که این گروه های تکفیری در داخل ترکیه هم نفوذ کرده اند. اما در مورد پ ک ک که در روزهای اخیر به ترور چند پلیس دست زده است که حتی یکی از این پلیس ها افسر راهنمایی و رانندگی بوده است، هیچ گروه و یا حزب سیاسی در داخل ترکیه چنین اقداماتی را نمی تواند تحمل کند. بعضی گروه ها و قدرت های داخلی و خارجی هم به دنبال این هستند که پ ک ک آتش بس را تقض کند و بدین ترتیب موضوع حل مشکل اقلیت ها در ترکیه با شکست مواجه شده و متوقف شود. حتی در این میان برخی کشورهای خارجی هم فعالیت هایی دارند و اگر کمی با دقت به موضوع نگاه کنیم متوجه خواهیم شد که روش ترور چندین پلیس توسط گروه پ ک ک با روش های متداول این گروه خیلی سازگاری ندارد.

عدالت و توسعه و مساله ۴ وزیر این حزب است. در این باره نیز باید به مبارزه جدی با فساد مالی و مخصوصا فساد مالی منسوبین به حزب عدالت و توسعه پرداخته شود. نکته بعدی نیز استقلال نظام قضائی کشور است. البته آقای قلیچداراوغلو در این مورد بیانیه ۱۴ ماده ای را منتشر کرده است. از سوی دیگر نیز ما به تصمیم حزب عدالت و توسعه اطمینان زیادی نداریم. به نظر می رسد که این حزب در صدد آن هست که پس از مدت کوتاهی که دولت ائتلافی تشکیل شد، آن را بر سر هم زده و انتخابات زودرس برگزار کند. اما حزب جمهوری خلق معتقد است که اگر بنا بر تشکیل یک دولت ائتلافی باشد باید عمر این دولت ۴ ساله و بلند مدت باشد. وقتی این موضوعات را در نظر می گیریم احتمال اینکه در نوامبر انتخابات زودرس برگزار شود بسیار زیاد است.

|| هفته گذشته شاهد انفجار تروریستی توسط گروهک داعش در شهر سورچ ترکیه بودیم و در جریان آن ۳۲ نفر جان خود را از دست دادند. پس از آن نیز حملات گروه پ ک ک به پرسنل امنیتی ترکیه شروع شد و در جریان آن چندین پلیس کشته شدند. در مقابل ارتش هم به بهانه مبارزه با گروه های تروریستی به بمباران مواضع داعش و پ ک ک پرداخت. دیدگاه حزب جمهوری خلق نسبت به

دادستان کل سابق استانبول و نماینده پارلمان ترکیه با اشاره به این که احتمال ائتلاف میان حزب عدالت و توسعه و جمهوری خلق بسیار کم است، گفت: احتمال انتخابات زودهنگام پارلمانی در ماه نوامبر وجود دارد. بعد از آنکه حزب عدالت و توسعه نتوانست اکثریت مطلق آراء را در انتخابات پارلمانی ترکیه به دست آورد رایزنی برای تشکیل دولت ائتلافی با سایر احزاب راه یافته به پارلمان این کشور شروع شد. در میان احزاب «جمهوری خلق»، «حزب ملی» و «دموکراتیک خلقها» به نظر می رسد که حزب «عدالت و توسعه» همکاری بیشتر با جمهوری خلق داشته باشد و بتواند با این حزب ائتلاف بر گزار کند. البته این احتمال با توجه به اخبار موجود کم شده است. علی آوگوندوز (AliÖzgündüz) دادستان کل سابق استانبول و نماینده مردم استانبول در پارلمان ترکیه به بررسی این موضوع پرداخته که در ادامه می آید.

برای اینکه امکان تشکیل حکومت ائتلافی میان حزب عدالت و توسعه و جمهوری خلق فراهم شود باید سیاست خارجی که عدالت و توسعه در چند سال گذشته در پیش گرفته ۱۸۰ درجه تغییر یابد و به سمت همکاری با ایران پیش برود. تا زمانی که این اتفاق نیافتاده امکان تشکیل دولت ائتلافی نیز وجود ندارد. باید کمک های لجستیک و تعلیم مخالفان سوریه از سوی ترکیه پایان یابد. مسئله مهم تر از آن نیز موضوع مقام رئیس جمهوری و شخص اردوغان است. تا زمانی که اردوغان از موضعگیری های خود در رابطه با موضوعات سیاسی جاری دست نکشد و به موضوعاتی بپردازد که با مقام ریاست جمهوری در تضاد است، امکان رسیدن به نقطه مشترک برای تشکیل دولت ائتلافی متصور نیست. مسئله سوم هم موضوع فساد مالی حزب

|| در روزهای گذشته با وجود اختلافات شدید ایدئولوژیک میان طرفین شاهد تشکیل دو کمیته از سوی حزب عدالت و توسعه و حزب جمهوری خلق برای پیشبرد مذاکرات بین دو طرف به منظور تشکیل دولت ائتلافی بوده ایم، به نظر شما این گفتگوها به نتیجه خواهد رسید و دو طرف خواهند توانست دولت ائتلافی تشکیل دهند؟
به نظر می رسد که انتخابات زودهنگام محتمل تر باشد. چراکه ائتلاف حزب جمهوری خلق با عدالت و توسعه موضوع بسیار پیچیده و سختی است و مهمترین مورد در این مسئله هم موضوع سیاست خارجی و مخصوصا بحران سوریه و حمایت از گروه های تکفیری و تروریستی است. یعنی مسئله اصلی سیاست خارجی است و

است برای ایران و منطقه دستاورد بسیار بزرگی است. به نظر می رسد که پس از برداشته شدن تحریم ها و با توجه با منابع سرشار نفت و گازی که ایران دارد این کشور به ستاره درخشان منطقه تبدیل خواهد شد. ایران و ترکیه به عنوان دو کشوری که دارای تاریخ قدیمی و بسیار مشترکی هستند و باید پس از این هم به دوستی خود ادامه دهند و این دوستی به نفع دو ملت و دو دولت خواهد بود. ایران و ترکیه باید برای حل مشکلات منطقه و پاکسازی منطقه از تروریست ها با هم همکاری نزدیک بپردازند.

قدرت های امریالیستی با دامن زدن به اختلاف های مذهبی و نژادی درصدد دامن زدن به اختلافات در منطقه هستند و با به وجود آوردن گروه های تروریستی همچون پ ک ک و پژاک در صدد ضربه زدن به کشورهای منطقه و تجزیه عراق، سوریه، ایران و ترکیه است. در این موارد هم باید دو کشور به همکاری بپردازند زمانی که مرز میان ایران و ترکیه با معاهده قصرشیرین تعیین شد حتی امریکایی تشکیل نشده بود و به این دلیل اگر ایران و ترکیه برای حل مشکلات منطقه با یکدیگر همکاری کنند نه امریکا و نه حتی تمام دنیا قادر به انجام کاری برخلاف منافع دو کشور نخواهند بود.

طول سال گذشته که گروه پ ک ک به فعالیت مشغول بوده است، هموطنان کرد بیشترین آسیب ها را از این موضوع دیده اند. در گذشته در رابطه با اقلیت ها و کردها مشکلاتی وجود داشت ولی اکنون بسیاری از آنها حل شده است. اکنون تدریس زبان کردی در مدارس و دانشگاه ها آزاد است، ده ها رادیو و تلویزیون دولتی و خصوصی به کردی برنامه پخش می کند و حتی در خود کابینه حزب عدالت و توسعه بسیاری از وزیران کرد هستند و ده ها حزب کردی به فعالیت مشغولند. همانطور که می دانید در انتخابات ۷ ژوئن ۸۱ نفر از حزب دموکراتیک خلق ها به مجلس راه یافتند. البته اگر مشکلی وجود دارد که به احتمال زیاد نیز وجود دارد، تنها مکان رسیدگی و حل آن مجلس و پارلمان است؛ یعنی به شکلی دموکراتیک و متمدن. همانطور که می دانید در همه جای دنیا پاسخ به ترور از اولین ترین وظایف یک دولت است.

|| به عنوان سوال آخر نظر تان در مورد آینده روابط ایران و ترکیه چیست؟

این توافق که حق استفاده صلح آمیز ایران از انرژی هسته ای را به رسمیت نیز شناخته

یا در جریان است. البته در چند ماه اخیر حزب عدالت و توسعه هم در این مورد به چیزی که ما از همان اول تکرار می کردیم رسیده است و الان آنها هم اعتقاد پیدا کرده اند که راه حل این مشکل نه مذاکره با تروریست ها در کوه ها و یا در زندان، بلکه مذاکره با نمایندگان دیپلماتیک مردم در مجلس و پارلمان است. در حالی که حزب عدالت و توسعه دائما از حل و فصل مشکل اقلیت ها و اکراد با روش خود حرف می زد، اکنون شاهد هستیم که این روش با شکست مواجه شده است. چرا که پ ک ک سلاح های خود را تحویل نداده بود و منتظر یک شوک جدید بود تا به اقدامات تروریستی خود ادامه دهد. اشتباهی که حزب عدالت و توسعه با اعتماد به اوچالان و پ ک ک انجام داد به همه ثابت کرد که اعتماد به تروریستی اشتباه و بی فایده است. چرا که این گروه ها نه به دنبال حل مشکل بلکه به دنبال عمیق تر کردن آن هستند. دولت ترکیه در مقابل حملات پ ک ک به مقابله جدی خواهد پرداخت و حزب جمهوری خلق هم در این مسئله همراه دولت و مردم است. نکته مهم و تاسف بار این است که در

مثلا دو نفر از این پلیس ها در تخت خواب و موقع خواب به قتل رسیدند و یکی دیگر از پلیس ها هم که مامور راهنمایی و رانندگی بود و اینها حتی با اصول پ ک ک سازگاری ندارند.

|| دیدگاه حزب جمهوری خلق نسبت به حل مشکل اقلیت ها چیست؟ یعنی اگر در دولت ائتلافی شرکت داشته باشید روند اجرای این طرح چگونه ادامه خواهد داشت؟

در این مورد حزب جمهوری خلق هم حداقل تا اندازه حزب عدالت و توسعه مایل به حل موضوع است. اما مایل به حل و فصل آن به روشی دموکراتیک و با استفاده از روش دیپلماتیک است. یعنی ما در روش اختلاف داریم. حزب عدالت و توسعه در حال مذاکره و گفتگو با آپو (عبدالله اوچالان) است که به نظر ما یک تروریست غیر قابل گفتگو است. یعنی این روشی که حزب عدالت و توسعه در پیش گرفته است اشتباه است. حزب جمهوری خلق معتقد هست که این موضوع باید در پارلمان و با مذاکره و گفتگوی دیپلماتیک و مدنی حل شود؛ مانند آنچهیزی که در اسپانیا و کانادا اتفاق افتاد و



گفتگو: پیمان یزدانی

گفتگو با استاد دانشگاه استانبول:

ترکیه از اشتباهات گذشته خود درس بگیرد/ تغییر توازن قوای منطقه

مفید بوده است و امیدوارم که همین روند ادامه پیدا کند و ایران در دام تحریکات برخی ها نیفتد. همچنین این تحلیلگر ترک توافق هسته ای اخیر قدرت های جهانی با ایران را فرصتی برای سیاستمداران آنکارا خواند و گفت: از آنجائیکه روابط ایران و ترکیه از چالش های زیادی جان سال به در برده است، ترکیه بیشتر از هر کشور دیگری می تواند از توافق هسته ای ایران سود ببرد. وی همچنین سیاست های آنکارا در قبال تحولات سوریه را از دلایل تنش های سال های اخیر در روابط ایران و ترکیه خوانده و تصریح کرد: سیاست های ترکیه در قبال تحولات سوریه موجب بی اعتمادی بین ایران و ترکیه شد. همچنین اقدام اخیر ترکیه در نزدیک شدن به محور اتحاد قطری-سعودی نیز از دیدگاه سیاست خارجی کلاسیک ترکیه موج بزرگی بود ولی یکی از غلط ترین مسیره های سیاست خارجی ترکیه بوده است. این اقدام غلط بود چون موجب ویرانی سوریه شد. غلط بود چون ایران مشتریان فرهنگی و تاریخی بیشتری با ترکیه دارد تا ترکیه و اعراب. غلط بود چون روابط ترکیه و عربستان بیشتر بر پایه پول و سیاست های قومیتی است تا چیزی دیگر. وی در پایان با اشاره به فرصت به دست آمده گفت: امیدوارم ترکیه زمان را برای تغییر سیاست های از دست ندهد زیرا این امر نه تنها موجب خواهد شد بیشترین سود را از توافق هسته ای ایران به دست آورد بلکه موجب خواهد شد تا ترکیه نقشی در برقراری ثبات و امنیت منطقه داشته باشد.

در منطقه یعنی حکومت های پادشاهی عرب، اسرائیل و گروه های اسلام گرای افراطی شده است. استاد دانشگاه استانبول با اشاره به تبعات سیاست های غلط کشورهای غربی برای مردم منطقه گفت: متأسفانه این مردم منطقه بوده اند که تا به حال با گرفتار شدن در درگیری، جنگ و خشونت هزینه های سیاست های غرب را پرداخته اند. حمایت های نامتعارف آمریکا از رژیم های منطقه موجب شده است تا این رژیم های ناعادل بتوانند بر مردمان خودشان فشار وارد کنند و به سرکوب آنها بپردازند. نروای مرت توافق هسته ای ایران و ۱+۵ را حتی برای مردم منطقه مفید دانسته و گفت: از آنجائیکه بعد از توافق هسته ای مسئله «توازن قوا» در منطقه بهتر خواهد شد لذا من فکر می کنم این مسئله موجب خواهد شد تا سیاست های منطقه ای و داخلی تمامی کشورهای منطقه بهتر و متوازن تر شود. منتقد سیاست های حزب حاکم ترکیه ابراز امیدواری کرد تا تمامی آنهایی که از سیاست های ایجاد درگیری در منطقه و دامن زدن به خصومت های قومیتی در راستای اهداف خود سود برده اند هزینه های آن را بپردازند. نروای مرت در ادامه به تشریح علت تلاش های غرب و آمریکا برای معرفی ایران به عنوان محور شرارت پرداخت و گفت: سالیان سال این افراد سعی می کردند ایران را به عنوان «شورو» معرفی کنند و با تمامی امکانات به مقابله با ایران می پرداختند تا به این بهانه حمایت هایشان از رژیم های سرکوبگر و تندروهای قومیت گرا انواع ریاکاری را مشروع جلوه بدهند. تا به اینجا سیاست های ایران در قبال توافق برای سیاست های منطقه ای بسیار خوب و

استاد دانشگاه استانبول با تاکید بر لزوم استفاده حزب حاکم ترکیه از فرصت توافق هسته ای با ایران تاکید کرد: غرب و آمریکا تا به حال بیش از حد به متحدان سنتی منطقه ای خود تکیه کرده اند. ایران و گروه کشورهای ۵+۱ بعد از مذاکرات فشرده و نفس گیر روز سه شنبه ۲۳ تیرماه به جمع بندی در خصوص مذاکرات وین دست یافتند. جمع بندی حاصله باید در پارلمانهای کشورهای متعهد مورد بررسی قرار گیرد و به تصویب برسد تا به عنوان یک سند حقوقی بین المللی (معاهده) دارای ارزش حقوقی باشد. دکتر «سورای مرت» استاد علوم سیاسی دانشگاه استانبول و تحلیلگر مسائل منطقه در ارزیابی خود از توافق هسته ای بین ایران و گروه ۵+۱ گفت: توافق هسته ای بین ایران و غرب یک تحول دوران ساز برای انسان های صلح دوست است. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تقابل ایران و غرب تأثیرات زیادی در سیاست های منطقه ای داشته است و بیش از ۳۵ سال است که تقریبا تمامی تقابل های منطقه ای از تقابل بزرگ و کلی ایران و غرب نشأت گرفته است که می توان درگیری های جاری سوریه را آخرین این درگیری ها دانست که ناشی از تلاش غرب برای مقابله با ایران است. وی در ادامه تاکید کرد: اکنون توافق هسته ای نه تنها راه را برای روابط خوب ایران و غرب گشوده است بلکه امیدهای بیشتری را برای ثبات و صلح در منطقه خاورمیانه به همراه داشته است. نروای مرت در تبیین تأثیر توافق هسته ای اخیر بر روابط ایران و غرب و روابط ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس گفت: به نظر می رسد که غرب متوجه هزینه ها و تبعات تمایل بیش از حد خودش به سه دسته از متحدانش

در حاشیه ترک ناگهانی فرانسه توسط شاه سعودی؛

عیاشی پدر با آدمکشی پسر جمع نشد / آیا الیزه عذر سلمان را خواسته است؟



با فرماندهی «محمد بن سلمان» وزیر دفاع بی تجربه و جویای نام خود، بیش از ۴ ماه است از کشتار وحشیانه ملت مظلوم و مقاوم یمن - اعم از زن و مرد و کودک - هیچ ابایی ندارد، آتش خشم افکار عمومی فرانسه را شعله ور کرده و در نهایت سلمان را - با فشار الیزه یا داوطلبانه - مجبور به ترک خاک این کشور اروپایی کرده است.

شبکه «بی اف ام» فرانسه هم میزبانی سرد فرانسوی ها را دلیل نارضایتی سلمان و تصمیم وی مبنی بر ترک این کشور عنوان کرده است. به هر حال به نظر می رسد قرق شدن مساحت چند کیلومتری سواحل جنوب فرانسه و اجبار به تحمل مزاحمت های یک هزار اشراف زاده سعودی، آن هم در حالی که این رژیم

در پی ترک فرانسه توسط ملک سلمان، اخبار تأیید نشده حاکمیت دولت فرانسه به دلیل فشار افکار عمومی، محترمانه عذر سلمان را خواسته است. شبکه «بی اف ام» هم میزبانی سرد فرانسویها را دلیل ترک فرانسه عنوان کرد. در حالی که قرار بود شاه سعودی تعطیلات خود را به مدت سه هفته در سواحل جنوب فرانسه بگذراند، اما بعد از گذشت تنها هشت روز از اقامتش در سواحل «نیس»، «ملک سلمان» به یک باره این کشور اروپایی را ترک کرده و عازم مراکش در آفریقا شد. وی در حالی به تعطیلات خود در فرانسه پایان داد که یک هزار نفر از افراد خاندان سلطنتی او را در این سفر همراهی می کردند. این اتفاق غیر منتظره در حالی رخ داد که از هفته گذشته و به دلیل مزاحمت هایی

چرخش آذربایجان به سمت ایران؛

راهبرد جدید علی اف در مورد همسایگان / حیاط خلوت غرب از دست رفته است؟

که برخی تحلیلگران معتقدند اکنون با توجه به رویکرد روسیه نسبت به اوکراین، آذربایجان از حیث ایدئولوژیک به غرب نزدیکتر خواهد شد، اما به علت حساسیت های خود این کشور در مورد اشغال تاریخی اراضی اش توسط ارمنستان، روال ماجرا معکوس شده است. آنچه اما این روزها شاهد آن هستیم اینکه طی یک سال اخیر، گروه زیادی از روحانیون ایرانی که در سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ از آذربایجان اخراج شده بودند، به مساجد این کشور بازگشته اند، به ویژه آنکه حکومت آذربایجان ضمن سرکوب تندروهای تکفیری، توجه روزافزونی به اکثریت شیعه دارد که می تواند پالس مثبتی برای دوستی با ایران باشد. بر این اساس به نظر می رسد که تغییر امروز رویکرد آذربایجان، زاینده عملکرد اشتباه سیاست گذاران غربی و آمریکایی بوده و لابی گران توان درک این تغییرات وارونه را نداشته اند، اما در هر صورت آنچه که در حال وقوع است می تواند محمل مناسبی برای گسترش روابط میان دو کشور باشد، به ویژه آنکه به احتمال زیاد، غرب حیاط خلوت خود را در این منطقه از دست خواهد داد.

تمدادی با ایران بر سر مسایل مذهبی و مرزهای خزر جدل داشت. به این ترتیب دولت باکو تبدیل به یک بازیگر مشتاق برای اجرای استراتژی غرب در قبال ایران شد، تا جایی که حتی در این مسیر ضمن اتحاد با رژیم صهیونیستی، تبدیل به پایگاه جاسوسی های غرب در منطقه گردید. نکته دیگری که در این باره می توان بدان اشاره کرد اینکه؛ آذربایجان، دیگر آن کشور جوان نفتی دهه ۲۰۰۰ میلادی نیست و گرچه در سال ۲۰۱۰ به اوج تولید خود رسید، اما حالا با توجه به کاهش بی سابقه قیمت نفت به نازلترین سطح، تولید نفت آن با یک رکود ثابت روبرو شده و با وجود آن که تولید میدان گاز «شاه دنیز دوم» توجه جامعه بین المللی را به خود جلب کرده است، باز هم این کشور توان جبران رکود تولید نفت و سقوط قیمت آن را نخواهد داشت. بر این اساس، آذربایجان چیزی بیشتر از یک بازیگر کوچک در میان منابع انرژی مورد نیاز اروپا نخواهد بود. از سویی؛ آذربایجان به عنوان یک پایگاه امنیتی علیه ایران و روسیه، هیچ گاه شکل واقعی به خود نگرفت. در حالی



جمهوری آذربایجان اکنون رفته رفته به دوستی نزدیک برای تهران تبدیل می شود که سیاست های پوتین در مقابله با فشارهای غرب را می ستاید و در موضع گیری های خارجی اش دیگر از سردی و عدم رغبت به ایران خبری نیست. جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور مهم حاشیه دریای خزر، طی سالیان گذشته همواره فرزا و فرودهای زیادی در مناسبات خود با همسایگان داشته است. این مناسبات و روابط دو جانبه، البته پس از «حیدر علی اف» بیشتر به سمت همگرایی با غرب تمایل پیدا کرد و «ایلام علی اف» با توجه به چراغ سبزیهای مکرر آمریکا و متحد استراتژیکش در منطقه یعنی رژیم صهیونیستی، عملا آذربایجان را به حیاط

خلوت غرب در منطقه تبدیل کرد. آذربایجان در این دوره به عنوان کشوری مهم و دارای منابع غنی انرژی و موقعیت ژئواستراتژیک در همسایگی ایران، نقش مهمی در سیاست های ضدایرانی و ضدروسی واشنگتن ایفا کرد، اما به دلایل متعددی که نیاز به تحلیل و بررسی مفصل دارد، مدتی است که جهت گیری خود را در سیاست خارجی تغییر داده است. یمن همسایه شمال غربی جمهوری اسلامی ایران اکنون رفته رفته به دوستی نزدیک برای تهران تبدیل می شود که سیاست های پوتین در مقابله با فشارهای غرب را می ستاید و در موضع گیری های خارجی اش دیگر از سردی و عدم رغبت به ایران خبری نیست. این کشور کاملاً سکولار، سال های

در حاشیه تحولات بحرانی ترکیه؛

گامهای سریع برای پاکستان نیزه شدن/وقتی توهمات رجب پاشا رنگ می بازند!

دو حزب از جمله تغییر قانون اساسی، رعایت قانون آزادی‌های مدنی، استقلال قوه قضائیه و مهم‌تر از همه تغییر شیوه موجود در سیاست خارجی منجر به شکست مذاکرات در آینده خواهد بود.

بنابر این به نظر می‌رسد که دولت ترکیه با وقوف به عدم امکان تشکیل دولت ائتلافی، زمینه را برای انتخابات زود هنگام فراهم می‌آورد و چنین مقصودی را می‌توان به سهولت در اظهارات اردوغان درک کرد. بدیهی است که برای کسب موفقیت در این مسیر نیازمند افزایش آرای جامعه و کسب اکثریت پارلمانی خواهد بود.

بدین منظور، دولت ترکیه با بروز حادثه سوروج فرصت مغتنمی را به دست آورده و با مستمسک قرار دادن حمله به مواضع داعش، بیش از همه بر مواضع گروه شورشیان پ ک ک در داخل و خارج از ترکیه فشار آورده است.

همچنین دولت ترکیه برای نیل به قدرت مطلق در انتخابات زودهنگام دست به قمار سیاسی پر مخاطره‌ای زده است و ضمن درز اخبار متناقض، حساس و مناقشه برانگیز، از ابراز ادعاهای تحریک‌آمیز نیز ابایی ندارد. در این بین برای تحریک حس ناسیونالیستی و جلب افکار عمومی برای کسب آرای پراکنده شده در انتخابات قبلی از ادامه بحران در داخل کشور نیز چندان بی‌مناک نیست.

به همین خاطر رفتار سیاسی کنونی ترکیه را می‌توان چالش برانگیز و شتاب‌زده تلقی کرد. به طوری که «جیم اوزمیر» نماینده ترک‌های مقیم آلمان از حزب سبز در پارلمان این کشور نیز ضمن انتقاد شدید از سیاست‌های تک‌تازانه اردوغان، به مسئولان سیاسی ترکیه هشدار داده است که وضعیت موجود، ترکیه را به سمت موقعیت پاکستان کوچک می‌برد. چنانچه تدبیری اندیشیده نشود، ترکیه در پرتگاه جنگ داخلی اسیر خواهد شد.

وی بر همکاری مسجل ترکیه با داعش صحنه نهاده و معتقد است که ترکیه روزی در آستانه پیوستن به اروپا بود ولی امروز سعی دارد به بهانه مبارزه با داعش، کشورهای اروپایی را فریب دهد. در چنین شرایطی است که رفتارهای شتاب‌زده دولت ترکیه برای دست یافتن به هدف قدرت سیاسی از واکنش‌های مختلف و انتقادات رهبران سیاسی جهان و حتی کشورهای منطقه اعم از العبادی، مسعود بارزانی، آنگلا مرکل و دیگران نیز دور نمانده و آرزوهای متوهمانه «رجب پاشا» برای تحقق چیزی شبیه امپراتوری عثمانی روز به روز بیشتر رنگ می‌بازد.



حکومت و قدرت را در ترکیه در اختیار داشته به هیچ وجه حاضر نیست قدرت را با سایر احزاب و گروه‌ها بویژه کردها که بسیاری آنها را پیروز اصلی انتخابات اخیر توصیف می‌کنند، تقسیم کند. از همین رو برخی معتقدند که دولت ترکیه عملیات نظامی خود را با دو هدف انجام می‌دهد. هدف اول تحریک ملی‌گرایان این کشور علیه جریان‌های کرد و هدف دوم کاهش آرای جریان کرد در انتخابات زودهنگام با متهم کردن حزب پ ک ک به خرابکاری در این کشور.

آنچه که در رخداد اخیر باید بدان توجه کرد این است که، تغییر رویکرد سیاسی-نظامی دولت ترکیه فرایند تحولات بعد از انتخابات پارلمانی ترکیه در ژوئن امسال بوده است. چرا که نتیجه به دست آمده و آرایش جدید احزاب سیاسی در مجلس نگرانی‌هایی را برای دولت حاکم ترکیه و حزب عدالت و توسعه فراهم آورد.

حضور حزب نوپای دموکراتیک خلق‌ها با کسب ۱۳ درصد از کل آرا و پراکندگی سایر آرای جامعه در میان دو حزب جمهوری خلق و ملی‌گرای ترکیه، و کاهش محسوس و تکان‌دهنده میزان آرای حزب عدالت و توسعه در کنار عدم موفقیت در احراز کرسی‌های پارلمانی، دلواپسی اردوغان را دوچندان کرد.

از سوی دیگر، عدم تمایل حزب دموکراتیک خلق‌ها به تشکیل دولت ائتلافی و متهم کردن اردوغان به آزمندی سیاسی و قدرت؛ منجر به آغاز چالش میان حزب مذکور با اردوغان شد. طرح شروط چنگانه از جانب رهبران احزاب مخالف نیز راه را بر تشکیل دولت ائتلافی بست.

گرچه تا به امروز ریزنی‌های زیادی میان حزب عدالت و توسعه با حزب جمهوری خلق در حال انجام است و به عنوان آخرین شانس تشکیل دولت ائتلافی به شمار می‌رود، به نظر می‌رسد که وجود موارد اختلاف میان

از افغانستان خارج شد اما طالبان مانند و پس از گذشت مدت زمانی، غیرقابل کنترل و تبدیل به تهدیدی استراتژیک برای پاکستان شد. اکنون شما با در نظر گرفتن این مسائل نگاهی به سوریه داشته باشید. ضریب امنیتی ترکیه بدلیل حضور هسته‌های سلفی بشدت کاهش یافته است. پول، سلاح و جنگجو در این منطقه انباشته شده و هر لحظه امکان فعال شدن علیه ترکیه وجود دارد. جریان سلفی موجود در ترکیه توانسته سازمان یابی کند و با جریان‌های سلفی کشورهای مختلف عربی، اروپایی و قفقاز ارتباط سازنده و مستمر برقرار کند. همچنین سلفی‌های خارجی نیز در ترکیه دارای شاخه و نفوذ شده اند.

با در نظر گرفتن این وضعیت و البته طبیعتاً تفاوت‌های موجود در دو مدل افغانستان و سوریه می‌توان ادعا کرد که ترکیه روز به روز به سوی پاکستانیزه شدن می‌رود و مجبور است هزینه این پاکستان شدن را هم بدهد.

بر همین اساس در حالی که هم اکنون تعدادی از گروه‌های شورشی سوریه در ترکیه پایگاه دارند حمله به مواضع تروریست‌ها در سوریه، می‌تواند موجب تحریک این گروه‌ها در ترکیه شده و وضعیت وخیمی را برای ترکیه همانند آنچه در یک هفته اخیر شاهدش بوده ایم بوجود بیاورد.

انتقام از کردها با اهداف انتخاباتی

ترکیه در حالی حملات خود را به عراق و سوریه آغاز کرد که این کشور درگیر معرفی دولت ائتلافی بود. در انتخابات اخیر به دلیل آنکه حزب عدالت و توسعه بخش قابل توجهی از آرای خود در مناطق کرد نشین را از دست داد نتوانست همانند سال‌های گذشته اکثریت کرسی‌های مجلس را تصاحب کند و از همین رو مجبور به ائتلاف به سایر احزاب است.

اما عدالت و توسعه که بیش از ۱۰ سال

یک هفته از آغاز حملات ترکیه به مواضع داعش و حزب کارگران کردستان (پ ک ک) می‌گذرد و در این هفت روز شهرهای مختلف این کشور صحنه عملیات‌هایی هستند که حاصل آن کشته شدن ۲۰ نفر از شهروندان ترک بوده است.

۲۰ کشته در ظرف هفت روز. این آمار است که عملیات‌های تروریستی انجام گرفته در داخل ترکیه از روز جمعه گذشته تا کنون ثبت کرده اند.

ترکیه از جمعه گذشته و به بهانه تلافی عملیات تروریستی شهر سوروج بمباران مواضع پ ک ک در شمال عراق و همچنین داعش در داخل خاک سوریه را آغاز کرد و البته به اذعان اغلب رسانه‌ها در این مدت تمرکز بیشتر ترکیه برای هدف قرار دادن مواضع پ ک ک بوده و نه داعش.

عملیات ترکیه علیه مواضع داعش موجب تعجب بسیاری از کارشناسان شد چون در طول سه سال گذشته آنکارا از هیچ تلاشی برای سرنگون کردن نظام سوریه فروگذار نکرده بود و اکنون حمله به مواضع یکی از اصلی‌ترین دشمنان حکومت بشار اسد عجیب به نظر می‌رسد.

ترکیه در سه سال گذشته کانون اصلی انتقال سلاح و تروریست به سوریه بوده و حتی آموزش برخی از تروریست‌های اعزام شده به داخل سوریه نیز در ترکیه انجام می‌شود. حضور، آموزش و انتقال تسلیحات و تروریست‌ها از ترکیه به سوریه یک ادعا نیست چون اغلب مقامات و رسانه‌های غربی نیز گزارش‌ها و تصاویر متعددی را در این رابطه منتشر کرده اند.

شباهت ترکیه به پاکستان سال‌های دور

به اعتقاد برخی کارشناسان وضعیت فعلی ترکیه شباهت زیادی به وضعیت پاکستان در زمان حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان دارد. به اعتقاد این عده از کارشناسان متأسفانه سوریه در حال تبدیل شدن به افغانستان است و ترکیه مجبور است در این میان نقش پاکستان را بازی کند.

در جریان حمله شوروی به افغانستان، بهترین کشوری که آمریکا می‌توانست از طریق آن به جنگجویان افغان در مقابل روس‌ها برای غرق کردن شوروی در باتلاق افغانستان کمک کند پاکستان بود. جنگجویان مسلح سلفی که برای مبارزه از کشورهای مختلف عازم افغانستان می‌شدند و البته خود افغان‌ها نیز در پاکستان آموزش‌های لازم را دیده و به افغانستان منتقل می‌شدند. مسئله مهم‌تر در این بود که شوروی

سفیر ایران در مسکو تشریح کرد: ۱۰ نکته درباره اهمیت روابط ایران و روسیه پس از توافق هسته ای

سفیر ایران در روسیه با اشاره به روابط تاریخی تهران - مسکو و اهمیت آن، ۱۰ نکته مهم را در مورد این روابط پس از حصول توافق هسته ای بیان کرد.

دکتر «مهدی سنایی» در این یادداشت می نویسد: روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه طی ۲۵ سال گذشته رو به گسترش بوده است. به ویژه طی سالهای اخیر، مقامات عالی رتبه دو کشور مصمم به ایجاد بنیانی محکم برای گفتگوی دو جانبه بوده اند. با وجود تلاش های عمل آمده، حجم روابط اقتصادی متناسب با ظرفیت های دو همسایه نبوده است.

در ادامه این یادداشت که در صفحه فیسبوک سفیر ایران در روسیه منتشر شده آمده است: با اعلام توافق جامع هسته ای بین ایران، و گروه ۵+۱، افق جدیدی برای رسیدگی به مشکلات جامعه بین المللی باز شد، و محیط نوینی برای روابط بین المللی ایران و دیگر کشورهای جهان فراهم نمود. اما طی هفته های گذشته، برخی اظهارات منفی رسانه ای در خصوص اثرات این توافق بر روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه مطرح شده است. من به دلایل متعددی معتقدم که چنین اظهاراتی نمی توانند مینا و پایه محکمی داشته باشند و دورنمای روشنی برای روابط دو همسایه قابل تصور است:

۱) تحریم ها موجب کاهش روابط تجاری ایران و روسیه به ویژه طی سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ شد. در سال ۲۰۱۴ که این روند متوقف شد و مبادلات تجاری دو کشور ۵ درصد رشد کرد، حجم روابط به یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار رسید. این در حالی است که کارشناسان معتقد هستند که ظرفیت مبادلات تجاری میان دو کشور بسیار بیش تر از این رقم است. رؤسای جمهور دو کشور نیز در ملاقات اخیر در شهر اوما اعتقاد داشتند که با وجود گسترش همه جانبه همکاری ها، اما مبادلات تجاری دو کشور در حد ظرفیت های موجود نیست. توافق جامع هسته ای می تواند موجب رفع تحریم های مالی و اقتصادی و در نتیجه آسان تر شدن تجارت بین ایران و روسیه شود. اخیراً ویکتور ملنیکوف، رییس شورای تجاری روسیه و ایران اعلام کرد اجرایی شدن توافقات انجام شده طی یک سال گذشته، با توجه به رفع تحریم ها علیه ایران، می تواند رقم مبادلات را طی سال های آینده به ده میلیارد دلار افزایش دهد.

۲) توافق جامع هسته ای ایران و ۵+۱، تجربه و سابقه مثبتی در زمینه حل و فصل مسایل مهم بین المللی از طریق مذاکره و روش های دیپلماتیک ایجاد نمود. توافق وین، که با مشارکت و مساعدت روسیه به نتیجه رسید، نشان داد اگر زبان تحریم و تهدید کنار گذاشته شود و با در نظر داشتن دغدغه ها و منافع ملی طرفین، رویکرد برد - برد در نظر گرفته شود، می توان به توافق رسید. از سوی دیگر، اگر اختلاف ها در مورد برنامه هسته ای ایران شدت می گرفت و خطر جنگ تقویت می شد، پیامدهای اقدام نظامی می توانست محیط نزدیک روسیه را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

۳) توافق وین می تواند برخی معادلات مناقشه ساز در منطقه خاورمیانه را نیز به نفع ثبات و امنیت منطقه ای و جهانی دگرگون سازد. رفع سوء تفاهم ها در مناقشه اتمی، زمینه ساز دخالت کمتر آمریکا در امور کشورهای خاورمیانه است. به علاوه، با کاهش فشارها و حساسیت ها، همکاری روسیه و ایران می تواند اثر قوی تری بر برقراری ثبات و امنیت و مبارزه با تروریسم در منطقه داشته باشد و اگر



۷) یکی از پیامدهای توافق از سوی برخی تحلیل گران، افزایش رقابت روسیه و ایران در بازار انرژی است. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه فدراسیون روسیه در مصاحبه با خبرگزاری «راسیا سیوودنیا»، به درستی به این دغدغه چنین پاسخ داد: «نفت ایرانی هیچ گاه از بازار خارج نشود و کارشناسان احتمال افزایش شدید آن را در بازارهای جهانی بحث و بررسی می کنند و این حجم کمی است... ت. گاز ایرانی، بر خلاف نفت متحمل هیچ اقدام سخت گیرانه ای نشود و سال های طولانی است که گاز ایرانی به ترکیه ارسال می شود.» حقیقت این است که ایران و روسیه منافع مشترکی در زمینه نفت و گاز دارند که در حفظ ثبات قیمت های بازار جهانی نمود پیدا می کند. ایران و روسیه از جمله در چهارچوب مجمع کشورهای صادرکننده گاز می توانند در مورد تنظیم بازار همکاری نمایند. افزایش ظرفیت های صادراتی نفت ایران نیز زمان بر خواهد بود و بازار خود را با این شرایط تطبیق خواهد داد. ضمن این که سیاست سایر اعضای سازمان اوپک و دیگر صادر کنندگان نیز در مورد قیمت نفت مهم هستند.

۸) اگر چه لغو برخی تحریم های تسلیحاتی علیه ایران به ۵ و ۸ سال آینده موکول شده است، اما این توافق می تواند زمینه ساز گسترش همکاری های فنی - دفاعی ایران و روسیه نیز بشود. ایران و روسیه از گذشته همکاری های مفیدی در این زمینه داشته اند و این همکاری ها در شرایط جدید می تواند به صورت گسترده تری دنبال شود. دستور رییس جمهور پوتین برای لغو ممنوعیت تحویل سامانه دفاعی اس ۳۰۰ به ایران، تغییر بزرگی را در این مسیر ایجاد نمود.

۹) رفع تحریم ها، زمینه ای برای کاهش تأثیر عامل سوم در روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه، به عنوان مانع تحقق بسیاری از طرح های مورد توافق طرفین بوده است. در اعلامیه رییس جمهوری روسیه پس از اعلام توافق نیز بر این نکته تأکید شد که «روابط دو جانبه با ایران یک محرک جدید دریافت کرد و دیگر تحت نفوذ عوامل خارجی نخواهد بود.» در این شرایط، تقویت حضور شرکت های بزرگ روسی در بازار رقابتی ایران و افزایش محصولات ایرانی در بازار روسیه می تواند زمینه های ارتقای قابل توجه حجم روابط دو کشور را فراهم نماید.

۱۰) مناسبات دو جانبه باید فراتر از روابط تجاری و اقتصادی تعریف شود. زمان تحرک بیش تر در همکاری های علمی و آموزشی، گسترش مناسبات گردشگری، تقویت همکاری های منطقه ای و بین المللی با بهره گیری از ابتکارهای جدید است و در این شرایط باید توان خود را به چگونگی ارتقای همکاری ها بین دو شریک قدیمی معطوف نماییم.

کشورهای منطقه نیز در این مسیر همراهی لازم را داشته باشند، دخالت آمریکا در منطقه خاورمیانه کم تر می شود. در بیانیه وزارت امور خارجه فدراسیون روسیه نیز در زمینه پیامدهای توافق جامع هسته ای برای منطقه خاورمیانه، به مسایلی چون «تأثیر مثبت بر ثبات و امنیت کلی جهان و خاورمیانه»، «شکل گیری مستلزمات مهم برای پیشبرد هدف تشکیل منطقه عاری از تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه»، و «بسیج یک ائتلاف گسترده ضد تروریست در منطقه» تأکید شده بود.

۴) روسیه تلاش زیادی برای ورود ایران به سازمان همکاری شانگهای انجام داد، ولی به دلیل تحریم ها چنین هدفی تاکنون محقق نشده است. با رفع تحریم ها، مانع عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای برداشته می شود و با تبدیل همکاری ایران با این سازمان از عضو ناظر به عضو کامل، ارتباطات ایران و روسیه در چهارچوب این سازمان نیز می تواند قوی تر و گسترده تر از گذشته تداوم یابد.

۵) لغو تحریم ها علیه ایران می تواند به گسترش همکاری های روسیه و ایران در زمینه انرژی هسته ای کمک کند. در نوامبر ۲۰۱۴، قرارداد ساخت دو نیروگاه جدید اتمی در بوشهر و دو سند مهم دیگر همکاری بین ایران و روسیه به امضا رسید. با رفع مانع تبادلات مالی بین دو کشور، این اسناد شانس قوی تری برای تحقق می یابند. به علاوه همکاری های جدید هسته ای بین ایران و روسیه در زمینه راه اندازی مرکز تولید ایزوتوپ های پایدار در سایت فردو و تبادل مازاد اورانیوم با غنای کم با اورانیوم طبیعی شکل می گیرد.

۶) این تصور که توافق هسته ای موجب دور شدن ایران از روسیه و حرکت به سوی غرب می شود، دور از واقعیت است. سیاست های ایران و آمریکا در مسایل منطقه ای و جهانی با یک دیگر مطابقت ندارد و در موارد متعددی در تضاد است. ایران تصمیمی برای مذاکره با آمریکا درباره مسایل دو جانبه، منطقه ای و جهانی ندارد و گفتگوها صرفاً در زمینه برنامه هسته ای انجام شد. اما از سوی دیگر، مسکو و تهران در مسایل منطقه ای مختلف از جمله در آسیای میانه و قفقاز، خزر، افغانستان، و خاورمیانه، اشتراک منافع جدی دارند، و در خصوص موضوعات مرتبط با نظام بین المللی در حال گذار، یک جانبه گرایی آمریکا، محدودسازی حاکمیت های ملی و مداخله غربی ها در امور داخلی کشورها، گسترش ناتو، و سپر موشکی اشتراک نظر وجود دارند. در برنامه سیاست خارجی دولت دکتر روحانی، تعمیق و گسترش روابط با روسیه، چین و هند به عنوان یک اولویت اصلی ذکر شده است.

روسیه و جایگاه آن در سیاست خارجی پسا توافق ایران



با وجود حل موضوع هسته ای ایران و آب شدن تدریجی یخ ها میان تهران و غرب، روسیه همچنان از جایگاهی ویژه در سیاست خارجی ایران برخوردار است

درست زمانیکه که برخی گمان می کردند توافق هسته ای ایران موجب دور شدن تهران از مسکو شده، ارائه راه حلی برای بحران سوریه ثابت کرد که روسیه همچنان از جایگاهی ویژه در سیاست خارجی ایران برخوردار است.

بعد از حصول توافق هسته ای ایران، تهران شاهد رفت و آمد گسترده مقامات طراز اول اروپائیی بود، این روند موجب شکل گیری این تفکر در میان برخی شد که جمهوری اسلامی در دوران پسا توافق چشم خود را بر روی متحد سال های قبل خود بسته اما انجام یک سفر موجب رنگ باختن این دیدگاه شد.

درست در زمانی که برخی استدلال می کردند ایران روسیه را رها کرده، معاون وزیر امور خارجه روسیه وارد تهران شد و همزمان با ورود وی به ایران خبر رسید که «ولید معلم» وزیر امور خارجه سوریه، نیز وارد تهران شده است.

مذاکرات این دو در تهران و گفتگوهایی که میان آنها مطرح شد این موضوع را روشن کرد که ایران و روسیه کماکان به عنوان دو متحد اصلی در کنار یکدیگر ایستاده اند. این وضعیت در حالی بود که خبر رسید ایران طرح صلحی را برای سوریه پیشنهاد کرده که مورد توجه اغلب بازیگران فعال در تحولات این کشور غربی قرار گرفته است.

تا درباره بحران سوریه با مقامات کرملین گفتگو کند.

در همین رابطه قرار است «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران، روز سه شنبه به آنکارا سفر کرده و با مقامات ترکیه به گفتگو بنشیند. ظریف پس از این دیدار عازم لبنان خواهد شد.

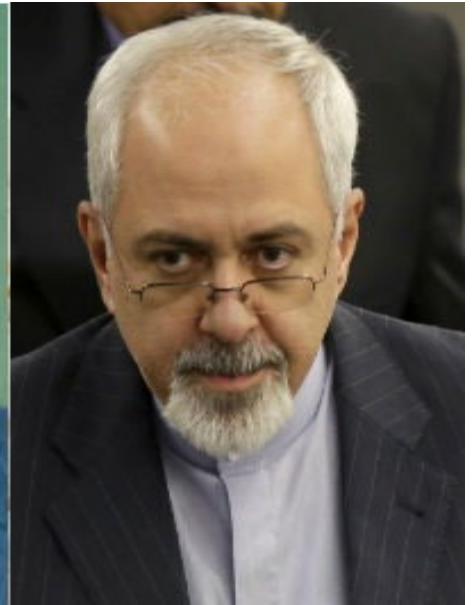
همزمان بودن این سفرها نشان می دهد که ایران و روسیه در حال پیش بردن یک استراتژی خاص در مورد سوریه هستند چون عربستان و ترکیه هر یک به نوعی در وخیم شدن اوضاع سوریه نقش داشته اند و اکنون تهران و مسکو درصدد هستند تا از طریق رایزنی سعودی ها و ترک ها را متقاعد به قبول گزینه دموکراسی برای حل بحران سوریه کنند.

موافقت آنکارا و ریاض با طرح صلح پیشنهادی و دست کشیدن آنها از سیاست های قبلی در مورد سوریه، مطمئناً کمک شایانی به بهبود وضعیت خاورمیانه می کند. این موضوع نشان می دهد که با وجود حل موضوع هسته ای ایران و آب شدن تدریجی یخ ها میان تهران و غرب، روسیه همچنان از جایگاهی ویژه در سیاست خارجی ایران برخوردار است بطوریکه دکتر «مهدی سنایی» سفیر ایران در مسکو می گوید:

این تصور که توافق هسته ای موجب دور شدن ایران از روسیه و حرکت به سوی

غرب می شود، دور از واقعیت است. سیاست های ایران و آمریکا در مسایل منطقه ای و جهانی با یک دیگر مطابقت ندارد و در موارد متعددی در تضاد است. ایران تصمیمی برای مذاکره با آمریکا درباره مسایل دو جانبه، منطقه ای و جهانی ندارد و گفتگوها صرفاً در زمینه برنامه هسته ای انجام شد. اما از سوی دیگر، مسکو و تهران در مسایل منطقه ای مختلف از جمله در آسیای میانه و قفقاز، خزر، افغانستان، و خاورمیانه، اشتراک منافع جدی دارند، و در خصوص موضوعات مرتبط با نظام بین المللی در حال گذار، یک جانبه گرایمی آمریکا، محدودسازی حاکمیت های ملی و مداخله غربی ها در امور داخلی کشورها، گسترش ناتو، و سپر موشکی اشتراک نظر وجود دارند. در برنامه سیاست خارجی دولت دکتر روحانی، تعمیق و گسترش روابط با روسیه، چین و هند به عنوان یک اولویت اصلی ذکر شده است. این جریان نشانگر این مطلب است که ایران و روسیه از اهمیت ویژه ای برای یکدیگر برخوردار هستند و تهران و مسکو به عنوان دو متحد قدیمی که دست کم در چهار سال اخیر با فشارهای بی سابقه ای از سوی غرب مواجه بوده اند همچنان در کنار یکدیگر هستند و یکی از اولویت های مشترک آنها پایان دادن به بحران سوریه با استفاده از گزینه دموکراسی است.

ایران و روسیه در حال پیش بردن یک استراتژی خاص در مورد سوریه هستند چون عربستان و ترکیه هر یک به نوعی در وخیم شدن اوضاع سوریه نقش داشته اند و اکنون تهران و مسکو درصدد هستند تا از طریق رایزنی سعودی ها و ترک ها را متقاعد به قبول گزینه دموکراسی برای حل بحران سوریه کنند. موافقت آنکارا و ریاض با طرح صلح پیشنهادی و دست کشیدن آنها از سیاست های قبلی در مورد سوریه، مطمئناً کمک شایانی به بهبود وضعیت خاورمیانه می کند. در آن سوی میدان روسیه میزبان اصلی ترین گروه مخالف دولت سوریه است و مذاکراتی میان مقامات مسکو با این گروه در جریان است. و علاوه بر آن «عادل الجبیر» وزیر امور خارجه عربستان سعودی، روز سه شنبه هفته جاری به مسکو می رود



کریدور ایرانی-روسی برای صلح سوریه/ آیا نگاه غرب تغییر کرده است

عبدالحمید بیانی

ماهه سوریه مورد بحث قرار گرفت.

سوریه ایفا کرده اکنون به بهانه سرکوب داعش ارتش خود را به بخش‌هایی از مناطق مرزی مشترک با سوریه وارد کرده است. با این حال به نظر می‌رسد که ترکیه ناچار است در برابر فشارهای آمریکا و غرب تسلیم شود و طرح صلح ایران را در نهایت بپذیرد.

اما در آن سوی میدان باید گفت که روسیه، چین، عراق و لبنان به عنوان همپیمانان مورد اعتماد سوریه از طرح آتش بس ایران در سوریه استقبال کرده‌اند، زیرا آن را به واقعیت‌های میدانی سوریه نزدیک می‌دانند. دلیل این امر این است که روسیه و چین اعتقاد دارند که سرنگونی قهری دولت بشار اسد کشور سوریه را به سومالی جدیدی در قلب خاورمیانه تبدیل خواهد کرد که این امر امنیت جهانی را دچار مخاطره خواهد ساخت.

موضع آمریکا در قبال سوریه

در این میان به نظر می‌رسد آمریکا به عنوان کشوری که در چهار سال گذشته هماهنگ کننده اقدامات ضد سوریه بوده نیز با این راهکار جدید موافق است. دلیل این ادعا آن است که در دو هفته گذشته سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، دو بار با جان کری، همتای آمریکایی خود، دیدار کرده و با وی در خصوص این طرح گفتگو کرده است. اما چرا آمریکا با این طرح موافق است؟ عوامل زیادی چه در داخل سوریه و چه در خارج از این کشور روی داده که به تغییر نگرش بازیگران منطقه ای و فرمانطقه ای بحران سوریه منجر شده است.

طولانی شدن بحران سوریه، خروج گروهک‌های تروریستی از سیطره قدرت‌های منطقه ای و فرا منطقه ای و پیروزی‌های اخیر ارتش سوریه در مناطق استراتژیک «الزبدانی» و «جسر الشغور» و همچنین تشدید اختلافات میان کردها با دولت ترکیه و احتمال بروز جنگ داخلی در ترکیه، موجب شد تا آمریکا و غرب راه حل‌های سیاسی را ترجیح دهند. به نظر می‌رسد باراک اوباما رئیس‌جمهوری آمریکا تلاش می‌کند تا پس از توافق هسته ای ایران و ۵+۱ به بحران منطقه پایان دهد تا به عنوان یک پروسه تبلیغاتی برای حزب دموکرات آمریکا مورد بهره‌برداری سیاسی قرار گیرد. لذا از آنجایی که آمریکا و غرب به این نتیجه رسیده‌اند که هیچگونه گزینه مناسبی برای جایگزینی بشار اسد وجود ندارد، نگاه خود را نسبت به بحران سوریه تغییر داده و ناچارند راه حل سیاسی را دنبال کنند.

ویژگی‌های طرح صلح ایران

هر چند جزئیات این طرح هنوز فاش نشده، اما گمانه‌زنی‌ها نشان می‌دهد که ایران در طرح ۴ ماده‌ای قبلی خود بر اساس واقعیت‌های موجود در سوریه تغییراتی ایجاد کرده است. در این طرح موضوع تشکیل یک دولت انتقالی به ریاست بشار اسد تا سال ۲۰۲۱ مورد توجه قرار گرفته و پس از آن انتخابات ریاست جمهوری با شرکت همه طیف‌های سیاسی مخالف دولت سوریه برگزار خواهد شد. در حقیقت در این طرح مراجعه به صندوق‌های رای‌گیری برای تعیین سرنوشت آینده سوریه به عنوان محوری‌ترین بخش تلقی شده است.

ولید المعلم وزیر خارجه سوریه قرار است این طرح را در هیئت دولت این کشور مطرح کند تا جزئیات آن مورد بحث قرار گیرد. در صورت موافقت دولت سوریه، این طرح برای ارائه به شورای امنیت سازمان ملل به عنوان یک سند رسمی بین‌المللی، در اختیار بان کی مون دبیر کل سازمان ملل قرار خواهد گرفت.

تلاش‌های جدید روسیه و ایران برای بازگرداندن ثبات به سوریه از مدتی قبل آغاز و در اجلاس امنیتی دوحه که چندی قبل در قطر برگزار شد و وزیران امور خارجه آمریکا و روسیه نیز در آن حضور داشتند مطرح شد. گفته می‌شود جان کری وزیر خارجه آمریکا در نشست دوحه از همتایان خود در شورای همکاری خلیج فارس خواسته تا با این طرح مخالفت نکنند.

موافقان و مخالفان طرح

عربستان و بحرین مخالف طرح ایران برای سوریه هستند. ظاهراً اغلب وزيران خارجه کشورهای عرب حوضه خلیج فارس از جمله قطر، امارات، کویت و پادشاهی عمان با طرح صلح ایران موافقت کرده‌اند؛ اما عربستان و بحرین با آن مخالف هستند. به اعتقاد برخی کارشناسان، عربستان نمی‌خواهد پایان بحران سوریه به نام جمهوری اسلامی ایران ثبت شود؛ اما سرانجام تحت فشار آمریکا و روسیه ناچار خواهد شد تا موضع خود را در خصوص بحران سوریه تغییر دهد. از سوی دیگر ترکیه که نقشی کاملاً تخریبی در بحران

وزیر امور خارجه ایران امروز دوشنبه راهی مسکو شد تا با همتای روس خود دیدار کند و از سوی دیگر «لاوروف» در روزهای آینده با وزیر خارجه عربستان رازینی خواهد کرد. گویا طرح پنج ماده‌ای ارائه شده از سوی ایران برای صلح در سوریه مورد توجه اغلب کشورهای درگیر در بحران سوریه قرار گرفته بطوریکه تهران و مسکو همچنان صحنه رازینی‌های گسترده در این رابطه هستند.

در همین رابطه «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران، راهی مسکو شده تا با «سرگئی لاوروف» وزیر خارجه روسیه، دیدار و رازینی کند. نکته مهم در این رابطه آن است که لاوروف هفته گذشته در مسکو میزبان «عادل الجبیر» وزیر امور خارجه عربستان، بوده و گفته می‌شود که قرار است وزیر خارجه عربستان مجدداً به روسیه سفر و با لاوروف دیدار کند.

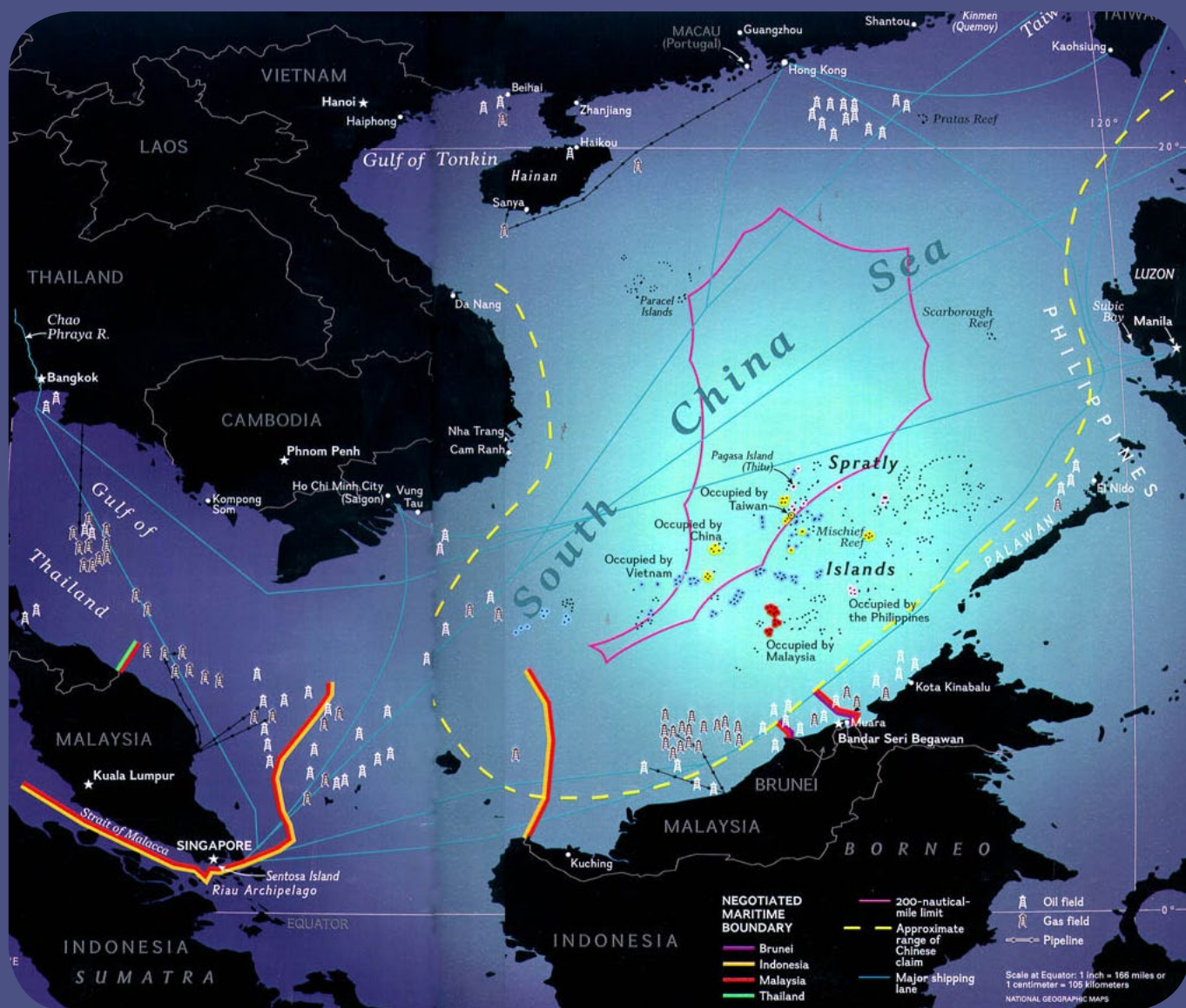
این در حالی است که لاوروف در هفته‌های گذشته به قطر سفر کرده و در مورد طرح یاد شده برای رسیدن به صلح در سوریه با مقامات دوحه رازینی کرده بود. در همان زمان نمایندگان مهمترین گروه مخالف دولت سوریه نیز در مسکو حضور داشته و در حال رازینی با مقامات کرملین در مورد طرح صلح سوریه بودند.

این وضعیت یعنی آنکه دو کشور اصلی ایجاد و تشدید بحران در سوریه، یعنی عربستان و قطر پس از چهار سال رو به استفاده از گزینه دیپلماسی برای پایان دادن به بحران سوریه آورده‌اند.

طرح صلح ایران و امید به آینده بهتر

تلاش‌های جدید روسیه و ایران برای بازگرداندن ثبات به سوریه از مدتی قبل آغاز و در اجلاس امنیتی دوحه که چندی قبل در قطر برگزار شد و وزیران امور خارجه آمریکا و روسیه نیز در آن حضور داشتند مطرح شد. گفته می‌شود جان کری وزیر خارجه آمریکا در نشست دوحه از همتایان خود در شورای همکاری خلیج فارس خواسته تا با این طرح مخالفت نکنند.

بعد از این نشست بود که «ولید معلم» وزیر امور خارجه سوریه، و معاون وزیر خارجه روسیه راهی تهران شدند تا درباره این روند جدید که از سوی ایران پیشنهاد شده بود به گفتگو بنشینند. در نشست مشترک وزیران خارجه جمهوری اسلامی ایران، سوریه و نماینده ویژه دولت روسیه در تهران طرح به روز شده ایران برای پایان بحران ۵۳



■ ۲۰۱۵ سال قدرت سایبری چین است

■ چین به آمریکا مأمور مخفی می فرستد!

■ گفتگو با سفیر اندونزی در ایران

اسپا

دبیران: فاطمه درخشان
مریم خرمائی

۲۰۱۵ سال قدرت سایبری چین است

ترجمه: مهدی پور حسینی



این کشور اعلام نمود که این کشور به استراتژی نظامی سایبری نیاز دارد. در دسامبر ۲۰۱۴ حکومت به اعلام قوانین جدید امنیت سایبری به منظور کمک به رشد سریع صنایع امنیتی سایبری داخلی همت گمارد. در استراتژی جدید نظامی این کشور اعلام شد که فضای ماورای جو و فضای مجازی در رقابت های استراتژیک بین قدرت های جهانی دارای ارزش بالایی هستند به گزارش شین هوا کنگره خلق چین در پیش نویس لایحه امنیت ملی به امنیت فضای مجازی در قوانین لازم جهت دسترسی به تکنولوژی ها و سرمایه گذاری های خارجی اهمیت ویژه ای می دهد. این لایحه در جولای ۲۰۱۵ تصویب شد. در همان ماه این کشور لایحه امنیت شبکه را اعلام نمود که در آن مقررات گسترده ای برای کنترل تکنولوژی های خارجی و مدیریت دیتا در آن دیده شده است.

این کشور به درخواست این شرکت ها برای سرمایه گذاری در داخل این کشور پاسخ مثبت داده است. به عنوان مثال در ژوئن ۲۰۱۵ مدیر عامل شرکت سیسکو اعلام کرد که این شرکت ده میلیارد دلار در چین سرمایه گذاری می کند. حرکتی که به طور گسترده به عنوان تلاش برای اعتمادسازی بین این شرکت و چین نمود یافت.

این کشور در سال ۲۰۱۵ اصول هنجارهای جدیدی را که کارشناسان سازمان ملل در خصوص روابط همکاری جویانه در فضای مجازی تدوین کرده بودند را به صورت غیر رسمی پذیرفت به طوری که این کشور موافقت نامه ای را با روسیه امضا کرد که در آن دو طرف پذیرفتند که از دخالت غیر مجاز و استفاده غیر قانونی از منابع اطلاعات دو طرف به خصوص از حملات سایبری علیه یکدیگر پرهیز نمایند.

موضع رسمی چین در حوزه امنیت سایبری باید از طریق نائل شدن به امنیت از طریق همکاری های بین المللی آن هم نه فقط با شصت کشور یا کشورهای همفکر بلکه با کشورهای پیشرو در تکنولوژی مانند آمریکا، ژاپن و دیگر شرکای اروپایی محقق گردد.

افزاده اند. برخی از چینی ها به قدرت سایبری در چارچوب ناسیونال تکنولوژی نگاه می کنند که این رویکرد باعث رویارویی چین و قدرت های غربی می گردد. در واقع مقامات چینی بیشتر از غرب از نفوذ خصومت آمیز غرب وحشت دارند و متمایل به بومی سازی صنایع سایبری جهت غلبه بر پایین بودن تکنولوژی شان هستند.

ولی این سیاست آرمان رهبر چین را برای به وجود آوردن موازنه بین ظرفیت مستقل سایبری و ایجاد صنایع سایبری جهانی را برآورده نمی سازد. یک مطالعه سطحی در خصوص قوانین جدید چین و پیش نویس لایحه سایبری نشان می دهد که این کشور توجه فوق العاده ای به روابط اقتصادی بین المللی داشته است. رهبران این کشور می دانند که بخش سایبری این کشور وابستگی شدیدی به تکنولوژی های خارجی و سرمایه گذاری های خارجی در چند سال آینده حتی حدود چند دهه خواهد داشت. از سوی دیگر علی رغم گزارش اسنودن و ارائه لیست سیاه از شرکت های مستقر در آمریکا که علیه چین جاسوسی سایبری

موفقیت اخیر این کشور در جاسوسی سایبری علیه ایالات متحده آمریکا که به سرقت اطلاعات شخصی بیش از دویلمیون شهروند آمریکایی منجر شد گواه پیشرفت سریع و جاه طلبی های سایبری رهبری این کشور است. با این حال وقتی که مجمع جهانی اقتصاد گزارشی از آمادگی شبکه کشورها را که به طور سالیانه منتشر می شود را اعلام نمود رتبه شصت و دوم چین نسبت به سال گذشته تغییری نکرد و این رتبه از رتبه سی و ششم این کشور در سال ۲۰۱۱ کمتر بود یعنی از رتبه کشورهایی مانند تایلاند، اردن و موریس و کاستاریکا نیز کمتر بود. البته چین در این راه گام های بلندی برداشته است ولی آمریکا، ژاپن، کره جنوبی، سنگاپور و اروپا از چین جلو

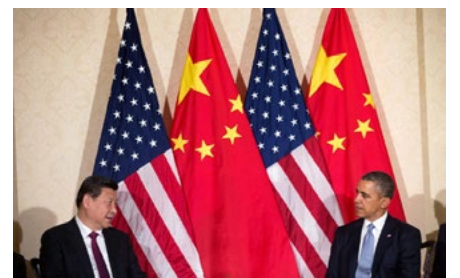
رهبران چین می دانند که بخش سایبری این کشور وابستگی شدیدی به تکنولوژی های خارجی و سرمایه گذاری های خارجی در چند سال آینده خواهد داشت. «جرج آستین» کارشناس موسسه شرق-غرب و استاد مدعو مرکز امنیت سایبری آکادمی دفاعی استرالیا در مطلبی که برای سایت «ایست آسیا فارم» نوشته به بررسی قدرت سایبری چین پرداخته که در ادامه می آید.

در فوریه ۲۰۱۴ شی جی پینگ رئیس جمهور خلق چین اعلام کرد که قصد دارد به هر قیمتی چین را به قدرت سایبری تبدیل کند. از آن تاریخ به بعد رئیس جمهور و دولتش در تمام زمینه های سیاسی، قانونی، اقتصادی، سازمانی و دیپلماتیک تمام تلاششان را برای رسیدن به این هدف بکار بردند.

توجه رهبری چین:

زمانی که ایالات متحده پنج نظامی چینی را به جاسوسی سایبری از مراکز و شرکت های تجاری مستقر در آمریکا متهم کرد رهبری چین توجه بیشتری به مسائل سایبری نمود. اما همانگونه که در کتاب سیاست سایبری چین در سال ۲۰۱۴ آورده ام سیاست سایبری چین در طی دهه ها در جریان بوده است. در واقع چین از سال ۱۹۸۳ به منظور غلبه بر عقب ماندگی تکنولوژی اقتصاد اطلاعاتی و از حدود سال ۲۰۰۰ برای جنگ سایبری باقیه تلاش می کرده است. حکومت چین برای تبدیل چین به یک قدرت سایبری اقداماتی را انجام داده است. در دسامبر ۲۰۱۴ «شی» رئیس جمهور

اتهام جدید واشنگتن به پکن / چین به آمریکا مأمور مخفی می فرستد



واشنگتن مدعی است که دولت پکن مأموران مخفی خود را به آمریکا اعزام می کند تا به اجبار اتباع چینی را که متهم به فساد مالی هستند برای بازگشت به وطن و پاسخگویی به مراجع قضایی ترغیب کنند. اقدامات مخفیانه سازمان سیا بر کسی پوشیده نیست به ویژه آنکه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، این نهاد اطلاعاتی مأمورین خود را با حکم آدم ربایی یا قتل به شکار مظنونین همکاری با القاعده فرستاد و بسیاری از به دام افتادگان را نیز برای بازجویی روانه زندان های مخفی خود در کشورهای دیگر کرد که حاضر به خوش خدمتی به دولت واشنگتن بودند. با وجود حقایق تاریخی غیر قابل کتمان که از فعالیت های جاسوسی و مخفیانه آمریکا در دیگر کشورهای جهان

میل خود به چین بازگشته اند. لازم به ذکر است دولت واشنگتن سابقه طولانی در اتهام زنی به دولت پکن دارد و مورد اخیر نیز در ادامه افزایش تنش ها بین آمریکا و چین بر سر برخی از مسائلی اتفاق می افتد که از آن میان می توان به مناقشات دریای چین جنوبی، کاهش عمده ارزش واحد پول چین در مبادلات تجاری و نیز هک کردن اطلاعات شخصی کارکنان آمریکایی اشاره کرد. اتهام اخیر در حالی متوجه چین می شود که قرار است ماه آینده «شی جین پینگ» رئیس جمهور چین برای نخستین بار در دوران زمامداری خود به واشنگتن سفر کند. تا کنون مقامات رسمی پکن در خصوص هشدار وزارت امور خارجه آمریکا مبنی بر توقف فعالیت مأمورین مخفی چین واکنشی نشان نداده اند ولی انتظار می رود که این موضوع به یکی از محورهای گفتگو میان شی جین پینگ و «باراک اوباما» رئیس جمهور آمریکا تبدیل شود.

وجود دارد، روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از منابع آگاه دولتی اعلام کرد که وزارت امور خارجه آمریکا طی هفته های گذشته دولت پکن را به اعزام مأمورین مخفی به آمریکا متهم کرده تا به زور تهدید چینی هایی را که به این کشور پناهنده شده اند به بازگشت به وطن ترغیب کنند. به ادعای واشنگتن، مأمورین مخفی وزارت امنیت ملی چین با اخذ ویزای توریستی وارد آمریکا شده و به سراغ آن دسته از چینی هایی می روند که از سوی دولت پکن به دلیل فساد مالی و سیاسی تحت پیگرد قانونی هستند حال آنکه واشنگتن و پکن تا کنون معاهده ای را به منظور استرداد مجرمین امضا نکرده اند. این مأمورین مخفی بخشی از کمپین مبارزه با فساد چین هستند که به اجرای عملیات «شکار روه» کمک می کنند و طی یک سال گذشته موفق به استرداد ۹۳۰ مظنون از اقصی نقاط جهان شده اند که البته ۷۰ نفر از آنها به

گفتگو با سفیر اندونزی:

ایران و اندونزی دارای اقتصاد مکمل هستند/زمینه های همکاری دو کشور

گفتگو: پیمان یزدانی

سفیر اندونزی با اشاره به اینکه اقتصاد ایران و اندونزی مکمل یکدیگر هستند گفت: دو کشور زمینه های سیاسی و اقتصادی مشترکی برای همکاری دارند.

متعاقب توافق هسته ای وین شاهد موج گسترده سفرهای سیاستمداران، دولتمردان و صاحبان صنایع و تجار از گوشه کنار جهان به ایران هستیم.

در همین راستا گفتگویی با «ویرینگ جوریت» سفیر اندونزی در تهران با هدف تبیین اهمیت توافق هسته ای ایران و گروه ۵+۱ در روابط ایران و اندونزی و دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی انجام شده است که مشروح آن در زیر آمده است.

|| ایران و گروه ۵+۱ به توافق هستند ای دست یافتند و قرار است تحریم های ایران در آینده نزدیک لغو شوند. دیدگاه عمومی کشورهای آسیای جنوب شرقی از جمله اندونزی نسبت به ایران چیست؟

یقیناً آنچه که در وین رخ داد یک دستاورد تاریخی بود که ایران و گروه ۵+۱ توانستند به یک توافق جامع برسند. نه تنها ایران و کشورهای گروه ۵+۱ به دنبال این توافق بودند بلکه تمامی کشورهای عضو «سه آن» و اندونزی هم منتظر بودند تا این توافق حاصل شود و از حصول این توافق خوشحال هستند. من معتقد هستم مشکلات بین ایران و گروه ۵+۱ نه تنها مشکلات شما هستند بلکه مشکلات منطقه هستند و می تواند بر کل جهان به ویژه در زمینه اقتصادی تاثیر گذار باشند.

|| زمینه های مشترک اقتصادی و سیاسی که بتواند موجب توسعه همکاری ایران و اندونزی شوند به نظر شما کدامند؟

ایران و اندونزی دو کشوری هستند که دارای مشترکات و شباهت های زیادی هستند به ویژه دین اسلام یکی از مشترکات این دو کشور به شمار می رود. ایران و اندونزی دو کشور بزرگ مسلمان در جهان از دیدگاه سنی و شیعه هستند و این در حالی است که در جهان صحبت از رادیکالیسم دینی است. ایران و اندونزی می توانند نقش مهمی در کاهش تلاش ها برای تغییر وجهه اسلام داشته باشند. اسلام دین خشونت و تروریسم نیست بلکه اسلام دین صلح است. ایران و اندونزی می توانند با همکاری با هم پیام هایی را در این برهه خاص به جهان ارسال کنند. می توانم بگویم که ما به همدیگر نیاز داریم. ما نیاز به نفت، محصولات پتروشیمی و تکنولوژی



دائم در این سازمان را به دست آورد. موضع اندونزی در این خصوص چیست؟

هر کشوری دارای سیاست خارجی و اولویت های خودش است. اندونزی بر اساس منافع ملی خودش در حال حاضر تمرکزش بر سازمان منطقه ای آسه آن است. زیرا اصل آن آسه آن بطور رسمی اتحادیه ای مثل اتحادیه اروپا خواهد شد. به غیر از عوامل سیاسی عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زیادی وجود دارند که موجب انسجام کشورهای عضو این سازمان می شوند. به همین دلیل اولویت و تمرکز ما در اندونزی آسه آن است. ایران کشوری مستقل است و می تواند در راستای منافع ملی اش مستقلانه رفتار کند. اندونزی هم در حال حاضر عضو ناظر سازمان همکاری های شانگهای است اما اولویت اصلی ما در حال حاضر آسه آن است.

|| در پایان اگر نکته ای هست بفرمایید.

آنچه که برای من اهمیت دارد ارتباط مستقیم مردم ایران و اندونزی به عنوان دو ملت مسلمان است. در منطقه شاهد سوء تفاهم ها و سوء برداشت ها درباره اسلام هستیم. به داعش نگاه کنید آنها برداشت دیگری از اسلام ارائه داده اند گویی که اسلام دین خشونت، ترور، شکنجه و سر بریدن است. این برداشتی از اسلام است که جهان از داعش دریافت می کند. ما در ایران و اندونزی باید این برداشت را تغییر دهیم زیرا که اسلام چیزی که داعش می گوید نیست. قربانیان جنایات داعش نه تنها شیعیان و اهل سنت هستند بلکه پیروان دیگر ادیان هم هستند. ایران و اندونزی می توانند نقش مهمی در تغییر برداشت ارائه شده از سوی داعش درباره اسلام داشته باشند.

گام ها را برداریم. دولت اندونزی در پی توافق هسته ای ایران و گروه ۵+۱ به دنبال گسترش تعاملات تجاری خود با ایران است. ما در حال تهیه یک راهبرد برای توسعه تجارت با ایران هستیم و حتی فراتر از بازرگانی به دنبال توسعه همکاری های خود با ایران در زمینه توریسم و سرمایه گذاری هم هستیم که شما به آن اشاره کردید.

در پاسخ به سوال شما باید بگویم ما یک طرح اقدام جامع برای افزایش تجارت با ایران به ویژه در زمینه زیرساخت ها هستیم.

|| علاوه بر همکاری های اقتصادی و فرهنگی آیا زمینه های دیگر سیاسی هم وجود دارند که مورد علاقه دو طرف برای همکاری باشند؟

ایران و اندونزی سال ها است که دوستان خوبی بوده اند به ویژه در عرصه سازمان های بین المللی. ما می توانیم با به حداکثر رساندن روابط و همکاری های خود در سازمانها و عرصه های بین المللی به جهان پیام بفرستیم. ایران و اندونزی می توانند از عرصه هایی مثل سازمان ملل متحد، جنبش عدم تعهد، سازمان همکاری اسلامی و دیگر سازمان های منطقه ای مثل آکو و آسه آن استفاده کنند. ما می توانیم در سطوح مختلف از روابط دو جانبه و منطقه ای گرفته تا سطح بین المللی بهره ببریم. همه مکانیسم ها موجودند و فقط باید از آنها استفاده کرد. اگر این توافق هسته ای اجرایی شود، در آینده نزدیک ایران عضو عادی جامعه جهانی خواهد شد.

|| در حال حاضر ایران عضو ناظر سازمان همکاری های شانگهای است و در تلاش است تا عضویت

ایران داریم و ایران هم در عین حال نیاز به کاغذ، روغن پالم، لاستیک، چای و قهوه اندونزی دارید. دارایی های ایران و اندونزی مکمل یکدیگر هستند. در حال حاضر به خاطر وجود تحریم ها دو کشور نمی توانند ظرفیت تجارت بین خود را به سطح حداکثر برسانند و ظرفیت تجارت بین آنها خیلی ناچیز است.

|| اندونزی به کدامیک از تکنولوژی های ایران نیاز دارد؟

ایران دارای تکنولوژی عالی در زمینه نفت و گاز است و ما نیازمند تکنولوژی ایران برای ساخت پالایشگاه هستیم. ایران همچنین دارای تکنولوژی خوبی در زمینه زیرساخت ها و برق است. اندونزی هم نیز زیادی به نیروگاه دارد. دولت جدید اندونزی همچنین در حال برنامه ریزی برای ایجاد هر چه بیشتر زیر ساخت ها و جاده است. ایران زیرساخت های بسیار خوبی دارد و به مناطق مختلف از طریق جاده ها و راه آهن متصل است. اندونزی هم نیاز به همه این زیرساخت ها دارد و ایران تکنولوژی آن را دارد.

|| با توجه به اینکه تحریم های ایران به زودی لغو خواهند شد آیا بخش دولتی و خصوصی اندونزی برنامه و طرح جامعی برای گسترش تجارت و همکاری با ایران و توسعه سرمایه گذاری دارند؟

ما حتی در دوره تحریم هم می توانیم با هم به تجارت بپردازیم فقط باید راه های دور زدن تحریم ها را بیابیم. در حال حاضر بزرگترین مانع گسترش تجارت بین ایران و اندونزی نحوه پرداخت های مالی و تحریم های بخش بانکی است. با اینحال برخی کشورها توانسته اند با وجود تحریم ها با ایران تجارت کنند ما هم می توانیم همان

المانیور تحلیل کرد:

تاثیر رقابت چین و غرب در دوران پسا توافق بر بازار ایران



سود دهی آنی نخواهد بود: "به اعتقاد من در ۶ تا ۱۲ ماه پس از اجرایی شدن رفع تحریم‌ها، شاهد شکوفایی این صنعت و البته سودآوری بیشتر شرکت های خودروسازی خواهیم بود.

شرکت های ایرانی اکنون تلاش دارند دانش فنی تولید خودرو را از طریق همکاری با شرکت های غربی بیاموزد و کیفیت خودروها و برندهای خودشان را ارتقا دهند. بی جهت نیست که ایران به سرعت قراردادی برای تولید موتور خودرو در اتریش بست یا اینکه شرکت مشترک ایرانی و ایتالیایی برای طراحی خودرو قرار است به زودی شکل بگیرد.

با وجود امیدواری ها به آینده شرکت های خودروسازی ایرانی پس از رفع تحریم ها، اما از زمان توافق هسته ای بازار خرید خودرو در ایران شاهد رکود بوده است. رضا ۳۸ ساله که دارنده یک نمایشگاه در یکی از خیابانهای مرکزی تهران است دلیل این موضوع را توقع بی دلیل مردم از تاثیر ناگهانی قرارداد هسته ای میدانند و به المانیور می گوید: از زمان توافق مردم تصور می کنند که به زودی قیمت خودرو در کشور کاهش خواهد یافت و یا اینکه خودروهای با کیفیت غربی و با قیمتی پایین تر وارد بازار ایران خواهد شد.

شرکت های ایرانی اکنون تلاش دارند دانش فنی تولید خودرو را از طریق همکاری با شرکت های غربی بیاموزد و کیفیت خودروها و برندهای خودشان را ارتقا دهند

با در نظر گرفتن تاثیر مخرب تحریم ها و بازار نسبتا بسته ای که در نتیجه این تحریم ها به وجود آمد، حساسیت ها و ملاحظاتی وجود خواهند داشت. امین آزاد روزنامه نگار حوزه صنعت خودرو می گوید: به نظر نمی رسد که ایران بخواهد بازار خودرویش را به طور کامل در اختیار های خارجی قرار دهد حتما سهم عمده همچنان در اختیار دو غول بزرگ خودرو ساز ایرانی باقی خواهد ماند.

آزاد همچنین به تمایل واضح ایرانیان برای دستیابی به تکنولوژی جدید و ارتقا دادن سطح کیفیت خودرو هایشان اشاره می کند و می گوید: شرکت های ایرانی اکنون تلاش دارند دانش فنی تولید خودرو را از طریق همکاری با شرکت های غربی بیاموزد و کیفیت خودروها و برندهای خودشان را ارتقا دهند. بی جهت نیست که ایران به سرعت قراردادی برای تولید موتور خودرو در اتریش بست یا اینکه شرکت مشترک ایرانی و ایتالیایی برای طراحی خودرو قرار است به زودی شکل بگیرد. به نظر من اگر چنین طرح هایی عملی شوند و ایران بتواند قطعه سازهای خود را به زنجیره قطعه سازان جهان وصل کند، آنگاه هم می توان به ارتقای کیفیت خودروهای ایرانی امیدوار شد.

به نظر می رسد که شرکت های غربی همچون رنو، پژو، مرسدس بنیز و ولوو تنها علاقمند به صدور ماشین به ایران نیستند بلکه می خواهند از ایران به عنوان یک هاب منطقه ای استفاده کنند تا بتوانند خودروهای تولیدی خود را به بازار کشورهای همسایه ایران همچون عراق، آذربایجان، سوریه و افغانستان نیز صادر کنند.

واضح است که تحریم ها اثر مخربی بر این صنعت مهم داشته اند. به نظر می رسد که بعد از گذشت دو سال از شروع ریاست جمهوری اش و موفقیت در دست یابی به توافق هسته ای، حسن روحانی در تلاش است تا با تقویت دومین صنعت بزرگ کشور رونق را به اقتصاد ایران بیاورد. چند روز پیش معاون وزیر صنعت ایران در دیدار با یک هیئت اقتصادی سوئیسی گفته بود که ایران تصمیم دارد

تا سال ۲۰۲۱ میزان تولید خودروی خود را به سه میلیون خودرو در سال برساند و برای رسیدن به چنین هدفی زمینه های همکاری با شرکت های خودروسازی جهانی فراهم خواهد شد.

گرچه ایران خود تولید کننده خودروهای بومی است اما برای خودروهای ساخت خود نیاز به وارد کردن برخی قطعات دارد. امین آزاد به المانیور می گوید: ایران برای ساختن خودرو نیاز به برخی قطعه های حساس و کامپیوتری دارد. این نیاز در زمان تحریم خودروسازهای ایرانی را به سمت خودروسازان چینی کشاند.

در زمان تحریم ها برخی از شرکت های خودرو ساز چینی وارد بازار خودروی ایران شده بودند. اما در حال حاضر، خودرو سازان چینی با یک چالش بزرگ روبرو هستند. غول های بزرگ خودروسازی غربی که تا حد زیادی از بازار ایران دور افتاده بودند خود را آماده بازگشت به بازار ایران می کنند. مقامات و رسانه های ایرانی هم کاملا از این موضوع با خبر هستند به گونه ای که یکی از روزنامه های اقتصادی تهران چنین تیترو را انتخاب کرد: اعلام جنگ خودروسازان غربی به چینی ها، رقابت بر سر بازار ایران.

ازار ایران به چندین دلیل برای خودرو سازان غربی و چینی جذاب است. سعید موحدی معاون اقتصادی گروه خودرو سازی بهمن به المانیور می گوید: در شرایط کنونی صنعت خودرو در جهان با تقاضای یکنواختی مواجه است. ما چنین وضعیتی را در چین، ژاپن و کشورهای بزرگ صنعتی غربی نیز شاهد هستیم. اما می توان گفت تنها کشوری که در دنیا از دو امتیاز تقاضای بالای خرید از سوی مردم و اراده دولت به منظور نوسازی برخوردار است و از طرفی شرکت های خودروسازی آن از درآمد تقریبا مناسبی برخوردار هستند ایران است. به همین خاطر به نظر می آید که اولویت کشورهای صاحب تکنولوژی و شرکت های بزرگ تولید کننده خودرو، همکاری با شرکای ایرانی و صادر کردن محصولات جدید خود به این بازار بزرگ باشد.

موحدی در مورد دورنما و آینده صنعت خودروسازی ایران خوشبین به نظر می رسد و می گوید: احتمالا در آینده شاهد همکاری های بلندمدت شرکت های بزرگ خودروسازی جهان و حتی سرمایه گذاری آنها در بازار خودروی ایران خواهیم بود. اما او محتاط است و پیش بینی میکند که چون تحریم ها قرار است تا مدتی پابرجا باشند،

از زمان توافق ۱۴ ژوئیه میان ایران و کشورهای قدرتمند جهان، یکی از مهمترین موضوعاتی که رسانه های بسیاری درباره آن بحث می کنند صنعت خودروسازی ایران است. المانیور در تحلیلی به بررسی بازار خودرو در ایران و رقابت شرکت های غربی و چینی در این بازار در دوران پسا توافق پرداخته و می نویسد: برای پی بردن به اهمیت صنعت خودروسازی در اقتصاد ایران و چرایی بحث های گسترده و پر هیجان در خصوص این صنعت، باید به یاد بیاوریم که ایران بزرگترین خودروساز در خاورمیانه و تا پیش از اعمال تحریم های گسترده اقتصادی، یازدهمین تولید کننده خودرو در جهان بود. صنعتی که پس از صنعت نفت بزرگترین صنعت در ایران است و بیش از هفتصد هزار کارگر ایرانی در صنایع مرتبط با خودروسازی ایران فعالیت می کنند.

امین آزاد روزنامه نگار ایرانی که به طور تخصصی تحولات مربوط به بازار خودرو در ایران را دنبال می کند به المانیور می گوید: اعمال تحریم های اقتصادی علیه ایران یک سکنه بزرگ برای صنعت خودروسازی ایران بود. آنهم در سالهایی که خودروسازی ایران آماده یک جهش بزرگ بود. آزاد تاکید می کند که تحریم ها نه تنها مانع پیشرفت این صنعت شدند بلکه تولید و قیمت را هم تحت تاثیر قرار دادند. تحریم ها از یک طرف موجب کاهش شدید تولید خودرو در ایران و از سوی دیگر افزایش شدید قیمت این خودروها شدند. افزایش قیمتی در حدود ۳۰۰ درصد. میزان تولید خودرو در ایران بعد از تحریم ها از یک و نیم میلیون دستگاه در سال به کمتر از ۷۰۰ هزار دستگاه رسید. علاوه بر این کیفیت خودروهای ایرانی نیز دچار افت شد.

به نظر می رسد که شرکت های غربی همچون رنو، پژو، مرسدس بنیز و ولوو تنها علاقمند به صدور ماشین به ایران نیستند بلکه می خواهند از ایران به عنوان یک هاب منطقه ای استفاده کنند تا بتوانند خودروهای تولیدی خود را به بازار کشورهای همسایه ایران همچون عراق، آذربایجان، سوریه و افغانستان نیز صادر کنند.

واضح است که تحریم ها اثر مخربی بر این صنعت مهم داشته اند. به نظر می رسد که بعد از گذشت دو سال از شروع ریاست جمهوری اش و موفقیت در دست یابی به توافق هسته ای، حسن روحانی در تلاش است تا با تقویت دومین صنعت بزرگ کشور رونق را به اقتصاد ایران بیاورد. چند روز پیش معاون وزیر صنعت ایران در دیدار با یک هیئت اقتصادی سوئیسی گفته بود که ایران تصمیم دارد

دو وجه و له تحلیل کرد:

جنگ قدرت در رهبری طالبان و احتمال انشعاب در صفوف آن

احتمال انشعاب در صفوف رهبری طالبان

ملا حسن رحمانی عضو شورای کویته طالبان و یکی از نزدیکان ملا عمر در مصاحبه با رسانه های محلی گفته است که او و اکثریت اعضای شورای کویته از تعیین ملا اختر محمد منصور به جانشینی ملا عمر ناراضی اند و باید پسر ملا محمد عمر به عنوان رهبر طالبان تعیین می شد.

وی تاکید کرده است که ملا منصور در یک گردهمایی کوچک طالبان خود را رهبر اعلام کرده ولی برای دیگران قابل قبول نیست. به گفته ملا رحمانی، اکثریت رهبران طالبان مولوی یعقوب پسر ۲۳ ساله ملا محمد عمر را برای این پست مناسب می دانند.

حرکت اعتراضی در رهبری طالبان نشان می دهد که ملا منصور برای متحد کردن گروه طالبان با چالش سختی رو به رو است. ملا منصور ۵۵ ساله از قوم پشتون قندهار است. او در دوران حکومت طالبان وزیر بود و با سرنگونی این گروه به پاکستان فرار کرد.

رهبر جدید طالبان رابطه نزدیکی هم با پاکستان دارد و بیم آن می رود که او عملا به مجری طرحها و سیاستهای پاکستان در افغانستان تبدیل شود. احمد سعیدی، تحلیلگر مسایل سیاسی افغانستان به دو وجه و له گفته است که «آی اس آی» یا سازمان اطلاعات پاکستان در تلاش تعیین اختر محمد منصور بوده است، اما برخی رهبران طالبان از مناطق جنوبی افغانستان طرفدار انتخاب محمد یعقوب پسر ملا عمر به عنوان جانشین او بودهاند. به گزارش روزنامه پاکستانی اکسپرس تریبون تعدادی از سران طالبان از جمله پسر ۲۶ ساله ملا عمر مذاکرات صلح با دولت افغانستان را رد می کنند. به دلیل جنگ قدرت در رهبری طالبان مذاکرات صلح این گروه با دولت افغانستان در روز جمعه (۹ مرداد/ ۳۱ ژوئیه) به تعویق افتاد. احتمالا سران این گروه تلاش می کنند بر سر یک خط مشی واحد به توافق برسند.

شکاف در صفوف طالبان و احتمال تبدیل شدن آن به چندین گروه برای افغانستان کابوسی وحشتناک خواهد بود و روند مذاکرات صلح را به خطر خواهد انداخت. کارشناسان همچنین هشدار می دهند که در صورت انشعاب در رهبری طالبان این امکان نیز وجود دارد که افغانستان سرنوشتی مشابه سرنوشت سوریه، لیبی و یمن پیدا کند.

یک رسانه غربی با پرداختن به تحولات اخیر افغانستان و مرگ رهبر طالبان، از احتمال بروز انشعاب در این گروه خبر داد. دو وجه و له در تحلیل خود می نویسد: رهبر جدید طالبان آماده است مذاکرات صلح با دولت افغانستان را ادامه دهد. اما او باید در صفوف طالبان با مخالفان روند صلح نیز مقابله کند. این موضوع احتمال انشعاب در صفوف طالبان را بیشتر کرده است.

با تغییرات انجام شده در رهبری گروه طالبان، امید به صلح در افغانستان بیشتر شده است. وزارت امور خارجه افغانستان اعلام کرده که این کشور در هیچ زمانی تا این حد به صلح نزدیک نبوده است. آمریکاییها هم از بوجود آمدن شانس جدید برای ادامه گفتوگوی صلح در افغانستان سخن گفتهاند.

گروه طالبان یک روز پس از این که دولت افغانستان اعلام کرد «ملا محمد عمر» رهبر طالبان در گذشته است، مرگ او را تایید کرد. روزنامه اکسپرس تریبون پاکستان نوشت که بیماری سل عامل مرگ ملا عمر بوده است.

اگرچه گروه طالبان مرگ رهبر خود را به دلیل بیماری اعلام کرده است، ولی به گزارش رسانهها ابهاماتی هم درباره مرگ ملا عمر وجود دارد. احتمال دارد که او توسط خود طالبان، پاکستان، افغانستان یا پهپادهای آمریکایی کشته شده باشد.

شانس برای صلح در افغانستان

برخی از رسانه های غربی از جمله روزنامه استاندارد چاپ اتریش درباره شکاف پدید آمده در صفوف رهبری طالبان گزارش دادهاند. این روزنامه در گزارشی به جنگ قدرت در رهبری طالبان پرداخته و می نویسد که مرگ ملا عمر شانسی تغییر سیاست راهبردی طالبان را بیشتر کرده و «ملا اختر محمد منصور» رهبر جدید طالبان طرفدار مذاکرات صلح در افغانستان است.

اما تعدادی از سران طالبان جانشین ملا عمر را قبول ندارند و مخالف مشارکت گروه طالبان در مذاکرات صلح با دولت افغانستان هستند. در نشست شورای رهبری طالبان که ملا اختر محمد منصور به عنوان سرکرده جدید این گروه معرفی شد، برخی از چهره های ارشد از جمله پسر ارشد و برادر ملا عمر به عنوان اعتراض جلسه را ترک کردند.



گفتگو با وزیر امور مهاجرین افغانستان:

زمینه اشتغال

مهاجران

بازگشته افغان

فراهم می شود

وزیر امور مهاجرین افغانستان گفت: دولت برنامه هایی در دست دارد که زمینه ای اشتغال مهاجرین را فراهم می کند تا زمینه برگشت راحت تر صورت بگیرد.

سید حسین عالمی بلخی وزیر امور مهاجرین افغانستان گفت: اصل مهاجرت خودش یک معضل و مشکل است اما مهاجرین افغانستانی در کشورهای مختلف وضعیت های متفاوتی دارند.

وی گفت: ما سه حوزه داریم که می توانیم در مورد مساله مهاجرت درباره آن حرف بزنیم: ایران، پاکستان و کشورهای غربی و مهاجرین در هر کدام از این کشورها مشکلات خاص خودشان را دارند.

وزیر مهاجرین افغانستان اظهار داشت: دلیل اینکه در حال حاضر مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای مختلف از جمله کشورهای اروپایی زیاد شده این است که آنها دنبال زندگی بهتری هستند اما ما برنامه های زیادی داریم که مهاجرینی که به کشور برمی گردند زمینه های اشتغال داشته باشند.

وزیر مهاجرین افغانستان گفت: تفاهم نامه ای بین ما و کشورهای اروپایی وجود دارد که کسانی که در خارج تحصیل کرده اند و در اینجا زمینه شغلی ندارند در صورت برگشت از آنها حمایت شود تا زمینه های شغلی آنها فراهم شود.

وی اظهار داشت: برنامه کلی ما این است که زمینه های اشتغال مهاجرین را فراهم کنیم تا کسانی که برمی گردند مشکل اشتغال نداشته باشند.

عالمی بلخی اضافه کرد: مساله مشکلات مهاجرین در پاکستان نیز در حال بررسی است و صحبت هایی با طرف های پاکستانی شده است تا مشکلات مهاجرین ساماندهی شود.



گفتگو با نماینده پارلمان افغانستان:

اعلام مرگ ملا عمر رمز آغاز فعالیت جدی داعش در افغانستان است

اخیر در کابل اتفاق افتاد به نوعی دهن کجی به مردم بود، زیرا مردم عزادار جنایات طالبان است و برگزاری این مراسم معنایی ندارد.

آقای بهزاد افزود: برپایی مجلس و تجلیل کردن از ملا عمر بی احترامی به مردم افغانستان و خانواده های قربانیان است و کسانی که در چنین برنامه هایی شرکت می کنند نشان می دهند که تا چه اندازه نسبت به خانواده های قربانیان بی تفاوت هستند.

وی اظهار داشت: برگزاری مراسم تجلیل از ملا عمر از سوی شورای عالی صلح نشان می دهد که این شورا شورای صلح نیست بلکه شورای جنگ است.

این نماینده پارلمان افغانستان در خصوص ابهامات مذکرات صلح پس از تأیید خبر مرگ ملا عمر عنوان داشت: پروسه صلح مساله ای بود که از ابتدا هم در کارآمدی آن جای تردید وجود داشت و این روندی که به نام مذاکرات صلح در دولت قبل ایجاد شد فکر نمی کنم ما را به صلح برساند و یک وقت کشی آشکار است.

وی اضافه کرد: ما با چنین برنامه هایی به صلح و امنیت و ثبات نخواهیم رسید. نماینده مردم هرات گفت: نیروها و عناصری که در پشت صحنه کارگردانی طالبان بودند در حال حاضر نیروی جدیدی را وارد افغانستان کرده اند به نام داعش و این گروه در حال جذب نیرو در کشور است.

وی در پایان اظهار داشت: گروه هایی به مراتب خطرناک تر از طالبان سر بر خواهد آورد که یکی از آنها داعش است. به صورت کلی وضعیت خوبی را نمی توان انتظار داشت.



نماینده مردم هرات در پارلمان افغانستان گفت: نیروها و عناصری که در پشت صحنه کارگردانی طالبان بودند در حال حاضر نیروی جدیدی را به نام داعش وارد افغانستان کرده اند و این گروه در حال جذب نیرو در کشور است.

احمد بهزاد نماینده مردم هرات در پارلمان افغانستان گفت: اعلام خبر مرگ ملا عمر در شرایط فعلی آن هم توسط کسانی که به وجود آورنده طالبان بودند به نوعی اسم رمز است تا پایان کار گروهی به نام طالبان و آغاز گروه جدیدی به نام داعش را اعلام کنند. وی گفت: این مساله به نوعی هشدار برای بقایای گروه طالبان بود تا خود را با گروه جایگزین همصدا سازند.

نماینده مردم هرات در خصوص برگزاری مراسم تجلیل از ملا عمر گفت: آنچه که در روزهای

پدرخوانده طالبان در یک نگاه؛ قهرمانی ملی یا تروریستی بین المللی

فریدون ناعمی

«ستاره جورات» را که سومین نشان مهم ارتش پاکستان است، دریافت کرد.

وی طی سال های ۱۹۶۸ تا ۱۹۶۹ دوره ویژه دانشکده ستاد کویت را گذراند و سپس از ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۶ به عنوان فرمانده گردان در ارتش خدمت کرد. دو سال بعد نیز به عنوان فرمانده تیپ کار خود را ادامه دارد. گل در سال ۱۹۸۰ فرماندهی لشکر زرهی ارتش را عهده دار شد.

ژنرال گل به دلیل خدمات نظامی اش دو نشان مهم دیگر ارتش یعنی «هلال امتیاز» و «ستاره بسلات» را دریافت کرد. وی طی سال های ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹، زمانی که آمریکا از مجاهدین افغان برای مقابله با ارتش سرخ شوروی حمایت می کرد ریاست سرویس اطلاعات داخلی پاکستان (ISI) را به عهده داشت و تا سال های پایانی جنگ افغانستان نیز در سمت های مختلف در دستگاه اطلاعاتی پاکستان مشغول به کار بود.

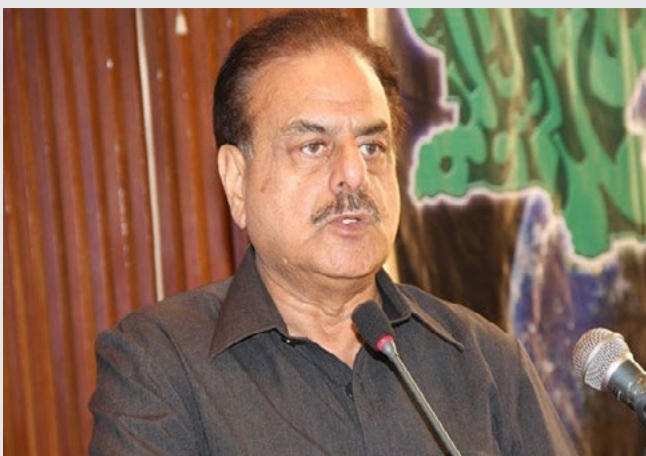
وی که در زمان تجاوز شوروی به افغانستان مجاهدین افغان را آموزش می داد، به عنوان بنیانگذار طالبان شناخته می شود. هر چند وی در سال ۱۹۹۲ بازنشسته شد، اما بسیاری این ژنرال کهنه کار را چهره اصلی راهبرد جنگ نیابتی پاکستان برای گسترش نفوذ در کشورهای همسایه می دانند.

در این سال ها نظرات ژنرال گل به خصوص در مورد افغانستان مورد توجه مقامات اسلام آباد و واشنگتن بوده است.

«حمید گل» در حالی به عنوان پدرخوانده طالبان و حامی تروریسم شهرت یافته که به خاطر داشتن سه نشان شجاعت برای خدماتش در ارتش پاکستان، قهرمانی ملی شناخته می شود.

«حمید گل» متولد نوامبر ۱۹۳۶، در سال ۱۹۵۴ به ارتش ملحق شد و به مدت دو سال در آنجا خدمت کرد. وی در جریان جنگ سال ۱۹۶۵ فرماندهی یگان زرهی ارتش پاکستان را به عهده داشت. این جنگ که به جنگ دوم کشمیر معروف شد نقطه اوج مناقشات بین هند و پاکستان بود و بر سر منطقه مورد مناقشه کشمیر در گرفت. دو کشور برای اولین بار در ۱۹۴۷ بر سر مالکیت این منطقه درگیر شده بودند.

این نبرد با انجام عملیات موسوم به «جبل الطارق» از سوی پاکستان که با هدف نفوذ نیروها به جامو و کشمیر به منظور تسریع روند شورش علیه حکومت هند در مناطق ذکر شده بود، آغاز شد. این در حالی بود که در بیشتر مراحل این جنگ، پیاده نظام و واحد های زرهی هر دو طرف با حمایت های قابل توجهی از سوی نیروهای هوایی وارد نبرد با یکدیگر شدند و در نهایت جنگ با آتش بس سازمان ملل و پس از صدور اعلامیه تاشکند پایان پذیرفت. در این جنگ حمید گل به دلیل رشادت های خود نشان



پاکستان را به دنبال داشت. دولت هند وی را متهم به همکاری با جدایی طلبان کشمیر می کرد و آمریکا به دیده تردید به فعالیت های وی می نگریست. در مجموع این فعالیت ها موجب شد نام وی در فهرست تروریست های بین المللی سازمان ملل قرار گیرد.

در داخل پاکستان نیز برخی ژنرال گل را به بزرگنمایی مسائل منطقه ای متهم می کردند. از جمله مسائلی که موجب می شد وی تا آخرین روزهای حیاتش به عنوان چهره ای قابل اعتنا در مسائل امنیتی و اطلاعاتی منطقه به شمار آید، ارتباط تنگاتنگش با فرماندهان عالی رتبه ارتش پاکستان بود.

گفتنی است نیمه شب یکشنبه رسانه های پاکستانی اعلام کردند ژنرال «حمید گل» رئیس پیشین سرویس اطلاعات داخلی این کشور که به دلیل خونریزی مغزی به یک بیمارستان نظامی منتقل شده بود، در سن ۸۰ سالگی درگذشته است.

وی از جمله کسانی است که در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان ضمن حمایت از انتخاب «عبدالله عبدالله»، وی را بخت اول برای به نتیجه رساندن مذاکرات با طالبان می دانست. به اعتقاد گل سابقه حضور عبدالله در جنگ با شوروی و زیرکی اش به او بخت موفق شدن در این مذاکرات را می دهد.

ژنرال گل در خاطراتش می گوید بین سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ طی سفرهای مکررش به افغانستان، مهمان «احمد شاه مسعود» بوده و از نزدیک با «عبدالله عبدالله» آشنایی دارد. رئیس سابق سازمان اطلاعات داخلی پاکستان همچنین از جمله کسانی است که آخرین ارتباطات را با دولت طالبان داشته است. وی در اگوست ۲۰۰۱ و تنها چند هفته پیش از حملات ۱۱ سپتامبر به عنوان یک چهره مهمان در آخرین جلسه دولت طالبان شرکت داشته است. طی دهه های اخیر فعالیت های ژنرال گل واکنش های همسایگان و همپیمانان



صف آرایی موافقان و مخالفان رهبر جدید طالبان در مقابل یکدیگر

صدها تن از مخالفان و موافقان «ملا اختر منصور»، رهبر جدید طالبان در ولایت زابل گرد آمده و به هم اعلام جنگ کرده اند. مخالفان و موافقان رهبر جدید طالبان در مقابل یکدیگر صف آرای کردند. بر اساس گزارشات، صدها تن از مخالفان و موافقان «ملا اختر منصور»، رهبر جدید طالبان در ولایت زابل گرد آمده و به هم اعلام جنگ کرده اند. حامیان ملا منصور هشدار داده اند که در صورت بیعت نکردن با رهبر جدید، دشمن محسوب خواهند شد و طالبان با آنها خواهند جنگید. برخی از فرماندهان ارشد طالبان از مخالفان ملا منصور به شمار می روند. گفته می شود «ملا منصور دادالله»، یکی از فرماندهان شاخص طالبان صدها نفر در ولایت زابل را مسلح و تجهیز کرده است. خانواده ملا عمر نیز از مخالفان مهم ملا منصور هستند و اعلام کرده اند که حاضر به بیعت نیستند. پس از اعلام خیر مرگ ملا عمر، اختلافات درونی طالبان روز به روز در حال افزایش است.



دوستم: رهبر فعلی طالبان جاسوس مادر میان این گروه بود

ژنرال «عبدالرشید دوستم»، معاون اول ریاست جمهوری افغانستان در سخنانی گفت رهبر کنونی طالبان زمانی جاسوس ما در میان طالبان بود. معاون اول «اشرف غنی» شب گذشته در کنفرانس خبری حاضر شد و گفت: «ملا اختر منصور»، رهبر فعلی طالبان زمانی در اسارت وی بوده و برای او از طالبان جاسوسی می کرده است. وی در قسمت دیگری از سخنانش اظهار داشت: جنگ افغانستان توسط سازمان اطلاعات پاکستان اداره و رهبری می شود. دوستم همچنین عنوان کرد: پاکستان چند بار اقدام به ترور من کرده است. معاون اول ریاست جمهوری افغانستان حدود دو ماه است لباس نظامی به تن کرده و در خط مقدم جنگ علیه طالبان حضور دارد. در مدت حضور وی در جبهه های جنگ، طالبان با شکست های سنگینی مواجه شده است.

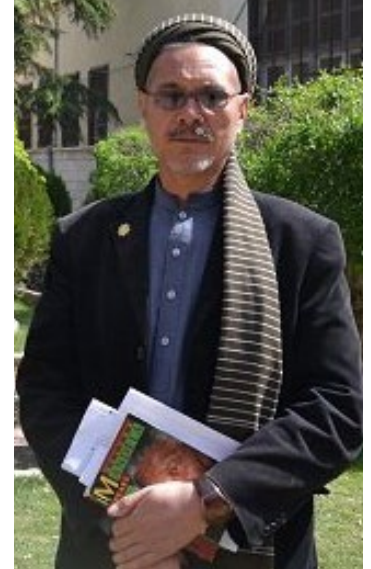
گفتگو با نماینده پارلمان افغانستان؛

چرا طالبان جنگ را به شمال افغانستان کشاند/ علل انفجارهای کابل

مرکزی را تحت فشار قرار بدهند و طبیعتاً روسیه و اکراین نیز تحت فشار قرار خواهند گرفت. اما نکته دوم این است که مدت ها مناطق شمالی افغانستان در صلح و امنیت بود و نقطه قوت دولت محسوب می شد؛ انتقال جنگ به این علت بود که آنها بتوانند در صورت مذاکره بیشترین امتیازات را بگیرند. غلام حسین ناصری افزود: متأسفانه برخورد ضعیفی از سوی دولت با طالبان صورت می گیرد؛ مصلحت گرایی ها در چاقوب دولت نفوذ کرده و همین سبب شده تا جنگ گسترش پیدا کند و تشدید شود.

این نماینده پارلمان افغانستان در خصوص رویدادهای تروریستی اخیر کابل اظهار داشت: بعد از تایید مرگ ملا عمر، دستپاچی در حلقهات مدیریت کننده جنگ ایجاد شد و سازمان اطلاعات پاکستان که اداره کننده اصلی طالبان است خواست ضرب شخصی نشان بدهد که با افشا شدن مرگ ملا عمر جبهه جنگ طالبان تضعیف نشده است.

وی به روند صلح نیز اشاره کرد و گفت: در تمام دنیا اولین شرط برقراری صلح موضوع «آتش بس» است ولی در افغانستان متأسفانه جنگ ادامه می کند و روند صلح فقط درجا زدن است. نماینده مردم میدان وردک اظهار داشت: تمام شدن جنگ در صورتی عملی می شود که نظام افغانستان در دو مرحله قوی کار کند؛ از بعد امنیتی و نظامی باید حمایت کامل صورت گیرد و از طرفی باید یک دیپلماسی فعال با پاکستان و سازمان ملل و شورای امنیت در پیش گرفته شود.



نماینده پارلمان افغانستان در خصوص روند صلح دولت و طالبان گفت: در تمام دنیا اولین شرط برقراری صلح موضوع «آتش بس» است ولی در افغانستان متأسفانه جنگ ادامه دارد. غلام حسین ناصر نماینده مردم «میدان وردک» در پارلمان افغانستان گفت: طالبان بر مبنای یک انگیزه سیاسی جبهه جنگ را از جنوب به شمال انتقال داد. وی گفت: هدف اصلی انتقال جنگ به شمال افغانستان این است که کشورهای آسیای

اذعان طالبان به مخفی کردن خبر مرگ «ملا عمر»

طالبان به مخفی کردن خبر مرگ ملا عمر سرکرده سابق این گروهک که بیش از دو سال پیش مرده بود، اذعان کرد. طالبان با انتشار بیانیه ای برای نخستین بار مرگ ملا عمر در ۲۳ آوریل سال ۲۰۱۳ را تایید کرد. این در حالیست که طالبان تا اواخر ژوئیه گذشته به انتشار اعلامیه های رسمی به نام ملا عمر که از سال ۲۰۰۱ و سرنگونی طالبان از قدرت در کابل در ملا عام ظاهر نشده بود، ادامه می داد. مقامات طالبان ۳۰ ژوئیه خبر مرگ ملا عمر را تایید کردند ولی امتناع آنها از اعلام زمان دقیق مرگ ملا عمر موجب تشدید اختلافات داخلی میان اعضای این گروه شد و بسیاری از اعضای طالبان سرکردگان گروه را به پنهان کردن خبر مرگ وی تا بیش از دو سال متهم کردند. جزئیات این موضوع در یک زندگینامه درباره ملا اختر منصور، سرکرده جدید طالبان و معاون ملا عمر آورده شده است. در این بیوگرافی آمده است: برخی اعضای اصلی شورای عالی طالبان و تعدادی از علما به اتفاق تصمیم گرفتند تا خبر مرگ ملا عمر مخفی بماند و علنی نشود و تنها تعداد اندکی از نزدیکان ملا عمر از این موضوع آگاه شدند. این بیانیه می افزاید: یکی از دلایل اصلی اتخاذ این تصمیم این بود که سال ۲۰۱۳، سال نهایی جنگ قدرت میان مجاهدین و متجاوزان خارجی محسوب می شد که اعلام کرده بودند تا پایان سال ۲۰۱۴ همه عملیات های نظامی از سوی نظامیان خارجی در افغانستان به پایان خواهد رسید. طالبان در این بیانیه تاکید کرد: ملا اختر منصور دارای توانایی های رهبری و ارشادی بی نظیری است. برخی از رهبران طالبان از جمله پسر و برادر ملا عمر از بیعت با ملا منصور سرباز زده و روند انتخاب وی را شتاب زده ارزیابی کردند.



- دستکاری هدفمند افکار عمومی آمریکا به امید مخالفت با توافق هسته‌ای
- ترکیه شریک مناسبی برای آمریکا در جنگ با داعش نیست
- نظم امنیتی آمریکا در خلیج فارس مبتنی بر ناامنی ایران است
- گفتگو با سفیر سابق آمریکا در سوریه

آمریکا

دبیران: فرزاد فرهاد توسکی
مهدی ذوالفقاری

مردم آمریکا: آری یا خیر؟

دستکاری هدفمند افکار عمومی آمریکا به امید مخالفت با توافق هسته‌ای

آمریکا تلقی کرد. در مقام مقایسه، سطح حمایت مردم آمریکا از توافق هسته‌ای ایران نسبت به ماه ژوئن تغییری نکرده است، اما سطح مخالفت به طرز چشمگیری افزایش یافته و این می‌تواند هشدار باشد برای دولت «باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا که سعی دارد نظر مساعد کنگره آمریکا را نسبت به این توافق جلب کند. پولیتیکو در نهایت به این نکته اذعان می‌کند که چشم انداز سیاسی توافق هسته‌ای ایران به رای کنگره آمریکا بستگی دارد و نه مردم. به همین دلیل است که لابی‌های مخالف یا موافق در حال هدایت جریان‌های مردمی به سمت اعضای کنگره آمریکا هستند تا مثلاً با برقراری تماس مستقیم یا برگزاری تجمع در مقابل دفتر کار یک نماینده، وی را مجاب به اتخاذ رویکردی مشخص کنند.

پولیتیکو به نقل از یک مقام آگاه می‌نویسد: کاخ سفید به دقت نظرسنجی‌های مختلف را دنبال می‌کند و بر این حقیقت که بسیاری از آنها از سوی گروه‌های ذینفع و با هدف دستکاری نتایج به دست آمده انجام می‌شود، اشراف دارد. این منبع آگاه همچنین از تلاش کاخ سفید برای شرح جزئیات لازم به مردم آمریکا سخن گفت و اطمینان داد که به این ترتیب آنها بر پایه یک قضاوت آگاهانه به نفع توافق هسته‌ای ایران رای خواهند داد.



آمریکایی می‌داند. به گفته یکی از تحلیلگران، اگر در متن پرسش مطرح شده توضیح جامعی از توافق هسته‌ای ایران داده شود، نتیجه مثبت است حال آنکه طرح سؤال بدون زمینه چینی به نتیجه منفی یا سردرگمی مخاطب منجر خواهد شد. پولیتیکو مدعی است که شاید بتوان نتیجه به دست آمده از تحقیق مشترک «وال استریت ژورنال ان. بی. سی» را با توجه به یکسان بودن سؤال طرح شده در دو نظرسنجی اخیر این مؤسسات خبری، به نوعی معیار سنجش افکار عمومی مردم

داده مدعی شد که ۵۷ درصد مردم آمریکا مخالف توافق هسته‌ای ایران هستند. جالب آنکه، همان دیروز و به فاصله چند ساعت، نظرسنجی مشترک «وال استریت ژورنال ان. بی. سی» نشان داد که نسبت آراء مخالف، موافق و ممتنع به میزان یک سوم در میان مردم آمریکا یکسان است. در ادامه، پولیتیکو اختلاف فاحش میان نتایج به دست آمده را فراتر از درصد خطای در نظر گرفته شده در هر نظرسنجی عنوان کرده و آن را ناشی از اعمال سلیقه در نحوه طرح پرسش‌های ارائه شده به مخاطب

لابی‌های ذینفع با دستکاری افکار عمومی در حال هدایت جریان‌های مردمی به سمت اعضای کنگره آمریکا هستند تا به این ترتیب آنها را مجاب به مخالفت با توافق هسته‌ای ایران کنند. اعلام همزمان سه نظرسنجی انجام گرفته در زمینه میزان حمایت مردم آمریکا از توافق هسته‌ای ایران حاکی از سردرگمی آنها در اثر تبلیغاتی است که هر یک از لابی‌های موافق یا مخالف طی هفته‌های اخیر انجام داده‌اند.

در همین رابطه، سایت خبری «پولیتیکو» گزارش خود از بازتاب افکار عمومی مردم آمریکا را با این عبارات کنایه‌آمیز آغاز کرد: به گروه‌های مخالف و موافق توافق هسته‌ای تبریک می‌گوییم. مردم آمریکا طرف شما هستند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

این پایگاه خبری در ادامه به تحلیل نظرسنجی‌های انجام گرفته طی یک هفته گذشته می‌پردازد و سردرگمی مردم را ناشی از فشاری می‌داند که لابی‌های سیاسی با هدف تغییر رای کنگره آمریکا بر جو حاکم بر جامعه تحمیل می‌کنند. به عنوان مثال، هفته گذشته نظرسنجی «کونومیسست» نشان داد که ۵۱ درصد مردم آمریکا از توافق هسته‌ای ایران حمایت می‌کنند حال آنکه دیروز دوشنبه مؤسسه نظرسنجی «کونیتی پیک» با ارائه

آسوشیتد پرس گزارش داد:

شمار نمایندگان حامی توافق ایران در کنگره آمریکا رو به افزایش است



نمایندگان آمریکا، روز ۳۱ تیرماه گفته بود که او و سایر اعضای کنگره «هر کاری انجام می‌دهند» تا از اجرای توافق اتمی با ایران جلوگیری شود. ایران و اعضای گروه ۱+۵ پس از دو سال مذاکره در شهرهای مختلف جهان سرانجام ۲۳ تیرماه به یک توافق جامع و نهایی برای حل موضوع هسته‌ای دست یافتند. این توافق در شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا تصویب شد و قرار است کنگره آمریکا (مجلس نمایندگان و سنا) نیز در مورد آن رای گیری کنند.

سپتامبر برای رد یا تصویب آن رای‌گیری نماینده و یا درباره آن رای‌گیری نکنند. جمهوریخواهان ارشد در مجلس نمایندگان درباره دلایل مخالفت خود با توافق هسته‌ای ایران و شش قدرت جهانی گفتند که این توافق مانع دستیابی تهران به سلاح اتمی نمی‌شود، ضمن اینکه میلیاردها دلار از پول‌های بلوکه شده ایران در نتیجه تحریم‌ها را آزاد می‌کند که خرج گروه‌هایی نظیر حزب‌الله لبنان و حماس خواهد شد. «جان بینر» رئیس‌جمهوریخواه مجلس

یک اشتباه تاریخی است». هنوز مشخص نیست که جمهوریخواهان بتوانند رای کافی را برای بی‌اثر کردن وتوی احتمالی باراک اوباما در قبال چنین طرحی داشته باشند. رئیس‌جمهوری آمریکا امیدوار است که همراهی دموکرات‌ها با توافق ایران بتواند مانع از رد آن در کنگره شود.

در این میان «آدام شیف» و «آنا اشو» از اعضای مجلس نمایندگان آمریکا از ایالت کالیفرنیا، روز دوشنبه به فهرست در حال گسترش نمایندگان اضافه شدند که گفته‌اند از این معاهده بین‌المللی حمایت می‌کنند. شیف که ارشدترین نماینده دموکرات در کمیته اطلاعاتی مجلس نمایندگان است، گفته که توافق با ایران «به شکلی واقعی مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای» حداقل تا ۱۵ سال دیگر می‌شود. کنگره آمریکا ۶۰ روز فرصت دارد تا این توافق را بررسی کند و انتظار می‌رود که تا روز ۱۵

یک رسانه غربی از افزایش تدریجی شمار نمایندگان که در کنگره آمریکا از توافق هسته‌ای ایران حمایت می‌کنند خبر داد. با وجود ادعای برخی از اعضای مجلس نمایندگان آمریکا مبنی بر اینکه تعداد آرای لازم برای رد توافق هسته‌ای ایران را دارند آسوشیتدپرس در گزارشی از رو به افزایش بودن تعداد افرادی که در کنگره از این توافق حمایت می‌کنند خبر داد.

بر اساس این گزارش، از آنجایی که جمهوریخواهان ۲۴۶ کرسی مجلس نمایندگان را در اختیار دارند احتمال زیادی وجود دارد که آنها بتوانند ۲۱۸ رای را برای حمایت از طرحی در زمینه رد این توافق جمع‌آوری کنند که از سوی پیتر راسکام، نماینده جمهوریخواه از ایالت ایلینوی، ارائه شده است.

راسکام در بیانیه‌ای گفته است: «زمان به سود توافق نیست، هر چقدر که اعضای (مجلس نمایندگان) وقت صرف بررسی این توافق می‌کنند بیشتر پی‌می‌برند که این



گفتگو با کارشناس موسسه خاورمیانه آمریکا:

رد توافق هسته‌ای در کنگره آمریکا تبعات وحشتناکی خواهد داشت

کارشناس موسسه خاورمیانه آمریکا معتقد است که رد شدن توافق هسته‌ای ایران از سوی کنگره آمریکا پیامدهای وحشتناکی به دنبال خواهد داشت که قابل تصور نیست. در حالیکه رسانه‌های غربی تمرکز زیادی بر کشمکش میان کاخ سفید و کنگره آمریکا در مورد موضوع هسته‌ای ایران دارند، تهران و مسکو درصدد هستند تا از طریق دیپلماسی صلح را به سوریه بازگردانند. در همین رابطه در یک ماه اخیر تهران و مسکو شاهد حضور مقاماتی از سوریه و عربستان بوده‌اند و رایزنی‌هایی در خصوص طرح ایران انجام شده در همین رابطه برای تحلیل بهتر رفتار آمریکا و عربستان به عنوان دو بازیگر مهم تحولات سوریه با «توماس لیپمن» به گفتگو نشستیم.

این امر به مقامات ایرانی نیز بستگی دارد. **|| نظر شما درباره ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا چیست؟ آیا این ائتلاف به اهداف خود رسیده است؟**

این ائتلاف تا کنون اشتباهات زیادی داشته است. این ائتلاف در حقیقت فقط متشکل از آمریکا و عربستان است و این یک موقعیت غیر قابل دفاع است چون آنها می‌خواهند با داعش مقابله کنند اما حاضر نیستند با نیروهای واطلب شیعه در این راه همکاری کنند از همین رو این ائتلاف موفق نخواهد بود.

همانطور که مطلع هستید کنگره آمریکا در حال بازبینی توافق هسته‌ای ایران است، اگر کنگره این توافق را رد کند جهان با چه پیامدهایی مواجه می‌شود؟ رد شدن توافق از سوی کنگره پیامدهای وحشتناکی به دنبال خواهد داشت که قابل تصور نیست، هیچ کس به درستی نمی‌داند چه اتفاقی می‌افتد اما با این وجود رد توافق اصلا اقدام مناسبی نیست.

برای آمریکا نیز در پی داشته است. در مورد روسیه با وجود این حقیقت ریاض و مسکو همکاری‌های نزدیکی در برخی از مسائل همچون سوریه دارند و نفت در روابط آنها تاثیر منفی نداشته است.

|| همانطور که مطلع هستید ایران و روسیه تلاش جدیدی را برای بازگرداندن صلح به سوریه آغاز کرده‌اند. آیا این اقدام مشترک می‌تواند منجر به نتیجه شود؟ عربستان و آمریکا با هرگونه طرح صلحی که موجب ابقای اسد در قدرت شود مخالف هستند.

|| برخی کارشناسان معتقدند که پس از توافق هسته‌ای ایران کشورهای غربی به دنبال افزایش همکاری‌های خود با ایران در موضوعات منطقه‌ای از جمله سوریه هستند آیا شما با این دیدگاه موافقت می‌کنید؟

ممکن است این توافق موجب آغاز دوره‌ای جدید در خاورمیانه شود. اوباما خواستار ایجاد روابط سازنده بیشتری با ایران است اما

می‌گردد. یکی از تنش‌های میان ایران و عربستان وضعیت شیعیان عربستان است. اما آنچه که در سال‌های اخیر موجب تشدید تنش‌های ریاض و تهران شده اختلاف دیدگاه دو کشور در مواردی همچون حمایت از اسد، حزب الله لبنان، تحولات عراق و یمن بوده‌اند.

|| برخی کارشناسان معتقدند که دلیل اصلی کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی، اقدامات عربستان سعودی به ویژه افزایش تولید نفت از سوی این کشور است. به گفته این کارشناسان هدف ریاض از این کار ضربه زدن به کشورهای دیگر همچون ایران و روسیه است. آیا شما با این دیدگاه موافقت می‌کنید؟

سیاست عربستان در مورد بازار نفت سالهاست که به همین شکل است. این درست است که بهای فعلی نفت موجب وارد شدن آسیب‌های اقتصادی به مردم کشورهای دیگر است اما دوست ندارد از جمله ایران و ونزوئلا شده اما همین سیاست‌های ریاض زبان‌های زیادی را

لیپمن در حال حاضر از کارشناسان موسسه خاورمیانه در واشنگتن است. وی به مدت ۳۰ سال و از نزدیک سیاست خارجی عربستان و همچنین روابط واشنگتن و ریاض را زیر نظر داشته است. لیپمن شش کتاب درباره سیاست‌های به رشته تحریر درآورده که عبارتند از عربستان در لبه؛ آینده نامعلوم متحد آمریکا، مصر بعد از ناصر، فهم اسلام، در داخل میراژ؛ همکاری شکننده آمریکا با عربستان، مادالین آلبرایت و دیپلماسی جدید آمریکا، و شوالیه عرب. برخی از کتاب‌های لیپمن برنده جوایز معتبر بین‌المللی همچون جایزه بنجامین فرانکلین شده‌اند. لیپمن همچنین از مدیران ارشد روزنامه واشنگتن پست محسوب می‌شود. متن این مصاحبه به شرح زیر است.

|| عربستان و ایران در سال‌های اخیر رابطه‌ای پر تنش داشته‌اند به نظر شما ریشه این تنش و اختلافات چه مواردی هستند؟

ریشه اختلافات ایران و عربستان تاریخی طولانی دارد و برخی می‌گویند که ریشه این اختلافات به دوران صدر اسلام باز

ضربه مهلک به اوباما / مخالفت مردم شماره ۳ دموکرات‌ها با «برجام»

سناتور «چاک شومر» مرد شماره ۳ دموکرات‌ها در سنای آمریکا با اعلام مخالفت خود با توافق هسته‌ای ۱۴ جولای با ایران، راه خود را از «باراک اوباما» رئیس‌جمهور هم حزبی خود جدا نمود. بر اساس بیانیه‌ای که پایگاه «نیویورک دموکرات» اوخر وقت دیروز برای سایت تحلیلی «مدیوم» ارسال کرد، سناتور چاک شومر دموکرات و نماینده ایالت نیویورک مخالفت خود را با توافق هسته‌ای ۱۴ جولای (۲۳ تیر ماه) کشور‌های ۵+۱ با ایران موسوم به «برجام» اعلام کرده است.



شومر در بیانیه خود تصریح کرد که مخالفتش با برجام بر این اساس است که اگر کسی فکر کند که ایران پس از برقراری روابط با غرب و کاهش انزوای اقتصادی و سیاسی، مواضع

افراطی خود را تعدیل خواهد نمود، آنگاه باید توافق هسته‌ای را مورد تأیید قرار دهد. وی در ادامه مدعی شد: احتمال کمی دارد که ایران از راهکارهایی برای عبور از نظام بازرسی‌ها و تحریم‌ها عبور نکرده و برای تبدیل خود به قدرت هسته‌ای پس از ۱۰ سال تلاش نکند. همچنین، ایران از منابع آزاد شده‌اش به احتمال زیاد برای ماجراجویی‌های مداخله‌جویانه در منطقه استفاده خواهد نمود. گزارش‌ها حاکی است، در صورتیکه پس از فرجه آگوست رأی منفی به توافق هسته‌ای داده شود، این سناتور دموکرات قصد دارد مواضع مخالف خود را با برجام حتی در رقابت‌های انتخاباتی آمریکا نیز حفظ کند.

اقدام سناتور چاک شومر که یک یهودی از ایالت نیویورک است، ضربه محکمی به دولت باراک اوباما محسوب می‌شود؛ زیرا وی از حامیان سرسخت رژیم صهیونیستی بوده و نمایندگی ایالتی را بر عهده دارد که جمعیت قابل توجهی از یهودیان آمریکا را در خود جای داده است.

گفتگو با استاد دانشگاه آلابامای آمریکا:

نظم امنیتی آمریکادر خلیج فارس مبتنی بر ناامنی ایران است

گفتگو: پیمان یزدانی - جواد حیران نیا

است. در حال حاضر این امکان وجود دارد که ظهور رقابت منطقه ای بین ایران و عربستان موجب ناکارآمد شدن این استراتژی در خلیج فارس شده باشد. به هر حال کاملاً مشهود بوده است که بعد از خروج انگلستان از منطقه ایالات متحده تعهد عمده ای را در قبال امنیت خلیج فارس ایفا کرده است و نقش رهبری در ایجاد نظم امنیتی منطقه را بر عهده گرفته است. بر اساس دکترین نیکسون ایالات متحده آمریکا این کار را با تقویت متحدان منطقه ای خود انجام داده و در عین حال احتمال مداخله نظامی خود در منطقه را همواره در افق دید حفظ کرده است تا در صورت عدم انجام وظایف محول شده به متحدان در منطقه از سوی آنها خودش مداخله نظامی کند.

تأثیر انقلاب اسلامی ایران در نظم امنیتی خلیج فارس چه بوده است؟

با سقوط پادشاهی پهلوی در ایران، جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا نگران احتمال راه یافتن و نفوذ کمونیست ها به ایران و نهایتاً افزایش حضور اتحاد جماهیر شوروی در خلیج فارس بود. با این حال دولت کارتر شماری سیگنال مثبت برای دولت انقلابی جدید ایران فرستاد اما این انتظار کارتر واقع بینانه نبود که انتظار داشت همان نظم امنیتی خلیج فارس که در زمان حکومت پادشاهی در ایران وجود داشت ادامه داشته باشد. تصرف سفارت آمریکا در تهران در نوامبر ۱۹۷۹ و حوادث متعاقب آن از جمله جنگ ایران و عراق بر روابط ایران و آمریکا و نظم امنیتی منطقه تأثیرات عمیقی گذاشت.

حمله اتحاد جماهیر شوروی سابق به افغانستان در دسامبر سال ۱۹۷۹ چهره این کشور به عنوان یک قدرت توسعه طلب که قصد افزایش نفوذ خود در خلیج فارس و اقیانوس هند را دارد تقویت کرد و این در حالی بود که آمریکا در منطقه با مشکل از دست دادن یک متحد اصولی به نام شاه مواجه شده بود. کارتر در سخنرانی خود برای اتحادیه ایالت ها در سال ۱۹۸۰ سیاست جدید آمریکا در خلیج فارس اعلام کرد. در این سخنرانی که به «دکترین کارتر» معروف شد رئیس جمهور آمریکا گفت: اجازه دهید موضع خودمان را کاملاً شفاف کنیم. هر گونه تلاشی از سوی نیروهای خارجی برای کنترل منطقه خلیج فارس به عنوان حمله به منافع حیاتی ایالات متحده آمریکا تلقی خواهد شد که به هر وسیله ای آن را دفع خواهیم کرد از جمله نیروی نظامی. شایان ذکر است که بگویم جیمی کارتر اولین رئیس جمهور آمریکا بود که خلیج فارس و امنیت آن را به عنوان «منافع حیاتی» آمریکا معرفی کرد.

رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی آمریکا تصریح کرد: از زمان سقوط صدام آمریکا امنیت خلیج فارس را «ناامنی ایران» تعریف کرده و همراه با متحدان خود این سیاست را به طور منسجم پیگیری کرده است. نظم امنیتی خلیج فارس به ویژه بعد از خروج انگلیس از منطقه خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ میلادی قابل تعریف است. حضور بریتانیا در این کرانه آبی سبب شده بود تا نظم امنیتی این منطقه شکل طبیعی به خود نگیرد. بعد از خروج بریتانیا و در جنگ سرد ایالات متحده آمریکا جای انگلیس را پر کرد. در دورانی که آمریکا ترجیح می داد نظم این منطقه توسط دولت های همسو با آن تأمین شود، ایران و عربستان در قالب استراتژی دو ستونی نیکسون-کیسینجر تأمین کننده منافع غرب در منطقه بودند. متعاقب انقلاب اسلامی، ایران از این استراتژی بیرون رفت. در دوره جنگ ایران و عراق سیاست مهار توسط آمریکا دنبال شد و دو کشور خارج از نظم امنیتی خلیج فارس قرار گرفتند.

تا کنون نیز نظم امنیتی خلیج فارس بدون حضور ایران و عراق و مبتنی بر چتر حمایتی آمریکا دنبال می شود. نظمی که نتوانسته امنیت را برای کشورهای منطقه به دنبال داشته باشد. چرا که ماهیت این نظم متناسب با نیازهای امنیتی ایالات متحده آمریکاست.

بررسی نظم امنیتی خلیج فارس را در رهگذر تاریخ در گفتگو با پروفیسور نادر انتصار رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی آمریکا مورد بررسی قرار داده ایم که در ادامه می آید. کتاب «سیاست کردها در خاورمیانه» از جمله آثار انتصار و جزو منابع مرجع در حوزه مطالعات کردی در خاورمیانه است.



|| در سال ۱۹۷۱ انگلستان منطقه خلیج فارس را ترک کرد. از منظر تأثیر نفوذ قدرت های اصلی، از آن زمان به بعد نظم امنیتی خلیج فارس چگونه شکل گرفته است؟
آمریکا نگران بود که خروج انگلیس از منطقه خلیج فارس خلاء امنیتی در دوران جنگ سرد واشنگتن یعنی اتحاد جماهیر شوروی سابق قرار گیرد و به نفع آن تمام شود. به همین دلیل در این فضا آمریکا تصمیم به اجرای دکترین نیکسون در منطقه گرفت و این دکترین را از طریق استراتژی موسوم به «دو ستونی» که قبلاً به آن اشاره کردم پیش برد. دشوار است که تصور کنیم این استراتژی «دو ستونی» در طول این سالیان طولانی چگونه کار کرده و با وجود پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۸-۱۹۷۹ فرو نریخته

دار شوند. ذکر این نکته اهمیت دارد که نیکسون مداخله نظامی مستقیم آمریکا درگیری های جهانی را رد نکرد بلکه تأکید بیشتری بر نقش متحدان منطقه ای آمریکا در دفاع از منافع خودشان داشت. با خروج قریب الوقوع انگلستان از خلیج فارس و با در نظر گرفتن این مطلب که شمار نیروهای آمریکا در هند و چین بسیار زیاد شده است، دکترین نیکسون در خلیج فارس به سمت استراتژی جایگزینی یا استراتژی «دو ستونی» برای دفاع از امنیت منطقه حرکت کرد و تکامل یافت. در نظم امنیتی مورد نظر طراحی شده آمریکایی ها، ایران و عربستان سعودی دو رکن و ستون امنیت خلیج فارس بودند که در این میان ایران نقش مسلط را داشت. البته در اینجا نیازی نیست که یادآور شوم بعد از انقلاب اسلامی ایران و سقوط پهلوی در ایران استراتژی دو ستونی آمریکا در منطقه با تغییرات بنیادین روبرو شد.

|| به لحاظ تاریخی برای اولین بار ایده نظم امنیتی خلیج فارس چه زمانی مطرح شد؟ به عبارت دیگر از چه زمانی می توانیم نظم امنیتی خلیج فارس را قابل تعریف بدانیم؟
ریشه های نظم امنیتی معاصر خلیج فارس را می توان در زمان ریاست جمهوری ریچارد نیکسون زمانی که آمریکا شروع به بسط سیاست های خود در خلیج فارس کرد، پیدا کرد. بنیان این سیاست در آنچه که به دکترین نیکسون مشهور است گنجانده شد. وقتی که ریچارد نیکسون در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۶۸ آمریکا به پیروزی رسید، آمریکا به شدت درگیر جنگ ویتنام بود.

تا اوایل سال ۱۹۶۹ شمار کشته های آمریکا در جنگ به ۳۰ هزار نفر رسیده بود و شمار زیادی هم ویتنامی در طرف دیگر کشته شده بودند. همچنین تا زمانی که نیکسون دولت را تحویل بگیرد افکار عمومی مردم آمریکا با ادامه جنگ ویتنام مخالف شده بود. نیکسون در رقابت های انتخاباتی به مردم آمریکا وعده داد که به جنگ پایان دهد و نیروهای آمریکایی را طبق یک جدول زمانی از جنگ خارج کند.

نیکسون در کنفرانس مطبوعاتی خود در ۲۵ جولای ۱۹۶۹ در گوام ایده پایان دادن به حضور آمریکا در جنگ پرهزینه ویتنام را مطرح کرد و شکل گیری چارچوب جدید سیاست خارجی آمریکا را پیش کشید. نیکسون در این کنفرانس شماری از موضوعات و سرفصل ها را مطرح کرد. یکی از مهمترین موضوعاتی که نیکسون مطرح کرد این بود که آمریکا آماده کمک و همکاری دفاعی با متحدان و دوستان خود است اما مسئولیت کامل دفاع از ملل آزاد جهان را به دوش نخواهد گرفت.

این به آن معنی بود که متحدان آمریکا در آسیا باید سهم زیادی از مسئولیت دفاع و تأمین امنیت خود را عهده دار شوند. یعنی اینکه از این به بعد متحدان آمریکا نیروی نظامی حاضر در میدان را باید خودشان تأمین کنند و در صورت درخواست آنها آمریکا نیز با ارائه «چتر هسته ای» حمایتی به آنها کمک خواهد کرد. نیکسون با این سخنان زمینه را برای طرح سیاست «ویتنامیزه کردن» خود فراهم می کرد که با این سیاست مسئولیت نبردها در هند و چین از نیروهای آمریکایی به ارتش ویتنام جنوبی منتقل می شد.

وی در ۳ نوامبر ۱۹۶۹ در سخنانی تحت عنوان «خطاب به ملت در جنگ ویتنام» بیشتر درباره دیدگاه جدید خودش درباره نقش آمریکا در جهان توضیح داد. نیکسون در این سخنرانی بیان کرد که آمریکا به کمک های نظامی و اقتصادی خود به کشورهایی که آزادی هایشان مورد تهدید قرار گرفته پایان خواهد داد و این کشورها خودشان باید مسئولیت اولیه دفاع از خودشان را عهده

|| بعد از سقوط صدام حسین دیکتاتور سابق عراق در پی حملات آمریکا، آیا تغییری در تعریف آمریکا از نظم امنیتی خلیج فارس ایجاد شد؟

از زمان پیروزی انقلاب ایران، آمریکا بر یافتن راهکارهایی پیچیده و امکانپذیر برای «مهار» ایران متمرکز بوده است و کارهای زیادی هم در این راستا انجام داده از جمله تحمیل مجموعه ای از تحریم ها که تاریخ آنها به سال ۱۹۷۹ برمی گردد. همچنین با نظامی سازی منطقه و فروش تسلیحات نظامی پیشرفته به متحدان و کشورهای پیرو خود در منطقه حتی آمریکا برای مهار ایران در طول جنگ ایران و عراق به حمایت های مستقیم و غیر مستقیم از صدام هم روی آورد. از زمان سقوط رژیم صدام، آمریکا امنیت خلیج فارس را «ثامنی ایران» تعریف کرده است و همراه با متحدان خود این سیاست را بطور منسجم پیگیری کرده است. سیاست مبتنی بر «ایران هراسی» و نظامی کردن منطقه نتوانسته است منجر به یک نظم امنیتی منطقه ای مطمئنی شود. مثلاً بر اساس گزارش «توازن

نظامی ۲۰۱۵» که توسط موسسه بین المللی مطالعات استراتژیک انگلستان منتشر شده است، عربستان سعودی با داشتن ۸۰ میلیارد دلار بودجه دفاعی بعد از آمریکا و چین بیشترین هزینه های نظامی را در جهان دارد. با این حال می توان گفت که هزینه های سرسام آور نظامی عربستان نتوانسته است منجر به یک عربستان سعودی امن یا خلیج فارس امن شود و حتی بر عکس، منطقه در مقایسه با ۴ دهه قبل بی ثبات تر است.

|| بطور کلی تعریف آمریکا از نظم امنیتی خلیج فارس چیست؟ آیا این تعریف می تواند امنیت متحدان منطقه ای این کشور را تضمین کند؟

تعریف آمریکا از نظم امنیتی خلیج فارس شبیه به یک هدف متحرک است که بر اساس دینامیک های منطقه و فرا منطقه ای تغییر می کند. در دوران جنگ سرد دینامیک های دو قطبی جهانی و منطقه ای پارامترهای مجموعه امنیتی خلیج فارس را تعریف می کردند. با دور شدن از فضای دو

قطبی جنگ سرد و حرکت به سمت یک ساختار قدرت چند مرکزی تر تبعاتی را برای برداشت امنیتی دوره دو قطبی داشته است. برای ایالات متحده آمریکا «تهدید ایران» جایگزین تهدید اتحاد جماهیر شوروی شد که تعریفش هنوز بطور کامل توضیح داده نشده است. این تعریف نه تنها عاری از هر گونه مبانی ماهوی است بلکه دستور العملی است برای درگیری های مداوم و بی پایان منطقه.

|| آمریکا تاکیدش بر «امنیت دولتی» (State security) متحدانش در منطقه است. اما عواملی که امنیت متحدانش را تهدید می کند عوامل داخلی هم هستند. منظورم این است که دولت های غیر دموکراتیک مطالبات شهروندان خود را نادیده می گیرند. با در نظر گرفتن این حقیقت آمریکا چگونه می تواند این تضاد (حفظ ثبات متحدان در تضاد با دموکراسی) را حل کند؟

تعریف آمریکا از نظم امنیتی خلیج فارس شبیه به یک هدف متحرک است که بر اساس دینامیک های منطقه و فرا منطقه ای تغییر می کند. در دوران جنگ سرد دینامیک های دو قطبی جهانی و منطقه ای پارامترهای مجموعه امنیتی خلیج فارس را تعریف می کردند. با دور شدن از فضای دو

نظامی که بطور سنتی تعریف می شود تنها یکی از اجزای پدیده پیچیده تر است. در طول جنگ سرد برای ایالات متحده آمریکا آسان تر بود تا ابعاد غیرنظامی امنیت را با متمرکز شدن اولیه بر روی تأمین کمک های نظامی به کشورهای پیرو خود در جهان سوم نادیده بگیرد. البته این یک سیاست کوتاه بینانه بود که اثرات متعاقب متعددی هم برای آمریکا در پی داشت. در سال های اخیر برخی از رهبران آمریکا با آکراه به اشتباهاتشان در دوران جنگ سرد اذعان کرده اند. با این حال توبه گری مرگ است و آمریکا با حمایت های لفظی از حفظ ارزش های دموکراتیک، بار دیگر به سیاستهای گذشته بازگشته و یک «مجموعه امنیتی» ایجاد کرده است که شدیداً وابسته به سرپا نگهداشتن نظام های سیاسی غیر دموکراتیک و قدیمی منطقه است. به نظر می رسد ایالات متحده آمریکا نه تنها قابلیت کنار گذاشتن عادات های قبلی خود را ندارد بلکه قصد این کار را هم ندارد. آمریکا امنیت را در امنیت گذرای رژیم های حاکم در بیشتر مناطق خاورمیانه تعریف کرده است.

کبوترهای سیاه بلای جان اوباما! / آیا کاخ سفید تسویه حساب می کند؟

حنیف غفاری

پس از اعلام مخالفت رسمی چاک شومر با توافق نهایی، چهار تن دیگر از سناتورهای دموکرات مانند «باب مندز»، «پتی مورای»، «باب کیسی» و «رون ویدن» جرات بیشتری برای ابراز مخالفت با برجام پیدا کرده اند. رای منفی سناتور «چاک شومر» به توافق هسته ای ایران و اعضای ۵+۱، جنجال زیادی را در میان طرفداران حزب دموکرات آمریکا ایجاد کرده است. سناتور شومر به لحاظ اعتباری سومین سناتور دموکرات کنگره و از اصلی ترین طرفداران لابی آپیک محسوب می شود. با این حال کمتر کسی تصور می کرد وی مخالفت مطلق خود با توافق نهایی را اعلام و بر روی آن تاکید نماید. تا این لحظه ۱۶ سناتور دموکرات موافقت مطلق خود را با توافق نهایی میان ایران و اعضای ۵+۱ و متن برجام اعلام کرده و به دفاع از آن پرداخته اند. به نظر می رسد پس از اعلام مخالفت رسمی چاک شومر با توافق نهایی، چهار تن دیگر از سناتورهای دموکرات مانند «باب مندز»، «پتی مورای»، «باب کیسی» و «رون ویدن» جرات بیشتری برای ابراز مخالفت با توافق صورت گرفته پیدا کرده اند. اگرچه مقامات کاخ سفید در صددند اعلام مخالفت سناتور شومر با توافق هسته ای را موضوعی عادی جلوه دهند، اما به نظر می رسد اصلی ترین ترس مقامات دولت اوباما، استمرار این روند در سنای آمریکا و حتی در مجلس نمایندگان است. ابراز مخالفت سناتورهای حزب دموکرات با توافق هسته ای هزینه سختی برای دولت اوباما خواهد داشت زیرا تقریباً کمتر سناتور جمهوری خواهی وجود دارد که قصد پیوستن به حامیان توافق نهایی با ایران را داشته باشد. در این میان تنها سناتور «جف فلیک» از حزب جمهوری خواه نسبت به دادن رای مثبت به توافق نهایی با ایران تمایل دارد. البته او نیز رای مثبت خود را هنوز ابراز نکرده است. هم اکنون اوباما نگران یارگیری بیشتر حزب جمهوری خواه و لابی آپیک از دموکرات هاست. این یارگیری مدت هاست آغاز شده است. عدم ابراز موافقت قطعی ۲۸ سناتور



دموکرات با توافق نهایی، بر نگرانی های اوباما افزوده است. رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا جهت استفاده از حق وتوی خود در برابر رای منفی کنگره، حداقل به رای مثبت ۳۴ سناتور دموکرات نیازمند خواهد بود. از این رو حداقل باید ۱۸ سناتور دیگر حمایت قاطعانه خود را از توافق هسته ای نهایی با ایران اعلام کنند. با این حال تملل ۲۸ سناتور دموکرات در ابراز این موافقت بر دامنه نگرانی های اوباما و جان کری افزوده و از همین رو طی روزهای اخیر جلسات متعددی میان ارنست مونیز و جان کری با سناتورهای حزب دموکرات برگزار شده است. البته هنوز از خروجی این جلسات اخباری در دست نیست، اما نگاه انتقادی سناتورهایی مانند باب مندز نسبت به توافق نهایی به قوت خود باقی مانده است. در دوران ریاست جمهوری جرج واکر بوش نیز «کبوترهای

سیاه» به بلای جان حزب دموکرات تبدیل شده بودند. یکی از این سناتورها «جو لیبرمن» بود. فردی که با وجود تعلق خاطر حزبی به دموکرات ها، در همه تصمیم گیری های خود تابع حزب جمهوری خواه و شخص جرج بوش بود. او از جنگ عراق، افزایش بودجه های جنگی و... حمایت می کرد و حتی در جریان رقابت های انتخاباتی سال ۲۰۰۸ ایالات متحده آمریکا نیز در کمال ناباوری بسیاری از دموکرات ها، در ستاد انتخاباتی «جان مک کین» مشغول به فعالیت شد. او رویکرد جنگ طلبانه جرج بوش و جان مک کین را بارها مورد حمایت قرار داد. هم اکنون دیگر از جو لیبرمن در سنای آمریکا خبری نیست اما افرادی مانند «چاک شومر» جای وی را پر کرده اند. چاک شومر طی روزهای اخیر به نماد کارشکنی در حزب دموکرات آمریکا تبدیل شده و سران حزب دموکرات موضوع اخراج وی از حزب یا محدود کردن دامنه فعالیت های سیاسی وی را در دستور کار قرار داده اند. از سوی دیگر کاخ سفید صراحتاً اعلام کرده است که حمایت های خود از شومر در انتخابات سنای سال ۲۰۱۶ را متوقف خواهد کرد. در هر صورت ابراز مخالفت چاک شومر با توافق هسته ای نهایی موضوعی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت. از دید بسیاری از تحلیلگران مسائل آمریکا، سناتور شومر راه را برای ابراز مخالفت صریح برخی دموکرات ها در قبال توافق نهایی هموار کرده است. در نهایت اینکه اوباما همچنان نسبت به بازی «کبوترهای سیاه» در زمین «باز» های آمریکا احساس ترس می کند. این احساس ترس تا زمانی که حداقل ۳۴ سناتور توافق قطعی خود را از برجام اعلام نکنند به قوت خود باقی خواهد ماند. به نظر می رسد طی یک هفته آتی، مواضع نهایی بسیاری از دموکرات ها در قبال توافق نهایی آشکار شود. در برهه فعلی رای هر یک از سناتورهای دموکرات برای اوباما تعیین کننده خواهد بود. البته فارغ از رای مثبت یا منفی سنا به توافق، در آینده شاهد تسویه حساب سیاسی سران ارشد حزب دموکرات با کبوترهای سیاه خواهیم بود.

گفتگو با سفیر سابق آمریکا در سوریه:

اوباما اگر بتواند رابطه آمریکا با ایران را گسترش می دهد

سفیر اسبق آمریکا در ۹ کشور عربی با اشاره ضمنی به کم کاری کشورهای عضو ائتلاف ضد داعش در مبارزه با این گروه تروریستی مدعی شد «اوباما» اگر بتواند روابط واشنگتن با تهران را افزایش می دهد.

خاورمیانه در حال تجربه کردن فضای جدیدی است زیرا از یک سو ترکیه با حمله به عراق و سوریه شرایط جدیدی را بوجود آورده و از سوی دیگر ایران و روسیه تلاش های جدیدی را برای پایان دادن به بحران سوریه آغاز کرده اند. این شرایط در حالی است که «باراک اوباما» در مصاحبه روز یکشنبه خود با شبکه سی ان ان از امکان برقراری همکاری سازنده با تهران به عنوان یکی از امتیازات جانبی توافق هسته ای ایران سخن گفت اما مدعی شد که چنین همکاری در کوتاه مدت عملی نخواهد شد.

در همین رابطه با «ویلیام روو» (William Rugh) سفیر اسبق آمریکا در امارات، یمن و سوریه به گفتگو نشستیم. ویلیام روو از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۵ کارمند وزارت خارجه آمریکا بوده و در این مدت در ۹ کشور عربی از جمله یمن، امارات، عربستان سعودی و سوریه به عنوان سفیر و یا دیپلمات حضور داشته است.

روو هم اکنون از اساتید دانشگاه تافتز است و به تدریس دیپلماسی عمومی در این دانشگاه اشتغال دارد. وی همچنین به عنوان کارشناس ارشد در «موسسه خاورمیانه» واشنگتن نیز حضور دارد. متن این گفتگو به شرح زیر است:



است با این وجود مداخله نظامی سعودی ها در یمن موجب بازگست منصور هادی به قدرت و یا پایان تحرکات حوثی ها نشده است از همین رو می توان گفت که توانایی عربستان برای تاثیر گذاری در تحولات یمن محدود است.

آمریکا تاکنون بطور مستقیم در تحولات یمن ورود نظامی نداشته و فقط از عملیات نظامی عربستان حمایت محدودی را کرده است. منافع آمریکا در یمن اساسا کمک به مبارزه با القاعده است که بطور مستقیم منافع ایالات متحده را تهدید می کند و واشنگتن برای رسیدن به این هدف (مبارزه با القاعده) در پی بازگرداندن ثبات به یمن است. حوثی ها نیز در یمن علیه القاعده فعالیت می کنند اما باید بگویم تا زمانیکه ثبات در یمن برقرار نشود هیچ شریک و همپیمان قدرتمندی در یمن برای همکاری با آمریکا علیه

انجام نمی دهند، به نظر شما چرا کشورهای غربی در این مورد سکوت کرده اند؟

شرایط مشکل موجود در یمن توسط عواملی همچون مشکلات داخلی از جمله شرایط بد اقتصادی و جنگ داخلی، و مشکلات خارجی همچون بمباران و تحریم بوجود آمده اند. غرب در گذشته میلیون ها دلار کمک اقتصادی به یمن ارائه می کرد اما وقوع جنگ در این کشور موجب شده تا ارائه کمک ها متوقف شوند. غرب هیچ قدرتی برای متوقف کردن جنگ داخلی در یمن و یا حتی متوقف کردن بمباران این کشور و پایان دادن به تحریم ها ندارد. این موارد (بمباران و وضعیت بد مردم یمن) همگی خارج از کنترل آمریکا و دیگر کشورهای غربی هستند.

در پاسخ به اینکه چگونه می توان به این جنگ یمن پایان داد باید بگویم که اراده پایان دادن به این وضعیت تنها زمانی ممکن خواهد بود که تمامی گروه های یمنی به همراه حامیان خارجی خود با یک راه حل سیاسی مناسب موافقت کنند. کشورها و قدرت های خارجی نمی توانند راه حلی را به یمنی ها تحمیل کنند و در این میان حضور میانجیان بی طرف همچون سازمان ملل و یا عمان می تواند به تسهیل راه حل صلح کمک کند.

شما به این نکته اشاره کردید که کشورهای غربی قدرتی برای تغییر وضعیت موجود در یمن ندارند، آیا حقیقت ماجرا به همین شکل است یا آنکه رابطه خاص عربستان با کشورهای غربی موجب شده تا آنها در مورد یمن سکوت کنند؟

بسیاری از مردم از جمله خود آمریکایی ها در مورد قدرت ایالات متحده برای تاثیر گذاری در تحولات کشورهای خارجی غلو می کنند. وضعیت فعلی یمن نتیجه انتخاب مردم این کشور و عواملی است که ریشه در تحولات داخلی یمن دارند. عربستان سعودی از همسایگان یمن است و در تمامی زمینه ها از این کشور قویتر

برخی کارشناسان معتقدند که بعد از حصول توافق هسته ای میان ایران و کشورهای +۱، شروع به همکاری با ایران در موضوعات منطقه ای همچون سوریه کرده اند و این موجب شکل گیری فضایی جدید در خاورمیانه شده است. آیا شما با این دیدگاه موافق هستید؟

اوباما تاکید کرده که هدف از مذاکرات با ایران فقط برای حل موضوع هسته ای بوده که در ماه گذشته به نتیجه رسید. هر چند اوباما هیچگاه به صراحت موضوع هسته ای ایران را به دیگر موضوعات موجود در منطقه مرتبط نکرده است اما با این وجود وی زمانیکه به ریاست جمهوری آمریکا رسید اعلام کرد که علاقه مند است تا با ایران رابطه داشته باشد و این روشن است در آینده وی دوست دارد رابطه با ایران را در سایر موضوعات گسترش دهد.

من هیچ شکی در این مورد ندارم که اگر اوباما بتواند، رابطه آمریکا با ایران را گسترش می دهد اما این گسترش رابطه به تهران نیز بستگی دارد. ابتدا باید توافق حاصل شده به اجرا گذاشته شود آنگاه ما شاهد خواهیم بود که آیا گسترش روابط امکان پذیر است یا خیر. از همین رو باید منتظر اجرای این توافقنامه بود.

یمن در ماه های اخیر با شرایط بحرانی مواجه بوده اما کشورهای غربی اقدام مناسبی را برای پایان دادن به این وضعیت

همانطور که مطلع هستید ایران و روسیه اقدام جدیدی برای برقراری صلح در سوریه آغاز کرده اند. شما این تلاش جدید تهران و مسکو را چطور ارزیابی می کنید؟

حمایت ایران و روسیه از یک راه حل سیاسی که مورد حمایت سوری ها بوده و می تواند منجر به شکل گیری راهی برای پایان دادن به بحران چهار ساله سوریه شود، اما هنوز زود است که در مورد اینکه آیا این تلاش ها به نتیجه می رسند یا خیر قضاوت کنیم. نتیجه این تلاش ها را مذاکراتی که در این رابطه در جریان است نشان خواهد داد.

یک سال از تشکیل ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا می گذرد و در این مدت با وجود حملات متعدد کارشناسان اعتقاد دارند که ائتلاف ضد داعش نتوانسته به اهداف خود برسد. نظر شما در این رابطه چیست؟

«باراک اوباما» رئیس جمهور آمریکا، در زمان شکل گیری این ائتلاف اعلام کرد که شکست داعش زمان بر است و رسیدن به این هدف نیازمند همکاری و حضور فعال کشورهای عضو این ائتلاف و اینکه هر یک از آنها به تعهدات خود عمل کنند وابسته است. با این اوصاف هنوز زود است که در مورد بازدهی این ائتلاف صحبت کنیم اما با این وجود معتقدم که کشورهای منطقه خاورمیانه می توانند اقدامات بیشتری برای شکست داعش انجام دهند.

هر چند اوباما هیچگاه به صراحت موضوع هسته ای ایران را به دیگر موضوعات موجود در منطقه مرتبط نکرده است اما با این وجود وی زمانیکه به ریاست جمهوری آمریکا رسید اعلام کرد که علاقه مند است تا با ایران رابطه داشته باشد

القاعده وجود نخواهد داشت. باید این نکته را نیز متذکر شد که به دلیل وضعیت موجود در یمن القاعده در حال قدرت گرفتن در این کشور است. گذشته از این موضوع آمریکا منافع زیاده دیگری در منطقه دارد که ربطی به موضوع یمن ندارند منافی همچون توافق هسته ای ایران، بحران سوریه، داعش و مشکلات داخلی عراق، که البته در تمامی این موارد عربستان می تواند به آمریکا کمک کند اما تاکنون چنین چیزی اتفاق نیفتاده است.

رجز خوانی خنده دار «اردک لنگ» برای ایران؛

«اوباما» پاسخ «اوباما» را داد!



اوباما در آخرین سال ریاست جمهوری خود از قدرت چندانی برای مانور سیاسی در مسائل داخلی و خارجی برخوردار نیست. اردک لنگ (Lame duck) لقبی است که در ادبیات سیاسی آمریکا کاربرد ویژه دارد! اردک لنگ به رئیس جمهور گفته می شود که به واسطه حضور در آخرین سال و آخرین ماههای حضور خود در قدرت، عملا قدرت اتخاذ تصمیم های اساسی و اجرایی تعیین کننده را در سیاست داخلی و خارجی کشورش را ندارد و قدرت مانور آن در برابر مخالفان سیاسی به اندازه زیادی محدود شده است. هر اندازه به ماه نوامبر سال ۲۰۱۶ میلادی (آذرماه سال ۱۳۹۵) یعنی زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آتی آمریکا نزدیک تر می شویم، قدرت مانور سیاسی اوباما در کاخ سفید کمتر می شود، خصوصا اینکه کنگره آمریکا متشکل از جمهوریخواهان مخالف دولت وی است.

هم اکنون اصلی ترین دغدغه اوباما، تصویب جمع بندی نهایی مذاکرات هسته ای ایران و اعضای ۵+۱ در کنگره آمریکا است. دغدغه ای که باعث شده است پس از اعلام جمع بندی مذاکرات، افرادی مانند جان کری، ارنست مونیز و وندی شرمن راهی کنگره شوند و در دفاع از توافق صورت گرفته به بحث و جدل با سناتورها و نمایندگان بپردازند.

در این میان، یکی از اصلی ترین مأموریت های اوباما در آخرین سال ریاست جمهوری خود از قدرت چندانی برای مانور سیاسی در مسائل داخلی و خارجی برخوردار نیست. اردک لنگ (Lame duck) لقبی است که در ادبیات سیاسی آمریکا کاربرد ویژه دارد! اردک لنگ به رئیس جمهور گفته می شود که به واسطه حضور در آخرین سال و آخرین ماههای حضور خود در قدرت، عملا قدرت اتخاذ تصمیم های اساسی و اجرایی تعیین کننده را در سیاست داخلی و خارجی کشورش را ندارد و قدرت مانور آن در برابر مخالفان سیاسی به اندازه زیادی محدود شده است. هر اندازه به ماه نوامبر سال ۲۰۱۶ میلادی (آذرماه سال ۱۳۹۵) یعنی زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آتی آمریکا نزدیک تر می شویم، قدرت مانور سیاسی اوباما در کاخ سفید کمتر می شود، خصوصا اینکه کنگره آمریکا متشکل از جمهوریخواهان مخالف دولت وی است.

هم اکنون اصلی ترین دغدغه اوباما، تصویب جمع بندی نهایی مذاکرات هسته ای ایران و اعضای ۵+۱ در کنگره آمریکا است. دغدغه ای که باعث شده است پس از اعلام جمع بندی مذاکرات، افرادی مانند جان کری، ارنست مونیز و وندی شرمن راهی کنگره شوند و در دفاع از توافق صورت گرفته به بحث و جدل با سناتورها و نمایندگان بپردازند.

در این میان، یکی از اصلی ترین مأموریت های اوباما در آخرین سال ریاست جمهوری خود از قدرت چندانی برای مانور سیاسی در مسائل داخلی و خارجی برخوردار نیست. اردک لنگ (Lame duck) لقبی است که در ادبیات سیاسی آمریکا کاربرد ویژه دارد! اردک لنگ به رئیس جمهور گفته می شود که به واسطه حضور در آخرین سال و آخرین ماههای حضور خود در قدرت، عملا قدرت اتخاذ تصمیم های اساسی و اجرایی تعیین کننده را در سیاست داخلی و خارجی کشورش را ندارد و قدرت مانور آن در برابر مخالفان سیاسی به اندازه زیادی محدود شده است. هر اندازه به ماه نوامبر سال ۲۰۱۶ میلادی (آذرماه سال ۱۳۹۵) یعنی زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آتی آمریکا نزدیک تر می شویم، قدرت مانور سیاسی اوباما در کاخ سفید کمتر می شود، خصوصا اینکه کنگره آمریکا متشکل از جمهوریخواهان مخالف دولت وی است.

جرات و جسارت حمله به ایران را نداشته است. در هر صورت، تهدید کاخ سفید مبنی بر استفاده از گزینه نظامی علیه ایران از یک سو و هشدار اوباما نسبت به عواقب و تبعات چنین حمله ای از سوی دیگر، نشان دهنده بحران فکری و پارادوکس آزردهنده ایست که ذهن مقامات آمریکایی را نسبت به خود مشغول ساخته است.

در اینجا اساسا اهمیتی ندارد که جان کری و اوباما با چه هدفی از آمدگی خود برای استفاده از گزینه نظامی علیه ایران سخن می گویند، بلکه آنچه موضوعیت دارد، استیصال دو حزب دموکرات و جمهوریخواه آمریکا در مواجهه با «ایران قدرتمند» محسوب می شود. این استیصال برآمده از واقعیتاتی است که امروزه در خاورمیانه و نظام بین الملل وجود دارد. واقعیتاتی که منجر به حضور مستمر آمریکا و متحدان آن پای میز مذاکره با ایران و در نهایت به رسمیت شناخته شدن حق استفاده از انرژی هسته ای توسط ایران شد.

اعلام کرد: «جنگ با ایران برای آمریکا و حتی بیشتر از آن برای اسرائیل می تواند یک فاجعه باشد... در صورتی که ما به ایران حمله کنیم، حزب الله اسرائیل را موشکباران خواهد کرد...»

به عبارت بهتر، اوباما خود پاسخ ادعایش در خصوص آمادگی استفاده از گزینه نظامی علیه ایران را به بهترین نحو ممکن داده است!

نکته مهم تر اینکه حتی اوباما در همان جمع یهودیان آمریکا به صورت تلویحی گزارفه گویی های بوش پسر در خصوص حمله نظامی به ایران را نیز رد کرده و آن را دروغ دانسته است: «وقتی من به مقام ریاست جمهوری آمریکا رسیدم و قدرت را در اختیار گرفتم، فهمیدم که دولت بوش طرحی را برای حمله نظامی به ایران آماده نکرده بوده است.»

اوباما با این اظهار نظر، پیام مستقیمی را به طرفداران گزینه نظامی علیه ایران مخابره کرده است، اینکه حتی دولت نوحفاظه کار جرج واکر بوش نیز در عمل

چین تنها نیست؛ تجار روسی هم مراقب تحریم های واشنگتن باشند



یک خبرگزاری غربی مدعی شد که تحریم های آمریکا به بهانه ممانعت از سرقت اینترنتی تنها متوجه تجار چینی نخواهد بود و احتمالا روسیه نیز از این بابت متضرر می شود.

ادعای کاخ سفید مبنی بر آغاز کمپین مبارزه با سرقت اینترنتی و جاسوسی اقتصادی یکی دو روزی است که با درج خبری در روزنامه «واشنگتن پست» مبنی بر اعمال تحریم علیه برخی از شرکت ها و تجار چینی بر سر زبان ها افتاده است.

اما خبرگزاری «رویترز» از قول برخی منابع آگاه نوشت که دایره این تحریم ها از کشور چین فراتر رفته و احتمالا روسیه را نیز در بر خواهد گرفت که این خود می تواند در ادامه اعمال فشار های یک سال اخیر به بهانه موضع گیری کاخ کرملین در قبال بحران اوکراین و الحاق منطقه خودمختار «کریمه» به خاک روسیه، به افزایش تنش ها بین مسکو و واشنگتن منجر شود.

داستان این تحریم ها ریشه در سرقت های اینترنتی دارد که با اعلام رسمی دولت واشنگتن در اواسط ژوئن سال میلادی جاری انگشت اتهام کاخ سفید را متوجه هکرهای خارجی به ویژه چینی کرد. ادعا می شود که در جریان این سرقت، هکرها به اطلاعات بیش از ۴ میلیون کارمند فدرال دسترسی پیدا کرده اند.

البته احتمال اینکه تحریم های مطرح شده پیش از سفر ماه سپتامبر «شی جینپینگ» رئیس جمهوری چین، اعمال شود بسیار کم است و در مورد دوم نیز سفارت روسیه در واشنگتن حاضر به پاسخگویی به خبرگزاری رویترز نشد. «جاش ارنست» سخنگوی کاخ سفید هم از تأیید این مطلب که ممکن است شرکت ها و تجار چینی هدف تحریم های آمریکا قرار بگیرند طفره رفت با این حال تأکید کرد که دغدغه های امنیت سایبری آمریکا برای پکن تازه کی ندارد و مایه تعجب آن نخواهد بود.

وی در ادامه صحبت های خود گفت: عاقلانه نیست که درباره اهدافی که احتمالا مورد تحریم واقع می شوند صحبت کنیم چرا که به این ترتیب به آنها فرصت اتخاذ اقدامات لازم برای گریز از آن تحریم ها را می دهیم.

خط و نشان «موو آن» برای مخالفان توافق هسته ای در آمریکا



گروه «موو آن» اعلام عدم حمایت مالی از «چاک شامر» سناتور حزب دموکرات و یکی از مخالفان توافق هسته ای با ایران است.

در کمپین های انتخاباتی، حمایت مالی دو حزب دموکرات و جمهوری خواه از نامزدهایشان اهمیت زیادی در انتخاب دوباره آنها در سنا یا مجلس نمایندگان دارد. به عبارت بهتر، اعلام عدم حمایت «موو آن» از نامزدهای مخالف توافق هسته ای با ایران نقش مهمی در بازدارندگی برخی سناتورهای دموکرات در اعلام نظر منفی در قبال توافق نهایی با ایران دارد.

در این میان گروه «موو آن» از سناتورهای و اعضای مجلس نمایندگان حزب دموکرات خواسته است ضمن مشخص کردن رای نهایی خود در قبال توافق نهایی با ایران، مسئولیت های ناشی از رای منفی خود نسبت به این توافق و ایزوله شدن در حزب دموکرات را بپذیرند.

پیامهای «موو آن» در سایت این گروه به نشانی <http://petitions.moveon.org> منتشر می شود. در یکی از آخرین پیام های این گروه آمده است: «چنان

راست ایدئولوگ - جمهوری خواهان افراطی و نومحافظه کاران - قصد دارند با برهم زدن توافق هسته ای با ایران ما را به سوی جنگ تازه ای بکشاند. ما به شما سیاستمداران آمریکایی و مردم این کشور توصیه می کنیم که با حمایت از

توافق هسته ای مانع از وقوع جنگی تازه در خاورمیانه شوید» بدون شک طی روزهای آتی گروه «موو آن» نقش پررنگ تری در معادلات سیاست خارجی آمریکا پیدا خواهد کرد

و با برگزاری تظاهرات هایی که این گروه در حمایت از توافق هسته ای با ایران ترتیب خواهد داد، بر تعداد اعضا و هواداران آن به صورت تصاعدی افزوده خواهد شد. البته این فعالیت و عضو گیری ممکن است به موضوع هسته ای ایران محدود نماند و دیگر موضوعات و حوزه های سیاست خارجی آمریکا را نیز در بر بگیرد.

زدن توافق نهایی با ایران آگاه نماید. گروه موو آن در آن برهه زمانی موفق عمل کرد و توانست در کنار کاخ سفید و نهادهای رسمی آمریکا، نقش مهمی در مهار کنگره جهت وضع تحریم های بیشتر ایفا کند.

هم اکنون گروه «موو آن» ارتباط مستقیمی با حزب دموکرات، کاخ سفید و لابی «جی استریت» - که یک لابی لیبرال یهودی حامی توافق هسته ای با ایران است - دارد و فعالیت های آن پس از قرائت بیانیه لوزان در فروردین ماه و متعاقباً جمع بندی مذاکرات هسته ای در تیرماه امسال، وارد فاز تازه ای شده است.

روزنامه «واشنگتن پست» در بخشی از گزارش خود درباره این گروه می نویسد: «کار «موو آن»، لابی گری و مدیریت افکار عمومی آمریکا به سود توافق هسته ای با ایران است. این گروه در صدد حفظ توافق هسته ای با ایران در فضای عمومی آمریکاست.»

بر این اساس و با توجه به بیانیه های صادر شده از سوی اعضای این گروه، می توان اهداف آنها را در برهه فعلی به شرح زیر اعلام کرد:

الف) اعمال فشار بر کنگره آمریکا جهت تصویب توافق نهایی با ایران

ب) افزایش هزینه برهم زدن توافق نهایی به ضرر جمهوری خواهان آمریکا

ج) مهار بازی نتانیاهو و لابی «آپیک» در مسیر مخالفت با توافق نهایی

د) ایزوله کردن دموکرات های مخالف توافق هسته ای با ایران

ه) برگزاری میتینگ ها و تظاهرات های گسترده در حمایت از توافق هسته ای با ایران

و) هشدار نسبت به وقوع جنگ جدید در صورت عدم رسیدن به توافق نهایی با ایران

در این میان، یکی از اصلی ترین مواضع اتخاذ شده از سوی

بیشترین تمرکز گروه «موو آن» - move on - در حین مذاکرات هسته ای ایران و اعضای ۵+۱، هشدار به کنگره بر سر وضع تحریم های جدید علیه ایران بود.

این روزها در پی تکاپوی کاخ سفید برای گرفتن تایید توافق هسته ای با ایران از دو مجلس کنگره و سنا، تحرکات گروهی موسوم به «موو آن» - move on - بیش از هر زمان دیگری در معادلات سیاست خارجی آمریکا جلب توجه می کند.

حمایت از توافق هسته ای با ایران و ابراز مخالفت صریح و علنی با مخالفان توافق در آمریکا و سرزمین های اشغالی کارویژه اصلی این گروه است.

در ماه مارس سال ۲۰۱۵ میلادی، زمانی که بنیامین نتانیاهو به دعوت «جان بینر» رئیس مجلس نمایندگان و از اصلی ترین مخالفان توافق نهایی با ایران در کنگره به سخنرانی پرداخت، گروه «موو آن» با صدور بیانیه ای با ۱۰۱۱ امضا اعلام کرد: «توافق نهایی با ایران هم اکنون در دسترس است پس نباید اجازه داد نتانیاهو و همراهانش این توافق را آن هم در حالی که هنوز متولد نشده است به شکست بکشاند»

بیشترین تمرکز گروه «موو آن» در حین مذاکرات هسته ای ایران و اعضای ۵+۱، هشدار به کنگره بر سر وضع تحریم های جدید علیه ایران بود.

سناتورهای مانند «جان مک کین»، «لیندسی گراهام» و «باب مندز» اصرار داشتند که تحریم های تازه ای علیه برنامه هسته ای ایران وضع شود، تحریم هایی که در امتداد همان تحریم های قبلی وضع شده از سوی ایالات متحده تعریف شده و منجر به برهم زدن توافق موقت ژنو با ایران گردد.

در آن زمان گروه «موو آن» دست به پارگیری گسترده ای در بین اساتید دانشگاه، افراد صاحب نفوذ در شبکه های اجتماعی، سرمایه گذاران ایرانی مقیم آمریکا و... زد تا بتواند افکار عمومی آمریکا را نسبت به خطرات ناشی از برهم

گفتگو با مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا:

رای منفی کنگره به «برجام» جهان را به آمریکایی اعتماد می کند

مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا با اشاره به موافقت ها و مخالفت های موجود در کنگره آمریکا با توافق هسته ای ایران، عنوان داشت که رای منفی به برجام موجب می شود تا کشورهای زیادی به آمریکایی اعتماد شوند.

کنگره آمریکا این روزها شاهد بررسی توافق هسته ای ایران است. موضوعی که بر اساس اعلام کاخ سفید مهمترین مورد مطرح شده در کپیتال هیل از زمان جنگ عراق تا کنون است. همزمان با این بررسی کاخ سفید نیز تلاش خود را برای افزایش حمایت از این توافق گسترش داده اما با این وجود این احتمال وجود دارد که قانونگذاران آمریکایی اقدام به رد این توافق کنند.

برای اطلاع بهتر از تاثیر رد احتمالی این توافق در کنگره بر روابط آمریکا با همپیمانانش با پروفیسور «دانیل سرور» مشاور سابق وزارت امور خارجه آمریکا گفتگو کردیم.

پروفیسور دانیل سرور از معروف ترین کارشناسان حاضر در میثت مدیریت جنگ، و از کارشناسان ارشد موسسه روابط دو سوی آتلانتیک و از اساتید دانشگاه جان هاپکینز است که سابقه فعالیت گسترده در مورد جنگ های عراق، افغانستان و بالکان را دارد و از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ به عنوان نماینده ویژه آمریکا در امر میانجیگری میان مسلمانان و کروات های یوگسلاوی فعالیت کرده است. متن این مصاحبه به شرح زیر است:



هایی که با ایران معامله می کنند از معامله با ایالات متحده محروم می شوند اما این امر مشکلات زیادی را میان آمریکا و متحدان نزدیکش بوجود می آورد.

|| به نظر می رسد که کشورهای اروپایی در مقایسه با آمریکا اشتیاق بیشتری برای احیای روابط خود با ایران دارند شما دلیل کم تحرکی شرکت های آمریکایی در مقایسه با اروپا را برای افزایش مناسبات با ایران چگونه ارزیابی می کنید؟

آمریکاییان نیاز بیشتری به نفت و گاز ایران دارند. شرکت هایی آمریکایی در مقایسه با شرکت های اروپایی علاقه کمتری برای داد و ستد با ایران دارند و جغرافیا تقذیر و سرنوشتی است که من از آن می ترسم.

امر (رای منفی کنگره به توافق هسته ای ایران) شبیه رای منفی سنا به طرح «لیگ ملت ها» خواهد بود که ۱۰۰ سال قبل انجام شد و منجر به انزوا و ضعیف شدن آمریکا گردید.

|| اگر کنگره آمریکا به توافق هسته ای ایران رای منفی بدهد آیا ممکن است که ایالات متحده و اروپا رویکرد متفاوتی را در قبال ایران پیش بگیرند؟ منظور این است که آیا ممکن است آنها روابط متفاوتی را با ایران داشته باشند و اروپا در مورد ایران از آمریکا پیروی نکنند؟

این امر امکان دارد، اگر چه امکان دارد که آمریکا بدنبال اعمال تحریم های ثانویه ای باشد که به موجب آن کشورها و شرکت

انگلیس، فرانسه و آلمان تصمیمات مهمی اتخاذ خواهند کرد اینکه آیا آنها این توافق را بطور کلی رها می کنند؟ یا آنکه این توافق را بدون حضور آمریکا اجرا می کنند. و اینکه اگر این توافق رها شود ایران چه خواهد کرد؟

|| «باراک اوباما» رئیس جمهور آمریکا در مصاحبه روز یکشنبه خود با شبکه سی ان ان عنوان داشت که نقش آمریکا در سیاست های جهان می تواند بواسطه توافق هسته ای ایران تحت تاثیر قرار گیرد، شما این وضعیت را چگونه توصیف می کنید؟

شکست این توافق موجب جدایی آمریکا از متحدانش شده و بسیاری از کشورها را نسبت به رهبری آمریکایی اعتماد می کند. این

|| همانطور که مطلع هستید آمریکا در حال بازیابی توافقی هسته ای ایران است و این امکان وجود دارد که قانونگذاران آمریکایی این توافق را رد کرده و آن را از بین ببرند، اگر چنین اتفاقی رخ دهد وضعیت بعد از آن چگونه خواهد بود؟

احتمال آن (رد شدن توافق هسته ای ایران در کنگره آمریکا) وجود دارد اما بعید است که قانونگذاران آمریکایی این توافق را از بین ببرند. اگر اعضای سنا و کنگره آمریکا بخواهند این توافق را از بین ببرند نیازمند کسب دو سوم رای مجلس نمایندگان و سنا هستند که البته رسیدن به این میزان رای مشکل است. اگر کنگره آمریکا توافق هسته ای ایران را از بین ببرد آنگاه ایران و پنج کشور باقی مانده یعنی روسیه، چین،

ترکیه شریک مناسبی برای آمریکادر جنگ با داعش نیست



آورده بود یعنی کردها را بمباران می کند. نویسنده با اشتباه خواندن تصمیم کاخ سفید در انتخاب ترکیه به عنوان شریک اصلی خود در جنگ علیه داعش می نویسد: رهبر دمدمی مزاج ترکیه به جنگ با داعش بسیار کمتر از احیای حاکمیت خود در داخل ترکیه اهمیت می دهد.

نویسنده با اشاره به همکاری گسترده کردها با آمریکا در ماه های گذشته در جنگ علیه داعش خواستار این شده است که اولویت اول واشنگتن حفظ ائتلاف با گروه های کرد در جنگ با داعش باشد.

نویسنده همچنین معتقد است که آمریکا نباید به ترکیه اجازه دهد تا هدف راهبردی کاخ سفید یعنی شکست دادن تکفیریهای داعش را از بین ببرد. به همین دلیل از مقامات آمریکایی می خواهد تا موضعی قدرتمندانه تر در برابر حملات اردوغان به کردها اتخاذ کنند.

تحلیلگر آمریکایی در مطلبی در رویترز تصمیم آمریکا در انتخاب ترکیه به عنوان شریک اصلی خود در مبارزه با داعش را اشتباه دانسته و بر حفظ ائتلاف آمریکا با کردها تاکید کرد.

خبرگزاری رویترز در مقاله ای به قلم «بلز میستزل» تحلیلگر آمریکایی انتخاب ترکیه به عنوان شریک آمریکا در جنگ علیه داعش را اشتباه کاخ سفید خواند.

در این مقاله با اشاره به گذشت مدت زمان طولانی از اعلام پیوستن ترکیه به جنگ علیه داعش آمده است: گمان می رفت بعد از پیوستن ترکیه به ائتلاف ضد داعش جنگ با این گروه تندرو شدت پیدا کند. ولی با گذشت چند روز مشخص شد رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه نه فقط نیروهای داعش را بمباران می کند بلکه بیشتر از داعش، تنها گروهی که در مهار کردن خطر داعش موفقیت نسبی به دست

سیگنال های ناموزون سناتور جمهوری خواه؛ «کورکر» همزمان خطر پذیرش و لغو توافق هسته ای را گوشزد می کند



با پس کشیدن از توافق هسته ای را گوشزد می کند. وی در این باره می نویسد: متأسفانه، توافق هسته ای دست ما را برای مقابله با تلاش های ایران می بندد. اگر کوششی برای پس کشیدن به خرج بدهیم، ایران با توجه به منابع مالی که در اختیارش قرار می گیرد و با توسل به تسریع رشد اقتصادی در سایه اتحاد با شرکای ما - که بر خوان پر نعمت فواید حاصل از تجارت با این کشور خواهند نشست - فعالیت های هسته ای خود را تشدید خواهد کرد. وی در ادامه می افزاید: این تصور که رئیس جمهور آینده آمریکا - به امید آنکه ایران فقیر و منزوی شود - از گزینه هایی مشابه با آنچه که امروز پیش روی ما است برخوردار خواهد بود، توهمی بیش نیست.

در نهایت، کورکر این ایده تکراری را پیش می کشد که ما به دنبال عدم توافق نیستیم بلکه در پی توافق جایگزینی هستیم که شرایط بهتری را برای آمریکا فراهم کند. وی در این خصوص می نویسد: در طول تاریخ، کنگره صدها توافق بین المللی را لغو کرده و یا تغییر داده است. بسیاری از این توافقی ها چند جانبه بوده اند و اینکه کاخ سفید مدعی است توافقی به غیر از آنچه که به دست آمده وجود ندارد تلاشی در جهت نادیده گرفتن نقش و اهمیت کنگره است. توافق به دست آمده فشار بر ایران را به امید ممانعت از ساخت سلاح اتمی تضمین نمی کند و در عوض آمریکا را با کشوری مواجه می سازد که برای رسیدن به اهداف خود در خاورمیانه به مراتب ثروتمندتر و توانمندتر خواهد بود. به همین دلیل کنگره باید توافق هسته ای را لغو کرده و آن را به رئیس جمهور ارجاع دهد.

لحن کلام کورکر که در طول یادداشت دو صفحه ای خود تا حد ممکن از تهدید فاصله گرفته، بیشتر حاصل سیگنال هشدار است که به طور همزمان به کاخ سفید و کنگره آمریکا گسیل می شود. این پیام که با برشمردن تهدیدهای برخاسته از تحکیم موقعیت ایران به واسطه توافق هسته ای آغاز می شود در میانه راه مسیر خود را تغییر داده و به خطرات ناشی از لغو توافق و تسریع فعالیت های هسته ای ایران در سایه رویگردانی متحدان آمریکا از ادامه تحریم ها می انجامد و در نهایت باز توافق را به امید یافتن جایگزینی بهتر به میز باراک اوباما ارجاع می دهد.

پس شاید بتوان یادداشت کورکر را پیش زمینه ای برای اثبات این فرضیه به حساب آورد که کنگره به خوبی از عدم تأثیرگذاری خود بر تفاهمی که در وین حاصل شد، آگاه است اما برای قدرتی که هم می شنود در دور نخست به آن رای منفی خواهد داد تا نتیجه نهایی را به وی و تسوی رئیس جمهور منوط کند. به این ترتیب، اکثریت جمهوری خواه کنگره آبروی خود را حفظ کرده و به تخطی از آرمان های حزبی محکوم نمی شود و همه بار مسئولیت را بر دوش رئیس جمهور دمکرات می گذارد. در نهایت، وقتی که بعد از همه کارشکنی ها توافق به نتیجه برسد، کنگره می تواند در حرکتی نمایشی التزام خود را به حفظ اتحاد کشور به نمایش بگذارد و پاسخ آری بدهد.

بین المللی انرژی اتمی اشاره کرده و مدعی می شود که آژانس، کاخ سفید و دیگر اعضای ۵+۱ برای آنکه خاطر رهبر ایران آشفته نشود به توافق سری با تهران رضایت داده اند. وی در این باره می نویسد: این موافقت نامه ها سری باقی می ماند اما ما به خوبی از ماهیت غیر معمول آنها آگاهی داشته و این را نشانه ای از ضعف گروه ۵+۱ در واداشتن ایران به مسؤولیت پذیری در قبال فعالیت های خود می دانیم. کورکر در بخشی از یادداشت خود مشکل فعلی آمریکا را بسیار فراتر از توافق هسته ای ایران ارزیابی می کند و آن را به عدم شفافیت سیاست واشنگتن در قبال منطقه خاورمیانه نسبت می دهد.

وی در توجیه ادعای خود می نویسد: مشکل بزرگتری که با آن روبرو هستیم از دایره توافق هسته ای ایران فراتر می رود. در فقدان وجود یک سیاست واضح و جامع در قبال منطقه، این توافق به رکن اصلی استراتژی خاورمیانه ای ایالات متحده آمریکا بدل خواهد شد. به این ترتیب ما برای رسیدن به اهداف خود در عراق و سوریه و شاید هر جای دیگر ناگزیر به ایران تکیه خواهیم کرد. توازن قدرت ناگهانی ممکن است دیگر کشورهای منطقه را به اقدامات مخاطره انگیز واداشته و به بی ثباتی منطقه دامن بزند. کورکر در ادامه مدعی می شود: ایران به خوبی از این واقعیت آگاه بود و همین موجب شد که توافق را به نفع خود پیش ببرد حال آنکه این موضوع مانع از پس کشیدن ما از توافق در صورت هرگونه تخطی احتمالی ایران خواهد بود.

به ادعای کورکر، برخلاف ایالات متحده که استراتژی واضحی را در خاورمیانه دنبال نمی کند، ایران استراتژی منطقه ای مشخصی دارد که به واسطه توافق هسته ای بیش از پیش تقویت می شود که از آن میان می توان به همکاری برای تأمین امنیت عراق، حمایت از دولت دمشق و تقویت حزب الله اشاره کرد.

کورکر با استناد به مطالب پیشین، مدعی می شود که بهترین راهی که پیش روی کنگره قرار دارد لغو توافقی است که با آزادسازی صدها میلیارد دلار از دارایی های بلوکه شده ایران طی ده سال آینده نه تنها موجب قدرت گرفتن کشور می شود، بلکه تحریم های تسلیحاتی و موشکی ایران را حذف کرده و حتی با نظر مساعد آمریکا غنی سازی اوپنوم در ابعاد اقتصادی را نیز میسر می سازد. اما کورکر که داعیه دار پیروی از منطق است پس از ذکر تمامی معایب توافق هسته ای و لزوم لغو آن از سوی کنگره آمریکا بی آنکه رشته کلام را گم کند ناگهان روی دیگر سکه را نیز به دولتمردان واشنگتن نشان می دهد و خطر

رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا مدعی است که در فقدان وجود یک سیاست واضح و جامع در قبال منطقه، توافق هسته ای ایران به رکن اصلی استراتژی خاورمیانه ای ایالات متحده آمریکا بدل خواهد شد.

سناتور جمهوری خواه «باب کورکر» به عنوان رئیس کمیته قدرتمند روابط خارجی سنای آمریکا نقش کلیدی در روند مذاکرات هسته ای ایران و کشورهای ۵+۱ ایفا نمود. در حالی که کنگره تحت تأثیر سناتورهای افراط گرای جمهوری خواه نظیر «تام کاتن»، «مارکو رابینو» و «تد کروز» سعی به سنگ اندازی در مسیر مذاکرات و خارج کردن آن از مسیر اصلی را داشت، کورکر در مشارکت با سناتور دمکرات «بن کاردین» طرح بازبینی توافق هسته ای ایران را معرفی کرد تا به جنگ داخلی کاخ سفید و کنگره آمریکا خاتمه داده و به دولتمردان واشنگتن فرصتی برای ابراز وجود بدهد. مطابق این طرح کنگره آمریکا از فرصتی ۶۰ روزه برای بررسی تفاهم هسته ای برخوردار شد که در تاریخ ۲۳ ام تیرماه در شهر «وین» اتریش بین ایران و دیگر طرفین مذاکره به دست آمد.

از زمان حصول تفاهم وین، کورکر و لابی های مرتبط با وی به دفعات «چان کری» و «ارنست مونیز» وزرای امور خارجه و انرژی آمریکا را وادار به ارائه توضیحات درباره نتایج مذاکره نموده اند. وی حتی یک بار نیز پای «یوکیا امانو» مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی را به کنگره باز کرد تا از او درباره توافق های به اصطلاح محرمانه ای که بین این نهاد بین المللی و ایران امضا شده است اعتراف بگیرد. وی بعدها مدعی شد که توضیحات امانو قانع کننده نبوده و نگرانی های بیشتری را برای کنگره به همراه داشته است.

کورکر بر خلاف دیگر همقطاران جمهوری خواه به جای تلخ زبانی و حمله به کاخ سفید ترجیح می دهد خود را معقول جلوه دهد تا در سایه آرامش و به بهانه خیرخواهی نتیجه را به سمت و سویی سوق دهد که در نهایت آبروی کنگره جمهوری خواه را بخرد.

بر همین اساس، وی در یادداشتی که در وبسایت روزنامه «واشنگتن پست» منتشر شد، می نویسد: اکنون که «باراک اوباما» رئیس جمهور آمریکا به مقصود خود رسیده، نوبت کنگره است تا درباره اینکه توافق هسته ای در جهت منافع آمریکا هست یا خیر تصمیم گیری کند. حال آنکه به عقیده من توافق نه امنیت بیشتری را برای آمریکا به ارمغان می آورد و نه مانع از دستیابی ایران به سلاح اتمی می شود.

کورکر در ادامه بر ادعای خود مبنی بر پنهان کاری آژانس